

پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی

بمناسبت سومین سالگرد ۳۰ خرداد سرآغاز انقلاب رهائی بخش نوین ایران، روز "شهادت زندانیان سیاسی"

بقیه از صفحه اول

نوین ایران، سالروز تولد مقاومت انقلابی مسلحانه و سراسری و روز "شهادت زندانیان سیاسی" گرامی باد.

خمینی دجال و ضدبشر که برآستی بارزترین نمونه‌ی خیانت و ناسپاسی در سراسر تاریخ ایران است چنین می‌پنداشت که با عوام‌فریبی و سرکوب می‌تواند هم فرهنگ کلمات و هم فرزندان این آب و خاک را سر ببرد و بدینوسیله خلافت درازمدت خود را تضمین کند. اما تجارب سه سال گذشته بروشنی گواه آنست که نظام تباهی و ظلمت، هیچ طرفی از این همه شقاوت‌ها برنمیستد و در قبال مقاومت و مجاهدت پی‌گیر انقلابی، هیچ آینده‌ای ندارد و بیگمان محکوم بخواری و شکست است. بیاددارید که حتی پیش از شروع عملیات مقاومت سراسری نیز خمینی ابعاد درنده‌خوئی و جنایت را با اعدام نوجوانان به اوج تازه‌ای رسانده بود. آنگاه بسرعت فتوای "تمام‌کش" کردن مجروحان و "کشیدن خون محکومین به اعدام" را نیز صادر نمود. متعاقباً رئیس مجلس ننگین خمینی فریاد می‌زد: "چهار حکم بر اعضا اینها لازم الاجراست ۱ - کشته شوند ۲ - بدار آویخته شوند ۳ - دست و پایشان قطع شود ۴ - ... از جامعه جدا بشوند" دادستان خمینی نیز در هر گجا تصریح می‌کرد که: "اینها محاکمه‌شان نوی خیابان است ... اسیرش را باید کشت و زخمی‌اش را زخمی‌تر کرد تا کشته شود" حاکم شرع خمینی نیز نعره می‌کشید: "کشتن به شدیدترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت‌بارترین حالت ممکن و دست راست و پای چپ آنها بریده شود ... در کنار دیوار همانجا آنها را گلوله بزنید و از نظر اصول فقهی لازم نیست به محاکم صالحه بیاورند. اسلام (۱) اجازه نمی‌دهد که بدن مجروح این گونه افراد باغی به بیمارستان برده شود بلکه باید تمام کشته شود." و چنین بود که خمینی ظرف این سه سال در مجموع حدود ۴۰ هزار از رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز و پیشمرگه‌ی این میهن را کشت و چندین برابر این تعداد را نیز در زندانهایش به بند کشیده است.

زندانیان و شکنجه‌گاهها و زندانیان و دژخیمان خمینی همراه با حکام ضدشرعی و مزدوران باصطلاح دادستانی که البته فقط یکی از دوایر سرکوب را تشکیل می‌دهند، خود در مجموع و در سراسر کشور، معادل چند لشکرند. اما مهتر از کمیت، کیفیت بی‌بدیل آنهاست. کیفیت بیرون آمده از اعماق لجنزار قرون و اعصار. جانوران وحشی که برآستی مصداق "ان شرالدواب عند الله" بدترین و گریه‌ترین جنبندها روی زمینند. اینان در همان حال که در صدد اعدام یا سر بریدن مردان و زنان رزمنده‌اند، حتی از کشیدن خون قربانیان و شنیع‌ترین تجاوزات نیز ابائی ندارند ... اگر کسی یارای آن داشته باشد که مشروح گزارشات و وقایع زندانیان خمینی را بخواند و اگر از مطالعه یا شنیدن لثیمانه‌ترین نامردمی‌های روزگار، مدهوش و از خود بیخود نشود، گاه به نمونه‌هایی برخورد می‌کند که بر حسب آنها اغلب تباهاکاران و سبهاکاران عالم در پیش روی خمینی روسفیدند. شقاوت‌ها و جنایت‌هایی که به این طرز و به این شکل، تنها از زیر عمامه‌ی ردیلت و قبای سفلی خمینی و دار و دسته‌ی حرام‌لقمه‌ی او

می‌توانست بیرون بزند. فی‌المثل در زندان تبریز که در یک مقطع بدستور خمینی روزانه بطور متوسط ۴۵ تن را از هنگام غروب تا نیمه‌شب اعدام می‌کردند، گاه رسم براین بوده است که اجساد گلوله‌باران شده‌ی شهدا را در وضعیت متلاشی شده‌ی آن، بر دوش خواهران مجاهدان حمل کنند تا ابتدا این خواهران ببینند که فردا شب یا چند شب دیگر، جسد متلاشی شده‌ی آنان بر دوش سایرین چه وضعیتی خواهد داشت. نمونه‌ی دیگر مربوط به لحظاتی است که شهدای خلق بهنگام تیرباران بدشعار دادن می‌پردازند. برحسب گزارشات، خیلی وقت‌ها پاسداران خمینی شهید را در وضعیتی که هنوز نیمه جان است آنقدر نگهیدارند و دژ دیوار یا اتاق یا استخر راه می‌برند و می‌زنند که یا سر در گیسوی مخصوص حمل اجساد فرو برد و یا خود بر روی گیسو دراز بکشد. که تازه آنگاه نوبت تیر خلاص است.

گزارشات متعدد حاکی از اینست که بسیاری از شهدا قبل از اعدام یا تیرباران، عمداً با سرنیزه یا چاقو توسط پاسدارانی که مامور اینگونه تصفیه حساب‌ها بوده‌اند، مجروح شده و آنگاه به شیوه‌ی "جهاز" چشم از جهان بر بسته‌اند. بعبارت دیگر یا مثله شده و یا ابتدا به اعضا مختلف بدن آنها شلیک شده است تا تدریجاً زجرکش بشوند.

تعداد قابل توجهی از خواهران و برادران ما در شرایطی که از فرط تب یا جراحت و سایر فشارهای ناشی از شکنجه و زندان، خون استفراغ و یا خون ادرار می‌کرده‌اند، تیرباران و یا حلق آویز شده‌اند. گزارشات مختلف حاکی از آن است که رژیم خمینی از بکار بردن سموم مختلف نیز رویگردان نبوده است. در یک کلام: هیچ پلیدی و جنایت و فساد نیست که خمینی و ارادل او در قبال آن، حد و مرز بشناسند. حلق آویز و برپا کردن دار در داخل زندان‌ها امری بسیار رایج است. انواع و اقسام بیماری‌های ناشی از شکنجه و گرسنگی بویژه در باره‌ی زنان بیداد می‌کند. در برخی سلول‌های اوین که زمان شاه حداکثر بیش از ۳ نفر جا نمی‌دادند، گاه تا ۴۰ نفر را نیز ایستاده و بزور روی یکدیگر تلنبار می‌کنند. بنحو غیر قابل تصویری به زندانیان گرسنگی می‌دهند و لابد در روزنامه‌ها خوانده‌اید که دژخیم سفاک اوین - لاجوردی - همین تازگی‌ها افتخار می‌نمود که زندان اوین هیچ بودجه‌ی دولتی ندارد و یک زندان خودکفاست و هزینه‌ی آن از جمله با کار تولیدی زندانیان (یعنی از طریق اعمال شاقه آنان) تامین می‌شود. نقص عضو از قبیل فلج و نابینائی و ناشنوائی ایجاد شده تحت شکنجه، در زندان‌های خمینی کم‌نمونه نیست.

این را نیز خاص و عام می‌دانند که لشکر شکنجه‌گران و جلادان و زندانیان خمینی که جاده‌ی امام تبهکارشان را تا آخر خط بخوبی طی کرده‌اند، سراپا از زن و مرد غرقه در رشوه‌خواری و فساد اخلاق و دزدی و چپاولند. برآستی که شقاوت، جامه‌ی انسانی را دریده و سیمای لخت و عور حیوانی و خمینی‌گونه‌ی آنان را به نمایش گذاشته است. با این تفاوت که انسان باید از همه‌ی وحوش بخاطر مقایسه‌ی نابجای ایشان با جلادان مکتبی خط امام، حلالیت بطلبد که: بل هم اضل. بل هم اضل.

و شگفتا از دنیای دون، دنیائی که شقاوت و سفاکی خمینی، آنچنان در آن تکراری شده است که گاه جان فرزند انسان از عبور همراه با ملایمت و ایمنی چند بشکه نفت از تنگه‌ی هرمز، حساسیت کمتری برمی‌انگیزد. برآستی که دنیا بفهمیده و نخواهد فهمید که بر ملت ایران و بهترین فرزندان در این چند ساله چه گذشت. در این باره هر چقدر هم در گوشه و کنار جهان گفته‌ایم و بازهم بگوئیم یک از هزاران نیز، نیست. آری در برابر یک چنین رژیم تبهکاری است که عنصر موحد و انقلابی مجاهد خلق، اذن دفاع و مقاومت مسلحانه یافته است.

چرا که فی‌الواقع ظلمات جهل و اختناق خمینی را تنها با آتش فروزان و شعله‌ور مقاومت می‌توان از چهره‌ی این تاریخ و این میهن زدود. اینجاست که یکی از شهدای زندان مشهد (سعید جابانی) در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد: "اینک این آوای رهائیبخش سلاح مجاهد است که سرود آزادی سر می‌دهد." آتش خرمن مقاومت با همین خون‌ها شعله‌ور گردیده است. یکی از شهدای زندان کرج (رضا منگلی) در وصیت‌نامه‌اش چه خوب گفته که: "چاره‌ی تیرگی جز برافروختن آتش نیست."

مقاومتی شگرف و دوراساز که علیرغم تمام فجایع خمینی تا این تاریخ، سرسخت و استوار، نسل وفا و ایمان را پابرجا نگاه داشته است. نسلی که سوگند خورده است نه فقط شجره‌ی خبیثه‌ی خمینی، بلکه لجن‌زار پیرامون آنرا نیز از ریشه بخشکند. نسلی که برق اراده و قوت تصمیم چشم دژخیمان را نیز در قتلگاه و شکنجه‌گاه خیره می‌کند. در حقیقت حدت و شدت اختناق خمینی، بارزترین بیان درماندگی و ضعف بنیادین او در قبال این نسل است. نسلی که خمینی را دقیقاً به آنجا رسانده که ضمن سومین سال مقاومت، چندین بار با طرفیانش گوشزد نمود "همه وارد میدانی شده‌ایم که اگر حتی یک قدم عقب‌بنشینیم، شکست می‌خوریم." نسلی که دیگر نه اعدام و اختناق و نه شکنجه و زندان، هیچ اثری بر پیروزی محتوم او نخواهد گذاشت.

* * *

هم‌میهنان،

خلق قهرمان ایران،

بیان عملکرد مقاومت سراسری در سومین سال حیات شکوهمند خود متعاقباً از طریق فرماندهی سیاسی - نظامی داخل کشور برادر مجاهد و قهرمانم علی زرکش ارائه خواهد شد. در این بیان سرخط مهمترین اقدامات و دستاوردهای سیاسی و نظامی مقاومت سراسری و نیز مهمترین کمبودها و مشکلات و نقایص یکسال گذشته را بطور مشخص‌تر ملاحظه خواهید نمود.

براساس مجموعه‌ی گزارشات و اطلاعات، آنچه اجمالاً در همین جا نیز بایستی بر آن تاکید کنم اینست که در رابطه با مبانی "ارتباطی" و "تشکیلاتی" و "نظامی" و "تاکتیکی" و "تکنیکی" مقاومت مسلحانه‌ی سراسری که بایستی در چشم‌انداز تدارک قیام رهائیبخش عمومی به سرنوشتی دشمن ضدبشری، راه ببرد؛ اکنون نسبت به سال گذشته در موقعیت جدأ مستحکم‌تری می‌باشیم.

مرکز بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی

بمناسبت سومین سالگرد ۳۰ خرداد سرآغاز انقلاب رهائی بخش نوین ایران، روز "شهادت زندانیان سیاسی"

نموده و با آن به مقابله برخیزد، دیگر نخواهد توانست از پس زیرساخت‌ها و بنیادهائی برآید که در مثل تولید در ابعاد نوین را (در قیاس با شیوه‌های بدون آینده پیشین) نداعی می‌کند. ضمن سومین سال مقاومت عمده‌ی هم و عم نظامی ما در تدارک همین زیرساخت‌ها مصرف شده که البته در چارچوب وسیع تر "تدارک قیام" قابل تبیین است و در همین راستا پیش می‌رود.

از ذکر این نکته نیز نباید فروگذار نمود که اگر باذن خدا و حمایت خلق مجاهد پرور ایران، استراتژی مجاهدین بد نتیجه‌ی نهائی خود که همانا سرنگونی دشمن ضد بشری و استقرار حاکمیت دمکراتیک ملی و مردمی است دست یابد؛ ما در شیوه‌ها و عملکرد نظامی و تاکتیکی خود با ویژگی‌های مشخص می‌شویم که در برخی جهات در تاریخ انقلابات معاصر، بی‌نظیر و خاص تجربه‌ی ایران و مجاهدین خلق ایران می‌باشد. البته بدیهی است که جنبه‌های نظامی و ابعاد تاکتیکی، خود اجزای مرتبط دستگاه بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تری هستند که تمامیت ایدئولوژیکی و سیاسی و استراتژیکی مجاهدین را تشکیل می‌دهد. تمامیتی که بگونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، ساخت و بافت تشکیلاتی و پشتوانه‌ی اجتماعی مجاهدین را نیز در بر می‌گیرد. همان مجاهدینی که در خدمت به خلق قهرمان و میهن کبیرشان، برای درهم شکستن بن‌بست‌های مختلف از بیست سال پیش تاکنون، در یک "کلمه" خلاصه می‌شوند: فدا!

چگونه نمی‌داند که ما بخصوص در دوران خمینی با تمامی خانمان و عزیزان، آنهم یکه و تنها، سراپا به آب و آتش زدیم و از بذل هزاران هزار شهید و اسیر نیز دریغ نکردیم؟ جریانی که از نثار امثال موسی و اشرف و ضابطی و سعادت و قاسم باقرزاده و حمید جلالزاده و هزاران زن و مرد و خواهر و برادر و خانواده‌ی دیگر دریغ نکند و پیوسته در مسیر خدا و خلق استوار و صادق و ثابت قدم بماند؛ البته توان بازگشائی همه‌ی بن‌بست‌ها و معضلات را خواهد یافت. ضمناً هیچگاه فراموش نمی‌کنیم که تمامی این توانمندی‌ها در دامن خلق قهرمان و مجاهد پرور ایران که تا این تاریخ، ما را از همه‌ی جهات بر سرپا نگاه داشته، مقدر و امکان‌پذیر گردیده است. پس بعبارت جامع‌تر: هر توانمندی و نقطه‌ی مثبتی هم که مجاهدین در گذشته و حال و آینده داشته باشند، به دستی می‌مانند که دریکی از بحرانی‌ترین مراحل تاریخ این میهن از آستین خلق قهرمان ایران بیرون آمده است. دستی که البته هویت عقیدتی و سیاسی و تشکیلاتی خاص خود را دارد و در تمامیت ویژه‌ی خود - پیش بسوی جامعه‌ی آزاد، توحیدی و عاری از استثمار و طبقات - قابل تبیین است، اما فقط در رابطه‌ی جدائی‌ناپذیر با آن پیگر عظیم، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. تفحص در این باب و غور در ابعاد مختلف این تمامیت، مستلزم فرصت تاریخی دیگری است و شاید هم اساساً بر عهده‌ی نسل‌های آینده باشد؛ چرا که در برخی موارد، تنها "زمان" و مرور ایام، امکان احاطه و شناخت کامل از ابعاد مختلف پدیده‌ها و اشیاء را فراهم می‌کند. آنچه بطور مبرم و مقدم در وظیفه‌ی ماست، اتمام صادقانه و پیگیرانه‌ی تجربه‌ی است که در گيرودار آن هستیم...

یکی دیگر از مهمترین دستاوردهای مقاومت انقلابی سراسری در سال گذشته، تجدید سازمان تشکیلات محوری آن بود که در راستای انطباق هر چه بیشتر با خطوط استراتژیکی و سیاسی ما، توسط دفتر سیاسی و کمیته‌ی مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران بانجام رسید. در این رابطه

ستاد نظامی، عمیقاً تقدیر نمود. جز با کار طاقت‌فرسا و صبورانه او و دیگر فرماندهان تحت مسئولیتش و کلیه‌ی خواهران و برادرانی که در بخش‌های مختلف این ستاد در پیشبرد امر انقلاب، شب و روز نمی‌شناختند؛ بی‌تردید ما نمی‌توانستیم یکی از بغرنج‌ترین و پریچ و تاب‌ترین و حیاتی‌ترین مقاطع پیشرفت را از سر بگذرانیم و در حل ریشه‌ی مهمترین معضلات ساختار نظامی، توفیق حاصل کنیم. اما اکنون بجد می‌توان گفت که در زمینه‌ی نظامی نیز خمینی قطعاً در قبال مجاهدین، ناکام خواهد ماند و آرزوی گسستن ارتباطات و ممانعت از عملکرد فرماندهی نظامی را بگور خواهد برد. هر چند هم که همچون دو سال گذشته در صدد اجرای طرح‌های سرکوبگرانه‌ی متوالی - با هزینه‌ها و ابعاد سرسام‌آور - برآید. اهمیت این نکته را تنها کسانی درخواهند یافت که از نزدیک دستی در آتش مقاومت سراسری داشته باشند. آنان بخوبی درمی‌یابند که در شرایط اختناق حداکثر - آنهم پس از سه سال - که خمینی کارآیی بسیاری از مدعیان را تماماً فلج نموده است، حتی انجام یک عمل کوچک نظامی در داخل تهران تا کجا مشکل است؛ چه رسد به تضمین پیشرفت‌های هماهنگ استراتژیکی در راستای تدارک قیام. پیشرفت‌هایی که صرفنظر از انطباق فعال و خلاقانه‌ی نظامی با شرایط روز، تمرکز قوای مسلح نظامی را نیز می‌طلبد. این تمرکز از یکسو پیش شرط ضروری جریان "عمل" و "انطباق" روزمره و اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر و از سوی دیگر لازمه‌ی هرگونه آمادگی و برخورد واقع‌گرایانه با امر خطیر "قیام" است. بعبارت روشنتر از آنجا که هرگز نمی‌توان در گذر یک دستگاه محدود چریکی، به سرنگونی دشمن ضد بشری امید بست؛ اثربخشی نهائی هر دستگاه نظامی که در راستای سرنگونی چنین رژیمی تنظیم و جهت‌گیری شده، در گرو اینست که مقدمات به بلوغ کفی و کیفی لازم دست یابد. اما این بلوغ از یکسو مشروط به انطباق عملی روزمره با شرایط اختناق حداکثر و از سوی دیگر نیازمند برخورداری از آنچنان پشتوانه‌ی نیروئی و تشکیلاتی است که بتواند در زیر رگبار مداوم دشمن، بازهم راندمان تضمین‌شده‌ی صعودی داشته باشد. و الا در اثر ضربات مستمری که بر سلسله اعصاب او وارد میشود، تدریجاً به عقب رانده خواهد شد. ولو اینکه در عمل روزمره نیز بطور مقطعی موفقیت‌هایی حاصل کند. اینجاست که کمیت‌های عملیاتی سازمانی، در حد سازمان مجاهدین خلق ایران تنها در صورتی به مدارات و کیفیت‌های نوین نظامی ارتقا خواهد یافت که مبتنی بر یک کیفیت عالی تشکیلاتی بوده و در همین رابطه از حداقل نیروی متمرکز نیز برخوردار باشد. این حقیقت را در مثل می‌توان به نیازمندی به کالاهای و حواصص مصرفی ضروری تشبیه نمود. اگر سمت‌گیری و هدف بجانب تولید گلان برای برآوردن از پس مصرف یک جامعه باشد، دیگر تولیدات دست‌ساز (طرز عمل چریکی محدود) حلال مشکلات نبوده و بایستی با تمرکز سرمایه و نیرو به تاسیس کارخانه همت گماشت. آنگاه نخستین تک‌نمودها و محصولات این کارخانه نیز بخودی خود مبین زمینه‌سازهای و زیرساخت‌های تکنیکی و تشکیلاتی نوین هستند...

اگرچه بخاطر محفوظات امنیتی و تاکتیکی و استراتژیکی، نمی‌توان همه‌ی آنچه را در این زمینه گفتنی است شرح و بسط داد، اما از ذکر این نکته فروگذار نمی‌کنیم که رژیم خمینی که در شرایط جنگ و اختناق حداکثر با صرف هزینه و کشتار و شکنجه سرسام‌آور می‌توانست طرز عمل محدود چریکی را هر چه محدودتر

اگرچه کار جمع‌بندی سالیانه هنوز به پایان قطعی خود نرسیده است، اما فرماندهی سیاسی - نظامی مقاومت، پیشرفت یکساله در مبانی و زیرساخت‌های فوق را حائز یک "جهش" بسیار امیدوار کننده توصیف می‌کند. جهشی که البته به بهای رنج و مارت‌های بسیار و کار غول‌آسا و شبانه‌روزی برادران و خواهران ما در بخش‌های مختلف حاصل شده است.

اگر به شدت و کثرت جنایات رژیم و دریای خونی که در دو سال اول مقاومت از پیگر مجاهدین بر زمین ریخته بود توجه کنیم و چنانچه استمرار همان سرکوب و اختناق و خوریزی را در سال سوم نیز در نظر بگیریم؛ در شرایطی که اساساً با آتش سلاح باید راه باز نموده، ما موفق شدیم ضمن سال گذشته در چندین نوبت با اقدامات گسترده تبلیغی - اجتماعی دست بزنیم. برگزاری هفته‌های "میلیشیا"، "صلح"، "تحریم انتخابات" و "هفته‌ی شهدا و زندانیان سیاسی" (هفته‌ی جاری) که حتی المقدور بصورت سراسری و با هماهنگی کامل انجام می‌گیرد، از این قبیل است. حرکات و اقداماتی که بمثابة خطوط "مکمل" آمادگی و "عمل‌نظامی" بوده و البته با همان مخاطرات مربوط به عملیات مشخص نظامی نیز مواجه می‌باشد. بنحوی که در شرایط کنونی؛ یعنی شرایط اختناق حداکثر؛ برآمدن از عهده‌ی اینگونه حرکات، دقیقاً مبین یک پیشرفت کیفی به نسبت سال گذشته است. پیشرفتی که در عمق خود مبین درجات معینی از آمادگی و کارآیی زیر ساخت‌های پیشگفته است. بدون یک چنین زمینه‌سازی‌ها و آمادگی‌های ضروری، این میزان هماهنگی و گسترش که گویای توسعه کمی و کیفی زیرساخت‌های مربوطه است، اساساً غیرممکن بود.

خلاصه‌ی کلام اینکه اگر در جمع‌بندی سال دوم نسبت به حل یک سلسله مسائل لاینحل "ارتباطی" نخستین سال مقاومت، خوشبین و امیدوار بودیم؛ آزمایشات مستمر و دستاوردهای ارزنده یکسال گذشته ما را بدیقین کامل رساند که مشکل کلیدی و محوری این دوران و این سبک از مبارزه و این استراتژی (استراتژی مجاهدین) برای ما حل شده است. مشکلی که عدم توفیق در حل آن بسا جنبش‌های شهری را در دوران معاصر ما ناکام کرده بود. بعبارت دیگر ضمن سال گذشته در جریان حل مسئله‌ی "ارتباطات و فرماندهی نظامی" نیز حداثت استراتژیکی و تاکتیکی سازمان مجاهدین خلق ایران با یک جنبش چریکی - که محضاً مرکب از چریک‌های پراکنده است - در میدان عمل به آزمایش گذاشته شد و نتیجه‌ی مثبت داد. بنحوی که از این پس هیچیک از ضربات خمینی که بقصد قطع ارتباطات و در بن‌بست قرار دادن پیشرفت نظامی وارد می‌شود، نمی‌تواند برای دشمن، اثربخشی استراتژیک داشته باشد و تعادل کلی قوا و چشم‌انداز تعادل نظامی را علیه ما برهم بزند. یعنی:

اگر فی‌المثل دو سال پیش خمینی می‌توانست با تشدید سرکوب و اختناق و با وارد کردن ضربات استراتژیکی و تاکتیکی پیاپی به‌بستن راه پیشرفت نظامی و یا محدود کردن آن و بالمآل به بی‌اثر کردن نظامی مجاهدین نظر دوخته و حتی امید متلاشی کردن توان نظامی مجاهدین را در دل بپروراند، امروز دیگر قاطعانه می‌توان گفت که در مصاف نظامی انقلاب و ارتجاع نیز از این پس زمان بسود ما و بزبان خمینی پیش خواهد رفت. در همین جا باید از جد و جهد انقلابی و مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر فرماندهان ستاد نظامی سازمان بویژه برادر مجاهد محمود عطائی فرماندهی

پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی

بمناسبت سومین سالگرد ۳۰ خرداد سر آغاز انقلاب رهائی بخش نوین ایران، روز "شهدا و زندانیان سیاسی"

برادران مجاهد علی زرخش و عباس داوری هر یک بطور جداگانه مسئولیت‌های بس حساس و سنگین برعهده گرفتند. بنحوی که امروز می‌توان گفت علیرغم تمامی ضربات و صدماتی که بر پیکر خونفشان تشکیلات مجاهدین وارد شده بود و می‌شود؛ در اثر تلاش‌های خارق‌العاده‌ی یکسال گذشته، بویژه در اثر رسیدگی و مراقبت‌های دائمی کلیدی اعضا، کمیته‌ی مرکزی و دفتر سیاسی و دیگر مسئولان بخش‌ها و نهادهای مختلف و رشد سریع‌الوصول کلیدی اعضا و مسئولین در بحبوحه‌ی گشاکش‌های انقلاب (که شتاب رشد را به‌همراه دارد) ما از نظر تشکیلاتی نیز در وضعیت بسیار محکمتری هستیم. از یکسو جاهای خالی حتی‌المقدور پر شده‌اند و از سوی دیگر کارآئی و هماهنگی تشکیلاتی ولو از فواصل جغرافیائی دور، بغایت برقرار شده است. هم‌چنین رشد آینده‌دار عنصر تشکیلاتی نیز به تأکید تضمین شده؛ بنحوی که از لحاظ انسجام درونی و قوت عمل تشکیلاتی، بجزات می‌توان سازمان مجاهدین خلق ایران را به‌نسبت خود، در ابعاد مبارزاتی ما و در قیاس با سایر جنبش‌های آزادی‌بخش، حتی در سطح جهان نیز نمونه‌ی بی‌نظیری تلقی نمود. اهمیت این نکته را تنها کسانی در خواهند یافت که تاریخچه‌ی سایر گروه‌ها را بویژه در دوران سلطه‌ی خمینی مرور کنند. در این زمینه نیز با یک "بقای انبساط" مبارزاتی و "انتخاب اصلح" انقلابی و اجتماعی مواجهیم که طبعاً به ریشه‌های عقیدتی و خطوط استراتژیکی مجاهدین راه می‌برد. ناگفته نگذاریم: از آنجا که تمامی تار و پود پیکر تشکیلاتی مجاهدین در رابطه با خلق قهرمان ایران و آزادی و استقلال و پیشرفت این خلق و این میهن تنیده شده و از آن جا که نفس این پیکر تشکیلاتی هرگز و هیچگاه بخودی خود برای ما "هدف" نبوده و نیست و از آنجا که این پیکر را بمثابة "وسیله"‌ای در خدمت خدا و خلق تلقی کرده و می‌کنیم، اولاً - آمادگی ریسک پذیری بدنه‌ی تشکیلاتی ما به نسبت یکسال پیش کاملاً ارتقاء یافته و ثانیاً - ما را در هر لحظه برای دریافت ضرباتی که خونبهای اجتناب‌ناپذیر مقاومت و انقلاب هستند، آماده‌تر ساخته است. یعنی خمینی بازم آرزوی مملاتی کردن تمامیت تشکیلاتی مجاهدین را بگور خواهد برد کما اینکه خوشبختانه تا امروز همچنان در حسرت توبه و ندامت حتی بگتن از گادرهای مرکزی و رهبری کننده‌ی ما باقی مانده و در این رابطه جز اجساد سوخته یا بدنهای مملاتی شده‌ی راهبران ما را بدست نیاورده است.

یکی دیگر از ارزشمندترین و جدی‌ترین دستاوردهای مقاومت سراسری در یکسال گذشته، گسترش چشمگیر هسته‌های مقاومت مردمی و ورود آنها به مرحله‌ی ثمربخشی بود. چنانکه می‌دانید، گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور در دستور روز قرار داشت و البته با بسیاری مشکلات که اکنون اغلب کمرشکن شده‌اند نیز مواجه بود. مطالعه‌ی گزارشات مربوط به فعالیت هسته‌ها در سراسر کشور - از شهرهای بزرگ گرفته تا دورافتاده‌ترین نقاط - براساسی با شورا انگیز است و ایقان ما را به خلاقیت و حتمیت پیروزی این نسل، مضاعف می‌کند. در شرایطی که نوشتن یک شعار و یا شرکت در یک تظاهرات موضعی و پخش یک اطلاعیه نیز اغلب با خطر اعدام و تیسرباران همراه است؛ ضمن سال گذشته هسته‌های مقاومت مردمی یا فعالیت‌های چابقتانانه‌ی خود حقیقتاً فضای جدید و کاملاً چشمگیری خلق کردند.

قبل از این تاریخ در شش ماه اول دومین سال مقاومت، واحدهای نظامی مجاهد خلق مجاهدت عظیمی را برای پاکسازی محیط زیست! سیاسی از لوٹ سرانگشتان سرگوبگر خمینی - جاسوسان و پاسداران ظلمت و تباہی - آغاز نموده بودند. در آن ایام، این واحدها تحت فرماندهی برادران مجاهد محمد حیاتی، مهدی افتخاری و مهدی کتیرائی (فرمانده‌ی عملیات تهران) موظف بودند تا برای هموار کردن راه پیشرفت‌های بعدی یک ضربه‌ی استراتژیکی چشمگیر بر طلسم اختناق خمینی وارد نمایند. در فاصله زمانی کمتر از شش ماه (اواسط تابستان ۶۱ تا آخر پائیز) حدود یکهزار تن از مهره‌های سرگوب و اختناق که تماماً در کشتار و اعدام رشیدترین فرزندان خلق بطور مستقیم دست داشتند در سراسر کشور از صحنه محو شدند و لرزه بر اندام تمامی ارگان ارتجاع افتاد. بعدها دادستان ضدانقلاب در بهمن ماه همان سال اعتراف نمود که مجاهدین در شهریور ماه سال ۶۱ روزانه دست‌کم ۲۵ عمل موفق داشته‌اند. در همین اوان عکس‌های دژخیم جماران تدریجاً از پشت شیشه‌ی مغازه‌ها برداشته شد و دیگر کسی نمی‌توانست سیاست عکس چسباندن اجباری را به مغازه‌داران به‌ترتیب سابق تحمیل کند. مزدوران سرگوبگر خمینی به‌تغییر لباس و تراشیدن ریش‌های مکتبی! خودو یا تبدیل لباس آخوندی اقدام نمودند. در همین اثنا بود که اجتماعاً اندک فرصتی برای لب گشودن و اعتراض و گفتگو میان آحاد مختلف مردم ایجاد گردید. چرا که توراختناق، دست‌کم یک ضربه‌ی جدی استراتژیکی دریافت نموده بود. متقابلاً دشمن ضدبشری با اجرای طرح‌های سرگوبگرانه‌ی متعدد از یکسو و با مطرح کردن یک طرح باصطلاح رفرمیستی ۸ ماده‌ای از سوی دیگر، در ابعاد نظامی - پلیسی و سیاسی - اجتماعی به مقابله برخاست. براساسی هم که پس از براه انداختن آنهمه گشتی و پست بازرسی و کنترل روزمره‌ی خانه‌ها و مغازه‌ها که جنبه‌ی عمومی سرگوب را اوج می‌داد و بنحو شگفت‌انگیزی برآمار زندانیان سیاسی می‌افزود؛ خمینی چاره‌ای جز تظاهر باصلاحات - که البته هیچکس آنرا جدی نمی‌گرفت و از آغاز نیز نیروهای رزمنده‌ی سیاسی از آن مستثنی شده بودند - نداشت. تا این که در سومین سال مقاومت همزمان با تشدید بحران‌های درونی و بیرونی رژیم در عین حال که سرگوب و خفقان، مستمراً ادامه داشته و دارد هسته‌های مقاومت اجتماعاً فضای بالنسبه جدیدی گشودند. البته این بآن معنا نیست که چفت و بندهای اختناق، اندکی نیز شل‌تر شده باشد؛ بلکه بحث بر سر اینست که چون خمینی برگ کیفی جدیدی در افزایش روند اختناق ندارد؛ فعالیت هسته‌ها، هرچند در ابعاد محدود و بسیار پرخطر، فضای لب گشودن و بحث و گفتگوی توده‌ها را قدری بازتر کرده است. که البته به همین میزان نیز بسیار مفتنم است و در روانشناسی اجتماعی و حفظ روحیه و امید عمومی، نقش ویژه‌ی خود را دارد. زیرا توده‌های مردم برای‌العیین می‌دیدند که شعله‌های مقاومت در هر زمان که لازم بود، در اشکال مختلف زبانه می‌کشید و تمامی جنبل و جادوی دجال و دعاوی مبتنی بر منهدم نمودن مقاومت را بگلی باطل می‌ساخت.

گذشته از این، فعالیت هسته‌ها، چه برای آموزش و تجربه‌اندوزی خود آنها و چه برای زمینه‌سازی پیشرفت‌های نظامی و آماده‌سازی ملا، سیاسی - اجتماعی پیرامون، بسیار موثر بوده است؛ بنحوی که مجموعه‌ی فعالیت‌های مقاومت در سراسر کشور که منجمله‌گاره‌های هسته‌ها را نیز در بر می‌گیرد، تنفس سیاسی جامعه را در عمق، به یقین

تضمین کرده است. خمینی البته تلاش می‌کند که با جنگ و بحران، اختناق را کامل نموده و به خفقان مطلق سیاسی، دست یافته و به‌رحال از بروز آثار این تنفس در سطح، مانعت بعمل آورد. آرزویی که باز هم آنرا با خود به گور خواهد برد؛ چرا که قاطعانه می‌توان گفت حضور مقاومت که مهمترین تکیه‌گاه اجتماعی و سیاسی توده‌های مردم است، پیوسته در عمق و در سطح، محسوس بوده و خلاصه:

انقلاب نوین و کبیر مردم ایران، سرسخت و استوار به حیات خود ادامه می‌دهد.

بعدا خواهیم دید که هرآنگاه، قبابی "جنگ" از قامت هیولای "اختناق" کنار زده شود، آتشفشان مقاومت عمیق و پیروزمنند توده‌ای و اجتماعی، چگونه در سطح سیاسی نیز تظاهر خواهد نمود و بازتاب نشان خواهد داد. چرا که قویاً معتقدیم نه یک قطره خون و نه یک گام تلاش و مقاومت، به‌در نرفته و بصورت انرژی متکاثف، در رگ و ریشه‌ی جامعه، ذخیره شده است. اگر جز این بود مجاهدین نیز همچون بسیاری دیگر تاکنون ده‌ها بار مملاتی شده بودند...

بهرحال هسته‌های مقاومت ضمن یکسال گذشته، شعارهای استراتژیکی را به میان اقشار وسیعی از مردم برده‌اند. می‌توان گفت که خمینی و سیاست جنگ و اختناق او در منتها درجه‌ی انزوی اجتماعی قرار دارد. گاه ابعاد فعالیت‌های هسته‌ها در روستاهای مختلف نیز خواننده‌ی گزارشات را غرق در تعجب می‌کند. هسته‌ها بسرعت مسیر بلوغ و تکامل را طی می‌کنند و همزمان، محیط پیرامون خود را برمی‌انگیزند و شکل می‌دهند. مرحله‌ی بعدی، ارتقاء هسته‌ها به سطح مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی از طریق جذب آنها به داخل تیم‌های نظامی است که البته در هر مورد توسط فرماندهان و مسئولین‌شان مشخصاً ابلاغ خواهد شد. تا بتوانند در مسیر قطع سرانگشتان سرگوبگر دژخیم جماران و در کادر نیازهای دومین مرحله‌ی استراتژیکی ظفرنمون سرنگونی (یعنی مرحله‌ی تدارک قیام) نیازهای تیم‌های عملیاتی را برآورده کنند. همزمان، ملا، اجتماعی پیرامون آنها نیز برای کنش و واکنش‌های عالی‌تر سیاسی که در یک کلام در تدارک هر چه بیشتر زمینه‌های مردمی قیام، خلاصه می‌شود، آمادگی بیشتر کسب می‌کند. در همین جریان، هسته‌های جدید شکوفا می‌شوند، در حالیکه هسته‌های قدیمی و پرتجربه‌تر در اشکال عالی‌تر و متکامل‌تر، ذوب شده‌اند.

نکته‌ی سیاسی جالب در اینجاست که میدان مانور سیاسی و اجتماعی دشمن، پیوسته تنگ‌تر می‌شود. کما اینکه ضمن سال گذشته بعیان دیدیم که چه در اثر بن‌بست‌های بنیادین و بحران‌های متزاید درونی و بیرونی خودش، و چه تحت تاثیر مقاومت که دائماً ناراضی‌تی عمومی و تضادهای درونی و بیرونی رژیم را تشدید کرده است، ناگزیر حتی آخرین متحدان خود را کنار گذاشت. او حتی نتوانست به آخرین عناصر جبهه‌ی متحد ارتجاع اجازه‌ی شرکت در انتخابات مجلس خودش را بدهد. چرا که فضای تنفسی و میدان مانور او پیوسته تنگ‌تر شده است. در همین رابطه بود که ضمن سال گذشته، خمینی بارها به دارودسته‌ی خود در قبال بحران‌ها و تنگناهای داخلی رژیم هشدار می‌داد: "خطر بزرگ اینست که یک وقت ملت از حکومت برگردند... اگر یک وقتی توی خیابان ریختند و شعار بر ضد ما دادند، شعار بر ضد کسانی (!) دادند، خوب این چه مصیبتی است؟...". کما اینکه در سطح بین‌المللی نیز خمینی ضمن سال گذشته چندین بقیه در صفحه‌ی ۴۵



شماره ۱۵۲

۳۰ خرداد
از زبان سردار شهید خلق
موسی خیابانی

در صفحه ۱۱



شرح حال، وصیت نامه، نامه و قطعه شعری از:

مجاهد قهرمان
محمد کاظم افجه‌ای
نخستین
شهید مقدس
عملیات فدائی
(انتحاری) مجاهدین
در زندان اوین
در صفحه ۹



پیام برادر مجاهد مسعود رجوی

بمناسبت دومین سالگرد ۳۰ خرداد، سرآغاز انقلاب نوین مردم ایران

در صفحات ۲۵ و ۲۴، ۲۳، ۶، ۵، ۴، ۳

سلسله مراتب تصمیم‌گیری، طراحی و برگزاری تظاهرات ۳۰ خرداد

سازمانده و اجراکننده:

ستاد

فرماندهی تظاهرات

نماینده دفتر سیاسی سازمان

در ستاد فرماندهی:

برادر مجاهد علی زرکش

عالیترین ارگان تصمیم‌گیری و طراحی:

دفتر سیاسی

سازمان مجاهدین خلق ایران

ستاد فرماندهی تظاهرات ۳۰ خرداد



مجاهد شهید
سعید غفور
فرماندهی دوم صحنه



برادر مجاهد
مهدی کسرائی
معاون فرمانده



مجاهد شهید
قاسم باقرزاده
معاون فرمانده



مجاهد شهید و الا مقام محمد ضابطی
فرمانده



برادر مجاهد
مهدی براغی
جانشین فرمانده



مجاهد شهید
محمد مقدم
فرماندهی اول صحنه



برادر مجاهد
صادق سادات دربندی
عضو ستاد

حناسه‌های مجاهد خلق،
لحظه‌های انقلاب

۳۰ خرداد ۶۰، روزی که ناقوس مرگ
رژیم پلید خمینی به صدا درآمد

در صفحه ۷

گوشه‌هایی از تظاهرات
تاریخی ۳۰ خرداد



اخبار کوتاه

اخبار واحدهای عملیاتی

به نقل از اطلاعیه ستاد عملیات مجاهدین خلق

رزمندگان قهرمان مجاهد خلق در ساعت ۱۱ روز چهارشنبه شانزدهم خردادماه جاری، طی یک عملیات گسترده و حساب شده و براساس شناسائی‌های قبلی موفق شدند ابوالقاسم سپهری یکی از مزدوران جاسوس منطقه جمهوری تهران را همراه با دو تن دیگر از همکاران جنایتکارش که در شهادت و اسارت بسیاری از فرزندان دلیر خلق نقش داشته‌اند، در خیابان اسکندری شمالی به دام انداخته و مجازات انقلابی نمایند. طی این عملیات جسورانه و بر اثر آتش بی‌امان رزمندگان مجاهد خلق، سپهری، جنایتکار در دم بهلاکت رسیده و دو تن دیگر از همدستانش به نام‌های ذوالفقار و حسین کرمانشاهی بشدت مجروح و روانه بیمارستان گردیدند. سپهری مزدور از عناصر جاسوس رژیم بود که در ایجاد جو اختناق و سرکوب به همراه فرزند پاسدار جنایتکار علی سپهری در منطقه مذکور نقش فعالی را ایفا کرده و به همین جهت بشدت مورد تنفر و انزجار مردم بود. پس از پایان این عملیات متهورانه، رزمندگان قهرمان مجاهد خلق بدنبال یک درگیری گسترده که بیش از نیم ساعت بطول انجامید، علیرغم بسیج فعال مزدوران رژیم که قصد محاصره منطقه عملیاتی را داشتند، موفق شدند حلقه محاصره اجتماعی دشمن را شکسته و سالم به پایگاه خویش بازگردند.

۲۳/خرداد/۶۳

موج اعدام‌های وحشیانه

توسط رژیم ضد بشری خمینی

موج اعدام‌های وحشیانه در زندان‌های رژیم ضدبشری خمینی همچنان ادامه دارد. براساس گزارشات رسیده، طی ماههای اخیر تعداد زیادی از اسرای مجاهد و مبارز که از مدتها قبل در اسارت مزدوران خمینی بوده و اکثرا نیز در بیدادگاههای ضدانقلاب رژیم به حبس محکوم شده بودند؛ مجدداً به زیر شکنجه و بازجویی کشیده شده و سپس به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند.

* تبریز: در تاریخ ۲۸ اسفندماه سال گذشته ۲۵ تن از اسرای زندان تبریز به جوخه تیرباران سپرده شده و به شهادت رسیده‌اند. یکی از تیرباران‌شدگان "محمود اسماعیلی" بوده است که مدتها قبل به جرم هواداری از مجاهدین دستگیر و تا لحظه شهادت در اسارت مزدوران بسر می‌برده است.

* تهران: در تاریخ ۱۱ اردیبهشت‌ماه گذشته یکی از اسرای مجاهد خلق بنام "سعید شمس‌زاده امیری" به همراه تعداد دیگری از اسرای مجاهد و مبارز در زندان گوهردشت کرج تیرباران شده است.

مجاهد شهید سعید شمس‌زاده امیری دو سال پیش در تهران دستگیر و مدتها در شکنجه‌گاه اوین تحت بازجویی و شکنجه مزدوران خمینی قرار داشت و چند ماه قبل از اوین به زندان گوهردشت منتقل گردیده بود. دژخیمان خمینی بارها او را تحت شکنجه قرار داده و از او می‌خواستند تا از مواضع انقلابی خود دست برداشته و در یک برنامه‌ی نمایش تلویزیونی بر علیه مجاهدین شرکت نماید. اما او هرگز در مقابل جلادان تسلیم نشده و قهرمانانه بر مواضع خود ایستادگی نمود و سرانجام نیز به همین جرم در تاریخ مذکور به شهادت رسید.

اعتصاب و اعتراض کارگران

کارخانه "چوب و کاغذ" ساری

در اواخر اردیبهشت‌ماه گذشته، کارگران کارخانه "چوب و کاغذ" ساری در اعتراض به اخراج تعدادی از کارگران این کارخانه، در محل کار خود تجمع کرده و دست به اعتصاب می‌زنند. بدنبال آن، اقدامات و تهدیدات گوناگونی برای درهم شکستن مقاومت کارگران صورت می‌گیرد، منجمله دادستان ضدانقلاب ساری برای سرکوب و تهدید کارگران به این کارخانه می‌رود اما هنگامی که با خشم و عصیان کارگران مواجه می‌گردد وحشت‌زده محل را ترک کرده و از کارگران می‌خواهد تا برای "حل و فصل" مسائل، نمایندگانی را به‌خانه‌ی او بفرستند.

واردات سرسام آور

به بهای حراج بی‌رویه نفت

* معاون وزیر نفت رژیم خمینی: "ارزش صادرات آلمان فدرال به ایران که در سال ۱۹۷۸ معادل ۴۲۱۴ میلیون مارک بود در سال ۱۹۸۲ کاهش یافت و ۱۷۳۸ میلیون مارک رسید اما در سال ۱۹۸۳ با ۱۲۷ درصد افزایش نسبت به سال ۱۹۸۲ معادل ۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون مارک شد. در مقابل، ایران در سال ۱۹۸۳ معادل ۱/۷ میلیارد مارک کالا به انگلشور صادر نمود." (کیهان - ۱۶/خرداد/۶۳)

* غرضی وزیر نفت رژیم: "بهرحال تولید نفت ایران در بهمن‌ماه سال ۶۰ به سطح پائین رسید و ما مجبور شدیم در مقابله با بازار نفت یک مقدار قیمت نفت را تقلیل دهیم امروز مردم ما در حال جنگیدن هستند و برای این منظور باید نفت فروخت تا بتوان جنگید. ما قیمت نفت را ۳ دلار پائین آوردیم." (کیهان - ۱۶/خرداد/۶۳)

اخراج دستجمعی کارمندان در شهرکرد

در اواخر سال گذشته ایادی خمینی در اداره‌ی راه و ترابری شهرستان "شهرکرد"، ۲۸۷ نفر از کارمندان پیمانی این اداره را به دلیل نداشتن بودجه برای پرداخت حقوق آنها، اخراج نموده‌اند. دست‌اندرکاران رژیم رسماً به این کارمندان ابلاغ نموده‌اند که از اول سال ۶۳ هیچگونه سمتی در آن اداره نداشته و برای انجام کار پذیرفته نخواهند شد.

گسترش جوخه‌فغان و سرکوب عمومی

* آخوند فلاحیان قائم‌مقام سرپرست کمیته‌های ضدخلقی: "در طرح پایگاهی و ناحیه‌بندی کمیته این است که حداقل در یک مجموعه‌ی صدهزار نفری که بیست هزار خانواده و مغازه در آن است، بالاخره مسجدی وجود دارد که باید به امام‌جماعت آن مسجد و یا به افراد حزب‌اللهی و فهمیده (۱) آن محل گفته شود که روی آدم‌های بی‌تفاوت و ضدانقلاب کار کنید. بر فرض اگر پدران یا مادران بد هستند فرزند خانواده که خوب هستند..." (کیهان - ۲۱/خرداد/۶۳)

انحلال کمیته ضدخلقی بروجرد به علت ...

* فرماندهی کمیته ضدخلقی استان لرستان: "از آنجائی که مکان فعلی کمیته شهرستان بروجرد در شان این نهاد... نبود و نیز شکایاتی که از سوی امت همیشه در صحنه این منطقه به ما، در (این) استان رسیده بود... پس از بررسی‌های لازم دستور انحلال کمیته بروجرد ابلاغ شد." (اطلاعات - ۲۱/خرداد/۶۳)

* "یک مقام آگاه در بروجرد اعلام کرد: علت منحل شدن کمیته (ضد) انقلاب بروجرد ناشی از وجود افراد غیر قابل تأیید در کمیته... بشمار می‌رود." (کیهان - ۲۰/خرداد/۶۳)

* تهران: در فاصله‌ی روزهای ۲۶ تا ۳۰ اردیبهشت‌ماه گذشته، پاسداران جنایتکار خمینی، تعداد زیادی از اسرای مجاهد و مبارز را که در زندان اوین تیرباران شده بودند، به گورستان بهشت‌زهرها منتقل کرده و در یکی از قطعات این گورستان که به محل دفن تیرباران‌شدگان اختصاص یافته است، به خاک سپرده‌اند. به گفته‌ی شاهدان عینی طی چهار روز مذکور، ۸ ردیف از قطعه‌ی مزبور که بالغ بر ۲۰۰ قبر می‌شود، پر شده است.

* شیراز: در خردادماه جاری پروانه مؤذنی، خواهر مجاهدی که نزدیک به یک‌سال در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم در اسارت بسر می‌برد، توسط دژخیمان رژیم ضدبشری خمینی به شهادت رسید. مجاهد شهید پروانه مؤذنی، از اعضای انجمن جوانان مسلمان اراک بود و طی مدت اسارتش در زندان شیراز بارها تحت شکنجه و آزار قرار گرفت تا از عقاید و مواضع انقلابی خود دست برداشته و باصطلاح "توبه" نماید. اما از آنجا که دژخیمان خمینی هرگز به اهداف پلید خود دست نیافته و موفق نشدند او را به تسلیم و سازش وادار کنند، سرانجام او را به جرم وفاداری به آرمان‌های انقلابی و توحیدی‌اش به جوخه تیرباران سپردند. جسد غرقه بخون این مجاهد شهید توسط مادرش شسته و تدفین گردید.

گشتی‌های سرکوبگر جدید

بدنبال اوج‌گیری عملیات و فعالیت‌های انقلابی رزمندگان و هسته‌های مقاومت مجاهد خلق، ارگان‌های سرکوبگر رژیم به تکاپو افتاده و برای مقابله با این قبیل فعالیت‌های انقلابی بر تعداد گشتی‌ها و توره‌های بازرسی در نقاط مختلف شهرها افزوده‌اند، منجمله مدتی است از طرف سپاه ضدخلقی تهران گشت‌های موتوری جدیدی براه افتاده است. ترکیب این گشت‌ها از دو مزدور مسلح سپاه تشکیل شده که با تیپ و قیافه‌ی معمولی و با استفاده از انواع موتورهای اعم از گازی، دنده‌ای و تریل، در نقاط مختلف شهر به گشت‌زدن می‌پردازند. علاوه بر آن، اخیراً تعدادی از عناصر سپاه با عادیسازی و پوشیدن لباس‌های معمولی، بطور پیاده در سر چهارراه‌ها و نقاط پررفت‌وآمد تهران مستقر شده و به کنترل مردم می‌پردازند. کلیه‌ی مزدوران فوق به کلت و بیسیم دستی مجهز می‌باشند.

"میکروب‌های سیاسی"

به جبهه‌ها نیز سرایت کرد

* "... خامنه‌ای ضمن تقدیر از تلاش‌های مسئولین و دست‌اندرکاران بسیج و برشمردن مسئولیت سنگین آنان در حفظ دست‌آوردهای انقلاب و تداوم وجود سرنوشت‌ساز در جبهه‌ها بر خورد قاطعانه با میکروب‌های سیاسی در فضای معنوی جبهه‌ها را مورد تأکید قرار داد."

(رادیو رژیم - ۲۳/خرداد/۶۳)

"موشک‌های غیبی"!

* آخوند صالحی نجف‌آبادی امام‌جمعه‌ی جنایتکار جزیره‌ی خارک: "چگونه قبول کنیم گفتار کشور گویت مبنی بر صلح و متوقف شدن جنگ صادقانه است و این دیگر جای گله ندارد اگر روزی اسلکه‌هایتان هدف موشک‌های غیبی قرار گیرد."

(رادیو رژیم - ۲۶/خرداد/۶۳)

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت

در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۲)

"در آستانه سومین سالگرد آغاز مقاومت سراسری، روز ۳۰ خرداد، روز مقاومت و سرآغاز انقلاب رهاپخش نوین خلق قهرمان ایران را به عنوان روز شهدا و زندانیان سیاسی اعلام می‌کنم و بخصوص از هسته‌های مقاومت در سراسر کشور می‌خواهم تا به مدت یک هفته همت نموده و در این باره فعالیت و تبلیغ نمایند"

با این پیام برادر مجاهد مسعود رجوی در مراسم سالگرد ۱۲ اردیبهشت، هسته‌های مقاومت سراسری به پیشواز هفته‌ای پرشور و حساس در چهارمین دور از سلسله فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی خود شتافتند. و در تدارک برگزاری هفته‌ای پرشکوه در گرامیداشت یاد شهدای قهرمان خلق که بدست مزدوران خمینی جلاد به شهادت رسیده‌اند و همچنین اسرای مبارز و مقاومتی که با افتخار در شکنجه‌گاه‌های قرون وسطایی خمینی، به مقاومت حماسی و دوران‌ساز خود ادامه می‌دهند، فعالیت‌های خود را آغاز نمودند. بدنبال پیام برادر مجاهد مسعود رجوی، فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد علی زرکش نیز در ۲۲ اردیبهشت ماه جاری پیامی منتشر کرد و ضمن گرامیداشت خاطره‌ی بیش از ۴۰ هزار شهید و ۱۲۰ هزار اسیر مجاهد و مبارزی که حماسی‌ترین صفحات تاریخ انقلاب میهنمان را رقم زده‌اند، از کلیه هموطنان آگاه، خانواده‌های شهدا و اسرای انقلاب، هواداران و همچنین هسته‌های مقاومت سراسری خواست تا با شرکت فعال در هفته‌ای که به شهدا و اسرای انقلاب نوین میهنمان اختصاص داده شد، آتش مقاومت خلق را در برابر دژخیمان و مزدوران خمینی شعله‌ورتر نمایند. این پیام، بیش از آنچه که انتظار می‌رفت با اقبال وسیع اجتماعی روبرو شده و هسته‌ها و نیروهای مقاومت و تعداد زیادی از هم‌میهنان مبارز و آگاهان که ارزش‌های والای مقاومت فرزندان رشید خود را بخوبی درک کرده‌اند، با اشتیاق هر چه تمام‌تر به این پیام پاسخ مثبت دادند.

این اقبال عمومی آنچنان وسیع و اجتماعی بود که برخی هسته‌های مقاومت سراسری بمانند شکل‌های پیش‌تاز خلق و نمایندگان مقاومت در برابر خمینی ضدبشر، قبل از آنکه هفته‌ی موعود فرارسد با آمادگی کامل، فعالیت‌های خود را آغاز نمودند. گزارشات رسیده از برخی شهرستان‌ها حاکی از آغاز فعالیت‌ها حتی از ۱۵ خرداد، یعنی بیش از یک هفته زودتر از هفته‌ی

اعلام شده است. ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران نیز بدنبال دستورات و رهنمودهای برادر مجاهد علی زرکش فعالیت‌های هسته‌های مقاومت و نیروهای مبارز و آگاه میهنمان را برای برگزاری هفته‌ی شهدا و اسرا سم‌داد و با انتشار آموزش‌ها، پیام‌ها و اطلاعیه‌های ویژه‌ای که مرتباً از رادیو "صدای مجاهد" پخش می‌گردد، رهنمودهای عملی لازم را به آنان می‌دهد.

همانطور که پیش‌بینی می‌شد این اقدام متهورانه و پاسخ مثبتی که مردم میهنمان و هسته‌های مقاومت سراسری، به پیام برادر مجاهد مسعود رجوی دادند، از سوی رژیم پوسیده و رو به زوال خمینی نمی‌توانست بدون عکس‌العمل بماند. به همین دلیل با شروع فعالیت گسترده‌ی هسته‌های مقاومت، مزدوران خمینی با وحشت کامل به کلیه ارگان‌های سرکوبگر خود از تاریخ ۲۵ الی ۳۰ خرداد آماده‌باش سرخ داده و کلیه مرخصی‌های ایادی خود را لغو کرد. فضای نظامی شهرها، و بویژه تهران، یکباره عوض شد و غلظت نظامی شهرها افزایش چشم‌گیری پیدا کردند. ارگان‌های سرکوب رژیم، در وحشت از عملیات و فعالیت‌های هسته‌های مقاومت، مذبحخانه سعی دارند تا با افزایش گشتی‌های سواره و پیاده‌ی خیابانی، جو عمومی شهرها را کنترل کرده و مانع فعالیت‌های وسیع نیروهای مقاومت گردند. علاوه بر معابر و خیابان‌ها و محل‌های تجمع مردمی، رژیم سعی کرده است تا با بسیج خبرچینان و جاسوسان خود که در لباس انجمن‌های ضداسلامی و امثالهم به جاسوسی و توطئه علیه انقلابیون مشغولند، مراکز و ساختمان‌های محل تجمع خود را حفظ کرده و کنترل آنها را در دست داشته باشد. به همین منظور به کلیه مزدوران انجمن‌های ضداسلامی در ادارات دستور داده شده که در این مدت برهوشیاری و فعالیت‌های ضدانقلابی خود افزوده و در صورت دیدن هرگونه مورد مشکوکی مقامات مسئول را سریعاً باخبر کنند.

این مسئله گذشته از اینکه بیانگر اقبال وسیع اجتماعی از "هفته‌ی شهدا و اسرا" می‌باشد همچنین ناشی از تاکتیک‌های موثر و ویژه‌ای است که بمناسبت این هفته تعیین و اعلام شده است. چنانچه بخاطر داشته باشید در پیام برادر مجاهد علی زرکش آمده بود: "آن دسته از هسته‌هایی که کیفیت نظامی لازم را کسب نموده‌اند، تحت نظر ستاد بخش اجتماعی،

عملیات نظامی غیررودررو را به عنوان براتیک اصلی خود انتخاب کرده و از پراکنده ساختن انرژی خود در سایر زمینه‌ها خودداری ورزند" این رهنمود جدید در اتخاذ تاکتیک‌های تکامل یافته‌تر و پیچیده‌تر برای هسته‌ها ناظر به ارتقاء کیفی و انسجام بیش از پیش هسته‌های مقاومتی بود که در جریان سه حرکت تبلیغی - اجتماعی گذشته خود، به مناسبت هفته‌های "میلیشیا"، "صلح" و "تحریم انتخابات" تجربیات لازم را بدست آورده و با موفقیت در جهت ارتقاء مبارزاتی خود گام برمی‌داشتند.

بنابراین با رهنمود برادر مجاهد علی زرکش هسته‌های مقاومتی که کیفیت لازم نظامی را پیدا کرده بودند، تاکتیک عملیات نظامی غیررودررو را به عنوان تاکتیک محوری فعالیت‌های خود برگزیده و با حمله به مراکز و اموال غارت شده‌ی خلق و به آتش‌کشیدن آنها مرحله‌ی جدیدی را در پروسه‌ی مبارزاتی خویش آغاز نمودند.

موفقیت هسته‌های مقاومت سراسری در انجام عملیات نظامی خود - که تعدادی از آنها در مجاهد شماره‌ی قبل درج شد - وحشت مزدوران را وسیعاً شدت بخشیده بطوری که آنها مذبحخانه سعی دارند با ایجاد رعب و وحشت در جو عمومی شهرها، از گسترش عملیات نظامی و سایر فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت جلوگیری کنند. اما آنچه از گزارشات رسیده برمی‌آید، انطباق هسته‌ها و نیروهای مقاومت با شرایط جدید بسیار موفقیت‌آمیز بوده است؛ بطوری که علیرغم فشارهای روزافزون مزدوران، رژیم نه تنها قادر به کنترل فعالیت‌ها نگردیده است بلکه با ضربات متعددی که در شهرها و نقاط مختلف میهنمان به مزدوران وارد گردیده، چشم‌اندازهای بسیار روشن‌تری برایمان تصویر می‌شود. هفته‌ی گذشته قسمت اول گزارش عملیات برخی از هسته‌های مقاومت که تا آنموقع بدستمان رسیده بود را ملاحظه کردید، اینک نیز که مشغول تنظیم بخش دوم گزارش‌های رسیده مربوط به فعالیت‌های هسته‌های مقاومت سراسری هستیم، هفته‌ی شهدا و اسرا هنوز ادامه دارد و گزارشات کامل هسته‌ها و نیروها بدستمان نرسیده است، اما همه‌ی شواهد بیانگر موفقیت چشمگیر هسته‌های مقاومت در هفته‌ی مذکور می‌باشد. آنچه که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، تنها بخش کوچکی از گزارشات است که تاکنون بدست ما رسیده و شامل اخبار عملیات نظامی، گزارشات فعالیت‌های اجتماعی - تبلیغی و نمونه‌هایی از کارها و فعالیت‌های هسته‌های مقاومت می‌باشد:

موتوری و دیگر خودروهای گشت و مراقبت رژیم به نسبت بیشتر از روزهای قبل، در سطح شهر فعالیت می‌کنند.

تهران:

هسته مقاومت

مجاهد شهید نادیا کاویانی

روزهای ۲۰ تا ۲۳ خرداد، اعضای این هسته، تراکت‌های خود را در خیابان صد دستگاه نیروی هوایی، شهدا، عارف و تهران‌نو، پخش و نصب نموده‌اند. این هسته افزایش گشت‌های موتوری دشمن در روزهای اخیر را نیز متذکر شده است.

ولیعصر جنب سینما رادیوسیتی پخش کرده است. مردم به محض اطلاع از وجود تراکت‌های سازمان، با خوشحالی از تراکت‌ها و فعالیت اعضای هسته استقبال کرده‌اند.

کرمان:

هسته مقاومت

مجاهد شهید صدیقه المازاده

در روزهای ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ خرداد، هسته‌ی مقاومت ... به مناسبت "هفته‌ی شهدا و اسرا" تعداد ۷۰۰ تراکت را در خیابان‌های منتظری، خمینی و دیگر نقاط شهر پخش نموده است. طبق گزارش این هسته، گشت‌های

اصفهان:

هسته مقاومت

مجاهد شهید صدیقه بیات

این هسته، تراکت‌های "هفته‌ی شهدا و اسرا... را که حاوی اسامی شهدا، و همچنین معرفی تعدادی از شکنجه‌گران و مزدوران رژیم در اصفهان بوده، در خیابان شیخ بهائی پخش کرده است.

تهران:

هسته مقاومت

مجاهد شهید مریم صفائی

اعضای این هسته در روز ۲۳ خرداد، تراکت‌های هفته‌ی شهدا و اسرا را در خیابان

حاوی اسامی شهدای مجاهد و سابقه‌ی مبارزاتی آنها و همچنین اسامی شکنجه‌گران با سابقه‌ی رژیم ضدبشری خمینی را پخش کرده‌اند. محل پخش در کوی ولیعصر، خیابان خمینی، ایستگاه بالا حمام و ... بوده است.

تهران:

هسته مقاومت

مجاهد شهید مرتضی احمدوند

این هسته در تاریخ ۲۳ خرداد، تراکت‌های مربوط به هفته‌ی "شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" را در خیابان‌های فردوسی و کارگر جنوبی پخش نمود.

تهران:

هسته مقاومت

مجاهد شهید باقر طهماسبی

رزمندگان این هسته در تاریخ ۲۱ خرداد ماه جاری پس از شناسایی‌های لازم، طی یک عملیات جسورانه، خودروی یکی از مزدوران سپاه ضد خلقی را در منطقه‌ی افسریه بیست‌متری افسریه - پانزده‌متری سوم به آتش کشیدند.

تهریز:

هسته مقاومت

مجاهد شهید اکبر چاچاری

اعضای این هسته در تاریخ ۲۲ و ۲۳ خرداد تراکت‌های

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۲)

* تبریز :
هسته مقاومت

مجاهد شهید علی اسلامی

رزمندگان این هسته بر اساس شناسائی‌های قبلی، خود روی یکی از عناصر جاسوس و خبرچین رژیم خمینی را در خیابان شمس تبریزی به آتش کشیده‌اند.

* تهران :
هسته مقاومت

مجاهد شهید حمید جواد

اعضای این هسته در تاریخ ۲۳ و ۲۴ خرداد، تعدادی تراکت و برجسب مربوط به این هفته را در نقاط مختلف شهر از جمله خیابان‌های آزادی، ۱۷ شهریور، مولوی، بازار، راه آهن، روبروی فرودگاه، میدان امام حسین، میدان آزادی، ترمینال غرب، خزانه، فرح آباد و شهرزیا پخش و نصب کرده‌اند.

* بیرجند :

هسته مقاومت مجاهد شهید

محمد مهدی حسینی

اعضای این هسته در روزهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ خرداد، تراکت‌های تهیه شده توسط هسته را که حاوی شعارهایی مربوط به بزرگداشت شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران بوده، در خیابان‌های مدرس و اسدی بیرجند پخش نموده است.

* تهران :

هسته مقاومت

مجاهد شهید زهره رستگار

یکی از اعضای این هسته در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد، تعدادی تراکت را در خیابان تخت طاووس، پخش کرده است.

* اراک :

هسته مقاومت مجاهد شهید

ابوالقاسم توکلی

هسته مقاومت ... در شروع فعالیت‌های خود در این هفته، از روزهای ۱۹ الی ۲۲ خرداد، صدها تراکت را در کوچه‌های شهر اراک پخش و تعدادی را به منازل مردم انداخته است.

* تهران :

هسته مقاومت

مجاهد شهید محبوبه مرتاضی

هسته فوق‌الذکر، در تاریخ ۲۵ و ۲۲ خرداد در خیابان‌های شمیران و دولت و مجیدیه و آریاشهر تراکت‌های مربوط به این هفته را پخش کرده است. مردم از تراکت‌ها استقبال کرده و آنها را با خود برده‌اند. این هسته ازدیاد گشت موتوری و سایر گشتی‌های دشمن در سطح شهر تهران را گزارش کرده است.

* تهران :

هسته مقاومت

مجاهد شهید عباس عظیمی

اعضای این هسته در روزهای اخیر صدها تراکت را در نقاط مختلف تهران، پخش و نصب کرده‌اند. محل فعالیت‌های این هسته، خیابان‌های عباس‌آباد، تهران‌نو، آهنگ، ۱۷ شهریور بوده است. این هسته گزارش کرده که مزدوران رژیم هراسان، مراقب اوضاع هستند.



هسته مقاومت مجاهد شهید "عباس شیخی" در فعالیت‌های انقلابی خود بمناسبت هفته "شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران"، برنامه‌ای پرتاب تخم مرغ رنگی به سمت تصاویر سردمداران جنایتکار رژیم را نیز گنجانده است. تصویر فوق یکی از این عملیات ایدئاتی است که بر روی تصویر خمینی دجال انجام گرفته است.

* تهران :

هسته مقاومت

مجاهد شهید فریبا عرفانی

این هسته در روزهای ۲۲ و ۲۳ خرداد تراکت‌های هفته‌ای شهدا و ... را در خیابان سنارخان پخش نموده است.

* بهشهر :

هسته مقاومت

مجاهد شهید فرهاد جواد

این هسته در روز ۱۸ خرداد، مجموعه‌ای از فعالیت‌های خود را که شامل ۱۰۰ تراکت حاوی عکس شهدای مجاهد خلق با مشخصات کامل آنها، و ۸۰ تراکت مربوط به اسامی شهدا و همچنین اسامی شکنجه‌گران رژیم در بهشهر بوده، در سطح شهر پخش کرده است.

* تهران :

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته در تاریخ ۲۳ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان سلان پخش کرده‌اند. مردم بخوبی و گرمی از تراکت‌ها و فعالیت‌های انقلابی هسته، استقبال کرده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

رزمندگان هسته مقاومت ... در تاریخ ۱۹ خرداد یک بمب صوتی قوی را در خیابان مصدق، روبروی تونل کار می‌گذارند که با صدای مهیبی منفجر می‌شود. این عمل انقلابی مورد استقبال مردم محل قرار می‌گیرد.

* تهران :

هسته مقاومت ...

در تاریخ ۱۹ خرداد رزمندگان این هسته، یک بمب صوتی قوی را در بزرگراه رسالت حوالی چهارراه مجیدیه منفجر می‌کنند. مردم با شنیدن صدا در محل اجتماع کرده و پس از اطلاع از دلایل آن، ابراز مسرت و شادی می‌کنند.

* رشت :

هسته مقاومت

مجاهد شهید ایوب جمالی

رزمندگان این هسته، در تاریخ ۲۲ خرداد، یک بمب صوتی قوی را، روبروی یکی از مراکز انتظامی رژیم در حوالی کوچه صفاری کار گذاشته‌اند که با صدای مهیبی منفجر شده است.

* بیرجند :

هسته مقاومت مجاهد شهید

غلامحسین عظیمی

این هسته در روز ۱۹ خرداد تراکت‌های خود را در چند مغازه و مطب در سطح شهر پخش نموده است.

* تهران :

هسته مقاومت

مجاهد شهید مادر ذاکری

اعضای این هسته در روزهای ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ خردادماه جاری تراکت‌های مربوط به "هفته شهدا و اسرا" را در مناطق شرق تهران، خیابان رسالت، خیابان دولت، شمیران، مجیدیه و سنارخان و فرصت و نصرت پخش کرده‌اند. این هسته در یک اقدام ابتکاری تعدادی تراکت را از پنجره‌ی اتوبوس دو طبقه به پائین می‌ریزد که مورد استقبال عابریین قرار می‌گیرد.

* تهران :

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته در تاریخ ۲۳ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان سلان پخش کرده‌اند. مردم بخوبی و گرمی از تراکت‌ها و فعالیت‌های انقلابی هسته، استقبال کرده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

رزمندگان هسته مقاومت ... در تاریخ ۱۹ خرداد یک بمب صوتی قوی را در خیابان مصدق، روبروی تونل کار می‌گذارند که با صدای مهیبی منفجر می‌شود. این عمل انقلابی مورد استقبال مردم محل قرار می‌گیرد.

* زنجان :

هسته مقاومت

مجاهد شهید مصطفی نصیری

اعضای این هسته که به دو تیم دو نفره تقسیم شده بودند، در روز ۲۰ خرداد، تراکت‌های این هفته را، هنگام افطار در خانه‌های مردم ریخته‌اند.

* اهواز :

هسته مقاومت

مجاهد شهید سعید دارابی

روز دوشنبه ۲۱ خردادماه جاری، رزمندگان هسته مقاومت ... پس از شناسائی‌های لازم، یک دستگاه اتومبیل بلیزر متعلق به یکی از ارگان‌های رژیم ضد خلقی خمینی را در میدان ساعت اهواز، به آتش کشیده‌اند.

لیست شهدای اسرای ایران

انقلاب نوین ایران

۱- زهرا مالیر

۲- محمد صادق

۳- کریم حسینی

۴- مراد اهتراد

۵- نازنین فراهانی

۶- عبادی

۷- حبیب‌الله اسلامی

۸- فراهی پور پور

از بچه‌های منوب نهر

نمونه‌ای از تراکت لیست

تعدادی از شهدا که توسط

هسته مقاومت

مجاهد شهید ابراهیم حسینی

تهیه شده است.

* تبریز :

هسته مقاومت

مجاهد شهید ثریا ابوالفتحی

هسته فوق روز ۲۴ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان ۱۷ شهریور تبریز پخش نموده است.

* گرگان :

هسته مقاومت

مجاهد شهید سعید ارغوانی

این هسته در تاریخ ۱۹ خرداد، ۱۰۰ تراکت حاوی عکس شهدا و ۱۰۰ تراکت حاوی اسامی شهدا و همچنین اسامی شکنجه‌گران رژیم در سطح شهر پخش نموده است. اماکنی که برای پخش تراکت‌ها، عمدتاً مورد استفاده قرار گرفته، مدارس، مغازه‌ها و منازل مردم بوده است.

بقیه در صفحه ۴۱

إِنَّ الْوَفَاءَ تَوَامُ الْمَدَقِّ، وَلَا أَعْلَمُ جُنَّةَ أَوْقَى مِنْهُ، وَلَا يَغْدُرُ مَنْ عِلْمٌ كَيْفَ الْمَرْجِعِ وَكَفَّادُ صَبْحَنَا فِي زَمَانٍ قَدْ اتَّخَذَ أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَهْلِ فِيهِ إِلَى حَسَنِ الْجِيلِ، مَا لَهُمْ؟ فَاتْلِبُهُمُ اللَّهُ قَدِيرِي الْحَوْلِ الْقَلْبِ وَجَهَةَ الْجِيلِ وَ ذُوْنَهُ مَانِعٌ مِّنْ أَمْرَالِهِ وَ نَهَيْهِ فَيَدْعُهَا زَائِي عَيْنٍ بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهَا، وَيَنْتَهِي فُرْصَتَهَا مِّنْ لَّا حَرِيْجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ (نهج البلاغه خطبه ۴۱)

"وفاداری (به اصول و تعهدات ایدئولوژیک) قرین خلوص و صداقت است؛ و من سیری استوارتر و نگاهدارنده تر از وفاداری به تعهدات (برای جلوگیری از انحراف) سراغ ندارم. کسی که به چگونگی بازگشت خویش و آخر و عاقبت امور (مصلح درازمدت) اشراف داشته باشد (و نه آنکه فقط منافع زودگذر و مقطعی را ببیند)، هیچگاه غدر و خیانت نمی کند (تعهدات و اصولش را زیر پا نمی گذارد)

ما در دورانی بسر می بریم که اغلب افراد بویژه آنهایی که از آگاهی مکفی (ایدئولوژیک) بی بهره اند، حقه بازی و مکر و شیبادی (بی پرستی) و نان به نرخ روز خوردن) را معادل زیرکی و هوشیاری سیاسی می پندارند. در حالیکه (باید پرسید) غدر و جفاکاری و حقه بازی فی الواقع چه سود و نتیجه ای را (در درازمدت) عاید اصحاب و طرفداران آن می کند؟ خدا اینان را (از صفحی روزگار) محو و نابود کند!

شخص زیرک و کاردان نیز حيله و سیاست بازی بلد است. اما علت آنکه به چنین روشهایی دست نمی یازد، همانا امر و نهی خدا (حساسیت های مثبت و منفی که وفاداری به اصول ایدئولوژیک را در شخص برمی انگیزد) است؛ و لذا با اینکه او (عنصر انقلابی و موحد پایه بند به اصول) نیز انواع حیلها (و سیاست بازی های ارتجاعی) را دیده و دانسته و توانائی بکار بستن آنها را هم دارد، ولی (بخاطر مقید بودن به اصول ویژه) از آن احتراز

پاورقی:

۱ - از وصیت طولانی حضرت علی (ع) به امام حسن: وَ أَعْلَمُ أَنَّ أَمَّاكَ عَقِبَةُ كَوْوَدَا، الْمَخْفِ فِيهَا أَحْسَنُ حَالًا بِنِ الْمَثَلِ، وَالْبَطِي عَلَيْهَا أَقْبَحُ حَالًا بِنِ الْمُسْرِعِ، (نهج البلاغه نامه ۳۱)

بدان که در پیش روی تو یک گردنهای سخت است. یک گذرگاه باریک و دشوار که در عبور از آن حال "سبکبار" از "گوزنبار" بهتر است. و حال "گندرو" از "تندرو" بدتر است.

۲ - حضرت علی در خطبه ای

می نماید. در حالیکه کسی که از گناه و نخطی در دین (تجاوز از اصول و زد و بند بر سر آن) و اهمه و باکی ندارد، پیوسته در اندیشه فرصت طلبی است و در هر کاری به حقه و دروغ و عوام فریبی متوسل می شود.

* * *

الگوهای تاریخی "طراز مکتب" در ایدئولوژی ما معرف انسان های انقلابی و موحدی است که از هر لحاظ به سطح ارزش های ایدئولوژی نیل و انطباق یافته و به مثابه پیشوایان و رهبران راستین اسلام انقلابی در یک مقطع تاریخی "بار" ایدئولوژی توحیدی را در صفوف مقدم بردوش خود حمل نموده اند. آنها پیشتازان و رهگشایانی هستند که بخاطر رشد قوای متعالی

رهروان شایسته ای راه توحید و یکتاپرستی است. و اکنون ما در سالروز شهادت پیشوا و مقتدای عقیدتی مان، می خواهیم یکی از والاترین و گرانقدرترین درس های را که از مکتب او آموخته ایم، یادآوری و مرور نمائیم: درس وفاداری به "اصول" انقلابی و ایدئولوژیک. درسی که بدون فرا گرفتن آن هیچ فرد یا جریان و نیروئی به مدرسه ای "مبارزه ای مکتبی" به مفهوم اصیل آن راه ندارد. آری! ما درس سازشناپذیری و پایداری و وفاداری تمام عیار به "اصول ایدئولوژیک" را از آموزگار و راهبر تاریخی مان علی بن ابی طالب آموخته ایم. علی بن ابی طالب سنت انقلابی "سرسختی در اصول" به مفهوم فدا کردن بی قید و شرط همه چیز

کند، در درازمدت هیچ چیز برایمان باقی نخواهد گذاشت و بشدت زیانکارمان خواهد کرد. چنین بود که علی حتی در آخرین لحظات حیات نیز به مثابه پدر عقیدتی و آموزگار کبیر همی موحدین انقلابی به فرزندان خلفاش وصیت کرد که برای عبور پیروزمند و افتخارآمیز از گذرگاهها و گردنه های دشواری که یک فرد یا جریان انقلابی بهر حال در مسیر حیات مبارزاتی و ایدئولوژیک خود، با آنها روبرو است، همواره بایستی "سبکبار" بود و "انقلابی" عمل کرد تا بتوان از مصالح زودگذر مرحله ای - که گاه بسیار هم فریبنده می نماید - صرف نظر کرد؛ و در این گذار صعب و دشوار، عواقب زیانبار "راست زدن"

بنیاسی سالگرد شهادت بسوای کسر سماع انقلابی مولای امتان علی (ع)

علی، الگوی جاودان وفاداری

به "اصول" یکتاپرستی انقلابی

انسانی شان که در برخورداری از خصیصه "تقوا"ی رها نبخش یعنی اقتدار جبرشکنی و جبرستیزی مستمر (مبتنی بر یک آگاهی عمیق ایدئولوژیک) تبلور می یابد، به هیچ عنوان به "اجبارات زمانه" و آنچه که برای ایشان "ضد ایدئولوژیک" است تن نداده و پیوسته با اندیشه و عمل انقلابی خود در بستری از ناخرسندی تکاملی مستمر نسبت به شرایط موجود، بن بست های مسیر پیشرفت را در هم شکسته و از "آنچه که هست" به جانب "آنچه که باید باشد" راه در نور دیدماند. درست در چنین نقطه ای است که تشیع انقلابی برجسته ترین الگوی تاریخی خود را که "مولای متقیان" نام گرفته است عرضه نمود. الگوی جاودانی که استقامت و سرسختی شگرف او روی مواضع ایدئولوژی حقیقت - جوینه ای اسلام، تا ابدا الهام بخش

بخاطر ایدئولوژی است. او به ما شیوه ای اتخاذ قاطعانه ترین راه حل انقلابی را وقتی که در معرض انتخاب دشوار میان "مصلحت" و "ایدئولوژی" قرار می گیریم، آموخته است. او سمبل و الگوی جاودان این درس بزرگ انقلابی و توحیدی است که: "اصول" و تعهدات عقیدتی را نبایستی بازیچه گرفت، چرا که در یک مبارزه انقلابی، خلوص ایدئولوژیک تنها اهرم کسب موفقیت و اعتبار در جامع ترین مفهوم آن است. سراسر زندگی و مبارزه انقلابی علی حاوی این درس ایدئولوژیک عمیق است که: همواره بایستی دقیقاً هوشیار بود که مایه گذاشتن از اصول و زد و بند بر سر آن، دادن امتیاز ایدئولوژیک به این و آن بخاطر جلب حمایت و حفظ کمیت و نیرو و یا کسب "قدرت سیاسی" و غیره، ولو در یک مقطع کوتاه زمانی، منافعی را عایدمان

بمراتب بیشتر از "چپ زدن" است (۱) عملکرد علی (ع) در کلیه ای ادوار زندگی مبارزاتی اش، خود گویاترین نمونه و مظهر برخوردارهای ایدئولوژیک و اصولی است. چه آن دورانی که با منتهای جسارت و خلوص و فداکاری بیکران در کنار پیامبر و یاران رزمنده ای او یک مبارزه ای مرگ و زندگی با نظام بت پرستی آشکار (مبتنی بر اشرافیت برده دار) را پرچمداری می کرد؛ و چه در آن دوره ای که مهمترین رسالت اش در بیرون آوردن مکتب و میراث انقلابی پیامبر از حلقوم اسلام پنهانی! همچون معاویه و حضرات طلحه و زبیر و علی الخوص در دوره ای اخیر که مبارزه ظرافت و پیچیدگی افزونتری پیدا کرده بود، مسئولیت های علی بسیار دشوارتر و بفرنج تر بود. در

نخستین فاز از همین مرحله مبارزه بود که حضرت علی ناگزیر شد بخاطر حفظ وحدت صفوف داخلی جنبش، از حق مسلم خود صرف نظر کند و ضمن مرزبندی ایدئولوژیک و سیاسی دقیق با سیستم حاکم (که متضمن حفظ خلوص ایدئولوژیک او بود) و مراعات جنبه های وحدت و تضاد بدور از هر گونه چپ روی و یا راست روی، (۲) مقاومت رزمنده ای فوق العاده دشواری را که در قالب تحمل یک انزوا و صبر و بردباری انقلابی متجلی می گشت، به منظور حراست از دستاوردها و اصول انقلابی مکتب به پیش برد. صبر و شکیبائی شگفت انگیزی که ۲۵ سال تمام بطول انجامید. در وصف رنجها و تلخ کامی های همین مرحله بود که حضرت علی بعداً وقتی یکبار به ارزیابی آن شرایط و پاسخی که به سوال "چه باید کرد؟" داده بود، پرداخت و ضمن خطبه ای (موسوم به ششقیه) چنین گفت: "من اندیشیدم چکار بکنم؟ آیا برشورم در حالیکه کسی را همراه نداشتم و یا صبر کنم. دیدم راه درست (اصولی) این است که صبر کنم در حالیکه چشم را خاشاک و گلویم را استخوان گرفته بود" (۳)

در حقیقت جوهر این صبر و تحمل رنجبار نیز خود جلوه ای دیگری از همان اصولی گری انقلابی علی است که بر حسب آن رهبری نباید بیش از "یک گام" جلوتر از توده ها حرکت کند. لذا در آن شرایط مشخص بخاطر احتراز از تعارض زودرس تضادها و همچنین بخاطر سطح نازل آگاهی توده ای مردم لازم بود که روی تضادها و اختلاف نظرها انگشت گذاشته نشود. و بسا مسائل و مطالب تحت الشعاع ضرورتها و مسائل ضروری تری که جنبش با آن روبروست، عجالتاً طرح نشوند و یا حداکثر با اشارهای مختصر از کنار آنها در گذشته شود. (۴)

ضمناً وجود چنین جوی از تهمت و شایعه و تبلیغات مزورانه بر علیه علی، بخوبی عمق ظرافت و پیچیدگی و بفرنجی حرکت اصولی - انقلابی را در آن شرایط ترسیم می کند و نشان می دهد که چگونه ترکیبی از جهل و عوام فریبی (سطحی نگری و غرض ورزی) با توسل به انواع شبه سازیها و ساده سازیها و قیاس های مع الفارق، پیوسته امر را بر اذهان مشتبه می نموده و فتنه هایی را بر علیه علی دامن می زده است.

این سخن را حضرت علی به منظور توضیح موضع گیری خود و در پاسخ به قضاوت های مفرضانه ای کسانی بیان می دارد که توانایی درک جوهر سیاست اصولی او را نداشته و از این سکوت و "مصلحه ای سیاسی موقت" (که هرگز نبایستی آنرا با مصالحه در اصول اشتباه کرد) بر علیه وی دست آویز جسته و او را بطور توأمان به "ترس از مرگ" و "حرص به قدرت" متهم می نمودند. (خطبه ۵ - فراز ۴ و ۵)

هدر می رود) ۳ - نهج البلاغه خطبه ۳، فراز ۳ و ۴ - نهج البلاغه خطبه ۵، فراز ۶: "بَلَّأْنَاكَ مَجْتَهُ عَلِيٍّ مَكْتُونٍ عِلْمٌ لَوْ نُحِتَ بِوَلَا ضَرْبَتُمْ أَضْرَابَ الْأَرْشِيِّ فِي الْكُوِي النَّعِيْدَةِ." سکوت من برای آنست که فرو رفته ام در حقایقی که (برای شما) پنهان است و اگر آشکار و بازگو نمایم آنچه را که می دانم، هر آینه شما مضطرب و لرزان (شوکه) می شوید مانند لرزیدن ریسمان در چاه ژرف (برایتان) فعلاً قابل هضم و قابل درک

۵ نهج البلاغه در این رابطه در پاسخ به کسانی که از درک جوهر این موضع گیری اصولی او عاجز بودند، نتایج معکوس حرکت های چپ روانه را ضمن یک تمثیل چنین توضیح می دهد: وَ مُجْتَنِي الشُّمْرَةَ لِغَيْرِ وَقْتٍ، إِنِّيَابَهَا كَالزَّرْعِ بِغَيْرِ أَرْضِهِ (نهج البلاغه خطبه ۵)

کسی که بخواهد میوه را پیش از زمان رسیدنش بچیند مانند کسی است که در غیر زمین خود زراعت کند (حاصل گارو زحماتش بخودش بازنگشته و

علی، الگوی جاودان وفاداری به "اصول" یکتاپرستی انقلابی

نظیر یک چنین سیاست‌ها و انعطاف‌های "ناکتیکی" به منظور احتراز از ایجاد یک فاصله‌ی زیاد بین رهبری و توده‌ی مردم در مراحل بعدی مبارزه‌ی حضرت علی نیز به چشم می‌خورد. مثلا موافقت علی با داوری (حکمت) در جریان جنگ صفین علیرغم اگراه شدید خود او و سرداران شجاع و وارسته‌ی همچون مالک اشتر که در پی اصرار و تهدید خوارج بوی تحمیل گردید، از همین زاویه قابل توضیح است. حتی بنظر می‌رسد که علی در جریان این موافقت بخاطر همان هدف جلوگیری از عمیق‌تر شدن شکاف داخلی (که به نفع دشمن بود)، تربیت کوتاه‌فکران قشری و ناآگاه را به مرور زمان و در جریان عمل مد نظر داشته (۱) و از این موضع همگامی موقت با درخواست آنها را نیز بصلاح جنبش دانسته بود. (۲) اما قلب مساله در اینجاست که این قبیل انعطافات تاکتیکی بخاطر گام برداشتن با اکثریت از نظر علی تا آنجا مجاز است که ضامن حفظ و بقای "اصول" باشد. در غیر اینصورت چنین انعطاف‌ها و همگامی‌هایی جز نشان سستی و بی‌پرسی رهبری و افتادن در دام یک پراگماتیسم ناب و خلص و در نهایت نیز دنباله‌روی از حرکت خودبخودی توده‌ها نیست. اینجاست که دیگر وقتی خوارج از علی می‌خواهند که به "کفر" و خطای خویش اقرار نموده و از اصول ایدئولوژیکش باصطلاح "توبه" نماید، و بنای ستیز و خروج برعلیه او می‌گذارند، امام دیگر وارد مصاف جدی با آنها می‌شود.

بنابراین در اساس سکوت و خاندنشینی و انزوای طولانی حضرت علی در آن مقطع بهائی بود که دقیقا برای وفاداری به "اصول" خود می‌پرداخت. گماینکه بعدها نیز وقتی باو پیشنهاد شد که در ازای گفتن "دو کلمه" قدرت سیاسی را می‌تواند بدست بگیرد جواب رد داد و چنین "مصلحه‌ای" را که منافی اصولش بود نپذیرفت (۳) و ترجیح داد همچنان برکنار از قدرت و توجهات مربوط به آن قرار داشته باشد ولی اصالت و خلوص ایدئولوژیکش خدشه‌دار نگردد.

در ابتدای این دوره نیز پیشنهادهاتی از جانب ابوسفیان به علی داده شده بود که بر اساس آن ابوسفیان حاضر شده بود (البته به نیت از هم پاشیدن جنبش) قوای در اختیارش بگذارد تا با آن به "احقاق حق" بپردازند، ولی علی آنرا نپذیرفته بود (۴) زیرا در نظرگاه توحیدی او پیوند ضروری گسست‌ناپذیر و تنگاتنگی میان "هدف‌ها" و "وسایل" نیل به آنها وجود دارد که بر رابطه‌ی ناشی از ماهیت آنها با یکدیگر همخوانی و انطباق می‌یابند. بنحوی که وسایل انتخاب شده نیایستی منافی اهداف ایدئولوژیک باشد و اصول را فدای مصالح عملی روز نماید. بر اساس این نگرش توانائی و "قدرت سیاسی" را حضرت علی صرفا به خاطر این می‌خواهد که به وسیله‌ی آن به اصول و هدف‌های ایدئولوژیک خود جامعه‌ی عمل بپوشاند. لذا با این دیدگاه دیگر بهیچ عنوان حاضر نمی‌شود برای نیل به قدرت از اصول خود صرفنظر کرده و به عناصر و جریاناتی که منافی اصول مزبور هستند، امتیاز ایدئولوژیک بدهد. اینجاست که دیگر "قدرت سیاسی" اگر قرار باشد به بهای پشت کردن به ایدئولوژی و زیر پا نهادن اصول بدست بیاید (و یا حفظ شود) از نظر او باندازه‌ی "آب بینی بز" هم ارزش ندارد. (۵)

این همخوانی میان "هدف" و "وسيله" را حضرت علی در همان خطبه‌ی ششگانه به گویاترین صورت تشریح کرده است. آنجا که "هدف" بدست گرفتن قدرت سیاسی را انجام مسئولیت عنصر آگاه جامعه (میثاق طبیعی قشر پیشناز) برای نفي مناسبات ستمکارانه‌ی می‌داند که "ظالم را سیر و مظلوم را گرسنه نگاه می‌دارد". (۶) با چنین هدفی قدرت سیاسی می‌بایستی با "وسایل" و طرق مشروع و در آن شرایط مشخص که مانعی برای ابراز نظر و رای آزادانه‌ی عمومی وجود نداشت، اساسا از طریق برخوردار شدن از رای تمایل و اراده‌ی آزاد جمهور مردم احراز می‌گردید (۷). خود حضرت علی در این باره در خطبه‌ی ششگانه چنین می‌گوید:

"هیچ چیزی مرا باین گار

(قبول امر خلافت) وادار ساخت مگر اینکه مردم بدورم ریخته و (برای بیعت) از هر طرف بسوی من هجوم آوردند بطوریکه در اثر ازدحام جمعیت حسن و حسین زیر دست و پا رفتند و دو طرف لباس من پاره شد"

براستی در این تاکیدات حضرت علی چه پیامی نهفته است؟ آیا جز اینکه اسلام انقلابی علی برخلاف اسلام دروغین کسانی همچون خمینی که بارزترین خصوصیت آن انحصارطلبی و استبداد افسار-گسیخته‌ی مذهبی و ماندن در قدرت به هر بهاء و به هر قیمت است، بنا بر اصول "دمکراتیسم انقلابی" ذاتی آن درصدد تحمیل خود بر هیچکس نبوده و بر آنست که: صرفنظر از هر اعتقاد و ارزیابی که هر فرد و جریان (منجمله خود او) نسبت به خودش دارد (۸)، معیار پایدار مشروعیت "قدرت سیاسی" اساسا برخورداری از رای آزادانه‌ی عموم مردم و تمام شدن حجت از جانب توده‌هاست. البته سرسختی علی (ع) روی اصول بهیچ وجه از یک موضع دکماتیسمی خشکاندیشانه که استفاده از هرگونه روش‌های دیپلماتیک و بهره‌برداری از شکاف‌ها و تضادهای موجود را برعلیه حریف، مردود می‌شمارد و یک نوع تنزه‌طلبی و اخلاقیات کوتاه‌نظرانه‌ی غیرتوحیدی (وعاری از هوشیاری انقلابی) را تبلیغ می‌نماید، نبوده است. بعکس به گواهی تاریخ این سرسختی در اصول در سراسر زندگی مبارزاتی علی و علی‌الخصوص در دوران انزوای ۲۵ ساله‌اش پیوسته با مراعات حداکثر نرمش و انعطاف پاورقی:

۱- نهج‌البلاغه - خطبه‌ی ۱۲۵: حضرت علی در فراز ۵ این خطبه می‌گوید: "مهلت دادم تا عناصر جاهل تحقیق کنند و عناصر آگاه ثابت قدم‌تر شوند، بلکه شاید خدا امر این است را در این متارکه و مداوا اصلاح نماید و راه تنفس برایشان مسدود نشود" قابل ذکر است که حضرت علی طی همین مهلت و فرجه‌ای که به خوارج داد توانست با یک گار توضیحی دامنه‌دار ۸ هزار نفر از آنها را از مواضع غلطشان بیرون کشیده و بازسازی نماید.

۲- حتی امروز در عصر کبیر آگاهی توده‌ها نیز وقتی یک انقلابی بزرگ پراتیک ده‌ساله‌ی "رهبری سیاسی" حزب خود را (بنیابه هم یک علم و هم یک هنر) جمع‌بندی می‌کند، چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

"شیوه‌ی سازماندهی مبارزه،

در "ناکتیک" توأم بوده است. منتها دیپلماسی انقلابی علی از آنجائی که مرزهایش در گذار اصول ایدئولوژیک کاملا محدود بوده، پیوسته یک تفاوت کیفی با سیاست‌بازی‌ها و مکر و حیل‌های ارتجاعی امثال معاویه داشته است. این همان نکته‌ی ظریفی است که عدم درک آن امر را بر برخی مشتبه‌گردانیده و موجب شده بود که علی برای تفهیم مطلب به کسانی که او را از نظر سیاسی کم‌توان پنداشته و سیاست‌بازی‌های معاویه را به رخ می‌کشیدند، سوگند بخورد که اگر نقض تعهدات و پشت پا زدن به اصول جایز بود "من زیرک‌ترین سیاست‌بازترین فرد بودم" (۹)

علی هنگامی که مسئولیت اداره‌ی جامعه را عهده‌دار می‌شود، در حقیقت وارث سال‌ها کجروی و انحطاط و خرابی می‌گردد. این میراث یک ربع قرن کنار زده شدن انقلابیون از انقلاب‌شان بود. از همان آغاز معلوم بود که برای احیاء و جایگزین‌سازی مناسبات انقلابی-توحیدی، چه تلاش و انرژی فوق‌العاده‌ی لازم است. بخصوص که ثروت‌های بادآورده‌ی ایران و رم و آفریقا و... وابستگی به مناسبات منحط و ضد اسلامی موجود را در ابعاد نسبتا وسیع شدت بخشیده بود. بهرحال شیوه‌ی کار علی کاملا انقلابی است:

اولا: در زمینه‌ی سیاست خارجی فتوحات و جنگ‌های خارجی را که در آن زمان بصورت یک نوع میلیتاریسم و توسعه‌طلبی (البته تحت نام "صدور اسلام") بمنظور سرپوش گذاشتن بر تضادها و مسائل لاینحل داخلی و بدست آوردن

در هم شکستن دشمن و جلب هواداران، تجهیز و سازماندهی و رهبری آنان همه نیازمند زمان است. مردم زمانی پیرامون یک رهبری گرد می‌آیند، از آن حمایت می‌کنند و بدان اعتماد می‌کنند که خود تا اندازه‌ای به تجربه‌ی سیاسی دست یابند...

میلیون‌ها انسان هرگز به نظریات احزاب اعتنا نخواهند کرد مگر اینکه این نظریات با تجربه‌ی شخصی ایشان سازگار باشد"

۳- نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام متن صفحه ۵۰

۴- نهج‌البلاغه متن صفحه ۵۷

۵- نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۳ فراز ۱۸

۶- نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۳ فراز ۱۷

۷- نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۳ فراز ۱۷

غنائم درآمده بود، اکیدا موقوف می‌کند و آنرا معارض اصول عقیدتی اعلام می‌نماید. ثانيا: در زمینه‌ی سیاست داخلی نیز یک "انقلاب جدید" را اعلام می‌کند. مسئله‌ی اساسی هر انقلابی نیز چنانچه می‌دانیم مسئله‌ی "قدرت سیاسی" است یعنی مسئله‌ی اینکه نمایندگان چه اقشار و طبقاتی قدرت و سررشته‌ی امور را بدست می‌گیرند. سخنان علی در خطبه‌ی ۱۶ نهج‌البلاغه در این مورد باندازه‌ی کافی گویاست:

"أَلَا وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّكُمْ..."

بدانید که وضعیتان اکنون درست مانند زمانی است که خداوند پیامبرش را برانگیخت. این اعلام انقلاب جدید بود. یعنی به قهقرایافته‌اید، یک‌ربع قرن به عقب برگشته‌اید و به خداوندی که محمد را به حقیقت مبعوث کرد، سوگند: "تَبَلَّبَلْنَ بَلْبَكُهُ وَ كَتَبَرَلْنَ عَزْبَكُهُ"، شما زیر و رو خواهید شد، غریبال خواهید شد "و تَسَاطَرْنَ سَوَاطِ الْقَدَرِ حَتَّى يَغُودَ أَسْفَلَكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ وَ لَيَسْقُنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرًا وَ لَيَقَصُرَنَّ سَبِقُونَ كَانُوا سَبِقًا" چنان زیر و رو خواهید شد که گفتگیر، غذا را در دیگ زیر و رو می‌کند. بطوریکه پائینی‌هایتان بالا، و بالائی‌ها پائین شوند، و آنهایی که قبلا جلو می‌تاختند (فرصت‌طلبان و شیوخ و گردن کلفت‌هایی که نان را به نرخ روز می‌خورده و مصدر امور شده بودند) عقب بمانند و آنهایی که (بناحق) کنار زده شده بودند (ابوذرها و عمارها و...) جلو بتازند...

در ابتدای این خطبه نیز بقیه در صفحه‌ی ۳۹

لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحَاجَةِ بِوُجُودِ التَّائِبِ...

اگر حاضر نمی‌شدند آن جمعیت بسیار (برای بیعت با من) و یاری نمی‌دادند که حجت تمام شود...

۸- حضرت علی در تأکید بر صلاحیت خود در امر رهبری و بدست گرفتن حکومت گفته بود: من برای خلافت مانند قطب وسط آسیا هستم (نهج-البلاغه خطبه‌ی ۳)

۹- نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۱۹۱:

وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةَ بَأْذَنِي مَنِي، وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجُرُ، وَ لَوْ لَأُكْرِهِيَةُ الْقَدْرُ لَكُنْتُ مِنَ آذِهِ السَّابِقِ، بَخْدَا سَوَكُنْدُ مُعَاوِيَةَ مِنْ زَيْرِكُتَرِ نَيْسْتِ، لِيَكُنْ أَوْ خِيَانَتِ وَ نَافَرْمَانِي بِيْشْتِ نَمُودِه وَ اِگَرِ نَقْضِ تَعَهْدَاتِ (خِيَانَتِ) نَگُوْهِدِه نَبُودِ، مِنْ زَيْرِكُتَرِ مَرْدَمِ بُوْدَمِ.

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

سالروز ۳۰ خرداد

یادآور تباہکاری ها و جنایت ها، شقاوتها و پلیدی های وصف ناپذیر یک رژیم

و
کارنامه درخشان و شکوهمند سراسر ایثار و فدا و پایداری و شرف انقلابی یک نسل:

نسل توفان

"... در این نقطه (۳۰ خرداد) بود که مجاهدین تصمیم تاریخی شان را به حکم خدا و خلق گرفتند: فدا! به عبارت دیگر همچنانکه بارها تکرار کرده ایم، ما تصمیم گرفتیم که حتی به بهای فدا کردن تمامی بود و نبود و خانمان تشکیلاتی و فردی مان، فتنه‌ی خمینی و متحدان ضدانقلابی‌اش را از ریشه در این میهن براندازیم و با روی گشاده از تمامی مشقات این مهم، "عاشورا" وار استقبال کنیم. و امروز می‌توانم بگویم که اگر جز با این چشم‌انداز حرکت می‌کردیم و اگر در لحظه‌ی سرنوشت‌ساز به حکم تاریخ و وظیفه‌ی عقیدتی و انقلابی‌مان قیام نمی‌کردیم، امروز همچون بسیاری نیروهای دیگر آنچه از مجاهدین بجا می‌ماند، چیزی جز شتی شعر و شعار و سرافکنده‌گی تاریخی بیش نبود..."

از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت اولین سالگرد ۳۰ خرداد

"... شرف و اراده‌ی پیشتان مجاهد خلق بسا فراتر از این بود که به دژخیم تسلیم شوند و یا سازش سیاه و ننگین را بر مقاومت خونین و پرافتخار مرجح شمارند..."

و چنین بود که ما مجاهدین "بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران" حتی با چشم‌اندازی "عاشوراگونه" قیام کردیم و بدینگونه پرچم شرف و اعتبار یک خلق محروم و انقلابی را به سنگین‌ترین بهای ممکن در هولناک‌ترین مقطع تاریخش سرافراز و سربلند بردوش کشیدیم..."

از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت دومین سالگرد ۳۰ خرداد

"... آری در شب ۳۱ خرداد ماه پروسه‌ی ضدخلقی شدن رژیم دیگر تکمیل شده و از روز ۳۱ خرداد، ما دیگر با رژیم ارتجاعی، ضدخلقی و ضدانقلابی خمینی جلاد، پیرکفتار خون‌آشام ارتجاع سر و کار داشتیم، آیا دیگر پاسخ ضدخلق و ضدانقلاب چیزی جز قهر و گلوله هست؟ بدین ترتیب ۳۰ خرداد ۶۰، با ۲۵ شهید، صدها مجروح و صدها اسیر، به عنوان یک نقطه‌ی عطف در تاریخ مبارزات رهاشبخش و حرکت انقلابی میهن ما، پایان یک دوره و آغاز دوره‌ی دیگر بود. ما نیز راه خود را برگزیدیم. در این موقعیت برای ما در جهت انجام مسئولیت‌های تاریخی‌مان و در جهت حفظ انقلاب و نجات آن، فقط یک راه باقی می‌ماند، و آن راه مقاومت و مبارزه‌ی مسلحانه و قهرآمیز بود. بدین ترتیب خمینی سرانجام در برابر ما آتش جنگ را برافروخت که البته دودش به چشم خودش رفت."

"سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی"

بیا خیزید بچه‌ها

برای نبرد فردا

نبردی سخت و بی‌امان، نبرد خلق علیه ارتجاع

پیروزی از آن ماست

پس تا حاصل نهائی نبرد کنید

زیرا وصیت شهیدانمان اینست

سازش در نبرد خلق امکان‌پذیر نیست

این را جوخه‌های اعدام بچه‌ها گوید

بخشی از یک قطعه شعر، سروده‌ی مجاهد قهرمان محمدکاظم افجه‌ای، نخستین شهید مقدس عملیات فدائی (انتحاری) مجاهدین در زندان اوین

غیرممکن، ممکن گردید و به یمن تشکیلات قوی، انضباط آهنین، خلاقیت و حسن تدبیر و پشتکار مسئولین و فرماندهان قهرمان سازمان، ۵۰۰ هزار تن از مردم تهران با راهپیمائی باورنکردنی، عزم جزم خود را بر حراست و نگهداری از انقلاب و نجات آن از دست پیرکفتار ارتجاع و دار و دسته‌ی دین‌فروش و ضدخلقی او، اعلام کردند و حکم اعدام بهشتی، راسیوتین مکار دربار خمینی را صادر نمودند. و بدین‌وسیله و از همان لحظه نیز، شخص خمینی دجال و مردم‌فریب و تبهکار به‌ناچار از پشت چهره‌ی مجریان و عاملین جنایتکاری همچون، آیت‌الله جهنمی بیرون آمد و عریان و تیغ بر کف، رأس‌ارودر روی خلق و انقلاب‌ایستاد! ساعاتی بعد بدستور شخص خمینی، پاسداران و کمیته‌چی‌های ضدخلقی زانو بر زمین زده و راهپیمائی مسالمت‌آمیز مردم را به رگبار بستند و صدها تن را کشته و مجروح نمودند. در واقع در همان لحظات نیز تهمانده‌ی مشروعیت ارتجاع مطلقاً فرو ریخت و البته در همان مقطع نیز ناقوس سقوط محتوم کلیت رژیم خمینی با ۱۴۰۰ سال میراث سالوس و ریا و جنایت در سراسر جهان طنین‌انداز شد. و اینک محتضرانه، تنها در پناه افزایش مستمر اعدام و شکنجه و سرکوب و اختناق، دم و بازدم می‌کند! بدین ترتیب در سرفصل تاریخی ۳۰ خرداد، مجاهدین به تمامی اصول ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی خود و بویژه بر عهد و پیمان خونین خود با کاروان‌والای‌شهدای گرانقدر سازمان وفادار ماندند و با آگاهی و هوشیاری کامل - ضمن برپائی تظاهرات ۳۰ خرداد، بمثابة یک اتمام حجت زنده و آشکار تاریخی - به مسئولیت خطیر و سنگین تاریخی، ایدئولوژیک، تشکیلاتی و سیاسی خود عمل نمودند؛ و از فردای آن روز نیز مبارزه‌ی مسلحانه بر علیه رژیم ضدبشری خمینی، مشروع،

منطقی، انقلابی و واجب گردید.

براستی از آن پیشتر چه کسی فکر می‌کرد که در عمق وجود خمینی و دار و دسته‌ی ارتجاعی‌اش، دیو پلید جنایت و شقاوت و رذالتی نهفته است که بی‌محابا هزارهزار، نوجوان را به جوخه‌های اعدام می‌سپارد، بدون آنکه بعضاً (همچنانکه در ماههای اول پس از ۳۰ خرداد بوفور انجام گردید) حتی هویت تیرباران شدگان را کسب و اعلام نماید...

- زنان باردار مجاهد را با جنین‌شان تیرباران نماید؟! -

- خون‌ریزندگان و انقلابیون مجاهد و مبارز را قبل از اعدام کشته و به رگ‌های سیاه‌مزدوران کثیفش تزریق نماید؟! -

- فتوای حلیت تجاوز به نوباوگان را قبل از اعدام، صادر نماید؟! -

- انواع شیوه‌های اعدام و شکنجه و مثله را، در ابعادی وسیع‌تر از سیاه‌ترین دوران قرون وسطی، در حق اسرا و زندانیان سیاسی بکار گیرد! با جرنقیل مراسم اعدام خیابانی راه بیندازد، در مقابل حرم امام رضا (ع) دهها مادر، فرزند، دختر و پسر مجاهد را از چوبه‌های دار بیاویزد، مادر را به شکنجه‌ی فرزند و فرزند را به شکنجه و شلاق‌زدن مادر اسیر و دست‌بسته‌ی خود وادارد و حتی اجساد اعدام‌شدگان را مثله کرده و یا گور مقدس آنها را محو و نابود کند و...

و بر تمامی این‌ها، مهر "شرع"، "اسلام"، خدا و دین و ائمه‌ی اطهار بزند؟! -

و براستی چه بهائی گزاف و شگرف لازم بود تا ماهیت این دیو پلید و تبهکار، با خلق و خو و طینت ضدبشری - که قرن‌ها در خدمت و سربرآستان حکام جور و از طریق در هم و دینار و موجب و با الطاف "آریامهری" مهار گردیده بود، و اینک قصد آن داشت تا ابد مدت در ایران خلافت سفیانی راه بیندازد و خون مردم را در شیشه کند - را نه تنها در پیش چشم مردم ستم‌دیده‌ی میهنمان و افکار جهانی رسوا و مفتضح، بلکه با ضربات کوبنده‌ی مسلحانه، آن را کمرشکن نموده و از اساس بی‌آینده نماید؟! پس براستی مجاهدین خلق ایران، برغم کاروانی طولانی از شهدای ارزنده‌ای که در این راه تقدیم

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

بیسابقه‌ترین و شگفت‌انگیزترین جنایت‌ها و رذالت‌ها در پس پردهٔ دین!

از فردای ۳۰ خرداد موج اعدام‌ها شروع گردید. بسیاری از رزمندگان مجاهد، بدون مشخص شدن هویتشان، بدون برگزاری حداقل دادگاه و دفاعیه، در همان ساعات اول دستگیری به جوخه‌های تیرباران سپرده شدند. مجاهد قهرمان، شهید مقدس محمدکاظم افجه‌ای، یکی از گواهان عینی ددمنشی‌ها و خونریزی و خون‌آشامی‌های ایادی خمینی در روزهای پس از ۳۰ خرداد بود. وی بدلیل ماموریت سازمانی که در زندان

ناپذیر چه با معرفی شورا و جلب حمایت برای آن و چه افشای جنایات خمینی و معرفی مقاومت داخلی در برابر رژیم از طریق برپائی تظاهرات، راهپیمائی، اعتصاب غذا، تحصن، آکسیون‌های خیابانی، پخش نشریه و اطلاعیه و بوستر و تراکت و دهها حرکت و شیوه‌های ابتکاری، تا آنجا که در توان داشتند به زنده نگاه داشتن و به ثمر رساندن خون هزاران برادر و خواهر مجاهد خود، قیام کردند. آنها در کنار این فعالیت‌های گسترده که در تمامی طول فعالیت‌های دانشجویی خارج کشور به معنی واقعی کلمه شگفت‌آور و بی‌سابقه است، و خلاصه در مدت کوتاهی - در مقیاس با عمر این رژیم منفور - کاری کردند که خمینی "رهبر مستضعفین جهان" در افکار عمومی جهانی تبدیل به "منفورترین چهرهٔ جهان" گردید!

بدین ترتیب، ردیف نمودن و سپس سرجمع کردن سه سال فعالیت سترگ نظامی و سیاسی اعم از فعالیت‌های نظامی داخل و سیاسی - تبلیغاتی خارج از کشور، - از ۳۰ خرداد ۶۰ تاکنون - این واقعیت شکوهمند را به اثبات می‌رساند که مجاهدین با تمام وجود و از سر شور ایمان به خدا و خلق عهد کردند که حتی به بهای فدا کردن تمامی بود و نبود و خانمان تشکیلاتی و فردی، قننهی خمینی و متحدان ضدانقلابی‌اش را از ریشه در این میهن براندازند و بر این عهد و پیمان و تصمیم راسخ خود تا این لحظه مردانه پای فشرده‌اند.

از همین رو در سالگرد تاریخی ۳۰ خرداد، بی‌مناسبت ندیدیم، ضمن آنکه گوشه‌هایی از پلییدی‌ها و شقاوت‌های دار و دسته‌ی ضدبشری خمینی را یادآور می‌شویم، بطور مختصر و فشرده، به فعالیت‌های سیاسی سازمان و نیروها و هواداران آن در سراسر جهان که بکرات به محکومیت رژیم خمینی توسط مجامع جهانی منجر شده نیز اشاره کنیم. با این امید که این فعالیت‌های همه‌جانبه، در مسیر شتابان و رشدیابنده و فراگیرنده‌ی خود، نقش مکمل خود را در ساقط کردن هر چه سریع‌تر دیکتاتوری اختناق و فریب خمینی، بخوبی ایفا نماید.

مسعود رجوی، دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت، اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور و در راس تمامی اینها مصاحبه‌ها و پیام‌ها و نامه‌ها و اطلاعیه‌های مسئول اول سازمان و مسئول شورا برادر مجاهد مسعود رجوی، رژیم خمینی را - آنچنانکه هست - به تمامی افکار جهان و مجامع بین‌المللی و دولت‌ها و کشورها و ملت‌ها شناساند. سیستم‌های ارتباطی و خبری و تبلیغاتی مجاهدین، ابعاد گوناگون جنایات خمینی را، در اسرع وقت بر روی آنتن خبرگزاری‌ها، رادیو تلویزیون‌ها و مطبوعات معتبر جهانی منعکس نمود. گواهان و شاهدان زنده، با پاهای تکه و پاره شده در زیر شکنجه، و بدن‌های سوخته شده بدست جلادان و شکنجه‌گران دیوسیرت خمینی، در مجامع جهانی به توصیف وضعیت شکنجه‌گاهها و کردار شکنجه‌گران و در یک کلام به توصیف خمینی پرداختند.

اخبار مربوط به ایران و بویژه گزارشات اعدام و شکنجه و زندان و سرکوب و اختناق، پیوسته از طریق دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران در پاریس، نشریه‌ی "مجاهد"، رادیو "صدای مجاهد" و نشریات مختلف "اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور" - که به چندین زبان زنده‌ی دنیا منتشر می‌شود - در ایران و در دنیا پخش گردیدند. انتشار لیست اسامی ۷۷۴۶ تن از شهدای مجاهد و مبارز در شهریور ماه سال گذشته که با صرف انرژی بسیار زیاد و تلاش شبانه‌روزی "واحد تحقیقات شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" سازمان مجاهدین تهیه و توسط نشریه‌ی "مجاهد" منتشر گردید، موجی از حیرت و همچنین تنفر افکار عمومی را برعلیه جنایتکاری‌های رژیم خمینی برانگیخت و بطور چشمگیری سردمداران و کارگردانان به خشم آمده و غضبناک رژیم را در معرض سؤالات و محکومیت‌های سازمان‌ها و شخصیت‌های انسان - دوست و طرفدار حقوق بشر قرار داد.

اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان، در کشورهای مختلف جهان، با فعالیت‌های بی‌وقفه‌ی شبانه‌روزی و خستگی -

خدا و خلق و میهن و انقلاب خود کردند، برغم اینکه سردار شهید خلق و آزادی، موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد، شهید اشرف ربیعی و فرمانده‌ی والامقام، محمدصابی و مجاهد قهرمان محمدرضا سعادتی و دهها فرمانده و کادر ارزنده و هزاران میلیشیای قهرمان سازمان را قدیمی راه رهایی خلق نمودند، و برغم دهها هزار اسیر و شکنجه شده و خانواده‌ها و مادران داغدار و شهدا و اسرای مجاهد و ... امروزه با کمال سربلندی و افتخار و غرور انقلابی، به خود می‌بالند، که در سایه‌ی چنین مجاهدت و ایناری عظیم، انقلاب رهائیبخش و ظفرمند خلقمان، در زیر خروارها خاکستر اختناق و سرکوب خمینی مدفون نگردید و شعله‌های آن، مردم در کوچه و خیابان شهرها، در پهنه‌ی سبزپوش جنگل‌های شمال و یا در سنگرهای کردستان و حتی از پس دیوارهای بلند شکنجه‌گاهها و سیاه‌جال‌های خمینی، فروزان‌تر شده و هر لحظه بیشتر و بالاتر زبانه می‌کشد!

در کنار و به موازات فروش سهمگین نظامی رزمندگان مجاهد خلق در برابر ارتجاع خونریز و ضدبشری خمینی، فعالیت عظیم و گسترده‌ی سیاسی و تبلیغاتی سازمان، بعنوان مکمل ضروری و واجب آن مبارزه‌ی قهرآمیز و خونین، جایگاه خاص و تعیین‌کننده‌ی خود را دارد. و لذا آنچنانکه امروز کاملاً مسلح شده، آن مبنای اجتناب - ناپذیر (نظامی)، چنین شرط سیاسی ضروری را جهت به ثمر رساندن و بار آوردن تمامی میوه‌ها و بهره‌های انقلابی خود می‌طلبیده است. در ادامه‌ی این فعالیت‌ها، سازمان تا آنجا که در چارچوب مقدرات و امکاناتش می‌گنجید، اجازه نداد، یک لحظه و یک مورد نیز از جنایات ضدبشری خمینی، در حصار ضخیم اختناق و سانسور بی‌سابقه و کم‌نظیر دستگاههای سرکوب و جاسوسی و تفتیش عقاید رژیم خمینی، مخفی مانده و آنچنان که دلخواه پیرگفتار جماران است، همه چیز و همه کس - با شمشیر شرع! - مخفیانه سر بریده شود! بلکه برعکس فعالیت‌های بی‌وقفه‌ی دفتر برادر مجاهد

اطلاعات

۲۴ بهمن / ۶۰



یکی از اعضای کادر نظامی منافقین به هنگام فرار به هلاکت رسید

یکی از اعضای کادر نظامی گروه منافقین در نوشهر به هنگام فرار مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به هلاکت رسید.

به گزارش روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۲ (گلان - مازندران) میرهادت میروزی از اعضای کادر نظامی منافقین در نوشهر که در یازدهم بهمن در استان مازندران این شهرستان پسر سرد به بهانه کسالت تقاضای انتقال به بیمارستان کرد و با تقاضای وی موافقت شد. او ساعت ۹ دیشم به هنگام انتقال به بیمارستان اقدام به فرار نمود ولی با موشکاری برادران پاسدار و به علت عدم توجه به ایست مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به هلاکت رسید.

بنیاد



به هیئت انسانی آسید محمد بنی لاهیجان از: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لاهیجان

موضوع: دفن جسد

احتراماً:

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که به حکم دادگاه انقلاب اسلامی چالوس میرهادی میروزی معکوم به اعدام گردید. مقتضی است نامبرده را در قطعه ۲۴ دفن نمایند. خداوند به توفیقات و تائیدات شما بیفزاید.

باشکر:

قائم مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لاهیجان

پور نصیری



جلادان رژیم خمینی بخوبی از تجربیات ساواک شاه خائن نیز بهره‌داری لازم نموده‌اند. ملاحظه می‌شود، همچنانکه ایادی جنایتکار شاه، انقلابی را در اردیبهشت ۵۴ بر فراز تپه‌های اوین به‌رگبار بستند و ردیلا نه اعلام کردند که آنها هنگام فرار گشته شده‌اند، مزدوران رژیم در نوشهر نیز پس از اعدام مجاهد شهید میرهادی میروزی - آنهم به حکم دادستانی ضدانقلاب - در روزنامه‌ها شهادت او را هنگام فرار از بیمارستان ذکر کرده‌اند.

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

بلافاصله اضافه می‌کند: "اسلام (خمینی) اجازه می‌دهد حتی اگر زیر تعزیر، آنها جان هم بدهند کسی ضامن نیست، که عین فتوای حضرت امام است... (اطلاعات ۸/مهر/۶۱)"

نمونه‌هایی از جنایات رژیم

بدین ترتیب رژیم در طول این سه سال، بیش از ۴۰ هزار نفر از رزمندگان و هواداران مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی را یا در درگیری‌ها و یا در زیر شکنجه‌های وحشیانه به شهادت رسانده و اغلب آنها را نیز به جوخه‌های تیرباران سپرده است. در میان شهدای مجاهدین همه‌گونه ترکیب سنی و جنسی دیده می‌شود از "مهدی مسعودی" دو ساله تا درویش - علی قادیکلای پیرمرد روستای قادیکلای قائمشهر، از فاطمه مصباح ۱۴ ساله تا مادر ذاکری ۷۰ ساله، از ثریا ابوالفتحی با جنینی در رحم، تا خانواده‌ی کبیر مصباح با ۷ شهید که تمامی اعضای خانواده را تشکیل می‌دادند. آری برای جاروب کردن ارتجاع با ۱۴ قرن سابقه‌ی فریب و خیانت، سالوس و تزویر و دین‌فروشی، و بویژه پاک کردن صفحه‌ی میهن از لوٹ وجود ننگین خمینی، این رذل‌ترین و خونخوارترین نماینده‌ی ارتجاع در عصر حاضر، چنین بهائی لازم بود و مجاهدین با خانمان و با تمامی خانواده تا پای جان بر سر این وظیفه‌ی مقدس ایدئولوژیک - سیاسی خود ایستادند. با فدیة کردن خانواده‌هایی همچون خانواده‌ی کبیر مصباح (با ۷ شهید)، خانواده‌ی عالمزاده (با ۹ شهید)، خانواده‌ی شقائی (با ۶ شهید)، خانواده‌ی ابراهیم پور (با ۶ شهید)، خانواده‌ی حسینی بزرگ (با ۶ شهید)، خانواده‌ی تدین (با ۵ شهید)، خانواده‌ی مرتضائی (با ۵ شهید)، خانواده‌ی حریری (با ۵ شهید)، خانواده‌ی زائران مقدم (با ۵ شهید)، خانواده‌ی خیابانی (با ۴ شهید)، خانواده‌ی آل اسحاق (با ۴ شهید)، خانواده‌ی خسروی (با ۴ شهید)، خانواده‌ی ابراهیمیان (با ۴ شهید)، خانواده‌ی الهی (با ۴ شهید)، خانواده‌ی کبیری (با ۳ شهید)، خانواده‌ی ترابی (با ۳ شهید)، خانواده‌ی شایسته (با ۳ شهید)، خانواده‌ی امامی (با ۳ شهید)، خانواده‌ی شگری (با ۳ شهید)، خانواده‌ی بقائی (با ۳ شهید)، خانواده‌ی بزرگانفر (با ۳ شهید)،

خانواده‌ی صادق (با ۳ شهید)، خانواده‌ی مویاب رضائی (با ۳ شهید) و خانواده‌ی عالمی (با ۳ شهید)..... با اینکه اسناد و عکس‌ها و گواهان بر آنچه که رژیم با این شهدا روا داشته بسیار بسیار کم است و بهیچوجه حتی گوشه‌ای از جنایات رژیم را نمی‌رساند، با اینحال با توجه به شناخت و تجربه از رژیم و گزارشات موثقی که تا این لحظه از درون شکنجه‌گاهها و نحوه‌ی برخورد جلادان با محکومین به اعدام به بیرون درز کرده، با قاطعیت می‌توان گفت که برای هر کدام از ۴۰ هزار شهید بایستی پرونده‌ی مستقلی از جنایات رژیم باز نمود و سختی‌ها و مصائب و آزارهایی که تا قبل از اعدام تحمل کرده‌اند (منجمله کشیدن خون آنان چند لحظه قبل از اعدام)، هر کدام را با ویژگی‌های خاص خود، تشریح نمود. کاری که به یقین در فردای پیروزی انقلاب نوین خلقمان (یوم تبلی السرائر): روز گشوده شدن اسرار) بدست خلق قهرمان ما انجام خواهد گرفت. تنها برای نمونه، به چند مورد از جنایات رژیم اشاره می‌کنیم.

- در روزهای پس از ۳۰ خرداد به محض روشن شدن خط آدم‌کشی ارتجاع، طبق شواهد متعدد عینی مزدوران سپاه و کمیته، در برخی شهرها (منجمله بهشهر) تعدادی از رزمندگان مجاهد را در خیابان و مقابل چشم مردم، در حالیکه دست‌های آنان را از پشت بسته بودند، به ضرب چوب‌های میخ‌دار که بر صورت و مغز آنها می‌زدند، همانجا به شهادت می‌رسانند.

- در جهرم باندی از مزدوران جنایتکار سپاه ضد خلقی، تحت فرمان آخوند جنایتکار "آیت‌اللهی" به آدم‌کشی‌ها و شکنجه‌های رسمی قناعت نکرده و رزمندگان مجاهد (بویژه آنهایی را که رژیم باصطلاح آزاد نموده) را با تمهیدات و تدارکات لازم می‌ربایند و آنها را پس از شکنجه‌های فراوان سر به نیست کرده و اجساد آنها را در قنات‌های اطراف جهرم می‌اندازند. تا اواخر سال ۶۱، تنها ۱۶ جسد از قنات‌ها کشف شده است. (مراجعه شود به مجاهد ۱۵۲)

- در گرگان، آدمکشان سپاه ضد خلقی، مجاهد شهید "حسن سهرابی" را در تاریخ ۲۹ آذر ۶۱

از منزلش ربوده و او را پس از شکنجه‌های فراوان، منجمله سوزاندن بدن، به شهادت رساندند.

- در چالوس، مزدوران سپاه پس از دستگیری یکی از رزمندگان مجاهد (یکی از رابطین شهر) - که چندین بار از جنگ ایادی رژیم گریخته بود - تمامی بدن او را با ریختن روغن زیتون به آتش کشیدند و او را به شهادت رساندند.

- در بخش "گز" در حوالی جاده‌ی بهشهر و گرگان، رژیم ۵۱ تن از اهالی را به جرم هواداری و همکاری با مجاهدین اعدام کرده است. لازم به توضیح است که از این تعداد تنها به یک نفر اجازه‌ی دفن در گورستان عمومی این بخش داده شده و بقیه در منازل، باغات، جنگل‌ها و مناطق دورافتاده به خاک سپرده شده‌اند....

- ایادی جنایتکار سپاه رشت، ۷ تن از رزمندگان اسیر مجاهد را زنده‌زنده در آتش سوزانده و به شهادت رساندند. رژیم باز هم به شیوه‌ی شاه خائن، وقوع این جنایت را در "حین فرار

زندانیان" اعلام نمود (جمهوری ۹/آبان/۶۰)

- اسفندماه سال ۶۲ آدمکشان سپاه ضد خلقی رودسر ۴ زندانی مجاهد و مبارز، (مجاهدین شهید "علیجان"، "جمالی"، "مبارکی" و "مبارز شهید" صدیق) را در یک سلول واقع در زندان سپاه ضد خلقی رودسر، زنده‌زنده سوزاندند. (مجاهد ۱۹۹)

- فروردین سال ۶۲، جلادان رژیم خمینی در تبریز، مجاهد قهرمان، "اکبر چوپانی" را در مقابل دیدگان حیرت‌زده‌ی سایر زندانیان سر بریدند. و بدین ترتیب یکی از سیاه‌ترین و جنایت‌بارترین کینه‌های ایادی خمینی نسبت به مجاهدین به نمایش گذاشته شد و خمینی سلف و اجداد شمر و یزید خود را روسفید نمود (مجاهد ۱۶۷)

شکنجه‌گاهها

وسپاه جالهای رژیم خمینی و مقاومت شکوهمند "زندانیان سیاسی" جنایات ضد بشری رژیم خمینی تنها در گسترش اعدام‌ها و



ظلم و بیعدالتی و آدمکشی در رژیم خمینی حد و مرز ندارد، مزدوران خمینی ۴ عضو یک خانواده را یکجا "اشتباهاً"!! اعدام کرده‌اند!

میزان و نحوه‌ی شکنجه‌ها خلاصه نمی‌شود و علاوه بر اینها، نحوه‌ی برخورد رژیم با مسئله‌ی زندانیان سیاسی نیز، وجهی از طینت ضد بشری رژیم خمینی می‌باشد. هم‌اینک بیش از ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی در صدها بازداشتگاه و زندان علنی و مخفی رژیم بسر می‌برند. لاجوردی جلاد، یکسال و اندی پس از ۳۰ خرداد، در مورد تراکم زندانی در اوین توضیح می‌دهد که: "پس از ۳۰ خرداد ما آمادگی پذیرش ناگهانی روزانه مثلاً ۵۰ نفر و ۱۰۰ نفر متهم را نداشتیم... پس از ۳۰ خرداد یکمرتبه سیل متهمین بسوی زندان سرازیر شد. روزی ۲۰، ۳۰، ۵۰ و گاهی به ۶۰ و ۷۰ زندانی هم رسید... یک دفعه ۵۰ نفر به زندانی‌ها اضافه می‌شود. طبیعی است که یک مقدار غذا کم می‌آید..." (اطلاعات ۱۳/۵/۶۱)

بدون تردید، روند دستگیری‌ها در مراحل بعد با توجه به افزایش ارگان‌های جاسوسی و اطلاعاتی رژیم و دستورات سرکوبگرانه‌ی سردمداران ارتجاع بمراتب فزونی گرفته است. با اینهمه حتی اگر همین گفته‌ی لاجوردی ملاک قرار گیرد، آمار زندانیان سیاسی تهران، به تنهایی بیشتر از محاسبات دست پائین ماست. حال آنکه در استان‌های مختلف و پرجمعیت کشور نیز حجم دستگیری‌ها بمراتب بالاست، بنحوی که حتی مزدوران رژیم در شهری مثل اهواز هر از گاهی آمار ۶ هزار دستگیری در عرض چند ماه ارائه داده‌اند. به همین دلیل کارگزاران جنایتکار رژیم در شهرهای مختلف کشور، از هر ساختمان دولتی و نیمه‌دولتی و یا حتی خانه‌های صادره‌ای، که برایشان امکان داشته، برای نگاهداری زندانیان سیاسی استفاده کرده‌اند! و نهایتاً وقتی باز هم در تنگنای بیش از حد قرار گرفتند به این رهنمود امام ضدبشرشان عمل کرده‌اند که مگر جرم آنها محرز نشده، چرا نگهداشته‌اید، اعدامشان کنید؟! (اسامی ۳۳۹ عدد از زندان‌ها و شکنجه‌گاههای رژیم در "مجاهد" ۱۹۵ بچاپ رسیده که با برخی گزارشات و آمارهای تکمیلی که بدست ما رسیده این تعداد به حدود ۴۰۰ عدد می‌رسد.)

اما وضعیت درون زندان‌ها،

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دموکراتیک مردم ایران

چه بلحاظ عدم رسیدگی‌های صنفی و چه ادیت و آزار روانی، بسیار وحشتناک است. اعترافی که از لاجوردی درخیم فوقا نقل کردیم، به تنهایی گوشه‌ای از مشکلات غذائی دهها هزار زندانی متراکم شده در زندان‌های رژیم را نشان می‌دهد. در بسیاری موارد تنها تکه‌ای نان، غذای زندانیان را تشکیل داده است. فضای مرطوب زندان‌ها، تعداد زیاد زندانی‌ها، عدم رسیدگی‌های پزشکی و داروئی، فقدان نور کافی در سلول‌ها و بندها، عدم تغذیه‌ی مکفی و... زندانیان سیاسی را به انواع بیماری‌های گوارشی و پوستی و... دچار می‌کند. این مسئله بویژه خواهران و زنان زندانی را بطور مضاعف آزار می‌دهد. بنحوی که در بسیاری موارد، آنها مجبورند برای پیشگیری و یا درمان بیماری‌های پوستی، فی‌المثل موهای خود را از ته بتراشند. در زمینه ملاقات با خانواده، صرفنظر از اینکه بسیاری از زندانی‌ها، ممنوع‌الملاقات می‌باشند، ملاقات‌های محدود برخی زندانی‌ها در شرایط بسیار ناهنجار و آزاردهنده‌ی صورت می‌گیرد. لاجوردی جلاد اوین صریحا می‌گوید: "بعد از ۳۰ خرداد برای آنکه نتوانند با بیرون ارتباط برقرار کنند، ما ناگزیر شدیم اینها ملاقاتشان تلفنی باشد و تلفنشان هم کنترل شود." (جمهوری ۳۰/۶/۱۰) وی سپس واهمی خود و رژیمش را از ادامه‌ی مقاومت رزمندگان در زندان، طی سخنانی در برابر زندانیان اوین چنین بیان می‌کند: "یکی از دلائل عدم ملاقات این است که شما با بیرون رابطه برقرار نکنید... بی‌رودریاستی باید بگویم که به شما اطمینان نداریم و می‌دانیم که در اولین ملاقات هزار نوع حرف توی زندان آوردن است... خط دادن به سازمان و خط گرفتن از سازمان، نه اینکار را نمی‌کنیم" (اطلاعات ۶۰/۱۰/۲۹)

از سوی دیگر ادیت و آزار روحی و روانی بر مراتب بیشتر از کمبود امکانات زیستی زندانیان را تحت فشار قرار می‌دهد، شرکت اجباری مستمر در مراسم ارتجاعی زندان، شنیدن اراجیف کسل‌کننده و تکراری سخنرانان جنایت‌پیشه و منفور،

مشاهده‌ی خواهران و برادران شکنجه‌شده، تحمل تنبیهات و دشنام‌های لحظه به لحظه‌ی پاسداران و زندانبانان کثیف و لومین‌صفت و ددمنش رژیم، مشاهده‌ی فرا خواندن روزمره‌ی تعدادی از خواهران و برادران جهت تیرباران، و هرازگاهی نیز شرکت اجباری در ضدانسانی‌ترین نمایشات رژیم از قبیل صحنه‌های تیرباران همزمان، صحنه‌ی حلق‌آویز کردن مجاهد شهید حبیب‌الله اسلامی در زندان اوین، صحنه‌ی سربریدن اکبر چوپانی در تبریز، بدارآویختن ۱۷ مادر و برادر و خواهر در زندان مشهد و... و فشارهای دائم‌التزاید برای شرکت در شوها و مصاحبه‌های تلویزیونی و اظهار ندامت! به همین جهت رژیم مصرانه‌وسرسختانه، تاکنون در قبال کلیه‌ی درخواست‌های مجامع جهانی حقوق بشر و عفو بین‌الملل، برای یک بازدید اساسی و واقعی از زندان‌ها ایستاده و از پذیرش آن طفره رفته است. بدیهی است انعکاس وضعیت ناهنجار و مرگ‌آور سياهچال‌های رژیم در افکار عمومی جهان، بحدی است که رژیم ترجیح می‌دهد، بازتاب جهانی جلوگیری از ورود اینگونه محافل برای بازدید از زندان‌ها را بپذیرد، اما از آنچه که درون زندان‌ها می‌گذرد چیزی به بیرون درز نکند!

اما علیرغم این فشارها و سختی‌ها و برغم اینکه هرآنکس که از زندان‌ها و شکنجه‌گاههای رژیم بازگشته و یا گزارشی از آن دارد، اذعان می‌کند که: حضور در زندان‌های خمینی یعنی مرگ تدریجی! با اینهمه در اعماق ۱۲۰ هزار زندانی و صدها زندان رژیم، خورشیدی نهفته است و حماسه‌ای شکوهمند جریان دارد که افکار عمومی داخلی، خانواده‌های زندانیان و همچنین افکار جهانی را در حیرت و تحسین فرو برده و البته خشم و کینه‌ی سردمداران جنایت‌پیشه رژیم و زندانبانان جانی را نیز دامن زده است. بنحوی که رژیم پس از آنهمه سرمایه‌گذاری تبلیغاتی در زمینه‌ی راهاندازی جریان موسوم به توابین و نادین و دروغ‌های مکرر و عوامفریبی‌های بام تا شام تکتک سردمداران و کارگزاران رژیم مبنی بر ندامت و باصطلاح توبه‌ی زندانیان سیاسی، بازار زبان تکتک همین سردمداران اعتراف کرده است

که چیزی به نام توبه و ندامت واقعی در میان زندانیان سیاسی کشور وجود ندارد و به هیچکس نمی‌توان اعتماد کرد! صانعی جنایتکار در این زمینه با همان لحنی که زبینه‌ی ایادی خمینی است، تاکید می‌کند: "ضد انقلابیون که در زندان‌ها هستند معمولا توبه‌پذیر نیستند. اینها چون مار زخم‌خوردی هستند که به محض آزادی، افعی می‌شوند" (اطلاعات ۶۲/۴/۶)

منتظری جنایتکار نیز بارها، در زمینه‌ی پذیرش باصطلاح ندامت و توبه مسئولین امر را از "ساده‌اندیشی" پرهیز داده و اکیدا به زندانبانان رژیم هشدار می‌دهد که: "من می‌دانم بسیاری از این توبه‌ها و اظهار علاقه‌ها که در زندان می‌شود دروغ است و ما نباید

حزب‌اللهی بودن می‌زنند و می‌گویند ما توبه کرده‌ایم، بعد که می‌آیند در اتاق و در کنار یکدیگر می‌نشینند، ببینید چه مسائلی مطرح می‌شود... خوب ما چگونه به شما اعتماد کنیم؟! (اطلاعات ۱۲/۲۵/۶۰ و ۶۰/۱۰/۲۹) دکان این قبیل عوامفریبی‌های رژیم در مورد زندانیان سیاسی چنان از رونق افتاده و برعکس واقعیت مقاومت شکوهمند زندانیان آنقدر ملموس و برای رژیم مسئله‌ساز است که کارگزاران جنایت‌پیشه‌ی ارتجاع ناچارند هرازگاهی به وجود مقاومت در زندان‌ها اعتراف کنند. در همین رابطه نیز قضات ضدشرع و جنایتکار رژیم در بیدادگاهها و محاکم ضدشرعی، تعداد کثیری از اسرای مجاهد و مبارز را به اتهام فعالیت در داخل زندان تجدید

هراس از واژه‌ی "زندانی سیاسی"

محرمانه

بخشنامه‌ی شماره‌ی: ۲۰/۷۶/۶۶

تاریخ: ۶۲/۱۲/۱

از آنجا که جرائم سیاسی موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی بایستی در محاکم دادگستری و با حضور هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد و در حال حاضر لایحه‌ی راجع به تشکیل هیئت منصفه برای رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است و نتیجتا بطور دقیق و وجوه افتراق جرم سیاسی یا جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی مشخص نگردیده است علیهذا اکیدا تذکر داده می‌شود از اطلاق مجرم سیاسی به آن عده از متهمین یا محکومین وابسته به گروههای راست و چپ که بلحاظ اتهاماتی از قبیل اقدامات ضدانقلابی اعمال تروریستی و خرابکاری و مبارزه‌ی مسلحانه برای براندازی جمهوری اسلامی و غیره در دادسراهای انقلاب مورد تعقیب قرار گرفته یا محکوم شده‌اند اکیدا خودداری شود. البته بدیهی است که جرائم این افراد (گروهکها) که به عنوان محارب و اقدام علیه امنیت و افساد فی‌الارض محاکمه گردیده‌اند قطعا سیاسی نیست بلکه از جرائم عمومی به شمار می‌آید. دادستان گل کشور یوسف صانعی

رژیم خمینی همانند سلف مدفونش (شاه خائن) از بکار بردن واژه‌ی "زندانی سیاسی" نیز وحشت دارد! (تایپ سند از ما است)

فریب بخوریم" (اطلاعات ۱۸/۶۳/۱) ربانی املشی اعتراف می‌کند که: "خیلی مشکل می‌توان فهمید که چه کسی توبه کرده است" و لاجوردی جنایتکار نیز در همین زمینه می‌گوید: "ممکن است ۹۰ درصد (!) زندانیان توبه کرده باشند ولی برای مقامات قضائی احراز این مسئله مهم است (!)... منتهی این مسئله (اثبات توبه) کمی مشکل است... آنهایی که در حضور ما خیلی دم از

محاکمه کرده و آنها را - منجمله در شهرهای شیراز و مشهد - به جوخه‌های اعدام سپردند و یا به میزان محکومیت آنان افزودند. در این زمینه یکی از مقامات زندان شیراز چنین می‌گوید: "... عده‌ای هستند که برای فرار از مجازات به انواع حیل متوسل می‌شوند و اظهار ندامت و پشیمانی می‌کنند و حتی از پوشش توبه استفاده کرده دست به ایجاد تشکیلات گروهی در زندان می‌زنند و فعالیت‌های سری انجام می‌دهند. باید

افزافه کنم که احراز توبه از گروهک‌های محارب بسیار مشکل است. و چه بسا دیده شده که بعضی از مقامات به عناصر گروهک‌ها مرخصی یا عفو داده و آنها با سوءاستفاده از مرخصی و عفو، مجدداً به تشکیلات خودشان وصل شده‌اند و حتی مرتکب جنایات بزرگ و شهادت شخصیت‌های بزرگ شده‌اند..." (اطلاعات ۶۲/۵/۱۱)

در همین زمینه صانعی جنایتکار گفته است: "اطمینان اینکه این محکوم و زندانی از عملکرد خود پشیمان شده و توبه کرده باشد، گارخیلی مشکلی است. تاکنون در مورد گروهک‌ها، چندین بار امتحان شده، در زندان اظهار ندامت کرده‌اند و از زندان آزاد شده‌اند و در بیرون باز، خود یا افراد دیگری را شهید کرده‌اند." (اطلاعات ۶۱/۱۲/۱۹) هرازگاهی برخی سردمداران رژیم از جمله منتظری جنایتکار، زبونه دست به نصیحت زندانیان سیاسی می‌زنند و از آنها می‌خواهند دست از "ساجت" و "لجاجت" بردارند، دقیقاً در رابطه با ادامه‌ی مبارزه و مقاومت در زندان و ناتوانی آشکار رژیم در فروکشتن و خاموش کردن آنست. و همچنین اعدام‌های مستمر رژیم در زندان‌ها - از جمله اعدام‌های دستجمعی نوروز امسال در اوین - نیز دلالت بر همین مسئله دارد.

از سوی دیگر همین ترس و واهمی رژیم از ادامه‌ی فعالیت زندانیان و عدم اعتماد به اسرای مجاهد و مبارز و گزیدگی‌هایی که - بنا بر اعتراف خود کارگزاران ارتجاع - رژیم از این ناحیه متحمل شده، و تجربیات ضدانقلابی که برای خود آندوخته است، باعث گردیده که رژیم پس از ۳۰ خرداد ۶۰، اساسا مسئله‌ی عفو "زندانیان سیاسی" را از متن برنامه‌های خود خارج نماید. حتی در شرایطی که خمینی و سردمداران جنایتکار رژیمش، در مقاطع گوناگون چه بلحاظ فشارهای اجتماعی و چه افکار بین‌المللی، مجبور شده‌اند، مسئله‌ی آزادی زندانیان و وضعیت آنها را، لااقل در دستور تبلیغات و عوامفریبی‌های خود قرار دهند، حتی یک نفر "زندانی سیاسی" را آزاد نکرده‌اند. و قاضی‌القضاة

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

جنایت پیشه‌ی رژیم (موسوی اردبیلی) رسماً چنین "خیالاتی" را به باد استهزاء گرفته است!

(جمهوری ۱۵/اردیبهشت/۶۳) برآستی مگر کوردلان مرتجع و کودنی همچون خمینی و ایادیش می‌توانند که چشم خود را بر روی تمامی قانونمندی‌های انقلاب و تکامل و علت خروش و توفش "نسل توفان" ببندند و بخواهند از طریق اعدام و شکنجه و تضيیقات و القای ارتجاعی، هزاران انقلابی اسیر را از آرمان‌های والای خود که هزاران خواهر

و برادر شهیدشان در آن راه جان فدا کرده‌اند، برگردانند، هرگز! هرگز!

در سالگرد ۳۰ خرداد، بی‌تردید هزاران خواهر و برادر زندانی ما در سپاه‌های رژیم، علیرغم تحمل سخت‌ترین شرایط و شدائد، از زبان هم‌رزم شهیدشان میلیشیای قهرمان، مسعود شکیبازاد خطاب به خمینی ضد بشر و خون‌آشام، می‌خروشند که: "دشمن انسان! سازش نمی‌کنم. اگر مرد میدانی این گوی و این میدان، این قلب من که آماج گلوله‌های گینه و عقده‌ی هزار و چند ساله‌ی حکومت تو و امثال پلیدت گردد"

گوشه‌هایی از فعالیت‌های

سازمان مجاهدین خلق ایران در جهت

افشای ماهیت ضدبشری رژیم خمینی جلاد

همچنانکه در مقدمه متذکر شدیم، همگام با مقاومت شکوهمند سراسری در برابر رژیم ضدبشری خمینی جلاد و بر مبنای این پرشورترین، آگاهانه‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین مقاومت انقلابی تاریخ معاصر میهن‌مان، افشای شقاوت‌پیشگی و جنایات قرون وسطایی یعنی افشای چهره‌ی خونریز و ضدبشری رژیم خمینی جلاد، به‌مثابه وظیفه‌ی انقلابی در دستور کار سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت. بدیهی است که اگر چه خمینی در سرکوب و خفقان و نابودی حرث و نسل و ضدیت تمام‌عیار با بشریت، گوی سبقت را از اسلاف خود ربود اما از سوی دیگر سراسیمه آفت و نزول و ازدست‌رفتن کامل مشروعیت او در میان مردم ایران و تبدیل شدن به پلیدترین و منفورترین چهره‌ی خونریز تاریخ در افکار عمومی بسیاری از کشورهای جهان نیز، سرعتی بی‌سابقه داشته است. آنچنانکه تنها یکسال پس از فروافتادن آخرین پرده‌های ریا و تزویرش، و در آغاز سال میلادی ۸۳ در مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های کشورهای مختلف جهان، از جمله تلویزیون ایتالیا به عنوان منفورترین چهره‌ی سال ۸۲ معرفی گردید و گوشه‌هایی از جنایات بی‌شمارش، در قالب گزارشات مفصل مجامع بین‌المللی از قبیل عفو

بین‌الملل و ... در سراسر جهان منتشر گردید. بدون تردید تمامی این دست‌آوردها و پیروزی‌های عظیم سیاسی، در زمینه‌ی افشای همه‌جانبه و گسترده‌ی رژیم منفور خمینی در سراسر جهان، مرهون زحمات، فعالیت‌های شبانه‌روزی و صرف انرژی‌های سیستماتیک و تشکیلاتی برای آنها بوده است و همچنانکه پیش از این متذکر شدیم فعالیت‌های ابتکارآمیز و مستمر مسئول اول سازمان مجاهدین در این زمینه، نقش اصلی و تعیین‌کننده داشته است. در همینجا بد نیست به گوشه‌هایی از این فعالیت‌ها اشاره کنیم:

مصاحبه‌ها، پیامها و اطلاعیه‌های

برادر مجاهد مسعود رجوی

مصاحبه‌های برادر مجاهد مسعود رجوی با رادیو تلویزیون‌ها و مطبوعات جهان، با اتکاء به مدارک و اسناد معتبر و انکارناپذیر در افشای جنایات رژیم خمینی، تاکنون از یکسو نقش عمده‌ای در شکستن جو سکوت و بی‌خبری در رسانه‌های بین‌المللی نسبت به مسائل ایران داشته است. و از سوی دیگر با ارائه تحلیل‌های واقع‌بینانه از شرایط اجتماعی و سیاسی ایران، اذهان عمومی

را نسبت به ماهیت و وضعیت رژیم خمینی از جمله بی‌آیندگی و سقوط محتوم آن، نقش اختناق و جنگ خارجی به عنوان ۲ پایه‌ی اصل ادامه‌ی حیات رژیم، معرفی شورای ملی مقاومت به عنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک و ... روشن ساخته است.

تاکنون از میان موارد زیادی، در حدود ۵۵ مورد از مجموعه‌ی مصاحبه‌های برادر مجاهد مسعود رجوی با مجلات مختلف آفریقائی، آسیائی، اروپائی و آمریکائی که محور عمده‌ی آن افشای نشان دادن ماهیت ضدبشری رژیم خمینی جلاد بوده، در نشریه‌ی "اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور" و نشریه‌ی "مجاهد" به چاپ رسیده است. که ذیلاً برخی از آنها را نام می‌بریم.

محل درج برخی از این مصاحبه‌ها عبارتند از:

- * "لیبراسیون" - ۱۷/نوامبر/۸۱
- * "کوریولاسرا" - ۱۶/مه/۸۴
- * مجله‌ی اطریشی (EXTRABLATT) - اوت/۸۱
- * نشریه‌ی سوئدی "پرولتر" - ۲۰/اکتبر/۸۱
- * "آفریقا-آسیا" - ۲۷/۹/۸۱
- * "مانیفست" - ۶/سپتامبر/۸۱
- * "لیبراسیون" - ۱۷/نوامبر/۸۱
- * "میدالایست" - نوامبر/۸۱
- * "کریستین ساینس مانیتور" - ۴/ژانویه/۱۹۸۲
- * مجله‌ی "الوطن العربی" - "گاردین" ۱۳/ژانویه/۸۲
- * نشریه‌ی آلمانی LINKS (چپ) دسامبر/۸۱
- * روزنامه‌ی "گویش" چاپ ترکیه - ۲۶/فوریه/۸۲
- * مجله‌ی آفریقا - آسیا - ۲۹/مارس/۸۲
- * "سوسیالیست ورکرز" - ۲/مارس/۸۲
- * "رویتر" - ۳۰/۱/۶۱
- * رادیو کانادا ۲۷/ژوئیه/۸۲
- * "سندیکای مصححین فرانسه" - ژوئن/۸۲
- * روزنامه‌ی فرانسوی "لاکروآ" - ۱۷/سپتامبر/۸۲
- * "تلگراف" - ۲۴/اکتبر/۸۲
- * "الوطن العربی" - ۳۱/دسامبر/۸۲
- * "لوپوشن" (هفته‌نامه‌ی فرانسوی) - ۷/ژانویه/۸۳
- * روزنامه‌ی "تانثا" - ژانویه/۸۳
- * روزنامه‌ی یوگسلاوی "استودنت" - پائیز ۱۹۸۲
- * مجله‌ی سوئدی "گرافیا" - ژانویه/۸۳

- * مجله‌ی "کل‌العرب" مارس/۸۳
- * "الوطن" ۳/ژوئن/۸۳
- * مجله‌ی عربی "الدستور" - ۲۸/فوریه/۸۳
- * "لس‌آنجلس هیرالد اکزمینر" - ۱۰/آوریل/۸۳
- * "حقوق بشر سوسیالیست فرانسه" - سه‌ماهه‌ی دوم/۸۳
- * مجله‌ی عربی‌زبان "کل‌العرب" - ژوئیه/۸۳
- * ماهنامه‌ی "هرالد" - اوت/۸۳
- * رادیو کانادا ۲۵/سپتامبر/۸۳
- * "وست فرانس" ۱۳/دسامبر/۸۳
- * ماهنامه‌ی "کار" (لوتراوی) - نوامبر/۸۳
- * مجله‌ی "المصور" - دسامبر/۸۳
- * مجله‌ی فرانسوی "رولوسیون" (انقلاب) - نیمه‌ی دسامبر/۸۳
- * ماهنامه‌ی هندی "پراپ" - ۷/اکتبر/۸۳
- * مجله‌ی "کل‌العرب" - ۱۱/ژانویه/۸۴
- * "نقد سوسیالیست" - اواخر/۸۳
- * "اشترن" چاپ آلمان - ۲۳/فوریه/۸۴
- * "دی تاگس سایتونگ" چاپ آلمان ۱۵/فوریه/۸۴
- * "فرانکفورتر روندشاو" چاپ آلمان ۱۰/فوریه/۸۴
- * "نیوزویک" چاپ آمریکا - ۲۰/فوریه/۸۴
- * "واشنگتن پست" چاپ آمریکا - ۱۲/فوریه/۸۴
- * "لیبراسیون" چاپ فرانسه - ۱۴/فوریه/۸۴
- * "تیمپو" چاپ اسپانیا ۱۶/ژانویه/۸۴
- * "لاپرس" چاپ کانادا - ۳/مارس/۸۴
- * مجله‌ی "الوطن العربی" - اوایل سال جاری مسیحی (۸۴)
- * روزنامه‌ی "اونیتا" - ارگان حزب کمونیست ایتالیا ۱۱/مارس/۸۴
- * مجله‌ی "آفریقا - آسیا" آوریل/۸۴
- * "آوانتسی" ارگان حزب سوسیالیست ایتالیا ۱۵/مه/۸۴
- * "کوریولاسرا" ۱۶/مه/۸۴
- * آژانس خبرگزاری ایتالیا (AGI) ۱۲/مه/۸۴
- * خبرگزاری ملی ایتالیا (ANSA) - ژوئن/۸۴
- * "اونیتا" ارگان حزب سوسیالیست فرانسه ژوئن/۸۴
- * مجله‌ی عربی "التضامن" - ۲۸/مه/۸۴

همچنین ملاقات‌های برادر مجاهد مسعود رجوی با نمایندگان پارلمان‌ها، احزاب، سندیکاهای مختلف کارگری، شخصیت‌های مبارز و نیز نامه‌ها و تلگراف‌های او خطاب به

مجامع بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشری، کنگره‌های احزاب مختلف، که در برگیرنده‌ی خواسته‌ی "مقاومت" ایران در محکوم ساختن رژیم خمینی توسط آنها بوده، نقش مهمی در معرفی و منزوی کردن رژیم خمینی داشته است.

در بین نزدیک به ۴۰ نامه و تلگراف از سوی برادر مجاهد مسعود رجوی به مجامع بین‌المللی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- * تلگراف به کنفرانس جهانی صلیب سرخ در مانیل
- * پیام به گردهمایی حقوق بشر سوسیالیست
- * تلگراف به دبیرکل سازمان ملل متحد به مناسبت روز جهانی حقوق بشر
- * تلگراف به دبیرکل جدید سازمان ملل متحد و تقاضای محکومیت جهانی رژیم خمینی
- * ارسال هزار برگ از اسناد و مدارک جنایات ضد خلقی خمینی برای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل
- * نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد در رابطه با شکنجه‌های گسترده و وحشیانه‌ی رژیم ضدبشری خمینی - بر علیه زندانیان سیاسی و اسامی ۱۹ تن از شهدای زیر شکنجه
- * نامه به دفتر بین‌المللی کار در باره‌ی نقض حقوق کارگران در ایران و دستگیری و شهادت تعدادی از کارگران مبارز توسط رژیم خمینی
- * نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد در باره‌ی تعداد کشته‌شدگان توسط رژیم خمینی تا آن تاریخ و نقض حقوق بشر در ایران.
- * نامه به کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (بدنبال این نامه، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، لزوم مراعات حقوق پناهندگان ایرانی و عدم اخراج و بازگرداندن آنان به ایران را به همه‌ی کشورهای امضاءکننده‌ی معاهده‌ی مربوطه ابلاغ نمود و با عملی شدن آن، گام موثری در حل مشکلات و تأمین حقوق ایرانیانی که از کشور خارج شده‌اند، برداشته شد)
- * نامه به تک‌تک اعضای کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل
- * نامه به کلیه‌ی هیئت‌های پارلمانی کشورهای مختلف شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی
- * نامه به پانزدهمین کنگره‌ی شورای جهانی عفو بین‌الملل
- * نامه به رئیس اجلاس‌های دول امضاءکننده‌ی میثاق بین‌المللی

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

شهید از جمله فاطمه مصباح که در سن ۱۳ سالگی در برابر جوخه اعدام قرار گرفت و گیتی السادات جوزی، تعدادی از عکسهای کودکان تیرباران شده که سه سال پیش برای اولین بار در صفحه اول روزنامه "فرانس سوار" چاپ شد گوشه‌هایی از اقداماتی است که انعکاس آن‌ها تنفر و انزجار بین‌المللی از رژیم خمینی را برانگیخت. از جمله در ارتباط با همین افشاگری‌ها یک زن قهرمان ایتالیایی بنام "امادال فورنو" در حالیکه عکس‌های کودکان شهید - منتشره از سوی

"خفقان و سرکوب" رژیم خمینی برمی‌گردد، می‌توان به انتشار ۴۴ اطلاعیه تنها در سال ۱۹۸۳ در این زمینه اشاره کرد.

ب - انتشار اسناد و مدارک و انعکاس گسترده آن در خبرگزاریها و مطبوعات

انتشار برخی عکس‌ها و فیلم‌ها از شکنجه‌های زندانیان و آثار باقیمانده بر روی اجساد شهدا، از سوی دفتر مجاهدین

(در فرانسه) که تاثیرات افشاءکننده مهمی در رابطه با جنایات رژیم خمینی داشت، باید به شرکت برادر مجاهد مسعود رجوی در کنگره‌ی اخیر حزب سوسیالیست ایتالیا نیز اشاره کنیم که شدیداً خشم و کینه‌ی ضدانقلابی رژیم خمینی را برانگیخت و منجر به صدور نامه‌ی اعتراضیه‌ی شدیدالحنی از جانب وزارت امور خارجه‌ی رژیم خمینی گردید.

فعالیت‌های

دفتر مجاهدین خلق

در پاریس

فعالیت‌های دفتر مجاهدین خلق در پاریس دربرگیرنده‌ی فعالیت‌ها و اقدامات گسترده‌ای شامل انتشار اطلاعیه تا افشاء اسناد و مدارکی از جنایات رژیم خمینی، چاپ و پخش عکس‌ها و فیلم‌هایی از اجساد شکنجه‌شدگان و شهدا، نوارهایی از مکالمات درونی مزدوران رژیم و ... می‌باشد که نقش ارزنده‌ای در افشاء شقاوت‌های دژخیمان خمینی در افکار عمومی جهانیان داشته است.

الف - اطلاعیه‌ها

این اطلاعیه‌ها که براساس گزارشات موثق و مستند از داخل کشور صادر گردیده، دربرگیرنده‌ی آخرین اخبار و اطلاعات از وضعیت زندان‌ها، موج اعدام‌ها و دستگیری‌ها، سرکوب مقاومت‌های مردمی، شکنجه‌های وحشیانه‌ی دژخیمان خمینی در مورد زندانیان سیاسی، کشتار مردم بیدفاع کردستان، جنگ‌طلبی‌های رژیم خمینی و به گشتن دادن هزاران قربانی در جبهه‌های جنگ و ... می‌باشد. این اطلاعیه‌ها در اسرع وقت در اختیار کلیه‌ی خبرگزاری‌های معتبر جهانی قرار گرفته و علیرغم برخی غرض‌ورزی‌ها و توطئه‌ی سکوت در برابر جنایات رژیم خمینی، در بسیاری موارد بدلیل اهمیت فوق‌العاده‌ی آنها، در شماری از رادیو تلویزیون‌ها و مطبوعات معتبر جهانی منعکس گردیده است. از میان اطلاعیه‌هایی که جدا از افشای جنگ‌طلبی، تاراج دادن نفت و منابع ملی دیگر، خرید اسلحه و ... تنها به مسئله‌ی

هزار زندانی سیاسی و ۳۰ هزار اعدام در ایران * اطلاعیه درباره‌ی اعدام ۵۹ نفر از مردم شهر مقاوم مهاباد (رونوشت به دبیر کل سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، عفوبین‌الملل) * نامه به رئیس شصت و نهمین کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو * تلگراف به دبیرکل سازمان ملل (آخرین اخبار اختناق و سرکوب خمینی) * اطلاعیه درباره‌ی اعدام وحشیانه‌ی ۸ تن از پرسنل نیروی هوایی ایران * نامه به رئیس سی و ششمین اجلاس کمیسیون جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها (وابسته به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد) * تلگراف به دبیرکل سازمان ملل متحد در رابطه با انتشار اسامی ۷۷۴۶ تن از شهدای انقلاب نوین مردم ایران * تلگراف به دبیرکل سازمان ملل متحد (اسامی زندان‌ها و شکنجه‌گران) * نامه به رئیس چهلمین اجلاس "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد" علاوه بر سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی در کنفرانس حقوق بشر سوسیالیست

حقوق مدنی و سیاسی * نامه به ریاست سی و هفتمین اجلاس هیئت مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تقاضای محکومیت رژیم خمینی * تلگراف به دبیر کل سازمان ملل درباره‌ی ۲۵۰۰۰ اعدام و ۶۰۰۰۰ زندانی سیاسی در رژیم خمینی (۶۱/۱۰/۱۴) * نامه به رئیس اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد * اطلاعیه درباره‌ی تازه‌ترین جنایت خمینی (اعدام سربداران) * تلگراف به دبیرکل سازمان ملل متحد درباره‌ی قتل‌عام دهها تن از روستائیان کردستان ایران * تلگراف به بانو گاندی رئیس هفتمین کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد * تلگراف به دبیرکل سازمان ملل متحد درباره‌ی مخالفت رژیم خمینی با اعزام هیئت تحقیق این سازمان به ایران * پیام به شانزدهمین کنگره‌ی بین‌الملل سوسیالیست * نامه به رئیس کمیته‌ی اجتماعی شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد * تلگراف به دبیرکل سازمان ملل متحد در رابطه با ۱۰۰



"امادال فورنو" زن قهرمان ایتالیایی که تحت تاثیر افشاگری‌های انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا بعنوان اعتراض به اعدام کودکان توسط خمینی خون آشام خودسوزی کرد.

سازمان - را بصورت پلاکاردی به گردن خود آویخته بود، برای اعلام انزجار از رژیم خمینی و برانگیختن حمایت از کودکان و نوجوانانی که بدست دژخیمان خمینی در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها شهادت می‌رسند، در میدان شهر خود را به آتش کشید. همچنین انتشار فیلم تلویزیونی دفاع قهرمانانه‌ی مجاهد شهید داریوش سلحشور در بیدادگاه خمینی نیز از جمله افشاگری‌هایی بود که بخوبی ابعاد وحشیگری‌های دژخیمان رژیم از یکسو و استواری و پایمردی مجاهدین و مبارزین اسیر را در برابر افکار عمومی جهانیان به نمایش گذاشت. رژیم خمینی که با اطمینان از موفقیت تبلیغاتی خود، تعدادی از خبرنگاران خارجی را برای شرکت در بیدادگاه میلیشیای قهرمان داریوش سلحشور دعوت کرده بود، ناگهان در برابر افشاگری قهرمانانه‌ی این میلیشیای دلیر، درمانده و مستاصل، چاره‌ای جز سیردن او به جوخه‌ی اعدام نیافت. دفاعیات داریوش قهرمان در بقیه در صفحه ۳۱

فتوای کشیدن خون زندانیان سیاسی قبل از اعدام

تاریخ: ۱۳۶۱/۷/۱۰
شماره: ۳۳۵

جمهوری اسلامی ایران
وزارت اطلاعات

ازادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران

کلیه دادستانهای انقلاب استان و شهرستانها

برای اعلام و درخواست سباه پاسداران و دروازمیکه برادران پاسدار رجریان در لوله‌های خرابی و جبهه جنگ زخمی و به بیمارستانها اعزام میشوند و نیاز فوری به تزریق خون دارند. حملند داشتن خون و دم امکان فوری به تهیه خون منسوب به فوت مجروح مبرود. لذا برای رفع این مشکل دستور نمائید بطور فوری با افراد محکوم به اعدام و اجرای حکم درباره آنان بلا درنگ باید اجرا گردد. قبل از اجرای حکم صادره توسط ما، مبرین پزشکی که مورد اعتماد باشند خون محکومین را بوسیله سرنکه به ظروف مخصوص منتقل و به نزدیک ترین پمپ اری و یا بانک خون محل تمویل دارند تا در اولین فرصت ضروری مورد استفاده برادران پاسدار کمزخمس میشود قرار گیرد.

یادآور میشود از جهت اینکه نسبت باین اعدام اشکال شرم بر آن تصور نگردد چگونگی از محضر مبارک ولایت فقیه امام خمینی رهبر و نیاندک ارجحی جمهوری اسلامی که ظل العالی استفتا کردید و اعلام نموده اشکال شرمی نه ارد.

دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران

خمینی خون آشام اینچنین فتوای کشیدن خون رزمندگان مجاهد را قبل از اعدام و تزریق آن به تن پاسداران کثیفش صادر می‌کند!

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

قسمت هائی از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت اولین و دومین سالگرد ۳۰ خرداد، سرآغاز انقلاب نوین ایران

از پیام اولین سالگرد:

... سال گذشته در چنین ایامی، خمینی مست و مغرور با توقیف روزنامه‌ها و سرکوب تنه‌ای آزادیخواه و لگدمال کردن همه‌ی دستاوردهای انقلاب، تمام چماق‌داران و قوای ضد مردمی خود را بسیج نموده و هرگونه گردهمایی و تظاهرات را در منطق ضدقانونی و ضد شرعی‌اش، رسماً "حرام" اعلام کرده بود و می‌رفت تا در فردای چنین روزی با عزل رئیس جمهور بنی‌صدر، رژیم ضد خلقی و ضد اسلامی‌اش را یکپارچه و یکدست "ارتجاعی" کند. اگرچه او به این وسیله، آخرین بقایای مشروعیت سیاسی - موضعی نظام خود را نیز ناخواسته از میان می‌برد. اما پیروزی (ظاهری) او تنها در صورتی تکمیل می‌شد که همه‌ی این کارها با سکون و بی حرکتی جامعه عجمین باشد. لیکن او، هم استعداد انقلابی شگرف جامعه‌ی ایران و هم رشادت مجاهدین این خلق قهرمان را از یاد برده بود. همانها که خود راهگشا و پرچمداران انقلابی که او (خمینی) رهبریش را سرقت نمود، بودند. تا اینکه بعد از ظهر ۳۰ خرداد یک طوفان خروشان، دفتر حسابهای ارتجاعی دژخیم را درهم پیچید. از جرقه‌های اعتراضی که مجاهدین خلق در سراسر شهر برافروخته بودند، حریق برخاست و براساس یک دعوت مخفیانه‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران، با آمادگی کامل تشکیلاتی که از قبل ایجاد شده بود، نزدیک به پانصد هزار تن از مردم تهران حلقی "وحشت از مزدوران و چماق‌داران" خمینی را شکسته و به راه پیمائی و تظاهرات برخاستند. آنها یکدل و یکصدا فریاد می‌زدند: "مرگ بر بهشتی". برآستی حکم اعدام اسقف مکار و ریاکاری که نقش راسپوتین دربار خمینی را ایفاء می‌کرد در همین محکمه صادر شد. و برآستی هم که صرفنظر از همه‌ی امیدهای "رضاخانی" که امیرالیست‌ها به بهشتی بسته بودند، بدون کنار زدن او، چهره‌ی گریه و منظر منفور شخص خمینی که استعداد غریبی در "موش‌مردگی" دارد، هرگز قابل افشاء نبود.

به هر حال، سیل خروشان جمعیت همه‌ی قداره‌بندان، چماق‌داران و عریده‌گشان خمینی را که تا دیروز خیره‌سری و بدمستی ارتجاعی را به‌اوج رسانده بودند، برجای خود نشاند و عازم مجلس خمینی بود که به دستور شخص او و بر حسب اعلامیه‌ی رسمی پاسداران ارتجاع، سلاحهای سنگین و صدها پیگیری که با شهادت یا جراحت به خاک و خون کشیده شد، برای همیشه به دوران مسالمت با خمینی پایان داد.

در حقیقت، خمینی در تمامیت نظامش در همانجا به پایان رسید. مقاومت مسلحانه‌ی سراسری، ضروری، قطعی و اجتناب‌ناپذیر شد. مقاومت انقلابی مسلحانه شروع و واجب گردید. انقلاب به‌دوران نوینی قدم گذاشت. مجاهدین قیام کردند...!

اگرچه قبل از این تاریخ، ما او را به دفعات از این رویارویی پرهیز داده بودیم و اگرچه تا این نقطه بی‌هیچ عذر و بهانه‌ی قانونی، تقریباً به‌اندازه‌ی تمام دوران شاه از ما بطور غیر رسمی گشته بود. کسی که سالیان سال جهاد با شاه را مجاز نمی‌دانست اکنون به‌ریختن خون مجاهدین فرمان داد و تنها در شبانگاه ۳۰ خرداد دهها دختر نوجوان و معصوم ما را به مسلخ فرستاد که حتی هویتشان نیز بر او معلوم نبود. آنها خود را مجاهد خلق با آدرسی در قلب خلق معرفی نموده و تا لحظه‌ی تیرباران فریاد می‌زدند: "زنده باد آزادی"...

* * *
* * *
*

... اما آیا ما فقط با شخص خمینی در جنگیم؟ و آیا این تنها خصوصیات بسیار رذیلانه‌ی فرد اوست که این همه مسائل آفریده؟ بدون تردید سردمداری شخص خمینی در همه‌ی مصائب امروز ایران جای خاص خود را دارد. لیکن ابعاد حقیقی مشکلات ما بسی فراتر از آنست که با رذالت‌های فرد خمینی قابل تفسیر باشد. چرا که ما نه با خمینی بلکه فی‌الواقع با "لجن‌زار یک تاریخ" جنگ در جنگیم.

انقلاب، این امکان را فراهم کرد که جامعه‌ی ما با تمام فضائل و رذائل و زخمهای نهفته در درونش سرباز کند. هرچه چرک جهل و بیخردی و عوامفریبی و ارتجاع و فرصت‌طلبی، در آن اعماق وجود داشت و در زمان حکومتهای پیشین در خدمت آنها مهار شده بود، رها شد و به سطح جامعه راه یافت و بالا آمد. کما اینکه در مقابل، هسته‌های همچون مجاهدین نیز به سطح "توده‌ها" ارتقاء یافتند و رشد کردند.

از سوی دیگر سرعت غیر قابل‌وصف تحولات سیاسی که خود بر همان جوش انقلابی درون جامعه مبتنی بود، تضادها را هر روز دامن زد و مرزبندی‌ها را هر روز مشخص‌تر و تکمیل‌تر نمود.

در برابر شاه، تضادهای نیروهای مختلف موقتا فروکش کرده بود. اما پس از او، همه‌ی طبقات و نیروها و تمایلات متضاد و متخاصم می‌باید سرباز

می‌کردند. زیرا از دعوای مشروعه و مشروطه گرفته تا دعوای توده - نفتی در برابر مصدق، هنوز هیچیک در کشور ما به سرفصل تاریخی خود نرسیده بودند. البته اگر بجای خمینی و دار و دستاش یک رهبری انقلابی و مترقی مصدر کار می‌شد، حل این مسائل بسیار ساده‌تر می‌شد. اما در کنف رهبری خمینی دیدیم که با چه سرعتی در یک طرف، کاشانی و فلسفی و توده‌ای و شیخ‌فضل - اللهی و همه‌ی آخوندهای مرتجع‌الوصف و دین‌فروش دیگر، در خمینی به‌هم گره خوردند، همان دین فروشانی که چون با نام خدا ظلم و خیانت و عوامفریبی و استبداد می‌کنند، قرآن در قلمرو ایدئولوژیک، بیش از هر کس دیگر با آنها در خشم و غضب است و تشیع انقلابی نیز از ۱۵ قرن پیش بر حسب اخبار و احادیث متواتر، نوید حذف و تصفیه‌ی تمامی آنها توسط امام عصر(ع) را به توده‌های محروم مردم داده است. در طرف دیگر نیز به وضوح دیده می‌شود که صرفنظر از آبخشور عقیدتی علوی و حسینی مجاهدین و سمت‌گیری اخص طبقاتی‌شان، آنها حقا وارثین سیاسی و تکامل تاریخی جریان ستارخان و کوچک‌خان و مصدق، و نقطه‌ی وصل و محور اتحاد اردوگاه استقلال‌طلب و دمکراتیک ضدخمینی هستند.

سایر نیروها و گروهها نیز یا هنوز کما کان بطور حاشیه‌ای در میان این دو اردوگاه، تاب می‌خورند و یا سرانجام تجزیه شده و هر شق‌ی آنها جذب یکی از قطب‌های متخاصم اصلی می‌شوند. بنا براین، مبارزه‌ی ما نه تنها با خمینی و حتی نیروهای خاص او بلکه با همه‌ی جرتومه‌های ارتجاعی، ضدانقلابی و انحرافی (اپورتونیستی) است. نسل ما این شانس تاریخی را داشت که در دورانی پا به عرصه‌ی نبرد گذاشته که بر خلاف اوائل مشروطیت یا دوران مصدق فقید، سرفصل کیفی بسیاری از این دعوای ریشه‌دار تاریخی، نزدیک است و شرایط عینی برای حل بسیاری از آنها مهیا می‌باشد. بهای آنرا هم به سنگین‌ترین قیمت خونین با فدا کردن هزاران تن از رشیدترین زنان و مردان ایران پرداخته‌ایم و چهره‌ی پر وقار و مصمم فرماندهی‌گیر انقلاب، موسی خیابانی در راس همه‌ی آنها چونان خورشید می‌درخشد و دیگر آنچه می‌ماند، مسئله‌ی صلاحیت رهبری کنونی و آینده‌ی ماست.

بطور خلاصه: عنصر انقلابی و موحد مجاهد خلق، این افتخار تاریخی را داشت که طلسم تاریخی جامعه‌ای با خصومت ویژه‌ی (مذهبی) جامعه‌ی

ایران را که گانوان آن روحانیت ارتجاعی است در هم بشکند و امروز می‌بینیم که جنبه‌ی متحد ارتجاع از کمترین مشروعیت و اعتبار جدی در داخل توده‌های مردم شهر و روستا برخوردار نیست و هیچ آینده‌ای ندارد و تنها در سرکوب مطلق و جنگ و بحران زنده است.

به‌همین دلایل ۳۰ خرداد تنها یک مبداء و یک نقطه‌ی آغاز بود و برخلاف نظریات کم عمقی که بعضاً شنیده می‌شود، نه می‌توانست و نه امکان داشت که نقطه‌ی سرنگونی بلافصل رژیم خمینی نیز باشد.

به‌عبارت دیگر چه از جهت اجتماعی، چه از لحاظ سیاسی و چه حتی در ابعاد نظامی و ایدئولوژیک، و مسائل سقوط سرنگون کردن مردمی و انقلابی رژیم خمینی در آنروز نه می‌توانست فراهم باشد و نه عملاً امکان‌پذیر می‌بود؛ البته چه بسیار مجاهدین می‌توانستند در همان آغاز، شخص او را از پای در آورند. اما در آن صورت، این به یک "گودتای" قصری بیشتر شبیه می‌شد تا نفی اجتماعی و توده‌ای آن لجن‌زاری که در صورت احراز یک "گودتای" بازهم خشک نشده می‌ماند و همچنان برای سالیان سال عیب و علت‌ها می‌آفرید.

پس ما می‌باید با ضربه‌ی بزرگ نخستین، در فردای اتمام حجت ۳۰ خرداد، هم‌ثبات و هم‌آینده‌ی رژیم را درهم می‌شکستیم و هم شخص خمینی را - در چهره‌ی واقعی و افشاء شده‌اش - به روی صحنه می‌کشاندیم، تا همگان به رای‌العین، ام‌الفساد را ببینند و بشناسند و مرگش را آرزو کنند و فریاد بکشند. حال اینکه در ۳۰ خرداد تنها شعار "مرگ بر بهشتی" (و نه شعار مرگ بر خمینی) قابل طرح بود. در چنین شرایطی اگر شخص خمینی سقط می‌شد، از قضا به‌منابه نوعی "امام" و قدیس شهید در ذهن توده‌های ناآگاه، برای خود و خط و تفکر خود نوعی مشروعیت تاریخی می‌خرید.

حال اینکه امروز بر همگان آشکار است که با سقوط یا مرگ خمینی، تمامی اندیشه‌های شیطانی و سنن ضدبشری و ضداسلامی او چه در ایران و چه در ابعاد بین‌المللی بگور سپرده شده و تا ابد نیز ملعون دنیا و آخرت خواهد بود.

بدیهی است که ما با احتراز از خط "گودتاگرانه" و حذف فیزیکی و بلا واسطه‌ی خمینی در آن ایام، می‌بایست بخاطر ایدئولوژی‌مان، بخاطر تاریخ میهنمان و بخاطر نجات نسلهای آتی از

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

قسمت‌هایی از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت اولین و دومین سالگرد ۳۰ خرداد، سرآغاز انقلاب نوین ایران

مهلك اپورتونیست‌های چپ‌نما خیالات خام به‌هم می‌بافتند و هر روز تحت دعاوی باصطلاح چپ! از شایعه‌ی "سازشکاری" یا "انشعاب" مجاهدین، دم می‌زدند! اما تاکنون در عمل، "سازش یا انشعاب" به درون همه‌ی مدعیان پرطمطراق راه یافت الا مجاهدین!

آری، شما با عمل انقلابی و توحیدی خود و با وحدت عقیدتی و تشکیلاتی کم‌نظیرتان تجربه‌ی جدیدی در سطح همه‌ی جنبش‌های جهان زیر سلطه آفریدید.

برای تشریح و توضیح و همچنین برای تکمیل سیاسی و اجتماعی ابعاد این تجربه که در صدر محور ترقی و انقلاب، پیام جدیدی برای همه‌ی رنجبران و محرومان دنیای تحت ستم در خود دارد، هنوز به زمان بیشتری نیاز داریم. اما مسلم است که تاریخ جنبش‌های انقلابی جهان در آینده از ایران و از مجاهدین خلق ایران گفتنی بسیار خواهد داشت...

از پیام دومین سالگرد:

... که امروز پس از دو سال، بخوبی در جریان عمل روشن شده است که لااقل در کوتاه مدت، نه شبه جانشین‌های وابسته و ضدانقلابی و نه یک کودتای دست‌نشانده‌ی نظامی و نه هیچکدام از تلاش‌های مذبوحانه‌ی امپریالیستی، ارتجاعی و اپورتونیستی، برای سرکوب و تخطئه‌ی مجاهدین، بجائی نرسیده و نخواهد رسید. گما اینکه حتی تمامی دشمنان و مخالفان بین‌المللی و داخلی ما نیز پنهان و آشکار بر این حقیقت معترفند، که از یکسو در هر شکلی از اشکال تحول، نمی‌توان شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق ایران را نادیده گرفت و از سوی دیگر برای استقرار یک ایران دمکراتیک و مستقل، گماگان در چشم‌انداز موجود، پیشسازی جز مجاهدین نمی‌توان یافت. اکنون بگذارید هرکس هر قدر که می‌خواهد در باره‌ی تشبیه و "ثبات" رژیم خمینی داد سخن بدهد و در این رابطه تا آنجا که می‌تواند "بریدی" و یاس و انفعال ترویج کند.

بگذارید هرکس تا آنجا که می‌تواند با تیزترین زبان‌ها بر مجاهدین و بر شورای ملی مقاومت بتازد و عوامفریبانه در عین تنها گذاشتن ما در صحنه‌ی مقاومت انقلابی مسلحانه بر علیه خمینی، با ساده‌سازی‌ها و شبیه‌سازی‌های بی‌مایه و بلاهت‌بار، اسلام مجاهدین و

بقیه در صفحه‌ی ۲۹

"وعده داد خدا به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای شایسته (و مواضع متناسب، اتخاذ کرده‌اند، اینکه آنها را در زمین، هرآینه "جانشین" سازد، همچنانکه (برحسب همان قواعد و سنن) قبل از ایشان نیز کسانی را جانشین ساخته است. هرآینه روش و آئین ایشان را که بر آنها پسندیده و روا داشته جای‌گیر و متمکن گرداند و پس از ترس و بیم، ایشان را به (حالت) امن و امان بگرداند. (پس) بپرستندم و بر من چیزی شرک نوزند..."

هموطنان!
در یکسالگی که از مقاومت سرخ و خونین فرزندان و خواهران و برادران مجاهد شما می‌گذرد، انقلاب هر روز توسعه و تعمیق یافته و ناخالصی‌های درون جامعه هر روز بیشتر افشاء و زدوده شده‌اند. به نحوی که به جرات می‌توان گفت برغم همه‌ی خونریزی‌های تحمیل شده از جانب خمینی، ایران دمکراتیک جدیدی در حال تولد است که در آن، لااقل خبری از اختناق و نا امنی و تبعیض جنسی و ملی و مذهبی نخواهد بود. صرف‌نظر از نیروهای ضدانقلابی حول و حوش خمینی، صرف‌نظر از همه‌ی نیروها و کسانی که در آزمایش مقاومت و آزادی، مردود شده‌اند، اپورتونیست‌های راست و چپ‌نما نیز هیچگاه تا این اندازه بی‌اعتبار و افشاء شده نبوده‌اند...

* * *
* * *
* * *

مجاهدین خلق ایران!

در پایان، به‌یمن برکات مقاومت خونین و پربار یکساله و به یمن همه‌ی ارزش‌ها و افتخارات متعالی پرچم خونبار ۱۷ ساله‌ی مجاهدین خلق ایران، نکته‌ای را نیز باید به‌همه‌ی خواهران و برادران عزیز مجاهد در سراسر کشور یا در هر گجای دیگر جهان که هستند، تذکر دهم. شما با ایدئولوژی و مقاومت خونین انقلابی و توحیدی‌تان، با خطوط اصولی سیاسی و استراتژیکی سازمانتان و با تشکل و انضباط پولادین انقلابی‌تان، تا همین جای کار نیز طی چند ساله‌ی اخیر طلسم دیگری را شکسته و بدور انداختید.

بسیار گفته می‌شد که سازمان و ایدئولوژی باصطلاح "خرده بورژوازی و التقاطی" شما در مسیر حرکت، ناگزیر از شقه شدن و "رفتن نیمی به چپ و نیمی به راست" خواهد بود و بسیاری گمان و نیروها نیز در این باره حتی پس از انقلاب و بدنبال از سرگرداندن ضربه‌ی

او حتی روزنامه‌ی "میزان" را هم نمی‌توانست تحمل کند. گما اینکه چند ماه بعد حتی روزنامه‌ی ضدانقلابی "امت" را نیز تخته و تعطیل کرد؛ همان روزنامه‌ی که پس از اعدام نخستین موج زندانیان مجاهد، بسا تبریک‌ها هم به "امام امت" گفته بود.

آری خمینی فقط یک چیز می‌خواسته و می‌خواهد: تسلیم و عبودیت مطلق! آیا این شرک مطلق نیست؟!
به‌این ترتیب اگر مجاهدین نمی‌خواستند قیام کنند، جز به‌بهای تسلیم مطلق، هیچ "بقای تشکیلاتی" نیز برای آنها متصور نبود. با این تفاوت اساسی: که خمینی همچنان افشاء نشده، به گونه‌ای غیر مستقیم و توسط ایادی موسوم به "حزب‌الله" می‌زد و می‌بست و می‌گرفت و با خواری و خفت و امواج غیر قابل تصور ندامت، نیروی ما را نیز بی‌حیثیت و نابود می‌کرد. نظیر این جریان، یکبار دیگر نیز در تاریخ نزدیک ایران تجربه شده است. چنانکه اپورتونیسم و تسلیم‌طلبی حزب توده پس از کودتای ۲۸ مرداد و موج ندامت کادرهای زندانی این حزب، دست شاه را در لجن مالی و ایزولاسیون اجتماعی این حزب، بقایت باز گذاشت.

وانگهی در مورد خمینی هیچ تردیدی نیست که حتی بفری تسلیم‌طلبی مجاهدین، از آنجا که او پیوسته ما را همچون دشمن اصلی، مهمترین تهدید خود می‌دانست و از آنجا که ابعاد اجتماعی مجاهدین بجائی رسیده بود که برای خمینی به‌جز سرکوب و کشتار چاره‌ای نداشت، اگر هم قدری از آنچه تاکنون گشته، کمتر می‌گشت، ولی چندین مقابل آنچه را تاکنون از ماگشته از گشته بدتر می‌کرد! یعنی بی‌شرافت و بی‌حیثیت و بی‌اعتبار و بی‌آینده می‌گرد. حال اینکه امروز هیچکس در این حقیقت تردید ندارد که ابعاد "حقیقت" مقاومت مجاهدین از "اسطوره" نیز فراتر رفته و همچون سرمایه‌ای فراموش‌ناپذیر تا ابد بر تاریخ ایران و مبارزات انقلابی تاریخ جهان جای گرفته است. همچنان که "واقعیت" رذالت خمینی نیز تا ابد در "حقیقت" دناست، مورد لعن و نفرین بشریت آگاه قرار خواهد گرفت. آری اکنون ما او را خوار و بی‌اعتبار و بی‌آینده کرده‌ایم. آینه‌ی آن ماست!

وَعَدَالِلَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْنَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُنَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُغْنِيهِمْ وَيُؤْتِيهِمُ الْغَنَىٰ... (۵۵ نور)

عوارض غده‌ی خمینی و متحدانش، بهائی بس سنگین را متحمل شویم. چرا که برای ما و هر کس که از نزدیک دستی در "واقعیت خمینی" داشت روشن بود که پس از آغاز مقاومت انقلابی مسلحانه و پس از آن همه ضربات استراتژیکی به سرناپای رژیم؛ خمینی که در زمان مبارزه‌ی افشاگرانه‌ی سیاسی از هیچ جرم و جنایتی روی‌گردان نبود، به‌طریق اولی اکنون تمامی ماهیت ضدبشری خود را آشکار خواهد ساخت و بهائی بس سنگین از مجاهدین باز خواهد ستاند... و در این نقطه بود که مجاهدین تصمیم تاریخی‌شان را به حکم خدا و خلق گرفتند: فدا!

به‌عبارت دیگر همچنان که بارها تکرار کرده‌ایم، ما تصمیم گرفتیم که حتی به‌بهای فدا کردن تمامی بود و نبود و خانمان تشکیلاتی و فردی‌مان، فتنه‌ی خمینی و متحدان ضدانقلابی‌اش را از ریشه در این میهن براندازیم و با روی گشاده از تمامی مشقات این مهم، "عاشورا" وار استقبال کنیم. و امروز می‌توانم بگویم که اگر جز با این چشم-انداز، حرکت می‌گردیم و اگر در لحظه‌ی سرنوشت‌ساز به حکم تاریخ و وظیفه‌ی عقیدتی و انقلابی‌مان قیام نمی‌کردیم، امروز همچون بسیاری نیروهای دیگر آنچه از مجاهدین بجا می‌ماند، چیزی جز مثنی شعر و شعار و سرافکنندگی تاریخی، بیش نبود. حال آنکه ما نه‌فقط از چنین سرنوشت رقت‌باری اجتناب نمودیم، بلکه حتی مضافاً بر مقاومت عملی‌مان، از همان آغاز در چارچوب شورای ملی مقاومت، آلترناتیو سیاسی خود را نیز ارائه کردیم که خوشبختانه مورد استقبال بسیاری شخصیت‌ها و نیروها، بویژه حزب دمکرات کردستان نیز قرار گرفت.

وانگهی اگر از مقاومت مسلحانه سر باز می‌زدیم، آنطور که خمینی خیز برداشته و از مدتها پیش دستگاه سرکوب خود را گوگ کرده بود، اکنون حتی موجودیت فیزیکی سازمان ما نیز - مضافاً بر بی‌اعتباری اجتماعی - اساساً از بین رفته بود. گما اینکه این بلا متأسفانه بر سر بسیاری؛ که نه فقط با مبارزه‌ی مسلحانه علیه خمینی هیچ‌کاری نداشتند، بلکه حتی مخالف مقاومت مسلحانه نیز بوده‌اند؛ آمده و آنها را بطور مضاعف حسرت زده و زیانکار ساخته است. زیرا که خمینی نظامش را نه از بی‌تفریح و تفتن، بلکه دقیقاً براساس ضرورت سرکوب هر نیرویی که حتی با او اندکی هم ناسازگاری دارد، یک پایه می‌کرد.

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

واپسین پیامهای مجاهدین

مناد دیگر رزم

ایمان، عشق و عاطفه

(گذری کوتاه بر مضامین وصایای شهیدان مجاهد خلق)

... بنا بر "رسمی" کهن، رسمی که زمان پیدایش آن در تاریخ و روشن قرون و اعصار گذشته نهان شده است "انسانها" در واپسین روزهای عمر و هنگامی که احساس می کنند که دیگر آفتاب عمرشان بر لب بام است و دیر یا زود در افقهای ناشناخته‌ی حیات و برای همیشه غروب خواهد کرد، نگاهی به قفای خود می اندازند، خاطرات تلخ و شیرین را بیاد می آورند، با تاسف و حسرت راههای پریچ و خم عمر از کف رفته را می نگرند و سرانجام در اعماق ضمیر پیر و خسته شان می گذرد که:

آرزوهای نویسنده‌ی وصیت نامه است و همچنین بزرگترین آنها و چون در طول سالیان دراز برای نویسنده (علیرغم کوچکی و بزرگی آن از نظر افسراد دیگر) جنبه‌ی تقدس به خود گرفته است سعی می کند آنرا به بازماندگان انتقال دهد و زنده بدارد و در این رابطه و در زندگانی عادی و معمول و در زنجیره‌ی تکرار و تکرر چه بسا که برخی از این وصایا مضحک و گاه غم انگیز بنظر آیند ولی باز هم بایست توجه داشت که به نسبت حیاتی که فرد پشت سر نهاده و با در نظر گرفتن کیفیت زیست وی این وصایای غم انگیز و مضحک نیز در رده‌ی بالاترین و عزیزترین آمال وی بوده اند زیرا هر کس اشیاء و آرزوهای خود را به نسبت رنجی که برای آن متحمل شده است ارزش گذاری می کند. حال ممکن است کسی تکه سنگی را از قلعه‌ی دوردست و با رنج به خانه آورده باشد (و طبعاً آن سنگ برای وی دارای ارزشی ویژه است) و فردی دیگر با فرو رفتن در اعماق دریائی هایل و از برابر نهنگان و ستیزه‌ی امواج وحشی و چنگال راهزنان بی رحم گوهری در دانه را به کف آورده باشد و این گوهر را تجلی گاه ارزشی ویژه بداند. گوهری گرانبها که در عالم واقعیت و فارغ از تمثیل برای برخی می تواند تاج و تخت و حفظ سلطه بر خلق و گسترش مرزها به هر قیمت بوده و برای برخی که عمری را در فضای عواطف انسانی نسبت به بینوایان و خشم و نفرت از سالوس و ریاکاری بسر بردمانند این گوهر می تواند وفادار ماندن به محرومین و عواطف انسانی باشد، چنانکه ویکتور هوگو در وصیت نامه‌ی کوتاه خود، این ارزشها را یادآور شد (۱- خدا

را باور دارم ۲ - از طلب مغفرت کلیسا بیزارم - ۳ - مرا در تابوت گدایان به گورستان برید) و در مدارهائی متعالی تر، در چارچوب انقلاب و برای یک انقلابی این ارزشها چیزی جز منافع خلق و میهن نیست، ارزشهایی که در یک کلام در آرمانهای ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی وی خلاصه می شود و به همین جهت در واپسین دم به آن وصیت می کند. چنانکه علی (ع) بعنوان پیشوای پرورش یافته‌ی مکتب توحید که عمری را در نبرد با ظلم و مظاهر گوناگون آن سپری کرده بود در وصیت خود یادآور شد (كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا و لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا) و تداوم این آرزو را در فریاد حسین در ظهر عاشورا بازجست و چنانکه "محمد حنیف نژاد" در واپسین پیام خود از آن سخن گفت امروز نیز ما با مجموعه‌ای عظیم از وصیت نامه‌ها روبرویم، انبوهی از وصایای نسل انقلابی و مجاهد این میهن که در لابلای سطور خونریز و آتشین آن، بایست حدیث عشق به زیبایی و زندگی و پاکبختگی و ایثار در راه خدا و خلق و آگاهی و شور و ایمان را به تماشا نشست. وصیت نامه‌هایی شگفت انگیز که در آنها باید به داستان نبرد خلق و ضد خلق گوش سپرد و از آنها باید ایمان و امید به حقیقت و پیروزی را آموخت، وصایایی که بسیاری از آنها از میان شکنجه‌گاههای خمینی بدست ما رسیده است، ولی متأسفانه در این شرایط و با امکانات محدود کنونی هرگز امکان آن وجود ندارد تا تک تک این پیام‌های آخرین را باز بخوانیم و از آن آموختنی‌ها را بیاموزیم. بنابراین به آنچه که این انقلابیون پاکباز از آن سخن گفته‌اند، تنها اشاره‌ای می کنیم و به برخی از این نوشته‌ها نگاهی گذرا می افکنیم و از آنها در گستره‌ی نبردی خونین و بی‌امان که از ۳۰ خرداد ۶۰ آغاز شد و تا سرنگونی خمینی و برپایی ایرانی آباد و آزاد و دمکراتیک پایان نخواهد یافت مدد می طلبیم.

اتکا به ایدئولوژی رهائی بخش توحید و ننگ و نفرت از آنچه خمینی خون آشام بنام اسلام ارائه می کند مشخص ترین ویژگی واپسین پیام‌های مجاهدین شهید را تشکیل می دهد و بطور دقیق تر بایست گفت در هر وصیت نامه، ایدئولوژی اسلام انقلابی به مناسبت نقطه‌ی اصلی و مرکزی آرمانهای مجاهد خلق در نظر گرفته شده و براساس آن مواضع اقتصادی اجتماعی و سیاسی مجاهد خلق شکل یافته و تنظیم شده است. در این واپسین پیام‌ها که اکثراً با آیات کوبنده‌ی قرآن و فرازهای نهج - البلاغه شروع شده است، بخوبی می توان دریافت که عنصر موحد و مجاهد خلق در واپسین لحظات عمر و در حصار شکنجه‌گاههای خمینی تا کجا به تفاوت بنیانی اسلام راستین با آنچه که واعظین مرگ و تباهی مبلغ آن هستند (و بعنوان فرهنگی قرون وسطائی برای استحکام بنای خون و جنایت دجال خون آشام بکار گرفته شده) آگاهی دارد... و اگر بجز این مفارقت کرد و سلاح در دست در هر کوی و برزن بر علیه خمینی جنگید. درست در همین جاست که می توان با نگاهی به این پیام‌ها و وصایای شهیدان بخون خفته‌ی راه آزادی و انقلاب، بوجی دعاوی عناصری را که سعی می کنند با مخدوش کردن مرزهای ایدئولوژیک مجاهدین و خمینی و محکوم کردن رهبران سازمان و تأیید "توده‌های هوادار" از آب گل آلود، رزق و روزی خود را فراهم کنند، دریافت. پاسخ این عناصر بجز این نیست که... مجاهد خلق با آگاهی کامل ایدئولوژیک پای به عرصه‌ی خونین نبرد نهاده و اساساً و از بنیان، نبرد عنصر مجاهد خلق با خمینی یک نبرد ایدئولوژیک است. بگذارید سخن را در این زمینه کوتاه کرده و از زبان شهدا این پیام را بشنویم.

متکی بودن به ایدئولوژی رهائی بخش و توحیدی اسلام انقلابی و ننگ و نفرت از آنچه خمینی بنام اسلام ارائه می کند برترین ویژگی وصایای مجاهدین شهید

آسمان میهن خونبارمان به عهد خود وفا کرده و هر چه زودتر دامن "اسلام" و "انقلاب" را از لوث وجود این ددمنشان، پاک کنند و این رسالتی است تاریخی که باید آنرا به درستی به انجام رسانند، پس چه باک که در راه انجام این مسئولیت "خدائی" و "خلقی" حتی همگی مان گشته شویم و خانواده‌هایمان اسیر و آواره گردند. مگر نه آنکه حسین بن علی (ع) نیز خود و بهترین یارانش را فدا نمود و اهل بیتش به اسارت برده شدند اما خیانت وجود یزید و یزیدیان را از دامن اسلام زدود. اینک ما همصدا با او فریاد می زنیم اگر دین پاک محمدی جز با خون ما از لوث وجود خمینی و دار و دستاش پاک نشده و برقرار نمی ماند، پس ای گل‌گولها بر ما فرود آئید... من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلاً" (بخشی از وصیت نامه‌ی مجاهد شهید مسعود صفاری) "... اینک که مبارزات خلق قهرمان ایران وارد مرحله‌ی نوین و جدید شده است و هر روز مرتجعین حاکم نوگلی را از بوستان گل‌های محمدی پرپر می کنند، من با توجه به مسئولیتی که خدا بر دوش هر انسان آزاده‌ای نهاده است و با آگاهی کامل تنها راه رهائی از قید هرگونه ستم و استثمار را در ایدئولوژی توحیدی و ناب مجاهدین که سرانجام جزایایی به جامعه‌ی بی طبقه‌ی توحیدی و در امتداد راه تکاملی علی و حسین می باشد یافته‌ام و در این راه از بذل جان خویش دریغ ندارم." (بخشی از وصیت نامه‌ی مجاهد شهید زهرا مشیری "حوری")

"ان گان دین محمد لا یتقیم الا بقتلی فیا سیوف خذینی" سالار شهیدان حسین (ع) خواهران و برادران راه ما راه انبیا، راه انقلابیون تاریخ و راه سالار شهیدانست راهی که از ابتدا با خون نقش گشته و تا رسیدن به جامعه‌ی بی طبقه‌ی



بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران



پیگر بیجان مجاهد شهید محمدجعفر خادم دزفولی آثار شکنجه بخوبی بر روی بازوهای او دیده می شود



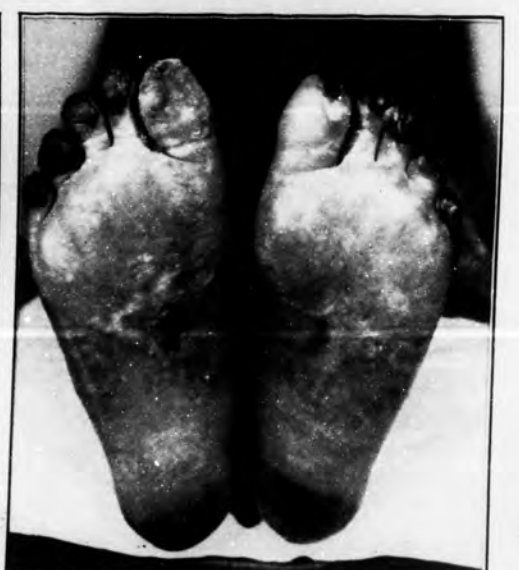
عکسی از پاهای شکنجه شده ی برادر مجاهد حسین دادخواه



میلشای ۱۶ ساله مریم قدسی مآب که پس از تحمل شکنجه های فراوان به جوخه ی اعدام سپرده شد .



آثاری از شکنجه های جلادان رژیم خمینی بر روی بدن برادر مجاهد سید حسین موسوی گاشانی در دوران اسارتش (آبان ۶۲) در زندان اوین



عکسهائی از پاهای شکنجه شده ی برادر مجاهد حسین دادخواه در زندان اوین که در اسفند سال ۶۱ نیز برای اولین بار در "مجاهد" چاپ گردید .



مزار یکی دیگر از شهدای مجاهد خلق که برای مصون ماندن از حمله و هجوم پاسداران جنایتکار ، جسدش در بیابان دور افتاده ای بخاک سپرده شده است

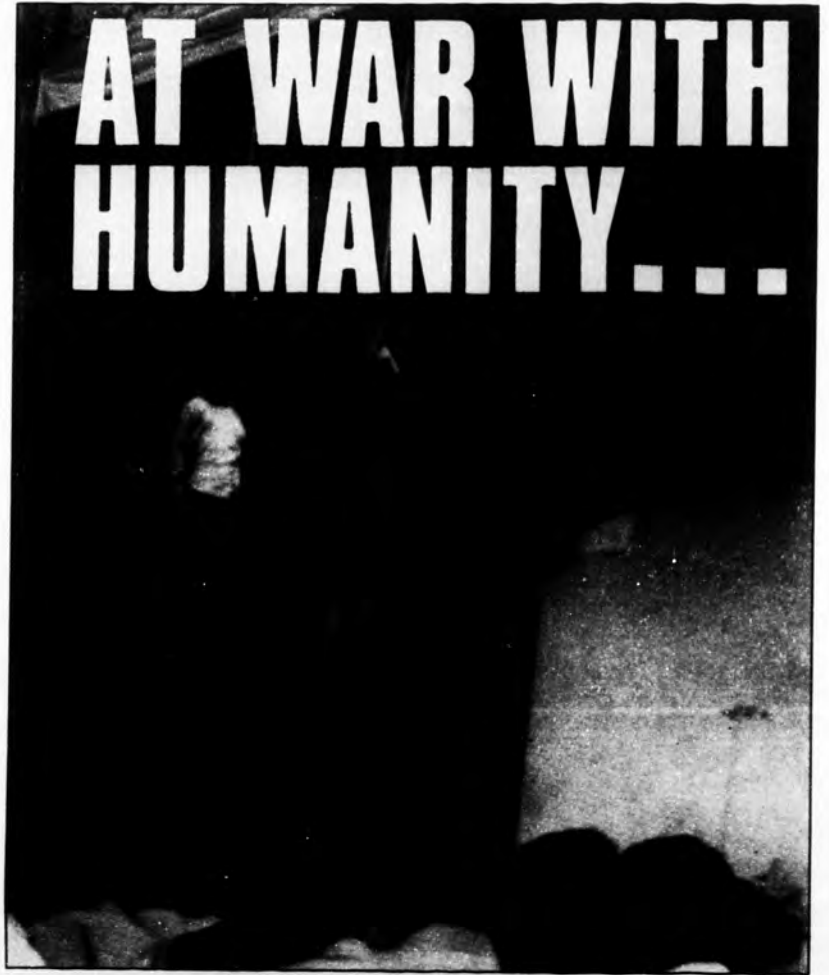
مزار چند تن از شهدای قهرمان مجاهد خلق که بدلیل مخالفت پاسداران و مزدوران خمینی از دفن اجساد آنها در گورستان عمومی شهر ، در حیاط منازل مسکونی شان بخاک سپرده شده اند . پدر و مادر پیر یکی از شهدا در کنار مزار فرزندشان دیده می شوند .



بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران



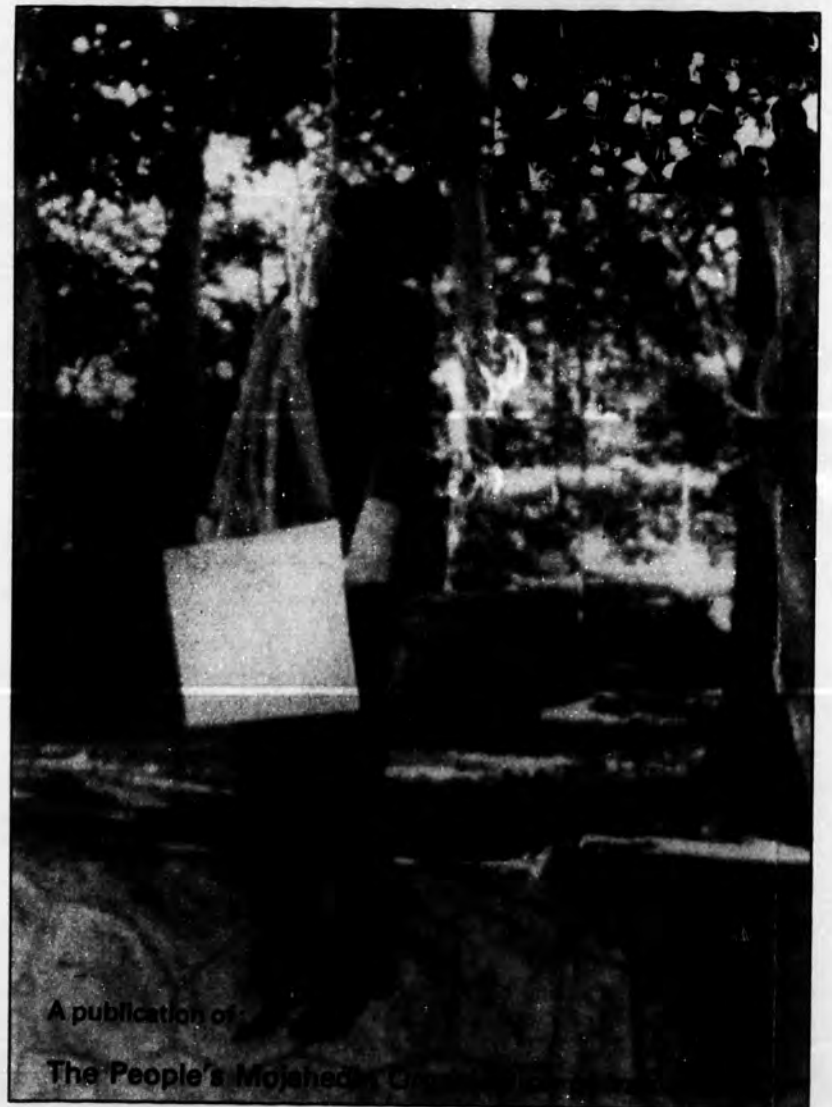
پیگرهای بدار آویخته شده‌ی چهار مجاهد خلق در شهر همدان



پیگرهای بدار آویخته شده‌ی مجاهدین شهید حمید و حامد در کرمان (در زمستان سال ۶۰)



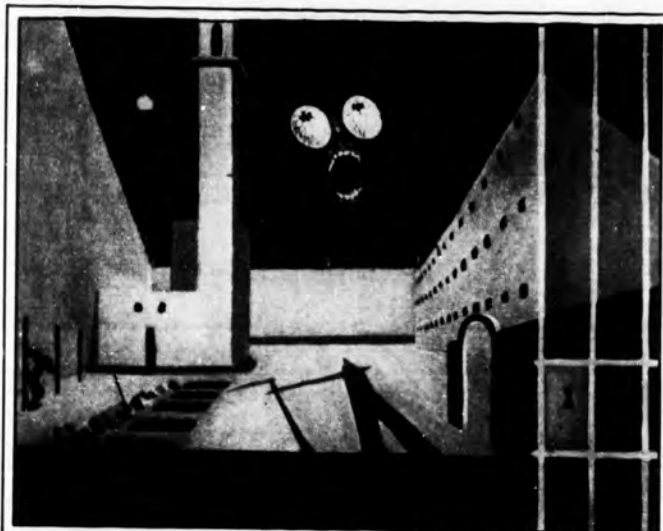
مجاهد شهید امیرکبیر یغمائی که در تابستان ۶۱ در صحن حضرت امام رضا (ع) و در برابر دیدگان اشکبار مردم مشهد و پدر و مادر پیرش بدار آویخته شد.



پیگر مجاهد شهید حبیب‌الله اسلامی که در تابستان ۶۰ در حیاط زندان اوین و در برابر تعدادی از زندانیان بدار آویخته شد



بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران



"شکنجهگاه هاوین"
طرحی
با الهام از
مقالات
"زندان و زندانی"



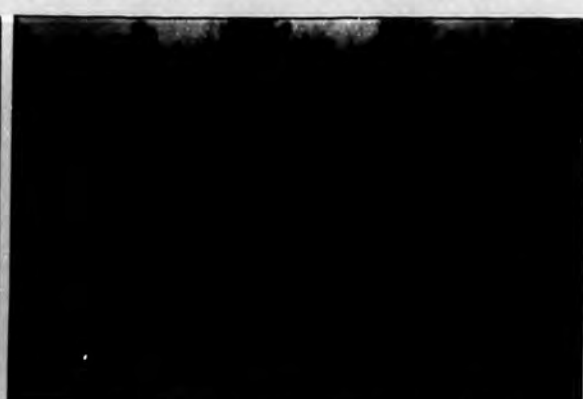
پیگر
در خون تپیده ای
یکی دیگر از
شهدای مقاومت
کردستان



تصاویری از جنایات فجیع پاسداران جنایتکار خمینی در کردستان، مردم محروم و ستمکشید هی کردستان به جرم دفاع از حقوق حقه ی خویش، اینچنین آماج تیر خشم حیوانی مزدوران خمینی قرار گرفته اند.



حتی مزار شهیدان نیز از هجوم و وحشیگری های دژخیمان خمینی در امان نمانده است. عکس های فوق نمونه های نیست از مزار شهدای مجاهد خلق که توسط مزدوران خمینی ویران شده است



مزار ویران شده ی تعدادی از شهدای مجاهدین خلق در شهر مشهد در یورش پاسداران خمینی

قطعه ی ۴۱ بهشت زهرا محل دفن پیگرهای در خون تپیده ی شهدای مجاهد و مبارز خلق که مورد هجوم پاسداران واقع شده و ویران گردیده است.

یکی از قطعات بهشت زهرا که اخیرا به محل دفن شهدای مجاهدین اختصاص یافته است. خانواده ی شهید برای در امان ماندن مزار فرزندان شان از هجوم مزدوران خمینی از گذاشتن سنگ قبر خود داری می کنند.

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

واپسین پیامهای مجاهدین مناد دیگر رزم، ایمان، عشق و عاطفه

بقیه از صفحه ۲۲

عشق به سازمان و رهبری انقلاب و ایمان به مبارزه انقلابی مسلحانه

مقصود، همانا تحقق جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی خواهد بود و... (بخشی از وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید حیدرعلی نیاکان)

"بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران و بنام سردار کبیر خلق مجاهد شهید موسی خیابانی اینجانب مهدی حیدری فرزند اکبر با اعتقاد کامل به آرمان و ایدئولوژی توحیدی سازمان مجاهدین خلق ایران و با قبول تمامی خط‌مشی‌های سیاسی و نظامی سازمان، خصوصاً "مشی مبارزه‌ی مسلحانه" که در حقیقت نقطه‌ی عطف و فرافراز پرشکوهی در تاریخ مبارزات خلق و میهن‌مان می‌باشد گواهی می‌دهم که سازمان مجاهدین خلق ایران بقول قرآن شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب کبیر خلقی است که برها و ثمرات خویش را فصل به فصل، تقدیم خلق خواهد کرد، ثمراتی چون مبارزه‌ی مسلحانه با رژیم شاهنشاهی و شاه وابسته و مزدور آمریکا، پیروزی چشمگیر عقیدتی و ایدئولوژیک در قبال ضربه‌ی اپورتونیست‌های چپ‌نما، دوو نیم سال مبارزه‌ی سیاسی و عملی با رژیم به‌غایت ارتجاعی خمینی و پراکندن پرتوهای آگاهی و مقاومت در سطح خلق و تمام ایران، انتخاب مشی مسلحانه بعنوان تنها راه و گانال مبارزه با رژیم خمینی خون‌آشام و... تنها انتظار من از شما همان توصیه‌ی امام علی (ع) است و همگامی با مجاهدین و ادامه‌ی راه من تا سقوط رژیم خمینی دین‌فروش... سلام بر خلق، سلام بر آزادی، مرگ بر خمینی، درود بر رجوی..."

(بخشی از وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید مهدی حیدری)

"... در باره‌ی من فقط مسئولین سازمان مجاهدین صلاحیت اظهار نظر دارند... به اراجیفی که ممکن است در باره‌ی من گفته شود گوش ندهید... امیدوارم با نثار خون و جسد نیز به رژیم ضربه بزنم، من باز خواهم گشت در صغیر مجدد

ویژگی دیگری که وصایای مجاهدین شهید را برجسته می‌سازد شناخت رهبری انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران و برپایی این شناخت نثار عشق و عاطفه‌ی خود حتی در آخرین لحظات زندگی نسبت بدانانست و بجز آن آگاهی و درک این نکته که در رزم با خمینی پلید هیچ زبانی جز زبان سرخ و آتشین سلاح کارآئی ندارد و بهمین دلیل در سطر سطر نوشته‌های خود با خون خود مهر تأیید بر مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه می‌زنند و بسیاری از آنان چنانکه در گذشته‌ها اشاره کرده‌ایم در هنگام شتافتن به سوی چوبه‌های دار و یا تیرباران از یاران خود می‌خواهند تا باقیمانده‌ی میراث و حتی مخارج مراسم شب هفت و چهلم آنانرا به سازمان برسانند تا بازهم شعله‌ی نبرد مسلحانه‌ی انقلابی هرچه فروزانتر و پرشورتر گردد و بنیان حکومت ارتجاعی خمینی ضدشیرا به‌آتش کشد.

"... اعتقاد اصیل توحیدی حکم می‌نماید که با تمام قوا و بذل جان در مقابل این طغیان به مقاومت ایستاد، زیرا که در هر مقطع از تاریخ انسان آنجا که طغیان حاکمان اوج می‌گیرد، خدا امر به مقاومت و نیز سرکوب طغیان ستمگران می‌دهد. اذهب الی فرعون انه طغی... به تعبیری این مقاومت حفظ و حراست از تمامی ارزش‌های اصیل اعتقادی اسلام می‌باشد که در دوران حاکمیت تزویر و ریا این چنین مسخ و از مفهوم تهی گردیده است و در این برهه از زمان رایت خونین و انقلابی اسلام و توحید بر دوش پرتوان مجاهدین خلق در اهتزازست، مجاهدین، همان جریان خروشان که "حنیف" و یارانش آغازگران آن بودند و اینک یادگاران او "مسعود" و "موسی" به‌شیر رساننده‌ی نهالی هستند که "حنیف" و... با خون خویش آنرا آبیاری نموده بودند و بی‌شک نسل انقلابی و آگاه ما تداوم‌دهنده‌ی آن تا سرمنزل

گلوله و غرش مسلسل‌های خلق من بازخواهم گشت در آنروز صدای خنده‌های مرا خواهید شنید، به امید دیدار. پیروز باد جنبش مسلحانه‌ی خلق، درود بر مجاهدین خلق ایران. در پایان خواندن قرآن و نهج‌البلاغه را فراموش نکنید، به‌خدا که به سختی توانستم خودم را در بازجویی کنترل کنم و الا اگر قدرت داشتم همانجا گلولی بازجو را آنقدر فشار می‌دادم که خفه شود. (بخشی از وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید جعفر حکمران)

"... برادر مسعود، تو طلاهدار خلق ما هستی، تو یادگار بچه‌هایی هستی که منتظر ملاقاتشان هستم، امیدوارم بدانی که چقدر بچه‌ها به تو و کارت ایمان دارند، امیدوارم با بچه‌ها پیوزی امپریالیسم، آمریکا و ارتجاع را بخاک و خون بکشید، با تمامی بچه‌ها یا موسی، مهدی و... (قسمتی از یادداشت مجاهد شهید زهرا رضائی که در زندان و چند روز قبل از تیربارانش، خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی، در حاشیه‌ی وصیت‌نامه‌ی خود نوشته است.)

"... مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه‌ی مجاهدین خلق به عنوان سازمان انقلابی و پیشتاز و رهائیبخش خلق در همه‌ی ابعاد انقلابی اکنون دیگر در قلب هر انقلابی پاکباز به‌مثابه تنها و تنها راه رهایی خلق از چنگال رژیم است پوسیده، به‌غایت ارتجاعی، دروغگو و فریبکار که نه تنها کوچکترین گامی برای قطع وابستگی از امپریالیسم برنداخت... آری... آری من افتخار می‌کنم که هم‌اکنون و هر زمان دیگر با تمام وجود افتخار می‌کنم که دست در دست دیگر برادران و خواهران مجاهد سلاح بر گرفته‌ام تا با خمینی، این عنصر متعفن سفیانی برخورداری قهرآمیز و خونین داشته باشم تا به او و به صدای بلند بگویم "دشمن انسان سازش نمی‌کنم، من با تو حرفی ندارم زبان بین من و تو گلوله و بمب است و نارنجک اگر مرد میدانی این گوی و این میدان، این قلب من که آماج گلوله‌های گینه و عقده‌ی هزار و چند ساله‌ی حکومت استعمارگر تو و امثال پلیدت گردد و این بمب من که گاخ همه‌ی این رویاهای شیطانی را بر سرت خراب کند" (قسمتی از وصیت‌نامه‌ی شورانگیز مجاهد شهید مسعود شکیبازاد)

تموج احساسات و عواطفی پاک، و عشق به زیبایی و زندگی در واپسین پیام‌های مجاهدین شهید

از دیگر ویژگی‌های برجسته‌ای که در لابلای سطور وصایای بجا مانده از شهدای مجاهد خلق خود را نشان می‌دهد، ویژگی عشق به زندگی و زیبایی و غلیان احساسات پاک و عواطف لطیفی است که جبرادر راه رزم با خمینی پلید می‌بایست از آن دل برکند. بزبان دیگر نفرت از زندگی و مرگ‌ستایی در قاموس مجاهد خلق معنا و مفهومی ندارد و اگر بجز این بود، مگر مبارزه ضرورتی داشت، روح این مبارزه از جهتی بازگرداندن زندگی به این مرز و بوم و نابودی و گریزانیدن مرگ و مرگ‌آورانی است که در هر کوی و برزن، مرگ را موعظه می‌کنند و بر زندگی نفرت می‌افشانند و این ویژگی نیز در پیوندی ظریف و دقیق با دیگر ویژگی‌هایی است که تک‌تک این شهیدان راه آزادی و انقلاب و بزبانی دیگر، شهیدان راه زندگی و حیات به آن متصف بوده‌اند. با خواندن این وصایا می‌بینیم که مجاهد خلق در هنگام ورود به صحنه‌ی نبردی هول‌انگیز با بزرگترین دژخیم زمان (که لاجرم شهادت نیز در آن محتمل و گاه محتوم است) دارای عواطفی بس لطیف است، زندگی را دوست می‌دارد. عشق را می‌فهمد و دل در گرو محبت یاران و پدر و مادر و زن و فرزند نیز دارد، او در وصایایش گاه از بهار یاد می‌کند و خود را با بهاری که در راهست و همه‌ی انسان‌ها می‌توانند در آن ببالند و بزیند تسلی می‌بخشد و گاه بی‌پروا و در آخرین لحظات عشق و محبت خود را که مدت‌ها ناگفته نهاده بود بر زبان می‌آورد و همه و همه اینها شکوه نبرد انقلابی مجاهد خلق را باز هم بهتر نمایان می‌سازد و بوچی هذیان‌های بی‌سروته آنکسانی را که سعی می‌کنند مجاهدین را به خصلت مرگ‌ستایی و زندگی گریزی متصف کنند، نشان می‌دهد. بگذارید بازهم از لابلای نوشته‌های آخرین این شهیدان این مسئله را بی‌گیریم.

"همسر... اگرم جان... مهم نیست، مهم اینست که زندگی یا مرگ من چه تاثیری در زندگی دیگران دارد... اگرم جان! این درست است که ما با ازدواج، بسیاری از بیگانگی‌ها را از دست داده بودیم و می‌رفتیم تا به وحدت برسیم و در مسیر رشد خود بسیاری از تضادها را حل کنیم ولی دشمن نیز بیگار ننشسته و همواره مترصد فرصت است تا از گلستان رزم خلق گل‌های تازه‌تری بچیند و پرپر کند ولی در هر حال پس از گذار از این پروسه، نبودن من دلیل بر تنهایی تو و یا بازگشت به گذشته نخواهد بود و تو وارد فاز جدیدی شده‌ای بویژه اگر خدا کمک کند و موفق شوی صاحب فرزندی خواهی شد که تنها جای خالی مرا پر خواهد کرد... اگرم جان تو تنها نیستی که همسرت را تقدیم انقلاب و خلق می‌کنی، شیرزنان دیگری نیز هستند... (از وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید امیر حیدری)

"... یادت باشد زندگی خیلی قشنگه، البته وقتی هدف داشته باشی و فقط یادت نره من برای چی رفتم." (بخشی از وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید زهرا رضائی)

"از دور همه‌تان را می‌بوسم... دلم برای بچه‌ها از آقا منصور عزیز و ناصر خان شیطون بلا گرفته تا بقیه‌ی بچه‌های فامیل یک ذره شده. به مامان چون بگو که من با کمال افتخار و سربلندی در این راه رفتم و با این امید که شاید جان ناچیز من فدیهای باشد در راه آزادی" (بخشی از وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید گیتی‌السادات جوزی)

"... مادر! روزی خمینی دژخیم می‌رود و صلح و رهایی و آزادی می‌آید، من آنوقت زنده‌ام، در قلب تو در لبخندهای کودکی که دیگر گرسنه نمی‌خواهد و قلب شاد مردی که خوشحالت سرپناهی دارد و از نگاه زنش خجالت نمی‌گذد، آری من زنده‌ام از دست آن روستائی که به شوق بهترین شمر زندگی بیل می‌زند و از دست آن کارگر پرغرور و مفتخر که چرخهای آزادی و استقلال میهن را می‌گرداند. آری مادر وقتی غنچه‌ها شگفت و شکوفه‌ها به لبخند آمدند وقتی درخت‌هایی بقیه در صفحه‌ی بعد

۳۰ خرداد

از: فهیمه - الف

روزهای انقلاب

* * *

مبشران صبح

پرنده‌های کوچک رهائی و امید

پیام عشق را

گوچه گوچه، گو به گو، بهر گذر

به گوش خلق می‌رساند

و خرد و پیر، مرد و زن ز راه

دسته دسته می‌رسید

خشمگین و ملتهب

* * *

زمین پاک شهر شورشی

بزیر گام‌های استوار خلق

می‌تپید و می‌شگفت

و یاد لحظه‌های پرحماسه را به سینه می‌سپرد

* * *

و دیو زخم خورده در میان قلعه‌ی سیاه خویش نعره می‌کشید

و قطره قطره خون تازه‌ی دلاوران

به خاک می‌چکید

* * *

طنین انفجار خشم خلق بود

خلق عاصی و کبیر

که تا گرانه‌های دور می‌رسید

- "زمان، زمان یک نبرد تازه است"

"زمان، زمان پاسخ گلوله با گلوله است"

* * *

و پرچم مجاهدین

بلندتر، بلندتر، بلندتر

فراز شهر پرتپش در اهتزاز

سکوت تلخ و مرگبار شب شکسته شد

پرنده‌های سرخ‌بال صبح دسته، دسته در افق عیان شدند

و بعد، روزهای سخت خاموشی

دوباره، باز هم سرود خوان شدند

* * *

فلق شگفت

و با هجوم نور، پرده‌های شب

یکی، یکی فرو فتاد

* * *

پس از گذشت روزهای تلخ

روزهای کینه‌ی خموش

روزهای ساکت و صبور و خشمگین

نظاره‌گر به حمله و هجوم هرزگان

به خیمه‌گاه خلق

پس از گذشت روزهای خار غم به چشم و استخوان خشم در گلو

زمان تازه‌ای فرا رسید

* * *

هجوم خلق بود

که همچو سیل در میان گوجه‌ها روانه بود

هجوم خلق بود

و بارش مداوم گلوله‌ها

و بوی خون تازه در فضا

جوانه‌های کینه سبز سبز سبز

به پیگر بلند و زخم‌دار خلق می‌شگفت و می‌دمید

و قلب شهر می‌تپید

تند و تندتر

و لحظه‌ها پر از حماسه بود،

و شهر پرتپش دوباره صحنه‌ی طلوع روزهای تازه بود

روزهای گرم و زنده

واپسین پیامهای مجاهدین مناد دیگر رزم، ایمان، عشق و عاطفه

بقیه از صفحه قبل

که در خون گشت شدند، به‌ثمر رسیدند و بر دادند، آنوقت من و همه‌ی هم‌رزمانم در فریاد رسا و پرصلابت خلق که مرگ ستم و استثمار را نوید می‌دهد زنده‌ایم. خدا حافظت مادر جان دوست دارم... (بخشی از وصیت‌نامه‌ی شورانگیز مجاهد شهید مسعود شکیبانی‌زاد)

"... عزیزم در مورد فرزندان "سمیه" که او را خیلی دوست می‌دارم و پس از من مسئولیت مستقیم‌اش به‌گردن

تو می‌افتد البته با توجه به رهنمودهای سازمان از تو می‌خواهم که او را طوری تربیت کنی که در آینده بتواند ادامه دهنده‌ی خط‌مشی سازمان بشود... عزیزم در این مدت که ما با هم زندگی کردیم من از تو بسیار چیزها آموختم و تو برای من همسری بتمام معنا بودی از هر جهت، امیدوارم اشکالات و خطاهای مرا در نظر نگرفته و حلالم کنی و بدان تا مادامی که زنده هستم دوستدار تو و راحت می‌باشم. عزیزم امیدوارم که بتوانیم عشقان را به عشق والا تر که همان

عشق به خدا و خلق است سوق داده و در این راه از خود بگذریم... (بخشی از وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید فاطمه عبدالعلی)

"... در لحظه‌ای که این وصیت‌نامه را می‌نویسم یک روز بهاری است شادابی و خرمی بهار طبیعت، بهار جاوید رهائی و بهروری خلق را برایم تداعی می‌کند و امیدش آتشی بر وجودم می‌افکند، آتش عشق و کینه و عشق را چگونه می‌توانستم باور کنم و چگونه نثار خلق نمایم و آتش خشم و کینه‌ام را چگونه بر

خرمن هستی همه دشمنان خلق امپریالیست‌ها، مرتجعین و سازشکاران افکنم چگونه؟ پاسخ نیازم را یافتم آنگاه که مجاهدین را یافتم... (بخشی از وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید مصطفی شانه‌چی)

"... بله، بنا بر رسمی کهن "انسان‌ها" در واپسین روزهای عمر و هنگامیکه فکر می‌کنند که دیگر آفتاب عمرشان بر لب بام رسیده... نگاهی به قفای خود می‌اندازند و وصیت‌نامه می‌نویسند و آرزوهای خود را در آن نقش می‌زنند... مجاهدین نیز بدینگونه واپسین پیام خود را می‌نویسند و بیادگار می‌نهند ولی با دو تفاوت کوچک! اول

آنکه نه در واپسین روزهای عمر بلکه در آن هنگام که آفتاب عمرشان در میانه‌ی آسمان حیات درخشان‌تر از همیشه نور می‌افشاند و در زمانی که در پیکرهای جوانشان خون جوشنده سرود - خون می‌توفد واپسین پیام خود را می‌نویسند و می‌روند و دیگر اینکه "مجاهدین" هرگز به پشت‌سرنگاه نمی‌کنند، آنان بگانه نوشتن واپسین پیام سر بر می‌دارند، آفاق آینده‌را می‌نگرند، لبخندی می‌زنند، پیامی می‌نویسند و به میدان می‌شتابند. دیروز زخون من و تورنگین است امروز هم ای یار شبی قبرین است برخیز و بتاز رو به فردا کانجا گویند که از ستاره‌ها آذین‌ست

* * *

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

قسمت هائی از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت اولین و دومین سالگرد ۳۰ خرداد، سرآغاز انقلاب نوین ایران

بقیه از صفحه ۲۵

ضد اسلام خمینی را، در یک ردیف قلمداد کند.

بیگمان تاریخ ایران و نسل‌های آینده، یک روز به دقت همه‌ی جریانات و موضع‌گیری‌های امروز را در ترازوی داوری انقلابی محک خواهند زد، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد!

البته وقتی خورشید بدرخشد هیچکس نمی‌تواند آن را انکار کند. اما اراده و ایمان عمیق نسل ما در آنجا متجلی می‌شود، که در پس ابرهای تیره و تاریختناق و دیکتاتوری، درخشش آفتاب تابان آزادی را نوید می‌دهد و به جای غرقه شدن در وادی یاس و انفعال (و بویژه در خارج از کشور) با جو تسلیم و عقب‌نشینی جانانه می‌ستیزد. راستی هم اگر جاده‌ی انقلاب و آزادی، صاف و هموار و بی‌فراز و نشیب بود، همگان مرد میدان بودند و شاید اصولاً نیازی به انقلاب نمی‌بود اما در پس همین فرازونشیب‌ها و آزمایشات پر رنج و شکنج است که مرزهای میان "شایستگی" و "ناشایستگی" که بیان دیگری از "ماندگاری" و "ناماندگاری" ایدئولوژیکی و اجتماعی است، بوضوح تمام ترسیم می‌شود.

* * *

* *

* *

... مسیر انقلاب نوین و کبیر ما البته بسیار پرپیچ و خم و در هر قدم مملو از آزمایشات جدید است. آزمایشاتی که در آن لاجرم هر فرد یا گروه و هر حزب و هر سازمان در گشاکش آن، محتوا و جوهر واقعی خود را در زمینه‌ها و جهات مختلف بارز و آشکار می‌کند، و به این ترتیب در بحبوحه‌ی همین گشاکش‌ها، چنانکه ضروری تکامل جامعه و انقلاب است، هر روز مرزهای بین جنبش و ضد جنبش و مرزهای بین خلوص انقلابی و همه‌ی انواع ناخالصی‌های فرصت‌طلبانه، روشن و روشن‌تر می‌گردد.

انقلابیون راستین، البته از بروز ماهیت‌ها و روشن شدن مرزبندی‌ها، به جد استقبال می‌کنند. زیرا در غیر این صورت بازهم امثال خمینی و جبهه‌ی متحد ارتجاع خواهند توانست خود را مسلمانان انقلابی یا ضدامیرالیست‌های دو آتشه و همچنین دمکرات و ملی‌ا و ترقیخواه او... جلوه داده و آنگاه سرنوشت خلق و انقلاب را، گماگان به بازی بگیرند.

از این نظر نباید مسیر پرپیچ و خم و پر فراز و نشیب انقلاب کبیرمان را که می‌رود ریشه‌ی بسیاری از عقب‌ماندگی‌ها،

ضعف‌ها و فرصت‌طلبی‌های موجود در جامعه را بخشکاند، با "پیاده‌رو"های صاف و مسطح و گلکاری شده در روزهای بهاری، یکی فرض کنیم.

بعنوان مثال، امروز هیچ فرد یا جریان سیاسی نیست، که با آزادی و استقلال و حاکمیت ملی و حق انتخابات آزاد و عمومی و تساوی زن و مرد و احقاق حقوق کارگران و دهقانان و اقوام مختلف ایرانی، و این قبیل شعارهای کلی، جرات مخالفت داشته باشد. گما اینک هیچکس نیست که بتواند قهرمانی‌ها و فداکاری‌ها و مقاومت‌های بی‌نظیر خواهران و برادران و فرزندان مجاهد شما را، آشکارا تخطئه نموده و در برابر آن سر احترام فرود نیارد. زیرا در غیر این صورت، خودبخود افشاء و نفی خواهد شد و دست خود را برای اقدامات بعدی‌اش بر ضد مجاهدین و بر ضد شورای ملی مقاومت خواهد بست.

علیهذا بطور گاملاً طبیعی و اجتناب‌ناپذیر، بایستی تا روز تحقق سقوط رژیم خمینی، انواع و اقسام فرصت‌طلبی‌های ضد "مجاهد"ی و ضد "شورا"ئی را، از قضا در پس داعیه‌های غلیظ باصطلاح ملی‌گرایانه، دمکرات - نمایانه و یا ترقیخواهانه انتظار کشید. جریانی که البته در عین حال بهترین آزمایش برای تشخیص سره از ناسره، در راستای استمرار و تصفیه و تطهیر هرچه بیشتر حرکت رهائیبخش انقلابی در مراحل بعدی نیز هست. به عبارت دیگر، ما افراد و جریانات مختلف را، چه در داخل و چه در خارج از کشور، در ورای همه‌ی عبارات پردازی‌ها و قلم‌فرسائی‌های زیبا و شکیل، قبل از هر چیزی با این معیارها ارزیابی می‌کنیم که:

اولا - در صحنه‌ی مقاومت عملی بر ضد دشمن ضدبشری چه کرده و چه می‌کنند، و یا دست کم در برابر مقاومت انقلابی چه موضع سیاسی اتخاذ می‌نمایند؟ آیا به تقویت مقاومت اشتغال دارند و در مسیر تسریع قیام عمومی حرکت می‌کنند، یا بالعکس به طرق مختلف سنگ‌اندازی و اشکال‌تراشی نموده و بالفعل چه بطور مستقیم یا غیرمستقیم، موجبات دوام سلطه‌ی ننگین خمینی را فراهم می‌کنند...

ثانیا - در میان احتمالات مختلف برای جانشینی رژیم خمینی، در مجموع و برغم همه‌ی شعر و شعارهایشان، عملاً جانبدار کدامین قطب و کدامین آلترناتیو عملی و ممکن هستند.

اما اگر این معیارهای واقعی را در دنیای خارج از ذهن نادیده بگیریم، آنگاه هر کس (ولو مغرض و بدطینت

نباشد) می‌تواند بنحوی غیر مسئول و روشنفکر نمایانه، صرفنظر از آثار گفتار و کردار خود، بر "ارتجاع" و بر "انقلاب" و صرفنظر از پیچیدگی‌ها، محدودیت‌ها، اجبارات و نیازهای مقاومت و انقلاب، به عبارت پردازی وقافیه‌بافی و عقده‌گشائی بپردازد و برای ابراز حساسیت‌ها و گزیدگی‌ها و تمایلات و عواطف و نظریات خاص خود زمین و زمان را نیز بهم بیاورد.

همچنین اگر این معیارهای واقعی را فراموش کنیم، هر کسی می‌تواند در پس الفاظ و کلمات خوش‌طنین، در عین حالیکه باطناً بر علیه مقاومت و همچون قوای ذخیره‌ی دشمن (البته در صفوف خلق) عمل می‌کند؛ فرصت‌طلبانه دستار وجیه‌الملگی بر سر و قبای تنزه‌طلبانه! بر تن نموده و الی غیرالتباهیه داد سخن بدهد...

فی‌المثل بیاد داریم، که چه خمینی و چه اپورتونیست‌های راست و چپ، در آن اوائل به جد می‌کوشیدند که با ابراز غمخواری و سمپاتی نسبت به اعضا و هواداران "ناآگاه و فریب‌خورده‌ی گروهک‌های منافق و محارب"؛ مقدمتا حساب رهبری سازمان‌های انقلابی و بویژه دشمن اصلی‌شان مجاهدین را برسند، تا در قدم بعدی، تمامیت سازمان ما را خنثی و نفی کنند. همچنین آنها در قدم‌های نخستین تلاش می‌کردند که با تمجید ریاکارانه از شهدای ما - از حنیف‌نژاد تا شریف‌واقفی و رضائی‌های شهید - آنها را به چماقی بر علیه خود ما تبدیل کرده و بدین وسیله برای بیرون ریختن حقد و کین ضدانقلابی خود بر سر زندگان ما، راه باز کنند. و این در شرایطی بود که هنوز مستقیماً یارای به جوخه‌ی اعدام سپردن خود ما را نداشتند.

بر همین روال، اکنون نیز گاهی اوقات می‌بینیم یا می‌شنویم که برخی بدون توجه به تجارب ضدانقلابی و شکست‌خورده‌ی پیشین، باز در همین جاده‌های منحط قدم گذاشتند و چنانکه گوئی قیومیت اعضا و هواداران مجاهدین را بر عهده دارند، برای رنج و خون گسائیکه بمراتب از خود آنها آگاه‌تر، فداکارتر و شریف‌تر هستند اشک تمساح می‌ریزند، و سعی می‌کنند جا در پای مرتجعین، با تشبیه نیروهای مقاومت به "گله‌ی گوسفند"، همان تبلیغات و روش‌های مرتجعین خون‌آشام حاکم را منتهی بدزبانی دیگر، ولی با همان هدف‌های ضدانقلابی، تکرار کنند...

* * *

* *

* *

... پس بگذارید برای ثبت در سینه‌ی تاریخ و برای اطلاع افکار عمومی مردم ایران و برای قضاوت نسل‌های آینده، فاش بگویم که طی دو سالی که از مقاومت تمام‌عیار ما در قبال دشمن ضدبشری می‌گذرد، شگفتا که در حالی که همگان به عینه می‌بینند که سرتا پای غرق خون و شکنجه‌ایم و می‌دانند که یک نیروی در حال رزم و مقاومت چه نیازها و احتیاجات مادی و معنوی دارد؛ همان محافل و افرادی که بیش از همه بر ضد مجاهدین و شورای ملی مقاومت دعوی دمکرات‌پناهی نموده، سنگ ملی‌گرایی و ترقیخواهی به سینه می‌زنند:

- برغم آنکه پیوسته برای برخوردار کردن مجاهدین و شورا از فیوضات رهبری‌ها و ایرادگیری‌ها و انتقادات خود آمادگی وافر دارند؛

- برغم اینکه هیچگاه شورا و مجاهدین را به این خاطر که چرا بدون اجازه و صلاح‌دید و حضور آنها دست به مقاومت یا تشکیل شورای ملی مقاومت زده‌اند نمی‌بخشند،

- و برغم اینکه بگونه‌ای گاملاً دمکراتیک!! انتظار دارند که مجاهدین و شورا طبق النعل بالنعل - و نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر - مطابق منویات آقایان حرکت کنند و موضع بگیرند و هر از گاهی نیز در محضر آقایان عذر تقصیر بخواهند و به انتقاد از خود نیز دست بزنند...

اما برغم همه‌ی این‌ها تاکنون نه یک دینار کمک مادی، نه یک امکان کوچک تدارکاتی، نه یک اطاق نشیمن برای اسکان یک رزمنده‌ی انقلابی در داخل کشور و نه حتی کوچک‌ترین ماموریت بی‌سروصدای سیاسی یا تبلیغاتی در مسیر مقاومت را نیز برعهده نگرفته‌اند.

بعکس صرفنظر از فاصله گرفتن کامل با مقاومت و نیازهای واقعی آن، حتی گاه با جدیت تمام در شایعه‌پراگنی، در کوک‌کردن مضمون‌های مختلف بر علیه مجاهدین و شورا و در مسموم کردن جو سیاسی بین‌المللی بر علیه مقاومت و شورای ملی مقاومت ایران نیز کوشیده‌اند و لابد فردا که ایران آزاد شد تاوان این همه مقاومت و مبارزه! (البته بر علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت) را نیز از ملت ایران بستانکار خواهند شد

ملاحظه می‌کنید منطق بسیار روشنی است؛ اصل حرف اینست که رنج و خون و "گارگل" انقلاب از آن مجاهدین، اما هدایت و رهبری و ارشاد و موعظه و اینکه "چه باید کرد" و چه نباید کرد "از آن دیگران! تازه ای‌گاش فی‌الواقع از پس رهبری امور (به معنی

بقیه در صفحه بعد

به یاد فرخی یزدی سرود خوان آزادی و انقلاب



پیوند زد وی در سال ۱۳۰۰ پس از سالها مبارزه، برای نشر افکار سترقی روزنامه‌ی طوفان را منتشر کرد و اگر چه طوفان همواره در محاق توقیف بود ولی فرخی هرگز از مواضع انقلابی خود روی نگرداند و هر بار آنرا با نام جدیدی منتشر کرد. در سال ۱۳۰۷ فرخی بعنوان یکی از نمایندگان جناح اقلیت به مجلس راه یافت

ولی بزودی بر اثر فشار ارتجاع مجبور به ترک مجلس و سپس میهن شد! و مدتی را در کشورهای مختلف به آوارگی گذراند ولی در همه جا به تعقیب و نشر آرمان‌های خود می‌پرداخت سرانجام فرخی از آلمان نیز اخراج گشت و به ایران بازگشت و دیگر بار با دلیری و از خودگذشتگی و در فضائی تیره و تاریک از حاکمیت استبداد فریاد خویش را بلند کرد و در پی این فعالیت‌ها دستگیر و سرانجام در ۵ تیر ۱۳۱۸ در سلول نیمه‌تاریک خویش بوسیله ۴ دژخیم به زمین میخکوب گشت و پزشک احمدی جلاد رضاشاهی او را بوسیله آمپول هوا به شهادت رسانید. در چهل و پنجمین سالگرد خموشی فرخی با تیرنم شری از او یادش را زنده می‌داریم.

... چهل و پنج سال از خموشی فرخی یزدی سرودخوان ترانه‌ی نامرکز "آزادی" و "انقلاب" بدست دژخیمان رضاشاهی، گذشت و اینک در شرایطی که میهن ما می‌رود تا پس از بگور سپردن رژیم شاهنشاهی، رژیم ارتجاعی خمینی ضدبشر را نیز بگور سپارد و با عبور از گذرگاه خونین "انقلاب"، به میعادگاه پرشور "آزادی" برسد و آرزوی همی دلباختگان آزادی را متحقق سازد، با گذری کوتاه به زندگانی سراسر مبارزه‌ی او یادش را گرامی می‌داریم.

فرخی یزدی در سال ۱۲۶۴ شمسی در یزد متولد شد و پس از سپری ساختن دوران کودکی و نوجوانی که با رنج و دربدری و کار در کارخانه‌ها و کارگاهها گذشت سرانجام به مبارزات سیاسی روی آورد و از ۱۶ سالگی زندگی خود را بخاطر رهائی میهن و مردم با زندان و تبعید و دربدری

برای دخالت‌های بعدی در امور استان‌های کشور از هم‌اکنون باز بگذارند ...

۶ - یا مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه را ترک گفته و با روی آوردن به خطمشی‌های رفرمیستی و غیرانقلابی، سرانجام سلطه‌ی رفرمیسم را گردن گذارند.

۷ - ملاحظه می‌کنید که تا آنجا که به مهم‌ترین سرچشمه‌های جریان‌ات ضدمجاهدی و ضدشورائی مربوط می‌شود، دعوی اصلی آنها با ما، اساسا حول یکی از این محورها و یا مطالبی از همین قبیل و دتیقا ناشی از ماهیت دست راستی و مواضع لیبرالی آنهاست که همچنانکه قبلا گفته شد در لفافه‌ی باصطلاح ترقیخواهانه و دمکرات - مآبانه و اغلب با جاذبه‌های فرصت طلبانه‌ی ضد مذهبی و ضد اسلامی عرضه می‌شود. البته در صورت تن دادن به این چیزها طبیعی است که "جوانان مجاهد" امروز، فوراً از روز بعد به افراد متین! موقر! ملی! میهن پرست! و پخته! ای تبدیل خواهند شد که تا آنجا که به این محافل مربوط می‌شود دیگر اسلامشان هم با اسلام خمینی هیچ مشابهتی نخواهد داشت!! و دیگر صحنه‌گردانان و صفحه‌پردازان اصلی نیز بساط خود را جایگاه یقه‌درانی برعلیه مجاهدین نخواهند نمود.

● ● ●

قسمت‌هایی از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت ...

بقیه از صفحه قبل

رهبری آلترناتیو بپذیرند.
۳ - یا هر آن کس را که در لفظ "جمهوری‌خواه" باشد، نادیده و ناشناخته بپذیرند.

منتهی مجازند (که همچون بسیاری) برای سرپوش گذاشتن بر این سوال اساسی که جمهوری‌خواه مزبور فی‌الواقع وابسته هست یا نیست ... او را عجلتا با عناوین دمکرات و ترقیخواه ... غسل تعید دهند! حتی اگر آنقدر دامنه‌ی جمهوری‌خواهی‌اش وسیع باشد که حق دمکراتیک! فاشیسم سلطنت طلبانه را نیز پیشاپیش تضمین کرده باشد.

۴ - یا از مواردی از برنامه‌ی شورا و دولت موقت همچون اصلاحات ارضی دست بکشند و خلاصه‌ی کلام به بهانه‌ی جذب شهرنشینان و طبقات متوسط الحال کشور، بپذیرند که فی‌المثل درآمد نفت کشور و یا تجارت خارجی و یا اداره‌ی ارتش را بطور دربست و تمام عیار در اختیار چپاولگران حرفه‌ای یا ایادی مرتبط با اجنبی بگذارند و در برنامه‌ی خود تنها به چند اصل کلی و بی‌آزار و "مورد قبول همه" که به هیچکس و به هیچ چیز آسیب و زیانی نرساند بسنده کنند.

۵ - یا طرح بالکانیزه کردن ایران را تحت عناوین باصطلاح دمکراتیک و ترقیخواهانه! پذیرا شده و دست‌های استعماری را

داشتن صلاحیت برای حل تضادهای مشخص سیاسی، نظامی، تشکیلاتی و اجتماعی وایدنولوژیکی در مسیر یک مبارزه‌ی پیروزمند انقلابی برمی‌آمدند، که در این صورت با جان و دل و به قید سوگند به خون تمامی شهیدانمان با دو دست تقدیمشان می‌گردیم و دست به سینه و مفتخر، کمر به خدمتشان نیز می‌بستیم. اما هیهات! ...

* * *
* *
*

... چنانچه در عمق قضایای ضدمجاهدی و ضدشورائی دقت نموده و در این بیندیشیم که بهره‌ی نهائی آن عملا نصیب کدام جریان‌ات، طبقات و خط مشی‌ها و سیاست‌ها می‌شود؛ بهروشنی نتیجه خواهیم گرفت که: حرف اصلی با مجاهدین و طرف اصلی: "راست" پنهان شده در زیر ظواهر و الفاظ مختلف است. بر اساس اطلاعات و شواهد موثق اصل حرف که در صورت‌ها و اشکال مختلف بیان می‌شود اینست که مجاهدین:

۱ - باید "شرایط" گذاشتی یک قدرت بزرگ خارجی را بپذیرفته و با او از در اطاعت یا سازش درآیند.

۲ - یا بورژوازی لیبرال وابسته‌گرا (البته با رنگ‌آمیزی باصطلاح دمکراتیک!) را در

تقویم مجاهد



تقویم هفته: از ۳۱ خرداد تا ۶ تیر ۶۳

۳۱ خرداد (۱۳۶۰): آغاز اعدام‌های وحشیانه دژخیمان خمینی جلاد در زندان‌ها و شهادت اولین دسته از زندانیان مجاهد و مبارز از جمله مجاهدین خلق علی‌اصغر زهتابچی، سیدحسین مرتضوی، رامین ارسطافر، زهرا و کبری ابراهیمیان، فدایی خلق سعید سلطانپور، مبارز شهید طاهره آقاخان مقدم و ...
۱ اول تیر (۱۳۶۰): شهادت شماری دیگر از زندانیان مجاهد و مبارز از جمله مجاهدین خلق ابراهیم حسینی، مجید اسدی، طهمورث پورحسینی، حوریه علائینی و ...
۲ تیر (۱۳۸۷): به‌توپ بسته شدن مجلس شورای ملی بدستور محمدعلیشاه و آغاز استبداد صغیر
۲ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: حمید شمس‌الدین، بهمن سیاسی، علی‌اصغر امیرائی و احمد حکیم‌نژاد در شهرهای تهران و چهرم.
۳ تیر (۱۳۸۷): به‌دار آویخته شدن نویسنده‌ی مبارز میرزا جهانگیرخان شیرازی (مدیر نشریه‌ی صور اسرافیل) و سخنور

شجاع ملکان‌المتکلمین در باغشاه تهران، در فردای کودتای خونین محمدعلیشاه.
۳ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهد خلق محمدکاظم فخاریان در تهران.
۴ تیر (۲۵ ژوئن ۱۹۷۵): استقلال کشور افریقائی موزامبیک پس از سال‌ها مبارزه‌ی ضداستعماری
۴ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهد خلق علی‌احمدزاده در بندرعباس
۴ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق مرتضی‌ایران‌شهر در تهران
۴ تیر (۱۳۶۲): شهادت مجاهد خلق شهزاد حجتی امامی در زندان شیراز.
۵ تیر (۱۳۱۸): شهادت فرخی یزدی شاعر و نویسنده‌ی آزادپنجاه و مردمی
۵ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهد خلق محمود ترک در تهران
۶ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهد خلق نسرتین اکبری طی درگیری نابرابر با پاسداران جنایتکار خمینی در اراک
۶ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق علیرضا خدائی در زندان مشهد
توضیح:
از آنجا که طی ماههای اول آغاز مقاومت انقلابی مسلحانه در برابر رژیم ضدبشری خمینی جلاد، دژخیمان خمینی بطرز وحشیانه‌ی دست به کشتارهای دسته‌جمعی در زندان‌ها زده و بعضا در برخی روزها بیش از صدها انقلابی اسیر در یک زندان در برابر جوخه‌ی اعدام قرار گرفتند؛ و از آنجا که اخبار این اعدام‌ها به اشکال گوناگون و در تاریخ‌های متفاوت در روزنامه‌ها درج گردید و بعلت شدت خفقان امکان تحقیق کامل در باره‌ی آنها میسر نبوده است، لذا این نکته‌ی مهم را یادآوری می‌کنیم که اولاً - شهیدانی که آسامی‌شان در تقویم هر روز درج می‌گردد، تنها تعداد اندکی از کل شهیدای آن روز را تشکیل می‌دهند؛ ثانیاً - امکان دارد تفاوت‌هایی بین تاریخ دقیق شهادت و روزهای نوشته شده در "تقویم مجاهد" وجود داشته باشد.

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی
که روح‌بخش جهانست نام آزادی
به پیش‌اهل جهان محترم بود آنکس
که داشت از دل و جان احترام آزادی
چگونه پای‌گذاری به صرف دعوت شیخ
به مسلکی که ندارد مرام آزادی
هزار بار بود به ز صبح استبداد
برای دسته‌ی پا بسته شام آزادی
به روزگار قیامت بپا شود آنروز
گنند رنجبران چون قیام آزادی
اگر خدای به من فرصتی دهد یگروز
گشم ز مرتجعین انتقام آزادی
ز بند بندگی خواه کی شوی آزاد
چو "فرخی" نشوی گر غلام آزادی

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

انتشار لیست اسامی و مشخصات بخشی (۷۷۴۶ تن)

از شهدای انقلاب نوین ایران

برای اولین بار در نشریه "مجاهد" به چاپ رسید. همانطور که می‌دانید برای تهیه این لیست، مضافاً بر آنکه بخاطر جمع‌آوری و انتقال برخی از اسناد، مدارک، عکس‌ها و فیلم‌های مستند مربوط به شهدا، قربانیان دیگری تقدیم انقلاب گردید، برای تکمیل و تصحیح اسامی و مشخصات لیست شهدا نیز دهها هزار ساعت کار متمرکز و سازمان‌یافته صورت گرفت.

انتشار این لیست بازتاب گسترده و عظیمی چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی داشت و با استقبال بسیار زیادی مواجه گردید. خبر انتشار این لیست، از طریق کلیدی خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و سایر مطبوعات مهم و نیز بسیاری از رادیو تلویزیون‌ها در سراسر جهان منعکس گردید. "پائولو کامارگو" طراح و شاعر انقلابی برزیل، پس از مشاهده این لیست و تحت‌تأثیر مقاومت انقلابی مجاهدین خلق در برابر رژیم خمینی جلاد، طی ارسال نامه پرشوری، چند طرح و شعر به سازمان مجاهدین خلق ایران هدیه کرد.

نسخه‌هایی از این لیست، به ضمیمه رونوشت تلگراف برادر مجاهد مسعودرجوی به دبیرکل ملل متحد برای سازمان عفو بین‌الملل، صلیب سرخ جهانی و برخی دیگر از مجامع مدافع حقوق بشر ارسال گردید و بار دیگر توجه آنان را به ابعاد جنایات ضدبشری خمینی و بویژه اعدام‌های گسترده مخفیانه در ایران جلب نمود.

انتشار این لیست و بازتاب گسترده جهانی آن که به فاصله کمی قبل از برگزاری اجلاس مجمع عمومی ملل متحد صورت گرفت، بار دیگر رژیم ضدبشری خمینی را در سراسر جهان مفتضح و رسوا نموده و همگام با مقاومت انقلابی سراسری، ضربه مهم دیگری در صحنه سیاسی و تبلیغاتی به پیکر پوسیده رژیم خمینی وارد ساخت.

کلیدی تیرهای از مطبوعات جهان را که خبر انتشار این لیست را منتشر ساخته‌اند، در صفحه بعد ملاحظه می‌کنید:

در شهریور ماه سال ۶۲ و همزمان با نوزدهمین سالروز تاسیس و بنیانگذاری سازمان مجاهدین خلق ایران، لیستی مشتمل بر اسامی و مشخصات ۷۷۴۶ تن از شهدای انقلاب نوین ایران،

قیمت دستگیری و شکنجه و اعدام تعدادی از هواداران و وابستگان به مجاهدین که بعنوان مامورین پزشک قانونی و یا کارمندان تلویزیون و حتی گاه به عنوان مامورین زندان، این اسناد و مدارک و عکس‌ها را در اختیار سازمان گذاشته‌اند، تمام شده است.

ذیلا کلیدی تیرهای برخی از مجلات و روزنامه‌هایی را که خبر انتشار این کتاب را منتشر ساخته‌اند ملاحظه می‌کنید:

Skrämmande bok om tortyr
die tageszeitung Ausland
Dienstag, 24.8.82

TIME OUT 9-15 JULY 1982
Publications
AL-ARAB
Monday 5/7/1982

اغتيال الأنسانیة
NEWS LETTER, Tuesday, July 27, 1982

STADT REVUE
AUGUST 1982

Iran Dokumentation
"At War with humanity" ist der Titel einer englischsprachigen Dokumentation der Volksmujahedin über die Menschenrechtsverletzungen im Iran, die das Chaomeini-Regime innerhalb der 3 1/2 Jahre seiner Herrschaft zu verantworten hat. Das Buch ist für 20 DM am Buchertisch der Moslemischen Studentenvereingung in der Mensa und im linken Buchhandel erhältlich.

THE TIMES
THURSDAY JULY 1 1982
A MOST UNGODLY REGIME

THE SUNDAY TIMES, 11 JULY 1982
Torture, lashes, death and not a hint of justice
IRAN
Benevolent fighter on a wave of unremitting terror

New Statesman 23 July 1982
At War With Humanity ... The People's Mojahedin Organisation

LA CROIX 24 Août 82
Deux livres des Moudjahedines iraniens

از روزنامه سوئدی D.N. تاریخ: ۶ اوت ۸۲
Tre års terror i summering
Dienstag, 3. August 1982
Chomeinis Diktatur

در زمینه ابعاد گوناگون جنایات و شقاوت‌های رژیم خمینی، چه در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و چه در کردستان و ... به چاپ رسیده و در واقع کارنامه سیاهی از حاکمیت ننگین خمینی جلاد را ارائه می‌دهد، کتاب "در جنگ با بشریت" است که به زبان انگلیسی، از سوی دفتر سازمان مجاهدین خلق در پاریس منتشر گردید و توانست با عکس‌های نکان‌دهنده و مدارک انکارناپذیر خود، وجدان بشریت آگاه جهان را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد. لیست‌های موجود در این کتاب از قبیل لیست اسامی زنان باردار، نوجوانان،

بقیه از صفحه ۱۸

مطبوعات جهان انعکاس گسترده‌ای یافت و از جمله یک خبرنگار ایتالیایی در روزنامه "رپوبلیکا" گزارش این دادگاه را تحت عنوان: "اینگونه یک مجاهد خلق جلادانش را به مبارزه می‌طلبید" درج نمود.

تشکیل پرونده‌هایی مشتمل بر وصیت‌نامه‌های شهدا، اسناد و مدارکی از شکنجه، نوار سخنرانی گیلانی جلاد در رادیوی رژیم مبنی بر اعتراف به شکنجه در زندان‌ها، نوار مکالمات پاسداران جانی خمینی بر روی بیسیم داخلیشان که دستور صریح انتقال مجروحین از تخت



یک زن ایتالیایی از شدت تأثر ناشی از دیدن عکس‌های شهدای اعدام شده، گریه می‌کند.

خانواده‌ها، کارگران، زندانیان سیاسی رژیم شاه و ... که توسط رژیم خمینی بشهادت رسیده‌اند، رکوردهای جدیدی در جنایات و ضدیت با بشریت را در برابر چشم جهانیان گشود.

این کتاب بعنوان سندی معتبر مورد استفاده‌ی سازمان‌ها و محافل بین‌المللی قرار گرفته و با استناد به آن، نمایندگان رژیم خمینی در مجامع و کنفرانس‌ها و مجامع به زیر سوال کشیده شده‌اند.

تهیه‌ی بعضی از عکس‌ها و اسناد موجود در این کتاب به

بیمارستان‌ها به شکنجه‌گاه‌ها در آن صادر شده است بخش‌هایی از شهادت گواهان گوناگون در کنفرانس‌های مختلف و ... گوشه دیگری از اقدامات دفتر مجاهدین خلق در پاریس است که از سوی این دفتر و نمایندگان آن به کلیدی مجامع حقوق بشری جهان ارسال گردیده است.

ج - انتشار کتاب "در جنگ با بشریت"

مهمترین کتاب مستندی که



بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دموکراتیک مردم ایران

شرکت هیئت‌های مختلف
از جانب سازمان
مجاهدین خلق ایران
در مجامع بین‌المللی

تاکنون هیئت‌های مختلفی از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت در کنفرانس‌ها، کنگره‌ها و دیگر مجامع بین‌المللی حضور یافته‌اند و طی آنها چه با ایراد سخنرانی و چه از طریق تماس و ملاقات‌های متعدد با سایر شرکت‌کنندگان، به افشای جنایات رژیم ضدبشری خمینی پرداخته‌اند.

بیلابی از شرکت هیئت‌های نمایندگی مختلف سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت در مجامع بین‌المللی به شرح زیر است:

* شرکت و سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی در گردهمایی حقوق بشر سوسیالیست

* شرکت نمایندگان شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق ایران و انجمن دانشجویان مسلمان انگلستان در کنفرانس سالانه‌ی حزب کارگر

سوسیالیست فرانسه" و در حضور نمایندگان عفو بین‌الملل و ۲۰ خبرنگار خبرگزاری، رادیو تلویزیون و مطبوعات مختلف مصاحبه‌ای با شرکت ۷ تن از خواهران و برادران مجاهد در پاریس برگزار شد که ضمن آن گوشه‌هایی از فجایع و جنایات رژیم ضدبشری خمینی بازگو گردید. ۵ تن از افرادی که در این کنفرانس شرکت کرده بودند، خواهران و برادران شکنجه شده‌ای بودند که سه نفرشان از زندان فرار کرده و دو تن دیگر پس از مدت‌ها شکنجه و اسارت آزاد شده‌اند. ۲ نفر دیگر از شرکت‌کنندگان کسانی بودند که تعدادی از نزدیکان، بستگان و افراد خانواده‌شان منجمله کودک ۳ ساله‌ی یکی از آنها بشهادت رسیده بودند.

خبر این کنفرانس مطبوعاتی در بیش از ۲۷ خبرگزاری، رادیو تلویزیون و مطبوعات در کشورهای مختلف جهان منتشر گردید. از جمله خبرگزاری رویتر، رادیوکلن، رادیو B.B.C و رادیو C.B.S و روزنامه‌های تایمز لندن، لاکروا، کوتیدین دوبیاری، استامپا (ایتالیایی)، گاردین، فرانکفورتر الگامینه، اشپگل و تربیون لومتن (سوئیس) به پخش و درج رپرتاژهایی از این کنفرانس مطبوعاتی پرداختند.

اسارت دژخیمان خمینی بوده‌اند و نیز سایر گزارشی که از جانب هموطنانمان بدستمان رسیده بود، تهیه گردیده و با انتشار آن، نمونه‌ای دیگر از ابعاد گسترده‌ی جنایت و وحشگری در رژیم خمینی افشا شد.

برادر مجاهد مسعود رجوی طی تلگرافی به دبیر کل سازمان ملل متحد، نسخه‌ای از این لیست را برای وی ارسال نمود. خبر انتشار این لیست در بیش از ۱۱ خبرگزاری، رادیو و نشریه از جمله خبرگزاری آسوشیتدپرس، رادیو B.B.C، رادیو آمریکا و نشریات لیبراسیون، گاردین، اومانیتیه، اونیتا منعکس گردید.

افشاگرهای

شاهدان عینی شکنجه‌های

دژخیمان خمینی

روز پنجشنبه ۱۹/اسفند/۶۱ نشریه‌ی مجاهد "تازه‌ترین گزارش مستند و زنده از زندان اوین و عکس‌هایی از آثار شکنجه‌های وحشیانه‌ی خمینی بر بدن یکی از برادران مجاهد" را به نقل از برادر مجاهد حسین دادخواه و با چاپ عکس‌هایی از آثار شکنجه بر روی بدن او منتشر ساخت.

هفته‌ی بعد، برادر مجاهد حسین دادخواه، طی یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با حضور عده‌ی کثیری از خبرنگاران در مقر حقوق بشر در پاریس در مورد شکنجه‌های وحشیانه و اعدام‌های دسته‌جمعی در زندان‌های رژیم سخن گفت. این کنفرانس بدلیل مستند و تازه بودنش شدیداً مورد توجه خبرنگاران رسانه‌های گروهی قرار گرفت و بازتاب گسترده‌ای در رادیو تلویزیون‌ها و مطبوعات جهان پیدا کرد.

گوشه‌ای از انعکاس کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی برادر مجاهد حسین دادخواه در تلویزیون‌ها و مطبوعات جهان به قرار زیر است:

پخش رپرتاژ از هر ۳ کانال تلویزیون فرانسه، رپرتاژ کانال ۱ تلویزیون آلمان که در آن نماینده‌ی سازمان ملل متحد در ژنو به شرح شکنجه‌های حسین دادخواه پرداخت، نشریات لیبراسیون، لاکروا، لوموند، ابزرور، اومانیتیه، دستورو...

روز دهم اسفند ماه سال ۶۲ نیز به دعوت "حقوق بشر

Avanti! روزنامه‌ی "آوانتی" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Iran: 7746 i fucilati "Vittime politiche del regime"

Le Monde روزنامه‌ی "لوموند" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

SVENSKA DAGBLADET روزنامه‌ی "سون سداگ بلادت" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

"Iran's regim har avrättat 7 746" روزنامه‌ی "ایران" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

LACROIX روزنامه‌ی "لاکروا" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Iran: Une liste de 7746 personnes exécutées par Khomeini از کسانی که توسط خمینی اعدام شده‌اند

Phoenix روزنامه‌ی "فرانکفورتر الگامینه" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Names von in Iran Hingerichteten veröffentlicht "Prisoners forced to watch beheading after Iran jail riot"

il manifesto روزنامه‌ی "اومانیتیه" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Iran 7746 fucilati da Khomeini hanno un volto e un nome "Publicciti i nomi di settemila oppositori fucilati in 2 anni dal regime iraniano"

LA STAMPA روزنامه‌ی "لا استامپا" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

LE MATIN روزنامه‌ی "لوماتین" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Iran: Les MOUVEMENTS PUBLIENT LA LISTE COMPLETE DE LEURS MILITANTS EXECUTES CLANDESTINEMENT "Oltre settemila i fucilati dal regime iraniano"

Umanita روزنامه‌ی "اومانیتیه" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Kölnischer Anzeiger روزنامه‌ی "کولنر آنزایگر" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Liste der Hingerichteten "Les victimes de l'Ayatollah"

FINANCIALTIMES روزنامه‌ی "فینانشال تایمز" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Iran human rights probe call "Le lista des victimes d'aborge"

le quotidien روزنامه‌ی "لا کویدیئن" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Iran sköt 30 000 "30 الف شخص فی عامین"

l'Unità روزنامه‌ی "اونیتا" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Resti noti i nomi di 7000 fucilati in Iran "اسامی ۷۰۰۰ تن از اعدام شدگان در ایران اعلام گردید"

SVENSKA DAGBLADET روزنامه‌ی "سون سداگ بلادت" تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

SVENSKA DAGBLADET تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Iran: 7746 personer avrättade"

انتشار لیست زندان‌ها و شکنجه‌گران و دژخیمان رژیم خمینی

در تاریخ ۲۵/اسفند ماه سال ۶۲، نام، آدرس و برخی از مشخصات زندان و شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش به همراه اسامی و مشخصات ۵۷۲ تن از شکنجه‌گران و دژخیمان خمینی از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران منتشر گردید. قبل از آن نیز در تاریخ اول دیماه، اسامی و مشخصات ۶۳۰ تن از شکنجه‌گران منتشر گردیده بود. این لیست‌ها بر اساس مجموعه‌ای از گزارشات مستند خواهران و برادران مجاهدی که خود مدت‌ها در

le quotidien گوتیدین دوبیاری - فرانسه تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Frankfurter Allgemeine فرانکفورتر الگامینه - آلمان تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

L'Humanité اومانیتیه - فرانسه تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

HUMANITE اومانیتیه - فرانسه تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

die Tageszeitung دی تاگس زایتونگ - آلمان تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

Tribune تربیون لومتن - سوئیس تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

le quotidien گوتیدین دوبیاری - فرانسه تاریخ: ۱۱/۸/۱۹۸۲

زندانیان از شکنجه و مرگ در زندان‌های ایران سخن می‌گویند

در جنم شکنجه‌گران خمینی

در جنم شکنجه‌گران خمینی

در جنم شکنجه‌گران خمینی

No 62 - VENDREDI 2 MARS 1984

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

ایران

* شرکت هواداران سازمان در فستیوال سال ۱۹۸۲ حزب کمونیست (داخلی) یونان
 * شرکت برادر مجاهد مسعود رجوی در راس هیئت نمایندگی شورا در کنگره حزب سوسیالیست فرانسه.
 * شرکت انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی در میتینگ همبستگی جهانی با خلق فلسطین در شهر بن
 * دیدار و گفتگوهای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت با گروه سوسیالیست پارلمان اروپا
 * سخنرانی دکتر کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت در اجلاس گروه پارلمانی حزب سوسیالیست سوئد
 * شرکت هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در کنگره حزب سوسیال دمکرات ایتالیا
 * سخنرانی دکتر کاظم رجوی نماینده شورا در اجلاس گروه سوسیالیست شورای اروپا
 * شرکت برادر مجاهد مسعود رجوی در مراسم اهدای جایزه حقوق بشر سوسیالیست توسط خانم میتران
 * شرکت برادر مجاهد مسعود رجوی و هیات نمایندگی شورای ملی مقاومت در کنگره حزب سوسیالیست ایتالیا
 * شرکت برادر مجاهد مهدی ابریشمی در راس هیاتی از سازمان مجاهدین خلق در کنگره سراسری حزب لیبرال آلمان فدرال
 * این اقدامات گام‌های موثری در جهت افشای هرچه بیشتر رژیم خمینی و معرفی شورای ملی مقاومت ایران، بعنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک رژیم خمینی بوده است.

گوشه‌هایی از فعالیت‌های جهانی اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

در کنار تمامی فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق ایران در جهت افشای ماهیت پلید و ضدبشری رژیم خمینی باید از فعالیت‌های شبانه روزی خواران و برادران اعضا اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور یاد کنیم که با کار خلاق، متحد، گسترده و سازمان‌یافته‌ی خود، در تغییر افکار عمومی جهان نسبت به مسئله ایران و افشای رژیم ضدبشری خمینی نقش بسزائی ایفا نمودند و نمونه‌ای بی‌نظیر از فعالیت‌های نیروهای انقلابی در خارج از کشور و در اقصی نقاط جهان را ارائه کردند. خواران و برادران دانشجویان طی هزاران ساعت کار توضیحی خیابانی، برپائی آکسیون و تظاهرات مقطعی توانستند افکار عمومی جهان را نسبت به خفقان و سرکوب حاکم بر ایران آگاه کنند. دانشجویان هوادار مجاهدین در خارج از کشور، همچون میلیشیای مجاهد خلق در داخل کشور، توانستند سنتی جدید در ترتیب‌دادن تظاهرات افشاگرانه ترتیب دهند که تاکنون در هیچیک از کشورهای جهان معمول نبوده است. آنها موفق شده‌اند با نمایشات خیابانی، اجرای صحنه‌های اعدام و شکنجه، نقش خمینی جلاد را در کشتار مردم ایران به نمایش بگذارند. تاثیر این نمایش‌های خیابانی به حدی بوده است که در بسیاری مواقع، مردم ناظر پس از پایان آکسیون، صمیمانه خواران و برادران را در آغوش گرفته و از صمیم قلب برای پیروزی مقاومت ایران دعا کرده‌اند، و یا

گاهی، متاثر از جنایات خمینی خشم و نفرت خود را نسبت به خمینی جلاد، با حمله بردن بسوی کسی که در نمایش، نقش او را بازی کرده است، نشان داده‌اند.
 تسخیر محسمه آزادی در آمریکا که با همکاری فعال ۲ بانوی شریف و آزاده‌ی آمریکائی صورت گرفت و آویختن پلاکاردهای ۳۰ متری به آن نیز، یکی دیگر از برنامه‌های جالب تبلیغی و از ابتکارات فعالیت‌های افشاگرانه‌ی دانشجویان بوده است، در این برنامه، با پخش اعلامیه و نشریه، شمائی از اختناق حاکم بر ایران به جهانیان عرضه گردید، و تعداد کثیری به حمایت از مقاومت ایران و در محکومیت رژیم خمینی، طوماری را امضاء کردند.
 در رابطه با تاثیر این برنامه‌های افشاگرانه که به همت کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر خواران و برادران دانشجویان صورت می‌گیرد، کافی است اشاره کنیم که در برخی از کشورها ۳۰۰ هزار امضاء در محکومیت رژیم خمینی از مردم جمع‌آوری شده است.
 همچنین در اینجا باید به مقاله‌ی شعرگونه و سراسر شور و احساس "لبخند ایرانی" اشاره کنیم که توسط گوئیدو چرونتی شاعر و نویسنده‌ی ایتالیائی در تحسین از فعالیت‌های شبانه‌روزی اعضای انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا نوشته شده و بخوبی بیانگر عمق تاثیرگذاری فعالیت‌های شبانه‌روزی اعضای انجمن بر مردم آزادیخواه جهان می‌باشد.
 فعالیت‌های انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور

از ۳۰/خرداد/۶۰ تاکنون در رابطه با اهداف مرحله‌ی سازمان به ۳ قسمت تقسیم می‌شود:
 مرحله‌ی اول - افشای جنایات خمینی و طرح مسئله‌ی نقض حقوق بشر در ایران و رساندن پیام مقاومت داخل
 مرحله‌ی دوم - معرفی مجاهدین و معرفی شورای ملی مقاومت به عنوان تنها آلترناتیو انقلابی و دمکراتیک، پخش جهانی اخبار مقاومت و جلب همدردی و همبستگی بین‌المللی
 مرحله‌ی سوم - تامین قسمتی از نیازهای مالی و تدارکاتی مقاومت در داخل کشور و ایفای نقش پشت‌جبهه‌ی مقاومت داخل
 شرح فعالیت‌های اتحادیه در هر یک از مراحل فوق، خود نیازمند آمار و ارقام و بحث جداگانه‌ای است که در حوصله‌ی این مقاله نمی‌باشد اما تا آنجا که به محور "افشای جنایات خمینی و طرح مسئله‌ی نقض حقوق بشر در ایران و رساندن پیام مقاومت داخل" مربوط می‌شود، اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، علاوه بر برگزاری تظاهرات پراکنده در کشورهای مختلف جهان، در سالگرد ۳۰ خرداد و عاشورای مجاهدین دست به برگزاری تظاهرات پرشکوه و سراسری، در کشورهای مختلف جهان زده است که بازتاب جهانی بسیار گسترده‌ای داشته است. از جمله تظاهرات اولین سالگرد ۳۰/خرداد در ۱۱ شهر از ۹ کشور آسیائی، اروپائی و آمریکائی، دومین سالگرد ۳۰/خرداد در ۱۲ کشور، اولین سالگرد عاشورای



تعدادی از خواران و برادران عضو انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا، به نشانه‌ی اسارت دهها هزار مجاهد و مبارز، در لباس زندانیان و در حالیکه زنجیر بدست داشتند رژه رفتند و جنایات خمینی را در برابر دیدگان مردم جهان به نمایش می‌گذارند

تعدادی از خواران و برادران عضو انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا، به نشانه‌ی اسارت دهها هزار مجاهد و مبارز، در لباس زندانیان و در حالیکه زنجیر بدست داشتند رژه رفتند

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران

مجاهدین در ۵ کشور و دومین سالگرد در ۱۰ کشور و با شرکت هزاران تن از اعضا و هواداران انجمن‌ها و نیز هموطنان ایرانی مقیم خارج از کشور برگزار گردید. علاوه بر این تظاهرات سراسری، باید به اشغال سفارتخانه‌ها و دفاتر نمایندگی خمینی در آمریکا، فرانسه، انگلستان، آلمان، نروژ، بلژیک، ترکیه و اعتصاب غذا و تحصن در مراکز مذهبی و یا سازمان‌های بین‌المللی نیز به عنوان نمونه‌های دیگر از فعالیت‌های اتحادیه اشاره کنیم. همچنین در یک حرکت بی‌سابقه، یکی از برادران عضوانجمن دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا در جلسه‌ی سازمان ملل حضور یافت و با قطع جسورانه‌ی نطق ولایتی خائن، خمینی و رژیم رسوایش را در انظار جهانیان رسواتر ساخت. جریان این حادثه در اکثر تلویزیون‌های جهان نمایش داده شد.

ضمناً کلیه‌ی افشاگری‌ها و فعالیت‌های فوق به‌مراه اخبار مقاومت و گزارشاتی از داخل کشور در نشریات اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور به هشت زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، سوئدی، عربی، اردو و هندی منتشر گردیده و در اختیار مردم جهان قرار می‌گیرد. از دیگر اقدامات افشاگرانه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، برگزاری تظاهرات اعتراض‌آمیز نسبت به سفر هیئت‌های نمایندگی رژیم خمینی به کشورهای مختلف می‌باشد. از جمله در جریان سفر ولایتی خائن به آمریکا، سفر رفسنجانی خائن به هند، ورود هیئت نمایندگی خمینی به کنفرانس بین‌المللی در ایتالیا، تظاهرات افشاگرانه‌ی گسترده‌ی برگزار گردید که انعکاس وسیعی در رسانه‌های خبری و بین‌المللی پیدا کرد و انزوای سیاسی روزافزون رژیم خمینی را بدنبال داشت.

در جریان برگزاری سی و هشتمین مجمع عمومی ملل متحد و بررسی مسائل حقوق بشر در کمیته‌ی سوم آن، اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، در ادامه‌ی افشاگری‌های گسترده‌ی قبلی خود، خواستار طرح و محکومیت

جنایت‌های رژیم خمینی در کمیسیون سوم و نهایتاً در سی و هشتمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد گردید. و در این رابطه اقدامات هماهنگ و گسترده‌ی را در کشورهای مختلف آغاز نمود.

از جمله‌ی این تلاش‌ها باید به انجام بیش از ۴۰۰۰ ملاقات با احزاب، گروه‌ها، مجامع مختلف کمیسیون‌های حقوق بشری، سندیکاها، کارگری، روزنامه‌نگاران و مطبوعات گوناگون جهان اشاره نمود. یکی دیگر از ابتکارات جالب در این دوره از فعالیت‌های اتحادیه، توزیع کارت‌هایی معروف به کارت‌های حقوق بشری در میان هموطنان خارج از کشور و مردم کشورهای دیگر بود. دریافت‌کنندگان کارت می‌توانستند با ارسال کارت خود به سازمان ملل، پشتیبانی خود را از خواسته‌های اتحادیه از مجمع عمومی ملل متحد اعلام دارند. (گزارش اقدامات اتحادیه در این رابطه در نشریه‌ی مجاهد ۱۸۰ بطور مشروح به چاپ رسیده است)

اینها گوشه‌هایی بود از اقدامات و فعالیت‌های اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، که طی ۳ سال فعالیت شبانه‌روزی و با تقدیم چندین شهید و دهها مجروح و مذبذب، همپا با مقاومت خونبار داخل، به بهترین نحو ممکن، رسالت تاریخی خویش را در افشای چهره‌ی خمینی و رساندن پیام حق طلبانه‌ی مردم ایران به گوش جهانیان، به انجام رسانده‌اند، که به عنوان یکی از درخشان‌ترین صفحات انقلاب نوین میهن‌مان در سینه‌ی تاریخ به ثبت خواهد رسید.

انتشار اخبار و گزارشات

مستند در نشریه

علاوه بر تمامی اطلاعیه‌های رسمی دفتر مجاهدین خلق در پاریس و افشای اسناد و مدارک ویژه درباره‌ی جنایات خمینی، تاکنون اخبار و گزارشات موثق و تکان‌دهنده‌ی در نشریه‌ی مجاهد - و قبل از آن نیز در نشریه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور - به چاپ رسیده است که بعضاً در دیگر مطبوعات و خبرگزاری‌ها نیز منعکس گردیده است. از جمله حماسه‌ی شهادت قهرمانانه‌ی مجاهد خلق

اکبر چوپانی که ابتدائاً در نشریه‌ی "مجاهد" به چاپ رسید، بفاصله‌ی کوتاهی در نشریاتی از قبیل ابرو و شیکاگو - سان تایمز نیز منعکس گردید و به‌عنوان یکی از نمونه‌های شقاوت دژخیمان، به اطلاع مردم جهان رسید.

انتشار جنایت هولناک مزدوران خمینی در بخش "گزارش" شهادت رساندن دهها تن از مردم این روستا به فجیع‌ترین شکل ممکن، به همراه اسامی تعدادی از شهدای این منطقه، پیدا شدن اجساد تعدادی از هواداران سازمان و دیگر مخالفین رژیم در قنات‌های "جهرم"، حلق‌آویز یک مجاهد خلق در رشت، یورش ناجوانمردانه‌ی پاسداران خمینی به یک خانه‌ی مسکونی با آر.پی. جی و مسلسل سنگین و ... از جمله گزارشی است که تاکنون در نشریه‌ی مجاهد و نشریه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان به چاپ رسیده است.

سلسله مقالات "زندان و زندانی" که تاکنون ۲۱ شماره از آن در نشریه‌ی مجاهد به چاپ رسیده، از جمله موثق‌ترین و جامع‌ترین گزارشاتی است که تاکنون درباره‌ی زندان‌های رژیم خمینی منتشر گردیده است. این مقالات که براساس گزارشات مستند خواهران و برادرانی که از جنگ دژخیمان گریخته و یا بدلائل دیگری از زندان آزاد شده‌اند و نیز دهها گزارش دیگر در مورد شکنجه‌گاهها و سياهچال‌های قرون وسطائی تهیه شده است و دربرگیرنده‌ی نمونه‌های بسیار از شقاوت‌های دژخیمان از یکسو و مقاومت قهرمانانه‌ی اسرای مجاهد و مبارزان سوی دیگر می‌باشد.

علاوه بر سلسله گزارشاتی که در نشریه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور تحت عنوان "اخباری از ایران" حاوی اخبار و گزارشاتی از عملیات رزمندگان مجاهد خلق و همچنین جنایات دژخیمان خمینی در زندان‌ها و شکنجه‌گاهها... منتشر گردیده است، بیش از ۸۰ خبر موثق دیگر نیز حول مسئله‌ی شقاوت‌ها و وحشیگری‌های شکنجه‌گران و مزدوران رژیم در نشریه‌ی مجاهد به چاپ رسیده است. از جمله وضعیت اسفبار کودکان در زندان‌های خمینی، حمله‌ی مزدوران سپاه ضد خلقی به

مادران شهدای مجاهد خلق در قبرستان تازه‌آباد رشت، دفن مخفیانه‌ی اجساد در بهشت زهرا، حلق‌آویز ۱۱ مجاهد خلق در زندان همدان، کشف مزار صدها تن از شهدای مجاهد خلق، تخریب مزار شهدا و حرکت اعتراضی خانواده‌ها، به شهادت رساندن ۳۰۰ اسیر مجاهد در زندان (اوین) و ...

محکومیت بیسابقه

رژیم خمینی در افکار

عمومی و مجامع بین‌المللی

در این مقاله تا بدینجا به شرح شقاوت‌پیشگی‌ها و جنایات ضد بشری رژیم خمینی چه از زبان مقامات و مهره‌های دست‌اول رژیم و چه از زبان اسناد و مدارک منتشره از سوی سازمان پرداخته‌ایم. پس از آن با نگاهی کلی به اقدامات و فعالیت‌های سازمان در جهت افشای جهانی ماهیت پلید و ضد بشری رژیم خمینی، ابعاد گسترده‌ی فعالیت‌های سازمان را در اقصی نقاط جهان برشمردیم. اما آنچه ذیلاً از نظرتان خواهد گذشت محکومیت‌های بین‌المللی رژیم خمینی و یا فی‌الواقع ثمره و نتایج سیاسی اقدامات سازمان و همچنین فعالیت‌های گسترده‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در جهت شناساندن چهره‌ی واقعی رژیم خمینی به افکار عمومی جهان و احزاب و نیروهای سیاسی است.

تاکنون طی تماس‌ها و ملاقات‌های متعددی که از سوی اعضاء اتحادیه‌ی انجمن‌ها، نمایندگان سازمان و نمایندگان شورای ملی مقاومت با رهبران احزاب، سندیکاها، اتحادیه‌ها، کمیته‌های دانشجویی، شخصیت‌های دانشگاهی و علمی، هنرمندان و ... در کشورهای مختلف صورت گرفته است، علاوه بر تمام اقدامات افشاگرانه‌ی دیگر، از نزدیک و با ارائه‌ی مدارک و شواهد مستند و انگارناپذیر، درباره‌ی ماهیت رژیم خمینی و معرفی تنها آلترناتیو دمکراتیک آن، هزاران ساعت کار توضیحی به عمل آمده که منجر به ارسال پیام‌های حمایت‌آمیز از شورای ملی مقاومت و محکوم کردن رژیم خمینی خطاب به برادر مجاهد سعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت گردیده است. از جمله

در دیدار سال گذشته برادر مجاهد سعود رجوی با مسئولان و نمایندگان اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، بیلان ذیل، بعنوان بیلانی از فعالیت‌های اتحادیه در جهت معرفی مجاهدین و شورای ملی مقاومت و جلب حمایت سیاسی آنها ارائه گردید:

* جلب حمایت سیاسی ۴۴۷ حزب و سازمان سیاسی در سراسر جهان

* جلب حمایت سیاسی ۷۰۷ شخصیت شناخته‌شده‌ی سیاسی، حقوقی، مذهبی، علمی، هنری و ...

* جلب حمایت سیاسی ۲۸۷ اتحادیه‌ی کارگری و مجامع دانشگاهی

* جلب حمایت سیاسی ۶۸۴ گروه دانشجویی و اساتید دانشگاه

* بیش از ۷۰۰۰ تماس و ملاقات حضوری با شخصیت‌ها و نیروها و احزاب مختلف در سراسر جهان

البته آمار فوق مربوط به یکسال پیش است که شامل پیام‌های حمایت‌آمیزی که پس از این تاریخ، خطاب به برادر مجاهد سعود رجوی نوشته شده است، نمی‌شود؛ از جمله حمایت بیش از ۴۵ حزب سیاسی و اتحادیه‌ی کارگری ۱۶۰ نماینده‌ی پارلمان ۱۲۴ شخصیت حقوقی، وکیل دیوانعالی کشور، ۱۶۱ استاد دانشگاه، ۱۴۵ خبرنگار از کشور هندوستان، ۸۹ تن از شخصیت‌ها و عناصر مترقی سوئیس، ۴۳۱ تن از کاتولیک‌های شرکت‌کننده در کنفرانس جهانی الهیات در اسپانیا، ۵۰۱ تن از استادان و دانشجویان برزیل و ... همچنین باید به آمار فوق، آماری از احزاب، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و شخصیت‌های مختلف بین‌المللی را افزود که رسماً و از طریق ارسال نامه برای برادر مجاهد سعود رجوی و یا برای مجامع بین‌المللی و سازمان‌های جهانی مدافع حقوق بشر، رژیم خمینی را بخاطر نقض حقوق بشر محکوم نموده‌اند. از جمله: * ۱۸۹ حزب، سازمان و گروه * ۵۳ اتحادیه‌ی کارگری و صنفی * ۹ نماینده‌ی پارلمان * ۱۷۷ شخصیت سیاسی و اجتماعی و ... * ۶۵ وکیل و حقوقدان * ۱۸۴۵ تن از اساتید و مسئولان دانشگاهی، پزشکان و پرسنل بیمارستانی * ۵۸ کشیش و ...

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دموکراتیک مردم ایران**نمونه‌هایی از محکومیت رژیم خمینی در مجامع بین‌المللی****قطعه نامهٔ چهارمین اجلاس****کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
در رابطه با نقض شدید حقوق بشر در ایران**

روز ۲۳/اسفند/۱۳۶۲، چهارمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در آخرین روزهای کار خود، با صدور قطعنامه‌ای "نگرانی عمیق خود را نسبت به ادامه‌ی نقض جدی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ایران" ابراز داشت.

قبلا نیز دبیرکل سازمان ملل طی گزارشی مشروحی ضمن محکوم کردن نقض شدید حقوق بشر در ایران، موارد متعددی از بی‌عدالتی، اعدام، شکنجه، تفتیش عقاید و... را برشمرده بود.

قطعنامه‌ی فوق با اشاره به منشور حقوق بشر، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی و با یادآوری قطعنامه‌های اجلاس سی‌وهشتم و سی‌ونهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و با استناد به اطلاعاتی که در گزارش دبیرکل آمده است، ناسف خود را نسبت به "سرپیچی دولت جمهوری اسلامی ایران از پذیرش هیئتی که دبیرکل با توافق دولت ایران ترتیب داده بود" ابراز داشته و در مورد اعدام‌های فوری و خودسرانه، شکنجه، بازداشت بدون محاکمه، فقدان یک قوه‌ی قضائیه‌ی مستقل و... نگرانی عمیق خود را اظهار می‌دارد.

قطعنامه همچنین ضمن اینکه مقرر می‌دارد تا بررسی وضع حقوق بشر در ایران در اجلاس آینده‌ی کمیسیون همچنان ادامه یابد، از رئیس کمیسیون می‌خواهد که پس از مشورت با دفتر کمیسیون "گزارشگر ویژه‌ی از جانب کمیسیون تعیین نماید که به بررسی کامل وضع حقوق بشر در ایران براساس اطلاعات قابل قبول و منجمله ایجاد رابطه با دولت جمهوری اسلامی ایران پرداخته و گزارش نهائی خود را که حاوی نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادات مقتضی نیز باشد، به چهل و یکمین اجلاس کمیسیون تقدیم نماید".

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی**در اجلاس "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"
(مارس ۱۹۸۳)**

بدنبال فعالیت‌های افشاگرانه برای پرده برداشتن از جنایات ضد بشری رژیم جنایتکار خمینی و علیرغم تلاش‌های مذبوحانه‌ی رژیم قطعنامه‌ای با تصریح بر "نقض شدید و مستمر حقوق بشر در ایران" با اکثریت آراء کمیسیون به تصویب رسید. واضح است که اعلام رسمی "نقض شدید و دائمی" حقوق بشر در ایران بویژه با توجه به گزارشات دبیرکل سازمان ملل متحد و سایر گزارشات و مذاکرات و نطق‌های مقدماتی نمایندگان، صراحتا به معنی محکومیت روشن و قاطع رژیم خمینی در جامعه‌ی جهانی و افکار عمومی بشریت است. لازم به تذکر است که جز در موارد بسیار نادر از جمله درباره‌ی اسرائیل و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی صدور چنین قطعنامه‌ی در تاریخ سازمان ملل کم نظیر است.

ابراز نگرانی کمیسیون منع تبعیض**و حمایت از اقلیت‌ها (وابسته به سازمان ملل متحد)
از نقض حقوق بشر در ایران****(۱۵ اوت - ۹ سپتامبر/۱۹۸۳)**

در قطعنامه‌ی مربوط به تبعیض، نمایندگان حاضر در جلسه ضمن اشاره به قطعنامه‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان

ملل متحد در ۸ مارس گذشته و نیز با اشاره به گزارش دبیر کل "اضطراب خود را از نقض شدید حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در جمهوری اسلامی ایران که در گزارش دبیر کل به آن اشاره شده است بخصوص در رابطه با اعدام‌های سریع و بی‌رویه، شکنجه‌ها و زندانی‌های بدون محاکمه، اعمال استبدادی و ستم مذهبی، عدم استقلال قدرت قضائی و فقدان هر گونه تضمین شناخته‌شده‌ی دیگر در مورد محاکمه‌ی عادلانه" اظهار داشتند.

پزشکان جهان**جنایات خمینی را محکوم می‌کنند**

قسمتی از متنی که توسط بیش از ۲۰۰۰ پزشک از کشورهای مختلف جهان امضاء گردیده است:

ما اطباء امضاءکننده‌ی زیر شدیداً اختناق خونباری که بر ایران حاکم است را محکوم می‌کنیم. این اختناق شامل تمام گروه‌های اجتماعی و حرفه‌ایست.

ما با حساسیت نسبت به اختناق که گریبانگیر جامعه‌ی پزشکی است موارد زیر را افشاء می‌کنیم:

- شکنجه‌ی بی‌حد و شدید اطباء به منظور بر ملا ساختن اسرار پزشکی

- زندانی کردن و اعدام اطبائی که در گروه‌های امدادی و اورژانس به مجروحین اپوزیسیون مردمی رسیدگی می‌کنند.

- اعدام اطباء و پرستارانی که مخالف حضور پاسداران در اطاق‌های عمل و مخالف توقیف و بردن بیماران تحت عمل و در حال بیهوشی توسط پاسداران هستند.

- اعدام یا توقیف اطباء و پرستارانی که حاضر نیستند بیماران و یا مجروحانی را که تحت معالجه بوده و حالشان وخیم است به شکنجه‌گران تحویل دهند و انجام این اعمال (اعدام و توقیف) در محوطه‌ی بخش‌ها.

- خواهان تشکیل یک کمیسیون تحقیق پزشکی هستیم که در محل به وضع سلامتی و بهداشت زندان‌ها و زندانبانان ایران و همچنین سرنوشت اطباء و پرستاران چه در محوطه‌ی بیمارستان‌ها و یا در شکنجه‌گاه‌ها رسیدگی کند.

تصویب قطعنامهٔ محکومیت رژیم خمینی**در کنفرانس سالانه****کنگرهٔ اتحادیه‌های کارگری انگلستان****در رابطه با نقض حقوق کارگران****و اتحادیه‌های کارگری در ایران**

قسمتی از متن قطعنامه‌ی که در سپتامبر ۱۹۸۳ در کنگره‌ی اتحادیه‌های کارگری انگلستان به تصویب رسید از این قرار است:

"کنگره از گزارشات نقض حقوق بشر، نقض حقوق کارگران و اتحادیه‌های کارگری در ایران و نقض حقوق زنان که بدلیل تبعیض جنسی شدت یافته نگران است. کنگره بویژه اعدام و زندانی کردن صدها کارگر را در ایران که تنها جرم آنها خواستن حقوق اولیه‌ی اتحادیه‌ی کارگری بوده محکوم می‌کند.

کنگره همچنین انحلال تشکلهای و اتحادیه‌های کارگری را توسط دولت ایران محکوم می‌کند.

کنگره از مجمع عمومی خواستار می‌گردد تا تمامی قدرت خود را برای توقف اعدام و زندانی شدن کارگران بکار گیرد و همچنین از مجمع عمومی می‌خواهد تا به کوشش‌های خود در مطرح کردن اوضاع ایران به سازمان بین‌المللی کار (ILO) و ارسال هیئت تحقیق به ایران ادامه دهد."

قطعنامهٔ اجلاس شورای**اقتصادی - اجتماعی ملل متحد در مورد****"وضع وخیم حقوق بشر در ایران"**

بدنبال تشکیل اجلاس شورای اقتصادی - اجتماعی ملل متحد در نیویورک، و با مطرح شدن مسئله‌ی ایران در این اجلاس، در روز ۲۴ مه ۱۹۸۳ قطعنامه‌ای از جانب این شورا صادر شد که در آن به "وضع بسیار وخیم حقوق بشر در ایران" اشاره شده بود. این قطعنامه با اکثریت آراء نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس مورد تصویب قرار گرفت.

در این قطعنامه ضمن تأیید قطعنامه‌ی سی‌ونهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو و تصویب ضرورت اقدام از جانب دبیرکل سازمان ملل متحد برای بررسی و تحقیق درباره‌ی نقض حقوق بشر در ایران اضافه شده است که:

"این گزارش باید حاوی اظهارنظر، نتیجه‌گیری و پیشنهادهائی درباره‌ی محترم شمردن حقوق بشر در این کشور باشد."

محکومیت رژیم خمینی توسط**۱۴۸ نفر از شرکت‌کنندگان در کنفرانس حقوق بشر**

در جریان برگزاری کنفرانس حقوق بشر مادرید در هفته‌ی اول دسامبر ۸۳، ۱۴۸ نفر از شرکت‌کنندگان در کنفرانس متنی را امضاء کردند که طی آن رژیم خمینی بخاطر نقض شدید و مستمر حقوق بشر محکوم شده و از تمامی مجامع بشر دوست بین‌المللی درخواست شده که برای جلوگیری از ادامه‌ی سرکوب در ایران اقدام کنند.

در این متن آمده است: ما شرکت‌کنندگان در هفته‌ی حقوق بشر اسپانیا، نگرانی عمیق خود را از نقض شدید و مستمر حقوق بشر توسط رژیم خمینی در ایران که تاکنون مدارک آن توسط سازمان مجاهدین خلق ایران انتشار یافته و بارها از جانب مجامع مختلف مدافع حقوق بشر: کمیسیون

حقوق بشر ملل متحد، عفو بین‌الملل، حقوق بشر سوسیالیست و... محکوم شده است، ابراز داشته و

ضمن محکوم کردن این جنایات، از همه‌ی سازمان‌ها و شخصیت‌های طرفدار حقوق بشر می‌خواهیم تا جهت قطع فوری اعدام و شکنجه در ایران اقدام نمایند.

امضای ۱۴۸ نفر

قطعنامهٔ محکومیت رژیم خمینی در**اولین کنگرهٔ انجمن بین‌المللی دانشجویان**

اولین کنگره‌ی انجمن بین‌المللی دانشجویان شامل ۵۳ کشور (کانادا، آمریکا، پرو، بولیوی، شیلی، برزیل، هائیتی، ایرلند، انگلیس (جریان S.S.A) سوئد، نروژ، بلژیک، لوگزامبورگ، سوئیس، فرانسه، لهستان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، قبرس، ترکیه، مالت، آلمان غربی، افغانستان، عراق، سوریه، اردن، مراکش، بحرین، الجزایر، تونس، سومالی، تانزانیا، زئیر، اریتره، سنگال، کتدی‌آوار، توگو، نیجریا، کامرون، برونیدی، موریتانی، سنگاپور، هنگ‌کنگ، مالزی و جزایر موریس) در روزهای ۱۹، ۲۱ و ۲۲ ژوئن ۱۹۸۲ در پاریس تشکیل شد.

اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور - بخش فرانسه نیز برای شرکت در این کنگره دعوت شده بود. در پایان این کنگره قطعنامه‌ای در محکومیت رژیم

خمینی صادر شد که در قسمت‌هایی از آن آمده است:

اولین کنگره‌ی انجمن بین‌المللی دانشجویان:

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دمکراتیک مردم ایران**نمونه‌هایی از محکومیت رژیم خمینی در مجامع بین‌المللی**

مجدداً بازیابند. به دلایل فوق ما سرکوب خونینی را که رژیم کنونی ایران اعمال می‌کند، شدیداً محکوم نموده و آرزو مندیم که یک رژیم مردمی و دمکراتیک جانشین آن گردد. لذا:

ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی نموده و حمایت خود را از مبارزات مشروع سازمان مجاهدین خلق که تجسم مقاومت تمامی مردم ایران است اعلام می‌داریم.

سازمان عفو بین‌الملل

این سازمان طی گزارشات مختلفی که منتشر نموده است، با استناد به مدارک و شواهد بسیار، گوشه‌هایی از وضعیت دهشتناک زندان‌ها و خفقان حاکم بر ایران را گزارش کرده است. از آنجا که گزارشات این سازمان در سطح بین‌المللی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است، لذا رژیم خمینی و حتی شخص خمینی تاکنون چندین بار صراحتاً درباره‌ی گزارشات سازمان عفو بین‌الملل موضعگیری کرده و مذبحخانه درصد برآمده تا با تخطئه‌ی آن، جنایات خود را پرده‌پوشی کند. از جمله خمینی در سخنرانی ۲۵/مهر/۶۱ خود پس از انتشار گزارش سازمان عفو بین‌الملل گفت:

"سازمان عفو بین‌الملل که این همه دیروز فریاد می‌کرد که سند صحیح دارد، سند صحیح آن این است که متاقین اینطور می‌گویند، مستند این است که در نوشته‌های متاقین این است..."

تاکنون گزارشات متعددی از جلسات مختلف سازمان عفو بین‌الملل در کشورهای گوناگون و نیز قسمت‌هایی از گزارشات سالانه‌ی این سازمان در نشریات سازمان به چاپ رسیده است. که خلاصه‌ای از آنها را ذیلاً از نظران می‌گذرانیم:

قسمت‌هایی از گزارش مفصل سازمان عفو بین‌الملل**درباره جنایات گسترده و بی نظیر****رژیم ضد بشری خمینی خائن**

سازمان عفو بین‌الملل در پائیز ۱۹۸۱ با انتشار گزارش مفصل و مستندی در مورد جنایات ضد بشری رژیم خمینی خائن به افشای برخی از موارد نقض گسترده و آشکار ابتدائی ترین حقوق انسانی در زمینه‌های مختلف و بویژه در رابطه با بازداشت‌ها و محاکمه‌های غیرقانونی و سیاست شکنجه و اعدام و سرکوب وسیع مخالفین سیاسی و ... توسط رژیم خمینی خون‌آشام پرداخت.

جلسه سازمان عفو بین‌الملل در شهر جنوا**با شرکت انجمن دانشجویان ایتالیا****در رابطه با جنایات ضد بشری خمینی جلاد**

در تاریخ ۴ ژوئن ۸۲ سازمان عفو بین‌الملل جلسه‌ای در شهر جنوا - ایتالیا به منظور افشای جنایات خمینی در ایران ترتیب داد. این اولین جلسه‌ی عفو بین‌الملل در مورد ایران در ایتالیا بود که پوستره‌های تبلیغاتی این مراسم نیز در اکثر نقاط شهر نصب شده و از طریق رادیو - تلویزیون اعلام گردیده بود. در این جلسه بیش از دویست تن از شخصیت‌ها و تعدادی از نمایندگان احزاب، انجمن‌ها و سازمان‌ها شرکت داشتند.

بخش‌هایی از**گزارش پائیز ۱۹۸۲ سازمان عفو بین‌الملل**

گزارشات اخیر از آن جهت قابل تامل است که از

رهبری شورای ملی مقاومت صورت می‌گیرد، حمایت می‌نماید.

کنفرانس از کمیته‌ی اجرائی سراسری حزب می‌خواهد تا آنجا که در توان دارد برای کمک به پناهندگان ایرانی، علی‌الخصوص برای ممانعت از اخراج آنها و اعزامشان به ایران کوشش نماید.

کنفرانس همچنین از کمیته‌ی اجرائی سراسری و دولت کارگری آتی می‌خواهد تا با بکار گرفتن حداکثر توان خود از شورای ملی مقاومت که کلیه‌ی نیروهای ملی و دمکراتیک اپوزیسیون در ایران را گرد هم آورده و با کوشش‌های خود سعی در استقرار صلح، استقلال و دمکراسی در ایران دارد، حمایت نماید.

محکومیت رژیم خمینی در کنفرانس سراسری**حزب لیبرال انگلستان****با استناد به لیست اسامی شهدا و****موارد نقض حقوق بشر در ایران**

سی و هفتمین کنفرانس سراسری حزب لیبرال از تاریخ ۱۹ تا ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۳، در شهر هاروگیت (HARROGATE) انگلستان برگزار گردید.

در آغاز تعدادی از نمایندگان پیشنهاد مطرح شدن تعدادی قطعنامه‌های اضطراری مختلف را نموده بودند که با توجه به اطلاعاتی که از طرف انجمن در اختیار آنان قرار گرفته بود، بخصوص در رابطه با لیست شهدای منتشر شده از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران، قطعنامه‌ی مربوط به ایران بعنوان یکی از سه قطعنامه‌ی انتخاب شده از طرف کنفرانس در دستور کار جلسه قرار گرفت. در این قطعنامه گفته شده که با توجه به انتشار لیست دقیقی که در تاریخ ۸ سپتامبر در پاریس انتشار یافته و از اعدام ۷۷۴۶ نفر ایرانی که بدلائل سیاسی انجام گرفته، گزارش می‌دهد، کنگره از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار می‌گردد تا هیئت مخصوصی را جهت بررسی نقض شدید حقوق بشر در ایران به این کشور گسیل دارد.

محکومیت رژیم خمینی در کنگره سال ۱۹۸۲**حزب سوسیالیست سوئیس****و اعلام حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران****و شورای ملی مقاومت**

در بیانیه‌ای که در پایان این کنگره تصویب شد، آمده است:

حزب سوسیالیست سوئیس ضمن ابراز کمال اضطراب در برابر عدم احترام رژیم ایران به بیش پافشارده‌ترین حقوق بشر در این کشور، این رفتار را شدیداً محکوم می‌نماید.

حزب سوسیالیست سوئیس حمایت خود را نسبت به

مقاومت مشروع مردم ایران و مبارزات مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت و همه‌ی نیروهای خواهان آزادی و دمکراسی اعلام می‌دارد.

همچنین رئیس این حزب و ۱۴ تن از نمایندگان پارلمان، مسئولین و شخصیت‌های برجسته‌ی حزب سوسیالیست سوئیس، طی بیانیه‌ای اعلام داشتند:

ما امضاءکنندگان زیر همیشه از کسانی که علیه دیکتاتوری شاه مبارزه می‌نمودند حمایت کرده و انقلاب ایران را به منزله‌ی آغاز پایان رنج‌هایی که مردم ایران مدت‌های مدید تحمل کرده بودند تلقی کردیم. ما امیدوار بودیم که سقوط رژیم سابق طلیعه‌ی پیدایش دمکراسی در ایران گردیده و به مردم این کشور اجازه دهد که شایستگی، هویت و استقلال خود را

شدیدا بر علیه بیگرد، دستگیری‌های بی حساب و اعدام مخالفین رژیم خمینی از جمله مجاهدین و بسته شدن دانشگاه اعتراض می‌کند.

تجاوزات وحشیانه به حقوق ابتدائی بشر، و این رژیم ترور که در ایران حکم فرماست را محکوم می‌کند.

پشتیبانی خود را از تمام کسانی که مثل زمان شاه متحمل اختناق وحشیانه بوده‌اند و از تمام کسانی که برای برقراری استقلال و دمکراسی در ایران مبارزه می‌کنند اعلام می‌دارد.

تعهد می‌کند که در کنار دانشجویان ایرانی با تمام امکانات خود جنایات رژیم خونخوار خمینی را در کشورهای مختلف افشاء نماید.

لازم به تذکر است که همچنین بسیاری از شرکت‌کنندگان در کنگره طی نامه‌ای به برادر مجاهد مسعود رجوی، رژیم ضد بشری خمینی را محکوم نموده و حمایت خود را از شورای ملی مقاومت اعلام داشتند.

قطعنامه بین‌الملل سوسیالیست زنان**در محکومیت نقض حقوق زنان در ایران****و جنگ طلبی رژیم خمینی**

در آخرین نشست کمیته‌ی اجرائی بین‌الملل سوسیالیست زنان که ۴ اردیبهشت (۲۴ آوریل ۸۴) در دانمارک برگزار گردید، زنان سوسیالیست کشورهای مختلف جهان از جمله ایتالیا، انگلیس، آلمان قدرال، اسپانیا، سوئد، لبنان، استرالیا، ژاپن، لوگزامبورگ، سنگال، اتریش و ... شرکت داشتند. در این اجلاس قطعنامه‌ی زیر بتصویب رسید:

متن قطعنامه

نشست کمیته‌ی اجرائی بین‌الملل سوسیالیست زنان در ۲۴ آوریل ۸۴ در دانمارک: ۱ - نگرانی عمیق خود در مورد نقض حقوق اولیه‌ی بشر در مورد زنان ایران را اعلام داشته و آنرا محکوم می‌نماید و از مبارزات زنان ایران برای تحقق حقوق عادلانه‌ی خود حمایت و دفاع می‌کند.

۲ - ادامه‌ی جنگ ایران و عراق را محکوم کرده و از اقداماتی که برای پایان بخشیدن به این جنگ صورت می‌گیرد، حمایت می‌نماید.

۳ - از تمام اعضای سوسیالیست زنان می‌خواهد تا با هماهنگ کردن اقدامات خود، کوشش نمایند تا از هر طریق ممکن به اعدام‌ها و شکنجه‌ی زندانیان سیاسی بخصوص زندانیان سیاسی زن در ایران، پایان بخشند.

قطعنامه کنفرانس سالانه حزب کارگران انگلستان**در محکومیت قاطع جنایات رژیم خمینی****قسمت‌هایی از متن قطعنامه:**

این کنفرانس که در اکتبر ۱۹۸۳ تشکیل شد تداوم اعدام‌های دستجمعی، شکنجه و سرکوب حقوق کارگران، حقوق اتحادیه‌های کارگری و حقوق زنان توسط رژیم خمینی در ایران و بخصوص پیش‌نویس قانون کار را که به موجب آن فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری ممنوع می‌شود، قویاً محکوم می‌نماید. کنفرانس عملکردها و دیدگاه‌های واپسگرایانه‌ی رژیم (خمینی) در زمینه‌ی عدم برخورداری زنان از حقوق آموزش و پرورش، اشتغال، تسهیلات نگهداری از کودک، قانون حمایت از خانواده، تسهیلات درمانی و ورزش را مورد نکوهش قرار می‌دهد.

کنفرانس از مقاومت مردم ایران و تلاش‌هایی که به منظور برقراری حقوق بشر، حقوق دمکراتیک، حقوق زنان و حقوق اتحادیه‌های کارگری در ایران تحت

بمناسبت ۳۰ خرداد، روز شهدا و اسرای انقلاب نوین و دموکراتیک مردم ایران

نمونه‌هایی از محکومیت رژیم خمینی در مجامع بین‌المللی

مسعود رجوی در کانون این فعالیت‌ها و نقش ویژه‌ی او در این میان، علیرغم توطئه‌ی سکوت حاکم بر خبرگزاری‌ها و کارشکنی‌ها و سنگاندازی‌های ضدانقلاب غالب و مغلوب، بالاخره نقاب از چهره‌ی گریه‌خیز خمینی و رژیم ضدبشریش فرو افتاده است. آنچنانکه دیگر او که زمانی محبوب‌ترین چهره‌ی دنیا بود، لقب "منفورترین چهره‌ی سال" را که برآستی زبینه‌ی اوست، از افکار عمومی جهان دریافت می‌کند. اکنون دیگر خمینی "سمبل جهانی شقاوت و آدمکشی" است. تا آنجا که مردم بسیاری از کشورهای تحت‌تسم، از جمله مردم گواتمالا، برای بیان شدت اختناق حاکم بر کشورهای خود، دیکتاتورهای "ریوزمونت" دیکتاتور گواتمالا را "آیت‌الله خمینی" آمریکا می‌نامند.

رادیو تلویزیون‌های جهان، اخبار و گزارشات مفصلی از جنایات رژیم منتشر می‌سازند و مطبوعات جهان از خمینی و رژیمش چنین نام می‌برند:

"خمینی آدمکش و قاتل" - "حکومت وحشت" - "خانواده‌های ایرانی عزادارند، بدون نام، بی‌صدا، جوانان با عنوان اسم خدا تیرباران می‌شوند" - "ایران خمینی، بازگشت به قرون وسطی" - "شاه نمرده‌است" - "جائی که دژخیمان حکومت می‌کنند" - "ایران فریاد استمداد" - "خانواده‌ها باید پول گلوله‌ی قاتلان را بپردازند" - "خمینی آدمکش شکست خورده است" - "غاصب (انقلاب)، بانیانش را می‌بلعد" - "خمینی بر ضد کارگران" - "خمینی گرفتار همان عاقبت‌شاه می‌شود" و ...

آری، اینها ثمره و نتیجه‌ی خون‌های پاک هزاران شهید و مقاومت حماسی دهها هزار اسیر مقاوم است که به مدد بهره‌گیری‌های بجا و هوشیارانه، به برنشسته و اینچنین دجال قرن را در تمامی دنیا بی‌آبرو ساخته است، تا آنجا که نه تنها در ایران، بلکه در میان بسیاری از مردم جهان نیز، خمینی جز با لعنت و نفرین یاد نمی‌شود.

شرکت نماینده شورای ملی مقاومت

در مراسم تشییع جنازه برلینگوئر

دیبرکل فقید حزب کمونیست ایتالیا

بقیه از صفحه‌ی آخر

چهارشنبه ۱۳ ژوئن در دفتر مرکزی حزب کمونیست ایتالیا در رم حضور یافت و از سوی مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی به رهبری حزب کمونیست ایتالیا و همسر و برادر آقای برلینگوئر تسلیت گفت.

آقای اولیاء پس از ادای احترام به جنازه‌ی دیبرکل حزب کمونیست ایتالیا دفتریادبود را از طرف شورای ملی مقاومت امضاء نمود. لازم به یادآوریست که شرکت نماینده‌ی از سوی شورای ملی مقاومت در مراسم تشییع جنازه‌ی فقید برلینگوئر و همچنین وصول تلگرام مسئول شورا در روزنامه‌ی اونیتا ارگان حزب کمونیست ایتالیا منعکس گردید.

در عرض جمعه تا یکشنبه ۲۰ سپتامبر حداقل ۳۰۰ نفر اعدام شده‌اند.

میثاق بین‌المللی درباره‌ی حقوق مدنی و سیاسی در ماده‌ی ۶ تصریح می‌کند که محکومیت اعدام بهیچوجه درباره‌ی جنایاتی که صغیران (کودکان کمتر از ۱۸ سال) انجام می‌دهند اجراء نخواهد شد. این قسمت بهیچوجه و به هیچ بهانه‌ای نباید تغییر و تبدیل و تفسیر شود (ماده‌ی ۴). درحالیکه اعدام کودکان بطور رسمی در ایران اجراء می‌شود.

میثاق بین‌المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی هیچگونه استثنائی را در هیچ مورد و شرایطی، در مورد آزادی فکر، عقیده و مذهب و حق هر فردی که نباید خودسرانه از حق زندگی محروم شود را قبول ندارد. اجرای اعدام به بهانه به مخاطره افتادن نظم عمومی و یا هر نوع بهانه‌ی دیگری برای هر نوع عمل اختلال‌آمیز دیگر که تازه به ثبوت هم نرسیده، قابل توجیه نیست.

محکومیت رژیم خمینی و

اعلام حمایت از کارگران و پناهندگان ایرانی در

چهارمین کنفرانس سالانه عفوبین الملل

- بخش اتحادیه‌های کارگری -

اولین قطعنامه‌ای که در این کنفرانس بتصویب رسید از طرف کنفدراسیون اتحادیه‌های کارکنان خدمات درمانی بریتانیا (COHSE) ارائه گردید. قسمت‌هایی از متن این قطعنامه بدین قرار است: کنفرانس، انحلال ۱۶ سندیکای کارگری که در اواخر ژوئیه‌ی ۱۹۸۲ توسط رژیم خمینی صورت گرفت و همچنین دستگیری، زندان و اعدام کارگران در ایران بخاطر پی‌گیری اهداف اتحادیه‌ی کارگری خود را محکوم می‌نماید.

کنفرانس از اتحادیه‌های کارگری که عضو سازمان عفو بین‌الملل هستند می‌خواهد تا سفارت ایران را برای درخواست اعزام یک هیئت تحقیقی از طرف سازمان مزبور تحت فشار قرار دهند.

دومین قطعنامه‌ی مربوط به ایران از طرف اتحادیه‌ی سراسری روزنامه‌نگاران مطرح شد. متن این قطعنامه بدین قرار است:

این کنفرانس از عفو بین‌الملل شورای شاخه‌ی بریتانیا درخواست می‌کند تا از دولت بریتانیا تقاضا نماید که پناهندگان ایرانی را در همان اولیبتی که پناهندگان لهستانی، افغانستانی و اوگاندائی هستند قرار دهد.

چهره‌ی منفور خمینی

در مطبوعات جهان

آخرین بخش از مقاله را به انعکاس چهره‌ی منفور خمینی در مطبوعات و خبرگزاری‌های جهان اختصاص داده‌ایم. این انعکاسات قبل از هر چیز بیانگر آن است که به‌یمن فعالیت‌های مداوم و خستگی‌ناپذیر هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در سراسر جهان و بویژه بدلیل حضور رهبری سازمان برادر مجاهد

زبان زندانیانی است که به تازگی از شکنجه‌گاه‌های مرگ‌زای قرون وسطائی خمینی جان سالم بدر برده و در فرصت مناسب به افشای آنچه که بر سرشان آمده یا از نزدیک دیده و شنیده‌اند، پرداخته‌اند. در قسمت‌هایی از این گزارش آمده‌است:

"آن آخوند تهیدید کرد که برادران من در اینجا می‌نویسند ترا به حرف درآورند." وقتی به او گفتم باید از اینکه اینها را برادران خود می‌نامد خجالت بکشد، برافروخته شد و خشمگین می‌نمود. سه تن از هم‌سلولی‌هایم به من گفتند که آنها را شوک الکتریکی کرده‌اند تا حرف بزنند.

گاهی اوقات بعضی از آنهایی را که از سلول‌ها به بیرون برده‌اند، دیگر باز نگردانده‌اند. اینکه آنها به جای دیگری منتقل شدند و یا کشته شدند، کسی نمی‌تواند بگوید. هر شب تا نزدیکی‌های صبح زندانیان را یا در حیاط‌های باز و یا در اتاق‌های مجزا شکنجه می‌کنند.

رژیم آشکارا از معلمان خواسته تا برعلیه شاگردانشان جاسوسی کنند، همینطور از شاگردان خواسته برعلیه معلمان جاسوسی کنند، صاحبخانه‌ها برعلیه مستاجرین و مستاجرین برعلیه صاحبخانه‌ها، شخص خمینی اغلب از تمام ملت خواسته تا برعلیه یکدیگر جاسوسی کنند.

زدانسانی‌ترین قسمت اوین زندان زنان است، بسیاری از زنان جوانتری که در آنجا نگاه داشته شده‌اند با بچه‌هایشان دستگیر شده‌اند، در حدود ۴۰ بچه که سنین آنها بین ۱ تا ۱۲ سال می‌باشد هستند. ... اوین همچنان یکی از مخوف‌ترین زندان‌های ایران می‌باشد. مقر دادگاه انقلاب در داخل اوین قرار دارد، لذا شخص بازداشت شده در اوین می‌تواند در اسرع وقت، طی چند روز، چند ساعت و یا حتی کمتر از آن محاکمه و اعدام شود. ..."

گزارش سازمان عفو بین‌الملل در رابطه با

سیاست اعدام و شکنجه رژیم ضد خلقی خمینی

۲۴ فوریه ۱۹۸۲: خبرگزاری‌ها - سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد:

تاکنون صدها گزارش موثق در رابطه با شکنجه‌هایی که توسط پاسداران رژیم در زندان‌ها اعمال می‌شود به این سازمان رسیده. برخی از زندانیان در زیر شکنجه کشته شده سپس بدار آویخته شده‌اند تا اینطور وانمود شود که قانوناً اعدام شده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل اظهار داشت که از نخست‌وزیر ایران حسین موسوی خواسته است تا بالاترین مراجع رهبری ایران بطور عمومی شکنجه را ممنوع اعلام نمایند.

گزارشی از عفو بین‌الملل - بخش فرانسه

درباره ایران

اعدام در ایران و ضوابط بین‌المللی حقوق بشر

قسمت‌هایی از این گزارش بشرح زیر است:

دفتر عفو بین‌الملل - ۷ اکتبر ۱۹۸۱

در سه‌ماه و نیم از ۲۰ ژوئن به اینطرف از بیش از ۱۶۰۰ اعدام در ایران اطلاع حاصل شده است. فقط

پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه‌ی آخر

دست نمی‌دادیم، تصمیم گرفتیم به هر قیمتی که شده نشریه را مثل کارهای داخل ایران تکثیر کنیم و بعد هم پولش را (که حسایش را کرده بودم برای هر نشریه حداقل ۶ گرون اضافه خواهد آمد) به حساب سازمان واریز کنم البته با حساسی که کرده بودم اگر بیرون تکثیر می‌کردم قیمت نشریه از ده گرون هم بسیار گران‌تر می‌شد. اتفاقاً با برخوردی که با مسئول دستگاه تکثیر کردم اصلاً از من پول قبول نکرد.

طبق نیاز، ۵ نشریه اضافه تکثیر کرده مبلغ آنرا که ۵۰ گرون است ارسال می‌دارم. بچه‌ها هم از اینکه نشریه گیرشان می‌آمد تقریباً راضی بودند گرچه نشریه‌ی زیراکسی کیفیت و اثر خود نشریه را نمی‌تواند داشته باشد اما این حداقل گاری بود که می‌شد انجام داد.

* * *

* هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "وحیده پیرایش"؛ نامه‌ی اخیرتان بدستمان رسید. همچنانکه خود، بدرستی تشخیص داده‌اید در جهت انجام بیشتر هسته‌ی خود اقدام کنید. منتظر گزارش فعالیت‌های شما هستیم.

* تنگبان - برادر "ایرج"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. منتظر نامه‌های بعدی‌تان هستیم. سعی کنید گزارش کاملی از خودتان برایمان بنویسید.

* ... - برادر "تورج" GZ۸۵۷۲۰؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. اخبار و گزارشتی که فرستاده بودید، جالب و قابل استفاده بودند. سعی کنید با رعایت ضوابطی که برای مستند کردن اخبار مشخص شده، نوشته‌ی خودتان را هرچه بیشتر گویا و روشن بنمائید. مسائلی که رد اطلاعاتی دارند در نامه‌های جداگانه و با جوهر نامرئی بنویسید.

* هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "ح.د"، گزارش شما که حاوی انعکاس گوشه‌ای از فعالیت‌هایتان بود، بدستمان رسید. برادری از هسته‌ی مقاومت شما در مورد هر یک از اطلاعاتی که پخش کرده‌اید، گفته است "اینها بذر آزادی است که در هر خانه‌ای می‌گایم و فردا بیار خواهد نشست" آری، بدون

شک آزادی در میهنمان شکوفا خواهد شد و همه‌ی مردم ستمدیده‌ی ما از ثمر آن استفاده خواهند کرد.

* مازندران - خواهر "اشرف. الف"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. پیام شما را دریافت کردیم، نامه‌های بعدی خود را با جوهر نامرئی بنویسید.

* تهران - برادر "ح.ق"؛ نامه‌ی شما همراه با اخبار و سندی که به ضمیمه برایمان فرستاده بودید، رسید. توجه داشته باشید که چنانچه سندی بدستمان می‌رسد، فوراً از آن چند نسخه تکثیر کرده و یک نسخه را نزد خود نگاهدارید تا اگر لازم شد دوباره آنرا مورد استفاده قرار دهید. همچنین بایستی دقت کنید که همراه با سند به هیچ وجه مدرک "رد" دار چه به صورت مرئی و چه به صورت نامرئی فرستاده نشود.

* خواهر "زهره - ص - پ"؛ نامه‌ی شما که حاوی اخباری از شهرتان بود، بدستمان رسید. از آنها در فرصت مناسب استفاده خواهیم کرد. بازهم برای ما نامه بنویسید.

* برادر "صادق ۲۷ - M"؛ نامه‌ی شما را به همراه زندگی‌نامه‌ی مجاهد شهید اردشیر زارع دریافت کردیم. اعلام آمادگی شما جهت انجام کارهایی که در نامه‌تان ذکر کرده بودید، بیانگر روح پرشور و مبارز شما می‌باشد. در رابطه با مسائلی که اشاره کرده بودید به نکات و رهنمودهای زیر توجه کنید:

۱ - کار اصلی شما در این مرحله تهیه‌ی امکاناتی است که ارتباط ما با شما را مستمر و منظم کند. بنابراین شما بایستی با پیدا کردن محل جدیدی برای تماس، اختلالات ارتباطی خود را رفع نموده و در صورتیکه دسترسی به محل مناسبی جهت تماس ندارید از طریق تلفن آقای یزدانی ارتباط خود را با ما فعالتر نمائید. در مورد مسئله‌ی امکانات، همانطور که در نامه‌ی خودتان نیز اشاره کرده‌اید، استفاده از هر امکان بایستی براساس ضوابط خاصی که مسئولین به شما خواهند گفت باشد.

۲ - قطع ارتباط شما با خواهر "ش" که از طریق مسئولتان به شما گفته شده، بدلیل مسائل امنیتی کار درستی بوده. دستگاهی را که قرار بود به خواهر "ش" بدهید، نگاهداشته و زمانی که خواهر "م" با شما

تماس گرفت در آن مورد نیز صحبت کنید.

* خواهر "آزاده حق دوست امیدوار"؛ نامه‌ی شماره‌ی ۴ شما را دریافت کردیم. اخباری که فرستاده بودید، قابل استفاده بودند؛ منتها سعی کنید که اخبار جدیدتری را برایمان بنویسید. ارسال کمک‌های مالی به شرطی که وزن پاکت ارسالی را سنگین‌تر از حد معمول نکند، و عادیسازی مناسب آن نیز مراعات گردد، از طریق نامه هم مقدور است.

* خواهر "تی - تی - ۹۲"؛ نامه‌ی شماره‌ی یک شما بدستمان رسید. چنانچه مبلغ کمک‌های مالی‌تان زیاد می‌باشد از طریق دوستان و آشنایان در خارج از کشور اقدام کرده و پس از فرستادن برای آنها، از آنها بخواهید که مبلغ مذکور را برای ما بفرستند. کمک‌های نقدی کوچک خود را نیز از طریق پست و با عادیسازی مناسب برای ما بفرستید. در ضمن می‌توانید کمک‌های خود را به خواهران و برادران ما در هسته‌های مقاومت سراسری برسانید. چنانچه به آنها دسترسی ندارید، کمک‌ها را به خانواده‌های شهدا و اسرایی که نیاز دارند، بدهید.

* کرمانشاه - خواهر و برادر "ش ۱۳۳ - ۱۱۷۵۴"؛ اولین نامه‌ی شما بدستمان رسید. منتظر اخبار و گزارشات بعدی شما هستیم.

* برادر "هادی ۱۱۹/۸"؛ نامه‌ی سوم شما که در تاریخ ۶۳/۲/۱۷ نوشته شده بود، بدستمان رسید. اخباری که فرستاده بودید، بسیار جالب بودند و حتماً از آنها استفاده خواهیم کرد.

* خواهران و برادران "رهروان راه سردار جنگل"؛ نامه‌ی شماره یک شما که شامل گزارش فعالیت‌های شما و اخبار اجتماعی و مردمی بود، بدستمان رسید. بازهم برای ما نامه بنویسید.

* برادر "C.I.R.۶/N/۴"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. اخباری که نوشته بودید، گوشه‌هایی از جنایات روزمره‌ی مزدوران خمینی است. بهتر است که زمان وقوع اخباری را که می‌نویسید، مشخص نمائید.

* برادر "فرهاد ۱۳+۱"؛ نامه‌ی اخیر شما نیز بدستمان رسید. متأسفانه اخبار شما را زمانی دریافت کردیم که بعلت گذشت مدت زمان نسبتاً زیادی از وقوع آنها استفاده‌ی زیادی نتوانستیم بکنیم. گزارشات خود را هر چه سریعتر برایمان ارسال دارید.

* هسته‌ی مقاومت "م.ح"؛ اخباری که از اوضاع اجتماعی مردم برایمان فرستاده بودید، بسیار جالب و قابل استفاده بودند. در فرصت مناسب از آنها استفاده خواهیم کرد.

* برادر "سعید - ع"؛ دو گزارش از فعالیت‌های شما بدستمان رسید. همانطور که خودتان نیز اشاره کرده بودید، اشکال عمده‌ی کار شما در تنها بودن‌تان می‌باشد. سعی کنید با دوستان و آشنایانی که دارید یک هسته‌ی مقاومت تشکیل داده و فعالیت‌های خود را بصورت جمعی ادامه دهید. رعایت هرچه بیشتر ضوابط امنیتی را به شما توصیه می‌کنیم.

* خواهر یا برادر "ا - ف ۴"؛ هشتمین نامه‌ی شما بدستمان رسید. گزارشی از فعالیت و سابقه‌ی تک تک اعضای هسته‌تان برایمان بنویسید. بصورت هفتگی گزارشات و اخباری را بدست می‌آورید برایمان نوشته و پست کنید.

* برادران هسته‌ی مقاومت "۲/ابجد/سیار"؛ گزارش الف - ب - ج - د - جالب شما از جریان تشکیل هسته و فعالیت‌هایتان بدستمان رسید. فعالیت‌های شما چشمگیر و ارزنده است. به شما توصیه می‌کنیم که با رعایت هرچه بیشتر مسائل امنیتی، به انجام درونی خودتان بهای بیشتری بدهید.

* خواهران و برادران "۲۸ دی و ۱۹ بهمن"؛ هفتمین نامه‌ی شما بدستمان رسید. از اخباری که فرستاده بودید، استفاده خواهیم کرد.

* خواهر "سیما"؛ اولین نامه‌ی شما که با کد "۲۶" مشخص شده بود، بدستمان رسید. مسئله‌ی خانواده‌تان که اشاره کرده بودید، یکی از مشکلات شماست که بایستی با هوشیاری و صبر انقلابی آنرا حل کنید. در نظر داشته باشید که بسیاری از خواهران و برادران دیگرمان نیز با مشکلاتی از قبیل آنچه که نوشته بودید، درگیر بوده و هستند. بنابراین سعی کنید با توجه به مسئولیتی که در قبال خدا و خلق دارید عمل کرده و متناسب با شرایط خودتان شیوه‌های ویژه‌ی برخورد با مسائل را هم پیدا کنید.

* برادر "رضا - م - ب"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. منتظر نامه‌ی بعدی‌تان که وعده کرده‌اید، هستیم.

* خواهر "زری"؛ نامه‌ی شما که در آن شرح دستگیری برادران را داده بودید، بدستمان رسید. وضعیت وخیم برادران، یک نمونه‌ی دیگر از

جنایات مزدوران خمینی است که در حق اسرای مجاهد و مبارز انجام می‌دهند. بازهم برای ما نامه بنویسید.

* تهران - خواهر یا برادر "م.ل. الف"؛ نامه‌ی خبری شما را دریافت کردیم. در ارتقاء کیفیت اخباری که می‌نویسید، بیشتر بکوشید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

* برادر "محمدجلال بهرامی"؛ یازدهمین نامه‌ی شما که حاوی گزارشی از فعالیت‌هایتان در هفته‌ی تحریم انتخابات بود بدستمان رسید. با توجه به این مسئله که نامه‌های قبلی شما که قسمت‌هایی از رمز تلفن خود را در آن نوشته بودید، تاکنون بدست ما نرسیده است، در اسرع وقت شماره تلفن خود را با یک عدد خاص جمع کرده و شماره و رمز را در دو نامه‌ی جداگانه و از دو منطقه‌ی پستی متفاوت برایمان بفرستید.

* برادر "حیدر، ق - ۱۳۴"؛ برای ادامه‌ی فعالیت‌های هسته‌تان و روشن شدن چشم‌انداز کار و وظایف هر یک از افراد هسته، توجه شما را به رهنمودهای زیر جلب می‌کنیم. توجه داشته باشید که این رهنمود به‌منابه دستورالعمل کار شما می‌باشند.

۱ - در مقطع فعلی کار اصلی شما تثبیت ارتباط خود با سازمان است. بنابراین لازم است که حل مسئله‌ی ارتباطی را در اولویت کار خود قرار داده و سعی کنید رده‌های بیشتری از خود و دیگر اعضا هسته‌ی تهیه کرده و در اختیارمان قرار دهید.

۲ - سر قرارهای خود بطور منظم حاضر شده و از سرپل‌هایی نظیر تلفن آقای اسدی‌نیا استفاده کنید.

۳ - در اولین فرصت گزارش تک تک افراد هسته را برایمان نوشته، ارسال دارید.

۴ - همواره به رادیو "صدای مجاهد" گوش کرده، خطوط و پیام‌های دریافتی را اجرا کنید.

* برادر "یاسر - ۳۲۰"؛ نامه‌ی شما که توسط دوستان در خارج از کشور فرستاده بودید دریافت شد و در جریان وضعیت شما قرار گرفتیم. در اسرع وقت شماره تلفنی از طریق دوستان به ما بدهید تا جهت وصل ارتباط شما اقدام نمائیم.

* خواهران و برادران، "مینا - الف ۸۹۴" و "هادی ۴۰۰" و "محسن، عباس، ۳۳۰ K" و "تقی ۱۴۴ K" و "جلیل ۱۵۰ D"؛ اقداماتی که اخیراً برای وصل ارتباطات شما صورت گرفته از سوی سازمان می‌باشد بنابراین با تلاش بیشتر در جهت تحکیم ارتباطات خود بکوشید و به رهنمودهای مسئول خود عمل کنید.

علی، الگوی جاودان وفاداری به "اصول" یکتاپرستی انقلابی

بقیه/صفحه ۱۰

تاکید می‌کند که: "ذمتی پنا
أقول زهینة" (گردن‌ام در گرو
این چیزهایی است که می‌گویم).
یعنی پای حرف‌هایم ایستاده‌ام.
کلمات را مفت و مسلم بکار
نمی‌برم، بلکه به مفهوم و
الزامات آنها واقفم.

در پی اعلام این انقلاب،
علی (ع) برای پیشبرد هدف‌ها
و برنامه‌های خود در تمام
زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و
اجتماعی چه در جبهه داخلی
و چه در مقابل ضدانقلاب (جنگ
با معاویه) یکسری "اصول"
سیاسی و عقیدتی را راهنمای
حرکت خود قرار می‌دهد که هرگز
از آنها کوتاه نمی‌آید. در این
رابطه در همان روز اول بیعت
برای خاطر جمعی کسانی هم که
خواب و خیال‌هایی در سر
می‌پروراندند اتمام حجت کرد
که:

"واعلموا انی ان احبتکم
رکبت بکم ما اعلم ولم اضع الی
قول القائل وعتب العاتب"
"بدانید حالا که قبول کردم،
آنچه را که خودم (درست و
اصولی) می‌دانم انجام خواهم
داد، من گوش به حرف این و
آن و عتاب و خطاب هیچکس
نخواهم داد."

نخستین اصل اساسی تقسیم
السویه بیت‌المال است: "از
این پس به همه نفری سه‌دینار"
نخستین بیانیه‌ی اجتماعی
حضرت علی نیز همین
است که: بخدا سوگند اموال و
دارائی و زمین‌های بخشیده شده
از بیت‌المال را تماماً بازپس خواهم
گرفت حتی اگر به کابین زنان
رفته باشد (به زبان امروز اخطار
می‌کند هر کس چیز ناحقی را
خورده از حلقوم‌اش بیرون
خواهم کشید). در مقابل کسانی
هم که درخواست می‌کنند یک
مقدار کوتاه بیاید و لااقل از
گذشته‌ها چشم‌پوشد در یک
کلام با نهایت قاطعیت و
سازش‌ناپذیری اعلام می‌کند:

"الحق القَدیم لا یُبدل شیء"
یعنی: "حق مشمول مرور زمان
نمی‌شود و بهر حال بایستی
تادیه شود.

اصل اساسی راهنمای علی در
توسعه اقتصادی جامعه "اتخاذراه
حل عادلانه" است: "فان فی العدل
سه" راه رشدی که از طریق
بسیج خلق و تکیه به خود مردم
تامین می‌شود که البته لازمه‌اش

این است که حقوق‌شان پایمال
نشود و مورد بی‌توجهی قرار
نگیرند والا شور و انگیزی
حل مسائل در وجودشان فروکش
می‌کند و آنگاه مسائل لاینحل
می‌مانند. بنابراین می‌توان
فهمید که چرا علی وقتی
می‌خواهد به مالک اشتر
رهنمود بدهد اول روی
مسئله "عدل" تکیه می‌کند و
"برترین چشم‌روشنی رهبری" را
برپا نمودن عدل در شهرها
دانسته که "ظهور مودت و
رحمت و رافت بین مردم" به
آن وابسته است. چون علی
می‌خواهد برای تغییر جامعه و
بنای مناسبات نوین، از "پائین"
راه باز کند و نه از "بالا".
بنابراین بر اساس همان دیدگاه
"توسعه اقتصادی عادلانه"
بلافاصله روی "عنصر سیاسی"
انگشت می‌گذارد و چنین اضافه
می‌کند: "و اینطور نمی‌شود مگر
به رابطه وحدت و پیوند و اطاعت
مردم از رهبری بشرط اینکه حکومت
برایشان سنگینی نکند."

می‌دانیم در چارچوب
یک راه رشد عادلانه‌ی ضد
استثمار مشکلات اقتصادی
اساساً تحت‌الشعاع عنصر سیاسی
حل می‌شود. این امر نیز
همچنانکه دستاوردها و تجارب
دنیای معاصر تأیید می‌کند، جز
در یک پیوند گسست‌ناپذیر با
دمکراتیسم مردمی و انقلابی و
اتخاذ شکل اداری شورائی در
تمام بخش‌ها و زمینه‌ها قابل
اجرا و پیاده کردن نیست.

باین ترتیب اکنون بهتر
می‌توانیم مفاهیم و رهنمودهای
بسیار ژرف حضرت علی در
خطبه‌ی ۲۰۷ نهج‌البلاغه که
حقوق سیاسی ناظر بر رابطه‌ی
حکومت‌شونده و حکومت‌کننده را
تشریح می‌کند، درک کنیم.
اینها سخنان حضرت علی در
موضع قدرت و حکومت خطاب
به توده‌ی مردم آن دوران است
که الگوی تمام‌عیاری برای نظام
دمکراتیک و مردمی مطلوب ما
می‌باشد.

و لیس امرؤ و ان عظمت
فی الحق منزلته، و تقدمت
فی الدین فضیلته بقوی ان یعان
علی ما حمله الله من حقه.
- یک فرد هرچقدر منزلتش
عظیم باشد هرچقدر در دین
سابقه داشته باشد هرچقدر
فضیلت داشته باشد، برتر از آن
نیست که به او کمک نکنند
(یعنی منم زدن فایده‌ای ندارد،

هر چقدر هم که فرد بالا برود
باز هم احتیاج دارد به او کمک
بکنند و اگر فکرکنند که به‌تنهایی
"می‌تواند" کارش خراب است)
و لا امرؤ و ان صغرت النفوس
واقتمته العیون یدون ان یعین
علی ذلک او یغان علیه

- بعکس یک فرد هرچه کوچک
باشد، هر چقدر هم تحقیرش
بکنند، هر چقدر نوی نظرها
خوار باشد آنقدر کوچک نیست
که نتواند کمک بکند. (هیچکس
زائد نیست، تک‌تک افراد بدرد
یک کاری می‌خورند و می‌توانند
به سهم خود کمک بکنند).

و ان من اسخف حالات الولایة
عند صالح الناس ان یظن بهم
حب الفخر.

- سخیف‌ترین و پائین‌ترین
حالات رهبران در نزد مردم
صالح و فهمیده این است که
به آنها گمان جاهللی و
خودخواهی و کبر و غرور برده
شود.

و یوضع امرهم علی الکبر
- امرشان را بر کبر و
بی‌نیازی از دیگران بگذارند.

و قد کرهت ان یكون جال
فی ظنکم ائی احب الاطراء

- چقدر من گراخت دارم از
اینکه شما گمان ببرید من دوست
دارم "شناگویان" اطرافم جمع
شوند. و ستایش و ثنا بشنوم

ولست - بحمد الله - کذالك
شکر خدا را که اینطور
نیستم.

و لو کنت احب ان یقال
ذالك لترکتہ

- و اگر هم بودم با خودم
برخورد می‌کردم تا این حالت
را ترک کنم

انحطاطا لله سبحانه

- برای سرسپردگی و سرخم
کردن در مقابل خدا

عن تناول ما هو احق به،
من العظمة و الکبریا

- عظمت و کبریا مال
اوست.

و ربما استحل الناس الثناء
بعبداللہ

- و چه بسیار مردمی که
دوست دارند بخاطر بلاهاتی که
تحمل کردند ستوده شوند.

فلا تننوا علی یمیل ثناء
لیخراچی نفسی الی الله

- مبادا من را بخاطر آن
جائی که پا گذاشتم روی نفس
خودم ثنا بکنید (من کاری
نکردم این وظیفهام بود).

والیکم من البقیة فی حقوقی
لم افرغ من اذائها

- وظیفه‌ی شما اینست که
مدام به من خاطر نشان کنید آن
حق‌ها و آن تکالیفی را که بر
عهدهام بوده و هنوز ادا
نکرده‌ام (نه تنها ثنا نکنید،
بلکه بر من خرده بگیرید که
باید چه کاری‌کردی که نکردی).

و فرائض لا بد من مضاقبها -
و آن چیزهایی که در رابطه با
مردم بر من فرض و واجب بود
ولی هنوز انجامشان ندادهام.
فلا تکلمونی بما تکلم
به الجبارة

- مبادا با من آنطور
صحبت کنید که با دیکتاتورها
صحبت می‌کنند

و لا تتحفظوا منی بما یتحفظ
به عند اهل البادر

- پیش من پرده‌پوشی
نکنید، از آن پرده‌پوشی‌هایی که
پیش سلاطین خشمگین می‌کنند
(بله قربان! اینطور! آنطور! همه‌ی
کارها درسته!)

و لا تخاطبونی بالمضائق
- پیش من ظاهرسازی نکنید.

ولا تنظرونی استغلا فی حق
قیل لی

مبادا گمان ببرید که شنیدن
"حق" برایم سنگین است.

فلا تنکفوا عن مقالی بحق
اومشوره بعدل

- مبادا مرا بحال خود رها
کنید و فکر کنید به گفتار حق و
به مشورت و شورای عادلانه شما
نیاز ندارم.

کأتی لست فی نفسی بقوی
ان اخطی

- من بالاتر از این نیستم
که اشتباه نکم (خودم را اینطور
نمی‌دانم که اشتباه‌ناپذیر باشم.
بنابراین به حق‌گوئی و مشورت
شما نیاز دارم)

و لا آمن ذلک من قلی ال
ان یغنی الله من نفسی ما هو
أملک به یتی.

- خلاصه از این قضیه من
در امان بسر نمی‌برم. یعنی از
نفس خودم آسوده خیال نیستم
(که با خودم فکر کنم کارهایم
تماما درست و بی‌عیب و
نقص است)

فانما أنا و انتم عبید
مملوکون لرب لارب عیزة

بدانید که هم من و هم شما
بنده‌های خدائی هستیم که
بالاتر از آن خدائی نیست (پس
تفاوتی بین من و شما نیست).

این همان علی گردن‌فراز
است که در میدان رزم پشت
پهلوان‌ها را بخاک می‌مالد ولی
اکنون در مقابل مردم این‌قدر
خاضع و فروتن است.

اما پای‌بندی تمام‌عیاری علی
به "اصل" دمکراسی و مناسبات
شورائی او با توده‌ی مردم
با تمام جلوه و درخشش جاودان
آن، مانع از این نشد که جریان
وابسته به بقایای اشرافیت و
نمایندگان آنها که دمکراتیسم
واقعی علی و انقلاب نوین
تحت رهبری او منافع و
موجودیت آنها را تهدید
کرده بود، مارک باصطلاح
"هژمونی‌طلبی" را به او نزده و
فریاد "وادمکراسی" و اینکه علی

اهل "شورا" نیست چون با ما
مشورت نمی‌کند و غیره را سر
ندهد (۱). اما علی ماهیت
همه‌ی افراد و جریاناتی را که
پشت این شعار "دمکراسی‌خواهی"
کاذب سنگر گرفته بودند
می‌شناخت و بخوبی می‌دانست
که مسئله‌ی آنها تحت این بهانه
و پوشش چیزی جز کوتاه‌آمدن از
اصول و ابقاء امتیازات گذشته‌ی
ایشان و سهم ساختن (بناحق)
آنها در "قدرت" نیست (۲)

به هر حال طبیعی بود که
انگلهای جامعه و مفت‌خورهای
دوران پیشین که مدت‌ها نان
مصاحبت با پیغمبر را خورده
بودند و امتیازات متجاوزانه را
حق طبیعی‌شان می‌پنداشتند از
سیاست اقتصادی علی خشمگین
شده و علیه وی بسیج شوند اگر
چه با خام‌خیالی تمام پیش از
همه به بیعت با علی آمده
بودند؛ به این امید از امتیازات
قبلی همچنان بهره‌مند شوند؛
ولی خیلی زودتر تیرشان به
سنگ خورد و متوجه شدند که
علی اهل مدهانه و سازش
نیست. کما اینکه وقتی از او
پرسیدند که "چرا بیت‌المال و
غنائم را میان مردم بالسویه
تقسیم می‌نماید و اشخاصی را
که "سبقت" (!) در اسلام
داشته و دارای شرافت (!) و
بزرگی (!) بودند برتری
نمی‌دهد" (۳) با شدت تمام
علیه آنها برآشف و گفت:

"یا به من امر می‌کنید که بر
کسی که زامدار او شده‌ام ظلم و
ستم روا بدارم؟ بخدا سوگند
تا وقتی که شب و روز دهر
مختلف و ستاره‌ای در آسمان
ستاره‌ای را قصد می‌نماید، هرگز
چنین نخواهم کرد. اگر
بیت‌المال مال شخصی من هم
بود آنرا بالسویه میان مسلمانان
تقسیم می‌نمودم، پس چگونه
(یکی را بر دیگری امتیاز دهم)
و حال آنکه مال خدا است."

اما در طول تاریخ همیشه
اینطور بوده که "پس از اولین
مغلوبیت جدی استثمارکنندگان
سرنگون شده، که ابداً و ازگونی
(منافع) خود را منتظر نبوده و
آنها باور نکرده و حتی تصورش
را هم نمی‌کردند، با جدیتی ده
چندان و با حرص سبعانه و
کینه و تنفری که صد برابر افزون
شده، برای عودت "بهشتی"
که از آن منتزع شده، و برای
خانواده‌های خود که تا حال

پاورقی:

۱ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۱۹۶

۲ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۱۴۸

۳ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۱۲۶

علی، الگوی جاودان وفاداری

به "اصول" یکتاپرستی انقلابی

بسی شیرین زندگی می‌کردند و اکنون "بی‌سروپاهای عوام" آنها را به ورشکستگی و ... محکوم می‌کنند (برعلیه انقلاب) داخل نبرد می‌شوند. (۱)

چنین بود که سرانجام همه‌ی آنهائی که در نتیجه‌ی انقلاب جدید حضرت علی امتیازات سابق خود را از دست داده بودند به امید واهی برقراری مجدد قدرت خود دست بکار شدند (به سردمداری طلحه و زبیر). علیرغم اینکه امام تلاش کرد ولی آنها یک جنگ خونین و تمام‌عیاری را برعلیه علی آغاز کردند (جنگ جمل)

اما حضرت علی این فتنه‌جویی مذبحخانه را با تمام مظاهر عوام‌فریبانه و دجالگرانه و ظاهرالصلاحی افسردی نظیر طلحه و زبیر (که حتی سابقه و پرستیژ همسر پیامبر را نیز به خدمت گرفته بودند) با قاطعیت و جسارت شگفت‌انگیزی که شرح آن در تواریخ موجود است، با تمام قوا از سر راه برداشت.

به هر حال جمل به بسیاری فهماند که باید هوای به سازش کشاندن علی را از سر بدر کرده و برای خود فکری دیگر کنند و از اینجا نیروهای بالقوه‌ی زیادی علیه وی شکل گرفت.

پیش از این در رابطه با "انقلاب جدید"ی که حضرت علی پایهریزی نمود یادآور شدیم که مسئله‌ی اساسی هر انقلاب "قدرت سیاسی" است. اما آیا معنای این جمله اینست که در اینجا موضوع به همان در دست گرفتن قدرت سیاسی محدود می‌شود؟

متاخرترین دستاوردها و تجارب انقلابی معاصر به این سوال پاسخ منفی می‌دهد. حضرت علی نیز بخوبی واقف بود که "تصرف قدرت سیاسی فقط آغاز کار است."

به هر حال مورخین متاخر نیز در رابطه با جنگ جمل دقیقاً اظهارنظر کرده‌اند که ریشه‌ی این جنگ "اختلاف طبقاتی" بود که در رابطه با نحوه‌ی تقسیم بیت‌المال پیدا شده بود (۳). اصلاً هیچکدام از جنگ‌های این دوره‌ی حضرت علی مسالماش بر سر این نیست که خدا هست یا

خدا نیست. اگر عمق قضیه را کنار بگذاریم، از قضا طرفین هر دو می‌گویند خدا هست، یکی هم هست، محمد هم رسول‌الله است، دعوا بر سر چیزهای دیگری است. به همین دلیل هم مبارزه بسیار پیچیده‌تر از قبل می‌شود. تا آنجا که آدم‌های قشری و ساده و مقدس‌مآبی مثل ابوموسی‌اشعری که مطلقاً از درک پیچیدگی‌های این مرحله‌ی مبارزه عاجز بودند کلاً جنگ میان دو گروه "مسلمان" را حرام اعلام نمودند. عظمت اندیشه و جسارت انقلابی علی و ابعاد عمیق مبارزه‌ی مکتبی توحیدی او نیز در همین‌جا مشخص می‌شود.

او خود یکبار در همان آغاز بدست‌گرفتن مسئولیت اداره‌ی امور چشم‌انداز مبارزه‌ی پیچیده‌ای را که در پیش‌رو داشت چنین ترسیم کرد:

"فَأَنَا مُسْتَقْبَلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجْهٌ وَالْوَالُونَ لَا يَقُومُونَ لَهُ الْقُلُوبُ وَلَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ"

ما بسوی مسائل و حوادث بغرنجی می‌رویم که عقول و اذهان ساده (که در نظام قبلی شکل گرفته‌اند) قادر به فهم آن نخواهند بود و آنرا تحمل نتوانند کرد.

وَأَنَّ الْأَفَاقَ قَدَاغًا مَتَّوًّا وَمَحْجَهَ قَدْتَنَكْرَتِ
چشم‌انداز تیره و تار شده است ...

صف‌آرائی این دو نوع "اسلام" از بنیاد متعارض در مقابل یکدیگر در عین مشابهت‌های سطحی و "شبهه‌برانگیز" آنها، منشاء بزرگ‌ترین فتنه و ابتلائی است که علی (ع) در سراسر این دوران از مبارزه‌ی خود، با آن روبرو بوده و در هم شکستن آنرا وجهی همت خود ساخته بود. (۴)

تفاوت‌های ماهوی عظیم میان این دو نوع اسلام را نیز مثل امروز بوضوح می‌شد از روی بازتاب‌های متضادشان در صحنه‌ی اجتماعی و سیاسی آن‌زمان بروشنی تشخیص داد.

یکی مدافع اشرافیت و تقسیم نامساوی اموال و اهل عطا و بخشش و تبعیض و کشورگشائی و غارت دسترنج توده‌هاست و جامعه را بسوی قطب‌بندی و تشدید اختلاف طبقاتی سوق می‌دهد، و دیگری درست در نقطه‌ی مقابل آن رؤس برنامه‌هایش مصادره‌ی

ثروت‌های بزرگ، پر کردن شکاف بین طبقات، سبک‌شدن بار زندگی مردم، و کوبیدن سودجویی و سودپرستی است. (۵) "اصل" ایدئولوژیک‌اش هم اینست که: "فَجَنَاهُ يُؤَيِّبُهُمْ لِاتِّكُونُ لِيُغَيِّرَ أَوَاقِبَهُمْ". (۶) هیچ میانه‌ای با اشرافیت و زندگی اشرافی ندارد. حتی تحمل این را که یکبار فرمانداری با اشراف به ولیمه‌ای نشسته، ندارد و او را به این خاطر ملامت‌ها می‌کند (۷). آنقدر در برابر "اموال خلق" حساس است که وقتی متوجه می‌شود حکمفرمای شهری حساب‌بیت‌المال را درست پس نداده، از جای خود کنده شده و طی نامه‌ی عتاب‌آمیزی به او "سوگند راستین" یاد می‌کند که:

"اگر بدانم بر اموال بیت‌المال کم یا زیاد خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت بگیرم که آبرویت برود و پشتت زیر بار خم شود." (۸)

این است طرز عمل اسلام راستین که نماینده و سخنگوی آن (در راس) شخص علی است. همان علی که به گواهی تمام مورخین هیچ وجه تشابهی با اندیشه و عمل اشراف و تجار و بزرگ‌مالکان نداشت. خود او اصلاً مال و ثروتی نداشت. هیچ صبغه و رنگ جاهلی نداشت. رایحه‌ی توحید ناب و عاری از جعل و تحریف، چرا که در دامان خود پیامبر بزرگ شده است.

بهر حال حضرت علی با چنین دیدگاه‌هایی وقتی در برابر انبوهی از مدعیان ارتجاعی و وابسته به نظام اشرافیت و جاهلیت قرار می‌گیرد که همه نیز لباس اسلام به تن کرده‌اند، بار دیگر با سوال "چه باید کرد؟" مواجه می‌شود.

بدیهی است که پاسخ واقع‌گرایانه و "اصولی" به این پاورقی:

۱ - نقل قول از یکی از رهبران انقلابی معاصر

۲ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۱۳۷ فراز ۱۱

۳ - کتاب شیعه در اسلام صفحه‌ی ۱۷

۴ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۵: شقوا! اوج الفتن بسفن النجاه

۵ - اوج فتنه را با گشتی‌های نجات درهم بشکنید

۶ - کتاب امام علی‌نوشته‌ی عبدالفتاح عبدالقاصد

۷ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۳۳۳: دست‌رنج‌شان مال دهان غیر از خودشان نمی‌تواند باشد

۸ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۴۵

۹ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۲۰

سوال نیز فقط در مسیر حل "تضاد اصلی" جامعه میسر بود. اینجاست که می‌بینیم علی از همان آغاز و قبل از هر چیز روی "مسئله‌ی معاویه" انگشت می‌گذارد و سعی می‌کند مابقی تضادها را تحت‌الشعاع این تضاد حل نموده و از فعال شدن و تعارض زودرس آنها قویا جلوگیری نماید (۹). علی از همان ابتدا معاویه را به‌مثابه مظهر تمام عیار ضدخلق و ضدانقلاب و تضاد اصلی نظام انقلابی تشخیص داده و باتمام قوا قصد براندازی او را می‌کند. همان معاویه‌ای که بیست سال تمام بساط یک سلطنت ارتجاعی را، با همه‌ی لشکر و قوا و تبلیغات مزورانه در سوریه و شامات گسترانده بود و برانداختن او نیز جز از راه قهرآمیز امکان نداشت. علی خوب معاویه را می‌شناخت و می‌دانست که مرتجعینی چون او هیچگاه "در یک سحرگاه خوش منظر" به رضای خود به‌زانو درنخواهند آمد.

به هر حال علیرغم اینکه وی از هر دری وارد می‌شد تا بلکه بنحوی با علی کنار بیاید، او حاضر به هیچ سازشی نبود و یک لحظه نیز امانش نمی‌داد.

در گرماگرم همین جنگ انقلابی و عادلانه در مسیر حل تضاد اصلی جامعه بود که حضرت علی طی خطبه‌ای این رهنمود ژرف و پرمعنی را به تمام کسانی که در آن‌زمان جویای "حقیقت" بودند، داد که: "قصد جنگ با او (معاویه) بکنید تا حقیقت برای شما روشن بشود." (۱۰)

براستی در این فرمان و رهنمود چه مفهوم و پیامی نهفته است؟

جوهر و عمق این رهنمود چیزی جز این نیست که در "دستگاه اصالت‌سنج" اسلام

"وَأَنِّي أَقْسَمُ بِاللَّهِ قَسْمًا صَادِقًا، لَنُنَّ بِلَفْنِي أَنْتَ خَنْتَ مِنِّي" المسلمین شیئا صغیرا او کبیرا الاشدن علیک شده تدعک قلیل الوفیر ثقیل الظهر، ضلیل الامر والسلام."

در همین رابطه نامه‌ی شماره‌ی ۴۱ نهج‌البلاغه نیز قابل توجه است (صفحه‌ی ۹۵۶)

۹ - این نحوه‌ی برخورد با تضادها هم در جریان جنگ جمل و هم در برخورد با جریان خوارج از جانب علی دقیقاً مراعات شد. بدین معنی تا آنجائی که به او برمی‌گشت وی پیوسته با کار توضیحی پرحوصله به منظور اقناع و روشنگری تلاش می‌کرد که آنها را به خط صحیح بازگردانده و یا لااقل خنثی و

انقلابی علی "حقیقت" اساسا با معیار و محک "عمل" آنها عمل متناسب یعنی در مسیر حل تضاد اصلی (برانداختن معاویه) سنجیده و شناخته می‌شود. تنها در این صورت است که هر فرد و یا جریان بواقع جویای حقیقت از وادی بحث و جدل‌های ذهنی و صوری پایان‌ناپذیری که به ناگزیر در یک منحنی بسته و محدود دور و درجا می‌زند خلاصی یافته و خواهد توانست "حق" و "باطل" را چه در مفهوم مطلق آن (در کادر خلق و ضدخلق) و چه در مفهوم نسبی آن (در کادر نیروهای خلق) از یکدیگری تمیز دهد. درست مانند امروز که هر فرد و جریان و نیروئی تنها در مسیر ترک‌منبر لفاظی و شعار و شتافتن به میدان جنگ و مقاومت انقلابی برعلیه خمینی است که از وادی ذهنیت محض و برخورد‌های شکاکانه و تردیدآمیز انفعالی که بهترین هدیه برای رژیم سرکوبگر خمینی است. خلاصی یافته و آنگاه خواهد توانست به استناد "عمل صالح" (عملی که در جهت حل تضاد اصلی جامعه یعنی سرنگونی رژیم خمینی است) به‌مثابه واقع‌گرایانه‌ترین معیار سنجش و مرزبندی دعاوی مختلف عقیدتی و سیاسی "حقیقت" را از میان انبوهی ادعا و بلوف و فرصت‌طلبی بازشناخته و درجه‌ی اصالت هر فرد و نیروئی را ارزشیابی کند. بنابراین حرف ما نیز به همه‌ی افراد و جریان‌ات طالب "حقیقت" این است که: "قصد جنگ با خمینی بکنید تا حقیقت روشن شود" این معیاری است که بدون اعتنا و به‌ای کافی به آن آنچه باقی می‌ماند لفاظی‌های جدا از عمل و بقیه در صفحه‌ی ۴۴

بی‌طرف سازد تا از تشدید تضاد و شکاف در صفوف داخلی بخاطر حفظ زمینه‌های تداوم نبرد با دشمن اصلی، جلوگیری نماید. (خطبه‌ی ۱۳۵ فراز ۵ در مورد این نحوه‌ی برخورد با خوارج و خطبه‌ی ۱۳۷ فراز ۱۱ در رابطه با این طرز برخورد با اصحاب "جمل" گویاست) مگر آنکه آنها شروع‌کننده بوده و کار را به جائی می‌رسانند که دیگر چاره‌ای جز جنگیدن نبود و اگر در برابرشان نمی‌ایستاد چیزهای دیگری که مبارزه با دشمن اصلی بخاطر آن بود، از بیخ و بن لوٹ می‌شد.

۱۰ - نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۶۵ - فراز ۶

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۲)

بقیه از صفحه ۸

*** کرج :** هسته مقاومت مجاهد شهید سارا مختارزاده

اعضای این هسته در تاریخ ۲۴ خرداد، تعدادی انیکت‌های تبلیغاتی حاوی شعارهایی در بزرگداشت "هفته شهدا و اسرا" را در خیابان‌های کسری، قزوین، دانشکده کشاورزی نصب کرده‌اند. این هسته حضور گسترده‌ی مزدوران رژیم در سطح شهر را متذکر شده است.

*** تهران :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید محسن فرشید

این هسته در تاریخ ۲۲ و ۲۳ خرداد تراکت‌های خود را در منطقه بازار و بوذرجمهری بین مغازه‌داران پخش کرده است.

*** اصفهان :**
هسته مقاومت ...

این هسته در تاریخ ۲۲ و ۲۳ خرداد تعداد ۵۰۰ تراکت با مضمون گرامیداشت هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران را در اماکن عمومی و ادارات مختلف شهر پخش کرده است.

*** کازرون :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید حمید مختاری

هسته فوق‌الذکر از ۲۲ الی ۲۴ خرداد، تراکت‌های خود را در سطح شهر پخش نموده است. بدینال این فعالیت‌های انقلابی حضور گسترده‌ی مزدوران رژیم در شهر محسوس بوده اما هیچکاری از پیش نبرده‌اند.

*** تهران :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید حمید جواد

روزهای ۱۹ و ۲۰ خرداد اعضای این هسته، تراکت‌های خود را در خیابان انقلاب و میدان امام حسین پخش کرده‌اند.

*** تبریز :**

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته، روزهای ۲۴ و ۲۵ خرداد ۴۲۰ تراکت را در خیابان‌های تربیت، آبادانی و مسکن و کوی منظریه پخش کرده و دیوارهای این مناطق را شعارنویسی کرده‌اند. مردمی که شاهد فعالیت هسته بوده‌اند، آنها را مورد تشویق قرار داده‌اند. در یک مورد نیز مزدوران رژیم متوجه فعالیت اعضای هسته شده و قصد دستگیری آنها را داشته‌اند، که رزمندگان دلیر موفق به فرار از چنگ آنها شده‌اند.

*** تهران :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید امیر آق‌با

اعضای این هسته در روزهای ۲۱ تا ۲۳ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان‌های سعدی و مولوی و بازار پخش کرده‌اند.

*** تهران :**

هسته مقاومت مجاهد شهید مرتضی علیمیرزائی

هسته فوق‌الذکر در روزهای ۲۰ تا ۲۴ خرداد تراکت‌های تبلیغاتی این هفته را که حاوی عکس شهدای مجاهد بود، در خیابان‌های مولوی، دروازه‌غار، میدان غار، شوش، کواکولا و میدان خراسان پخش نموده است.

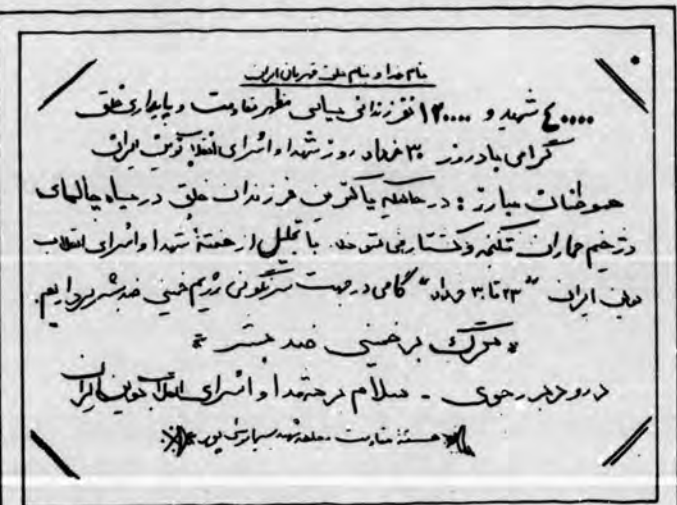
*** تهران :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید

مرضیه اسما عیلی

هسته فوق‌الذکر در روز ۲۲ خرداد تعداد ۲۵۰ تراکت در گرامیداشت "هفته شهدا و اسرا" در خانه‌های واقع در خیابان‌های پیروزی، سلیمانیه، نیک‌نام، بهار و شریعتی پخش کرده است.



نمونه‌ای از تراکت‌های هسته مقاومت مجاهد شهید "سیما موسی‌پور"

*** شهرضا :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید جمیل صالحی

این هسته ۳۱۵ تراکت با مضمون گرامیداشت "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" را در روزهای ۲۰ الی ۲۴ خرداد در خیابان‌های مرکزی شهرضا پخش کرده است.

*** تهران :**

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته در روز ۲۲ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان‌های سعدی، استاد معین، بهارشمالی، طالقانی پخش کرده است.

*** رشت :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید فریدون احمدی در تاریخ ۲۰ خرداد اعضای این هسته، در خیابان‌های بیستون و صفاری، شعارنویسی با ماژیک داشته‌اند.

*** خوی :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید رسول خوئی

اعضای این هسته، در تاریخ ۲۳/خرداد، تعداد ۱۵۰۰ تراکت را در خیابان‌های سلماس و کوچه‌های اصلی و فرعی آن و همچنین بولوار اصلی شهر خوی پخش کرده‌اند، در گزارش این هسته آمده است کاملاً محسوس بوده و مردم بیدریغ از آنها حمایت کرده‌اند.

*** تهران :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید ثریا پرتوی

این هسته در تاریخ ۲۲ خرداد تعداد ۵۰۰ تراکت را در ساعات آخر شب بین مردم در خیابان‌های زرین‌کلا - مجیدیه، روزولت، لشکر، سلان پخش کرده است. مردم با اشتیاق، تراکت‌ها را گرفته و با خود می‌بردند. پس از اتمام کار، پاسداران جنایتکار رژیم به محل یورش می‌آوردند، اما اعضای هسته به سلامت منطقه را ترک می‌کنند.

*** زنجان :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید مصطفی نصیری

اعضای هسته مقاومت مجاهد شهید مصطفی نصیری روزهای ۲۱ الی ۲۵ خردادماه جاری، هزاران برگ تراکت و اعلامیه حاوی عکس و مشخصات شهدای مجاهد و مشخصات شکنجه‌گران و جاسوسان رژیم و همچنین شمارهایی در گرامیداشت شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران را در مناطق سبزه میدان، میدان ...، پست امامزاده، زینبیه نصرالله‌خان، کوچه دادگستری و دیگر نقاط شهر زنجان، پخش نموده‌اند. اعضای این هسته به وحشت‌زدگی مزدوران رژیم از فعالیت هسته‌ها اشاره کرده‌اند.

*** تهران :**

هسته مقاومت ...

روز ۲۱ خردادماه جاری، رزمندگان هسته مقاومت ... براساس شناسایی‌های قبلی، اتومبیل یکی از مزدوران دادستانی تهران بنام صفری را در مقابل منزلش واقع در خیابان حشمتیه به آتش می‌کشند. این عملیات در شرایط آماده‌باش کامل ارگان‌های سرکوبگر رژیم و در نزدیکی پادگان حشمتیه تهران صورت گرفته و وسیعاً مورد استقبال اهالی منطقه قرار گرفته است. لازم به توضیح است که جنایتکار فوق‌الذکر، در به شهادت رساندن و اسارت تعدادی از رزمندگان مجاهد نقش فعالی داشته است.

*** تهران :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید علی اکبر کفائی

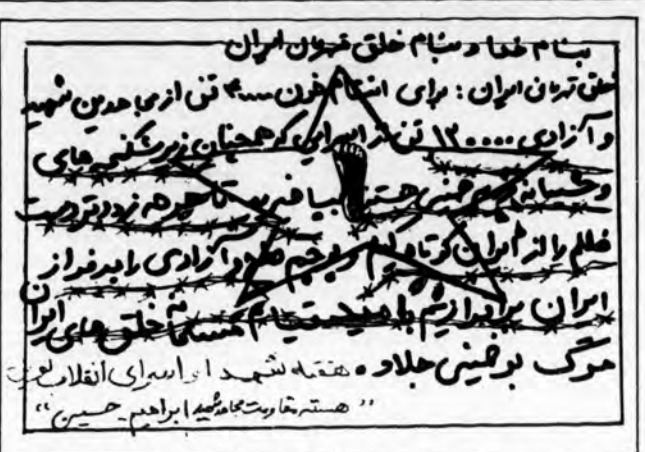
این هسته در تاریخ ۲۲ و ۲۳ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان‌های حافظ و تخت جمشید نصب کرده‌است. این هسته همچنین، افزایش گشتی‌های موتور و سواری دشمن را در سطح شهر گزارش کرده‌است.

*** اصفهان :**

هسته مقاومت

مجاهد شهید داود منیر عباسی

رزمندگان دلیر هسته مجاهد شهید داود منیر عباسی در روز ۲۲ خردادماه جاری پس از شناسایی‌های کافی و تهیه تدارکات لازم، در روز ۲۲ خردادماه جاری به سمت اتومبیل جیب متعلق به یکی از ارگان‌های سرکوبگر رژیم یورش برده و آنرا به آتش می‌کشند. این عملیات که در خیابان چهارباغ اصفهان منطقه خواجه صورت گرفت، انعکاس وسیعی پیدا کرده و با استقبال و ابراز شادی مردم روبه‌رو شده است.



نمونه‌ای از تراکت‌های هسته مقاومت مجاهد شهید "ابراهیم حسینی"

بنام خدا و سبحان خلق خیرین ایران
خلق ترون ایران: برای اسرا و اسیران سید، تن از می‌دون نموده
و آزادی... ۱۲۰۰۰ تن از اسرای و همچنین زیر شکنجه‌های
وحشیانه رژیم در زندان‌ها و کازرون، نور و تبریز
فصلم را از ایران و تا به امروز بر وجه طرد و آزادی را بر فراز
ایران برپا داریم با وحدت و همبستگی...
مرگ بر نفس جلاد و هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین
"هسته مقاومت مجاهد شهید ابراهیم حسینی"

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت

در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۲)

* تبریز :

هسته مقاومت مجاهد شهید محمد حسین برهانی

هسته مقاومت ... در تاریخ ۲۴ و ۲۵ خرداد، تراکت‌های خود را در خیابان خمینی، کوی فروردین، کوی سیزده آبان، در منازل مردم پخش نموده است.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید محمد عسگری زاده

واحد موتور رزمندگان دلیر هسته مقاومت ... پس از شناسائی‌های لازم، در روز ۲۲ خردادماه جاری، یک مینی بوس متعلق به سپاه ضد خلقی تهران را در خیابان ایتالیا، روبروی بیمارستان مصطفی خمینی به آتش کشیده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید سیما موسی پور

اعضای این هسته تراکت‌های خود را در حد فاصل ساعت ۸ الی ۱۰ روز ۲۰ خرداد و همچنین در روز ۲۳ خرداد، در نازی آباد، هزاردستگاه (خانه‌های سازمانی بانک رهنی و بانک فرهنگیان) نصب و پخش نموده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید ابراهیم حسینی

اعضای این هسته در فعالیت‌های پربار خود به مناسبت "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران"، تراکت‌های خود را در خیابان رسالت و مجیدیه پخش نموده و در همین مناطق شعارنویسی روی دیوار داشته است. ضمناً این هسته تعدادی از نمونه تراکت‌های خود را نیز برای ارسال داشته است. از نمونه تراکت‌های ارزنده‌ی این هسته که مربوط به فرازهایی از زندگی و نحوه‌ی شهادت رزمندگان و هواداران مجاهدین می‌باشند، تاکنون تراکت‌های مربوط به مجاهد شهید "احمد الساق"، درجه‌دار مجاهد شهید "ناصر قلعه‌نوئی"، مجاهد شهید "علی بوربور" و مجاهد شهید "حمیرا اشراق" بدست ما رسیده که برای نمونه تراکت مربوط به مجاهد شهید "احمد الساق" را در این شماره چاپ می‌کنیم. و در همینجا از رزمندگان این هسته می‌خواهیم نمونه‌ی کارهایی از همین قبیل را در اسرع وقت برای ما ارسال دارند.

* تبریز :

هسته مقاومت مجاهد شهید خلیل امجدی

اعضای این هسته در تاریخ ۲۰ و ۲۱ خرداد در خیابان‌های تربیت، خمینی، کوچه باغ و حوالی بازار اقدام به پخش تراکت کرده است. این هسته همچنین مشاهدات خود را از فعالیت دیگر هسته‌ها در شهرهای مختلف آذربایجان، از جمله شهر مرند، گزارش کرده است.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید محسن فرشید

اعضای این هسته در روزهای ۲۰ و ۲۱ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان‌های وثوق، پیروزی، تاج، مجیدیه، عباس‌آباد، تخت طاووس آرامگاه، خیام، پخش کرده است. نحوه‌ی پخش این تراکت‌ها که حاوی عکس شهدا نیز بوده از جمله از طریق پست کردن و یا ریختن در خانه‌ها بوده است. ضمناً این هسته تعدادی از تراکت‌های خود را در اتوبوس‌های واحد شهرداری و پیروزی پخش نموده است.

* قائمشهر :

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته در هفته گرامیداشت "شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران"، صدها تراکت را در سطح شهر و در منازل مردم پخش نموده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید نعمت‌نوعی

اعضای هسته فوق‌الذکر در روز ۲۱ خرداد، تراکت‌ها و اعلامیه‌های خود را در منازل مردم واقع در خیابان‌های جمهوری، آزادی و اسکندری پخش کرده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

هسته فوق‌الذکر در روزهای ۲۲ و ۲۳ خرداد تراکت‌های "هفته شهدا و اسرا" را در خیابان‌های طالقانی، شریعتی و بولوار پخش کرده است.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید صادق مرادی

هسته فوق‌الذکر در تاریخ ۲۲ خرداد شب هنگام، تراکت‌های خود پیرامون هفته "شهدا و اسرا" را در خیابان‌های شرق تهران، ۴۵ متری و ۳۰ متری پخش کرده است.

* تهران :

هسته مقاومت "شاداب"

اعضای این هسته در تاریخ ۲۲ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان فلسطین و پیروزی و طالقانی نصب کرده‌اند.

* بابل :

هسته مقاومت مجاهد شهید احمد عابدیان

این هسته در فعالیت‌های هفته "شهدا و اسرا" تعداد کثیری تراکت شامل مشخصات جمعی از شهدای مجاهد بابل، تاریخ و نحوه‌ی شهادت آنها را در سطح شهر پخش نموده است.

گرامی باد خاطره چهل هزار شهید و صد بیت هزار زندانی سیاسی در هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین خلق ایران (۲۲ تا ۳۰ فروردین) و پس بوی پیام‌هایی بخش عمری زنده باد صلح و آزادی

... می‌توانست مجاهد محترم پیام بگوید...

نمونه‌ای از تراکت‌های هسته مقاومت مجاهد شهید "بهنام بیگلری"

* رشت :

هسته مقاومت مجاهد شهید هرمنز الوندی

رزمندگان این هسته پس از شناسائی‌های لازم و تهیه‌ی تدارکات ضروری، در تاریخ ۲۲ خرداد جاری، اتومبیل یکی از مزدوران سرشناس و سرسپرده‌ی رژیم را در منطقه‌ی پارک‌شهر روبروی پل لامپ‌سازی رشت به آتش می‌کشند.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید مهران اسفندیاری

اعضای این هسته در روزهای ۲۲ الی ۲۴ خرداد ۳۰۰ تراکت خود را در خیابان‌های لاله‌زار، تجریش، فردوسی، سپه، پخش می‌کنند. آنها همچنین بوسیله‌ی سه کلیشه (با سه نوع شعار) پیرامون گرامیداشت هفته اقدام به شعارنویسی در خیابان‌ها می‌کنند.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید صدیقه کرباسی

اعضای این هسته در تاریخ ۲۰ خرداد ۴۵۰ تراکت خود را در خانه‌های مردم پخش نموده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت مجاهد شهید حجت‌الله ورزمانی

رزمندگان دلیر این هسته با شناسائی و طرح قبلی، در روز ۲۵ خرداد، یک دستگاه وانت‌بار متعلق به یکی از ارگان‌های رژیم را در خیابان شیخ‌هادی به آتش می‌کشند. این عمل جسورانه در ساعاتی در روز جمعه انجام گرفته است که نیروهای سرکوبگر رژیم بیشترین کنترل را بر شهر اعمال می‌کرده‌اند.

* بابلسر :

هسته مقاومت مجاهد شهید یوسف با بانی

اعضای هسته در روز ۲۵ خرداد تراکت‌ها و اعلامیه‌های خود را در منازل مردم پخش نموده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

این هسته در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد تراکت‌های تکثیر شده‌ی خود را در فروشگاه کوروش پخش نموده و همچنین اتیکت‌های برجسب‌دار حاوی شعارهای "هفته شهدا و اسرا" را در خیابان ولیعصر و حوالی میدان ولیعصر نصب کرده‌است. بقیه در صفحه‌ی بعد

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۲)

بقیه از صفحه قبل

* خرم‌آباد : هسته مقاومت

مجاهد شهید جعفر حیدری

این هسته در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد، تراکت‌های گرامی داشت این هفته را در سطح شهر پخش نموده است.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید آراسته قلی‌وند

اعضای این هسته تعداد ۳۳۰ عدد تراکت در مناطق حوزوی فعالیت خود پخش کرده‌اند که وسیعاً مورد استقبال مردم قرار گرفته است.

* تبریز : هسته مقاومت

مجاهد شهید علی جوادی

رزمندگان این هسته در تاریخ ۲۲ خردادماه جاری، یک بمب صوتی قوی را، روبروی دفتر حزب منفور جمهوری واقع در خیابان ۱۷ شهریور تبریز کار می‌گذارند که با صدای وحشتناکی منفجر می‌شود. مردم منطقه با اطلاع از مسئله در محل اجتماع کرده و نسبت به این عمل انقلابی رزمندگان هسته‌های مقاومت ابراز خوشحالی می‌نمایند.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید فهیمه تحصیلی

این هسته در روزهای ۲۲ و ۲۳ خرداد تراکت‌ها و اتیکت‌های برچسب‌دار خود را در ساختمان بزشکان بولوار و خیابان ۲۵ شهریور، داروخانه‌های فردوسی، فاطمی و یوسف‌آباد، پخش و نصب نموده است.

* رشت : هسته مقاومت

رزمندگان هسته مقاومت ... در تاریخ ۲۲/خردادماه جاری، یک بمب صوتی قوی را در مقابل در مرکز بسیج

اقتصادی واقع در خیابان سعدی رشت کار گذارده‌اند که با صدای مهیبی منفجر شده است. این عمل انعکاس زیادی در منطقه داشته و در همان ساعت نیز مردم به سرعت در محل انفجار تجمع کرده و راجع به فعالیت‌های انقلابی و عملیات هسته‌های مقاومت مجاهدین صحبت کرده و ابراز خوشحالی می‌کنند.

* رشت : هسته مقاومت

مجاهد شهید یاسر دادرس

شهید "یاسر دادرس" هسته فوق‌الذکر روز ۲۴ خرداد تراکت‌های خود را در منازل محله بی‌بی‌زینب رشت پخش نموده است.

* تبریز : هسته مقاومت

مجاهد شهید مجید جعفری

این هسته در تاریخ ۲۱ خرداد تراکت‌های خود را که حاوی اسامی تعدادی از شهدای مجاهد تبریز و فراهانی از حماسه‌ها و وصیت‌نامه‌های آنان بوده، در خیابان کپروش و بازار تبریز نصب نموده‌اند. این اقدام به قدری مورد استقبال مردم قرار گرفته که پاسداران ضدخلقی برای پراکنده کردن مردم و از بین بردن تراکت‌ها، به مناطق فوق‌الذکر هجوم می‌برند. قابل ذکر است که علی‌رغم وحشیگری‌ها و تهدیدات مزدوران رژیم، مردم بدون اعتنا به آنها، به خواندن تراکت‌ها و گفتگو پیرامون آن می‌پردازند.

اعضای هسته شهید "جعفری" همچنین در روزهای بعد در خیابان سرلک، روی‌پل، بازارچه حاجی‌علی‌اکبر، خیابان کمالی شمالی پخش تراکت داشته و همچنین ضمن نصب تراکت‌ها در دیوار مناطق مذکور، تعداد زیادی تراکت را نیز در منازل مردم پخش نموده است.

همچنین هسته فوق‌الذکر ضمن شعارنویسی بر در و دیوار شهر، عکس‌هایی از ۱۰۴ شهید مجاهد خلق را در حوالی مسجد "گرو" نصب نموده‌اند.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید سیما مطلبی

در تاریخ ۲۰ و ۲۳ خرداد اعضای این هسته، تراکت‌های خود را در خیابان بخارست و تجریش پخش نموده است.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید رقیه مصباح

هسته فوق‌الذکر در روز ۲۳ خرداد، تراکت‌های خود را در خیابان‌های افسریه نارمک، تهران پارس، پخش نموده که یکی از شیوه‌های هسته نیز، پخش تراکت‌ها در منازل بوده است.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید اقدس ضیائی

اعضای این هسته در هفته‌های اخیر، تراکت‌های خود را در نقاط مرکزی شهر از جمله حوالی دانشگاه تهران پخش کرده‌اند.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید فاطمه اثنی‌عشر

هسته فوق‌الذکر در روزهای ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ خرداد تراکت‌های مربوط به فعالیت‌های خود را در حوالی فرودگاه مهرآباد، پخش و یا به منازل مردم در این منطقه پست کرده است.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید محمد عبدلی

این هسته در تاریخ ۲۴ خرداد، تراکت‌های دست‌نویس خود را به ضمیمه عکس‌های گلپوشه‌شده شهدا، درمغازه‌های خیابان ناصرخسرو و بازار پخش کرده است.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید صفری مرادی

هسته فوق‌الذکر در بعد از

فعال کردن ارگان ضدکارگری موسوم به

"دفاتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی (!) کارگران"

گامی تازه جهت تشدید اختناق در کارخانه‌ها

بسیج اجباری کارگران برای جبهه‌ها و یا چپاول دستمزد ناچیز آنها برای جنگ، خلاصه می‌شوند. از سوی دیگر فعال کردن این دفاتر توسط رژیم در شرایطی است که سردمداران ارتجاع، آشکارا از تقلیل حقوق و مزایا و ساعات استراحت و ایام تعطیلی کارگران و افزودن به ساعات کار و شدت بخشیدن به میزان استثمار آنها دم می‌زنند.

حتی در همین سمینار نیز سلامتی مزدور "دفاتر بسیج..." را "مکلف" کرده است تا "در زمینه‌های سیاسی در محیط‌های کارگری فعالیت بیشتری عرضه کنند... تا کارگران از خودگذشتگی بیشتری از خود نشان دهند" (اطلاعات دوم و کیهان ۶/خرداد/۶۳)

ذکر این نکته نیز ضروری است که انجمن‌ها و شوراهای ضداسلامی رژیم در کارخانه‌ها، بازوی اجرائی مهمی برای این قبیل "دفاتر" محسوب می‌شوند. و نیز این "دفاتر بسیج"، جهت اعزام آخوندهای مزدور (تحت عنوان مبلغین ارشاد و ایدئولوژیک) به کارخانه‌ها فراهم می‌کنند.

البته هرچند رژیم تلاش‌های خود را جهت تشدید فشار در کارخانه‌ها - منجمله از طریق فعال کردن این قبیل دفاتر - افزایش می‌دهد، اما همین دست و پا زدن‌ها به نوبه‌ی خود عجز و درماندگی رژیم ضدکارگری خمینی را در قبال افزایش مقاومت، اعتراضات و کم‌کاری‌های کارگران به اثبات می‌رساند ■

"وزارت کار و امور اجتماعی" رژیم در اواخر اردیبهشت امسال، چهارمین سمینار ارگان ضدکارگری موسوم به "دفاتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی کارگران" را در ساری تشکیل داد. سلامتی خائن معاون "وزارت کار" در این سمینار اعلام کرد که ارگان ضدکارگری فوق‌الذکر تاکنون ۵۰ درصد کارکنان کارگاه‌ها و کارخانجات کشور را تحت پوشش خفقان‌زای خود درآورده است. لازم به توضیح است که "دفاتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی کارگران" در اداری کل کار هر استان قرار دارند و از آن طریق برای کلیه کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که در حوزوی ماموریت‌شان قرار دارند، برنامه‌ریزی می‌کنند. دفاتر فوق‌الذکر کارکردی شبیه دوایر باصلاح سیاسی - ایدئولوژیک رژیم در نیروهای نظامی و انتظامی دارند و حسب‌المعمول لابد با فعال‌تر شدن این دفاتر، دست کم منتظری جنایتکار باید نمایندگان مزدوری را در هر کدام از آنها منصوب نماید!

در سمینار اخیر، سلامتی خائن، اهداف و وظایف این دفاتر را از جمله چنین تشریح نمود: "ایجاد تسهیلات لازم جهت تامین نیاز ارگان‌های انقلابی در کارگاه‌ها"، "ایجاد ارتباط وسیع‌تر با وسائل ارتباط جمعی، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران"، "تنظیم برنامه جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی (!) در مجتمع‌های کارگری!" هر کدام از این برنامه‌ها، برای کارگزاران رژیم در کارخانه‌ها مفهوم روشنی دارند و اساسا در

ظهر روز ۲۴ خرداد تراکت‌های هفته‌ی "شهدا و اسرا" را در منازل خیابان ۲۰ متری رامسر پخش نموده است.

* تهران : هسته مقاومت

مجاهد شهید گیتی صادق

اعضای این هسته در روزهای ۲۱ تا ۲۳ خرداد تراکت‌های خود را در خیابان‌های مدبر و دوم‌ژوئن پخش کرده است.

* بهشهر : هسته مقاومت

مجاهد شهید فرهاد جوادی

این هسته در روزهای ۲۲ و

۲۳ خرداد ۳۰۰ تراکت را در منازل مردم واقع در مناطق مختلف بهشهر پخش کرده‌اند. اعضای هسته شاهد خوشحالی و استقبال مردم از فعالیت هسته‌ها بوده‌اند.

* تبریز : هسته مقاومت

مجاهد شهید اکبر چا پاری

این هسته در روزهای ۲۰ و ۲۱ خرداد تراکت‌های مربوط به هفته‌ی بزرگداشت "شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" را در خیابان شهید جدیری و کوی بزرگمهر، پخش کرده است.

* تهران : هسته مقاومت

این هسته در روزهای ۲۲ و

* * *

علی، الگوی جاودان وفاداری به "اصول" یکتاپرستی انقلابی

بقیه از صفحه ۴۰

غیرمستولار است که جایگاه و حدود صلاحیت هیچکس در چارچوب آن روشن نیست و تحت فضائی که دیگر "خلق و ضد خلق" و "انقلاب و ضد انقلاب" و "اسلام و ضد اسلام" هیچ معیار قابل قبول دیگری برای سنجش نخواهند داشت، میدان برای انواع فرصت طلبی ها و انحرافات و قشریگری ها باز شده و طبعاً در این راستا دشمن نیز حداکثر بهره برداری را به نفع خود خواهد نمود.

کما اینکه در جریان جنگ صفین کسانی که از رهنمود ژرف و انقلابی علی سرباز زده بودند نتوانستند حیلای دشمن ضد خلقی را که در آستانه‌ی شکست، قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها نموده بود خنثی نمایند و این نیرنگ بر آنها کارگر افتاد. به این ترتیب بخشی از سپاه علی که صادقانه‌ترین معیار سنجش "حقانیت" را علیرغم نشانه‌های عینی و آشکاری همچون شهادت عمار یاسر (۱) رها کرده بودند با مشاهده‌ی قرآن‌ها روی نیزه به دام یک شک و تردید فاجعه‌بار افتاده و مرزهای "قرآن و ضد قرآن" و "حق و باطل" و "علی و معاویه" در دیدگاه کوتاه بین و قشری آنها مخدوش گردید (۲) بطوری که نه تنها در آن لحظات از علی که بی دردی فرمان داده بود بی هیچ سستی قرآن‌ها را - که اکنون دیگر ورق نوشته‌هایی بیش نیستند - سرتنگ سازند، پیروی نکردند بلکه حتی امام را تهدید کردند که اگر دستور بازگشت مالک را از میدان جنگ ندهد، شمشیر کشیده و با خود وی خواهند جنگید و سرانجام نیز چنانچه می‌دانیم ماجرای "حکمیت" را پیش آوردند.

به این ترتیب طی جنگ صفین حقایق تازه‌ای از درجه‌ی عمق و آگاهی و اصالت کسانی که ظاهراً همدوش علی می‌جنگیدند روشن شد: یک مرزبندی ایدئولوژیک - تاریخی میان وفاداران به "اصول" یکتاپرستی انقلابی و آنهایی که از یک دنیا عمق و محتوای اسلام انقلابی جز قشر و صورت و شکل "خارجی" آن چیز دیگری را نفهمیده بودند. سرانجام نیز حضرت علی آنها را در جنگ نهروان از سر راه

برداشت و به این ترتیب "شوم‌ترین" لکهای که بر دامان مکتب نشسته بود و می‌رفت تا اسلام راستین را در قالب‌های مبتذل و پوچ زاهدانه مسخ نماید، بدست او پاک و زوده شد. بعداً هم امام به این موضعگیری و حرکت خود افتخار کرد و گفت: "من چشم فتنه را در آوردم، و جز من کسی را جرات و یاری آن نبود" (۳)

بواقع هم چنین برخورد قاطعی با خوارج نشان‌دهنده‌ی عمق هوشیاری سیاسی علی و نگرش انقلابی او به مسائل بود که از بطن جهان بینی و ایدئولوژی توحیدی وی سرچشمه می‌گیرد. (۴) همچنانکه برخورد انقلابی با شیوخ و اشراف راست و مرتجعی که حضرت علی پیشتر حسابشان را در جنگ جمل تصفیه نموده بود، از همین بینش برخاسته است. بینشی که به نسبت شرایط تاریخی آنروز و افنا شکفت انگیز و حتی برای قرون متمادی در تاریخ ناشناخته و غیرقابل هضم بوده است. البته ایفای یک چنین نقش و مسئولیت و رسالت تاریخی دوران ساز به منظور حراست از اصول و میراث ایدئولوژیک اسلام انقلابی در آن عصر، حقیقتاً هم در توان و عهده‌ی کسی جز علی نبود. همان علی که خود برجسته‌ترین الگو و مظهر انسان‌های پیشتاز و طراز مکتبی بود که خود در وصف مقام والای آنان گفته بود: *يَهْتَمُ عِلْمَ الْكِتَابِ وَيَهْتَمُ قَامَ الْكِتَابِ وَيَهْتَمُ قَامَ الْكِتَابِ وَيَهْتَمُ قَامَ الْكِتَابِ* (۵) به سبب ایشان کتاب (اصول ایدئولوژیک) دانسته شد و برجای ماند و با آن کتاب (و اصول) آنها آگاه شدند و پایدار ماندند.

انسان‌هایی که گرچه به لحاظ تعداد و کمیت "قلیل" و انگشت - شمارند (بخاطر مدارج پائین تکامل اجتماعی) اما به لحاظ کیفیت و رشد قوای متعالی انسانی‌شان چنان بیکران و عظیم‌الشان‌اند که در مسیر تکامل جامعه و تاریخ "بار" ایدئولوژی در صفوف مقدم بر دوش آنان حمل می‌شود: *أُولَئِكَ - وَاللَّهِ - الْأَقْلُونَ عَدَدًا، وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا، يَحْفَظُ اللَّهُ بِهَمِّ حُجَّتِهِ وَيُنِيبَاتِهِ حَتَّى يُدْرِعُوهُمْ نَظْرًا، هُمْ، وَيُزَرِّقُوهُمْ فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ* (۶) بخدا سوگند آنها انگشت شمار

و بسیار معدودند، (ولی) نزد خدا سخت گرامی و گرانقدرند. خداوند حجت‌ها و دلیل‌های روشن خود (میراث انقلابی و ایدئولوژیک) را بوسیله‌ی ایشان حفظ و حراست می‌کند تا آنها این "امانت" را به نظایر خود سپرده و در دل‌هایشان کشت نمایند...

در چارچوب یک چنین "زندگانی ایدئولوژیک" تمام عیار است که می‌توان فی‌المثل مفهوم آن اقدام علی را که در گرماگرم نبرد با یکی از پهلوانان نامی عرب، هنگامی که درست در لحظه‌ی به زمین زدن حریف، خشم و کینه‌ی شخصی‌اش برانگیخته می‌شود، دیگر از کشتن او صرف‌نظر می‌کند، درک کرد. چرا او نمی‌خواست کمترین خدشه‌ای به خلوص ایدئولوژیکش وارد شود. زیرا در چارچوب این زندگی دیگر هیچ "هوای نفسی" نمی‌تواند در برابر اعتقادات خالصانه‌ی توحیدی سر برآورد. زیرا وقتی قرار است همه چیز تحت الشعاع عقیده و مرام باشد، پس "سلاح" نیز بایستی زیر نظر و هدایت ویژه‌ی "ایدئولوژی" حمل و کشیده شود (۷)

همچنین با این دیدگاه بهتر می‌توان درک کرد که چرا آخرین کلامی که در بستر شهادت از دهان علی بیرون می‌آید و سپس چشم فرو می‌بندد، راجع به منع موکد هرگونه شکنجه بر علیه قاتل اوست (۸)

براستی علی نگران چیست و در این توصیه و "آخرین کلام" او چه پیامی و حکمتی نهفته است؟ آیا جز این است که او نگران آنست که مبادا مردم در مجازات قاتل او تحت تاثیر (خود بخودی) کینه‌ی شدیدی که نسبت به وی پیدا کرده‌اند از "اصول" تجاوز کرده و حریم "ایدئولوژی" را به شکنجه بیالایند؟ پس برای درک عمق این پیام بایستی روی هدف‌ها و دیدگاه‌های ایدئولوژیک علی تامل پاورقی:

۱ - عمار یاسر یکی از برجسته‌ترین قهرمانان صدر اسلام بود که در سنین متجاوز از ۹ سالگی در جنگ صفین بدست قوای معاویه به شهادت رسید. پیامبر از سال‌ها پیش "بازگشت ناپذیری" او را در مواجهه با تمامی آزمایشات و سختی‌های آینده تضمین کرده بود و بر این اساس به منظور بدست دادن معیار و محک و نشانه‌ای برای تشخیص "حق" و "باطل" گفته بود: "عمار بدست قومی ستمکار کشته خواهد شد."

۲ - حضرت علی در خطبه‌ی ۲۵ (نهج البلاغه در باره‌ی خوارج) به این روحیه‌ی تردید و انفعال و سرگردانی صریحاً اشاره کرده و علت آنرا نیز خودداری آنها از "عمل به حق" و استغناف از ادامه‌ی جنگ

کرد. چرا که اصولاً در هر انقلاب و مبارزه‌ای برای شناخت "روش"‌های مورد استفاده‌ی طرف‌های درگیر بایستی غایت‌ها و "هدف"‌هایی را که دنبال می‌کنند، بشناسیم. بر این اساس بدیهی است که برای نیروهایی مثل خمینی که در نظام ارزش‌های او هیچ چیز جز قدرت و شهوت و مقام اعتبار ندارد هر "وسيله"‌ای ولو یک دنیا پلیدی و اهریمنی در آن نهفته باشد همین قدر که به ارضای تمایلات پست و ضد مردمی آنها مدد رساند مجاز و "مشروع" است. اما برای طرف دیگر که افق‌های ایدئولوژیک دیگری دارد هرگز اینچنین نیست. او پویای "اثبات" انسانی است که از "نفی" ایدئولوژیک هرگونه مظاهر تجاوز به حریم انسان منجمله شکنجه و منکر کردن بدست می‌آید. در این قاموس "شکنجه"‌ی انسان تحت هر نام و عنوانی خواه مثله و یا قصاص باشد یا "تشتیت" و "تعزیر" و... به مثابه ردیالنه‌ترین، و قیحانه‌ترین و بیش‌رمانه‌ترین شکل "سلب آزادی انسان" که در حقیقت "سلب انسانیت" اوست، تلقی شده و بطور ایدئولوژیک محکوم است.

به این ترتیب دیگر جای سوال نیست که چرا علی تا آخرین لحظه‌ی حیات، هرگز روش دشمن را علیه دشمن بکار نگرفت. چرا که او حفظ تمامیت ایدئولوژیک خود را در نفی چنین طرز عملی می‌دید و می‌خواست به عنوان یک موحد انقلابی بار "امانت" ایدئولوژیک خویش را تا "آخرین نفس" حمل کند.

بشریت در طول تاریخ بر فراز و نشیب‌هاش رهبران بزرگی به خود دیده است اما در این میان بدون شک علی (ع) بواسطه‌ی تجمع عالی‌ترین خصایل انقلابی و انسانی از هر جهت یگانه و بی‌همتا می‌نماید. در تشریح این

با معاویه دانسته است. (فراز ۶ تا ۹ خطبه)

۳ - نهج البلاغه: "ایها الناس فانافقات عین الفتنه و لم یکن لیجتری علیها احد غیری"

۴ - برای درک بیشتر عمق و ژرفای این هوشیاری و نگرش انقلابی جا دارد که به خطبه‌ی ۵۹ نهج البلاغه که در این رابطه بسیار مهم است اشاره کنیم. حضرت علی در این خطبه در پاسخ به کسانی که پس از پیروزی جنگ نهروان دچار ساده‌اندیشی شده و بوی گفته بودند خوارج دیگر "تمام" شدند، به تاکید به آنها خاطر نشان می‌کند که جریان خوارج را بایستی به مثابه یک پدیده‌ی اجتماعی - تاریخی تلقی کرد که اگر چه

خصایل و فضیلت‌ها گفتنی‌ها بسیار است که در این صفحات هرگز نمی‌گنجد. لیکن در وری همه‌ی آنها رایحه‌ی این پیام لرزاننده‌ی توحیدی که از سراسر وجود علی و یک عمر مبارزه و زندگانی ایدئولوژیک او استشمام می‌شود معنای ویژه‌ای دارد. به موجب این پیام دامنه‌ی "مسئولیت انقلابی" و مجاهدت خونبار انسان بر علیه ظلمات و ستمگری به اعتبار عظمت لایتناهی وجود خداگونه‌ی نوع‌او، هرگز تمامی نداشته و تا مرز بی‌نهایت امتداد می‌یابد. همان مسئولیتی که از عمق خلوص و وفاداری و از خودگذشتگی عنصر انقلابی موحد جوشیده و او را به آنچنان جدیت و سخت‌کوشی و قاطعیتی بر سر مواضع و اصول عقیدتی و سیاسی وامی‌دارد که در برابر انگیزه‌ها و اعتقادات خالصانه‌اش یک لحظه نمی‌تواند آرام بگیرد. تا جایی که دیگر در چارچوب این نوع زندگی که علی الگوی تاریخی آنست. "نفس راحت" همان "نفس آخر"ی است که به وادی جاودان رستگاری منتهی گردد ("فزت ورب الکعبه").

چنین است که امروز مجاهدین خلق ایران نیز که در جنگ عادلانه و انقلابی خود بر علیه خمینی و رسالت نجات کلمه‌ی انقلابی "اسلام" از جنگل ارتجاع و ابتذال، پیوسته علی را الگو و سرمشق قرار داده‌اند با الهام از فریاد رستگاری "فزت ورب الکعبه" پی‌شوی عقیدتی خویش در محراب شهادت، بالاترین افتخار و "رستگاری" فردی و تشکیلاتی خود را در این یافته‌اند که بتوانند "امانت" ایدئولوژیک توحیدی خویش را تا دم و "نفس آخر" حمل نموده و در راه به مقصد رساندن آن از هیچ فشار و شکنجه و شهادت و سختی نهراسند و هیچ پروای غیرخدائی به دل راه ندهند...

میرنده و روبروال است (کلمه نجم منجم قرن قطع) ولی حتی نسل‌های آینده نیز از عوارض این غده‌ی چرکین مصون نبوده (إِنَّهُمْ نَطَفَ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ، وَ قَرَارَاتِ النِّسَاءِ) و علی‌هذا نیایستی حذف و تصفیه‌ی فیزیکی آنها را به منزله‌ی پایان کار ایشان محسوب نمود.

۵ - نهج البلاغه کلام ۴۲۴

۶ - نهج البلاغه کلام ۱۳۹

۷ - نهج البلاغه: حملوا بصائرهم علی اسیافهم

۸ - نهج البلاغه - نامه‌ی ۴۷ فراز ۶: از مثله کردن او بپرهیزید که رسول خدا آنرا حتی در حق "سگ‌ها" و (جانوران گزنده و مودی) نیز حرام کرده است.

پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی

بمناسبت سومین سالگرد ۳۰ خرداد سرآغاز انقلاب رهایی بخش نوین ایران، روز "شهادت زندانیان سیاسی"

بقیه از صفحه ۴

صورت بگیرد، بسیار خطرناک و موجب ضربات جدی خواهد بود.

اما بر اساس برآوردهای مستدل، مجموعه‌ی مخارج مربوط به سازمان، ماهیانه دست کم به صدها میلیون تومان بالغ می‌شود که البته یک برآورد فوق‌العاده محافظه‌کارانه است، والا اگر بخواهیم تمامی آنچه را که از سوی مردم، صرف رسیدگی به بازماندگان شهیدان و زندانیان و خانواده‌های بی‌پناه و آوارگی ما می‌شود نیز در نظر بگیریم، برآورد فوق، محققاً برآورد افزایش خواهد یافت.

اما با اینهمه در شرایط کنونی نیز قسمت بالائی هرم سازمانی ما همراه با آبشخورهای سمپاتیگ مربوطه، زیر پوشش بودجه‌بندی دقیق قرار دارد. در همین قسمت، ضمن سومین سال مقاومت، نزدیک به ششصد و پنجاه میلیون تومان پرداخت و جزء به جزء در رابطه با وظایف انقلابی روزمره، مصرف شده است.

صرفنظر از حمایت‌های بلاعوض مردمی، بخشی از این رقم را وام‌های مدت‌دار یا بدون مدت و در مواردی نیز وام با بهره، تشکیل می‌دهد. اسناد مربوط به منابع درآمد و نحوه‌ی خرج مبلغ فوق، تماماً در اختیار و در هر زمان که لازم باشد قابل انتشار است. طی سال گذشته، شخصاً بطور مستمر در جریان گزارشات بخش مالی سازمان قرار داشته و بعضاً آنها را مورد مطالعه و ارزیابی لازم قرار داده‌ام.

در برابر فداکاری هسته‌ها یا گوشه‌های وصف‌ناپذیر حمایت‌کنندگان و همدردان سازمان و انجمن‌های مختلف دانشجویی؛ همچنانکه در برابر حمایت‌های بی‌قید و شرط مردمی چه در داخل و چه در خارج کشور؛ فقط می‌توان سر تکریم فرود آورد. باید یادآوری نمود که صرفنظر از حمایت‌های مالی، مقادیر عظیمی کمک‌های جنسی و صنفی و غذائی و تدارکاتی از جانب اقشار و اصناف مختلف مردم، بدون آنکه بهای پولی آن قابل ارزیابی باشد، در اختیار مجاهدین خلق ایران قرار گرفته است. همچنین شایان تذکر است که چه اعضاء سازمان و چه انجمن‌های وابسته، صرفنظر از مصارف ضروری مربوط به پیشبرد وظائف انقلابی‌شان مخصوصاً در داخل کشور؛ از لحاظ معیشت شخصی و خانوادگی، بسا اندازه‌نگ می‌دارند. ضمن اینکه معیشت آنها چه در رابطه با مسائل حفاظتی و حرفه‌ای و چه از لحاظ صرفه‌جویی اقتصادی، تا جایی که مشکل امنیتی ایجاد نکند، حتی الامکان به شیوه‌ی دستجمعی است.

با اینهمه سرنگون کردن قطعی دشمن ضدبشری و پاسخگویی به نیازهای متنوع مقطعی و استراتژیکی مالی، نیازمند کمک‌ها و پول هر چه بیشتر است. علیهذا بایستی منابع درآمد - چه کمک‌های بلاعوض و چه وام - را در داخل و خارج کشور گسترش داد. علیرغم تمام کمک‌های بیدریغی که از جانب اقشار و طبقات مختلف مردم، نثار مجاهدین می‌شود، استعداد گسترش کار و وارد کردن نیروهای جدید به میدان نبرد انقلابی بحدی است که ضمن سال گذشته، کمتر پیام یا گزارشی دریافت کرده‌ام که در آن برای داخل کشور باز هم این سه چیز را نخواسته باشند: رادیوی قوی، اسلحه و مهمات، پول!

در مورد رادیو تقریباً هر هموطن ایرانی را نیز که از سه سال پیش تاکنون ملاقات کرده‌ام، در اینباره یادآوری و سفارش و تاکید کرده است.

رادیو "صدای مجاهد" تاکنون با مجموعه‌ی تجهیزات و دستگاه‌های فرعی خود حدود ۶۵ میلیون تومان خرج برداشته و البته انرژی فوق‌العاده زیادی نیز به خرید و حمل و نقل و نصب و براه انداختن آن

در داخل و خارج کشور منتشر نمودیم؛ بنحوی که امروز می‌توان گفت نه فقط اکثریت قاطع مردم ایران با آرمان عادلانه‌ی هموطنان گردشان مخالفتی ندارند، بلکه بخوبی می‌دانند که آنچه شاه و خمینی در تجزیه‌طلبی مردم و نیروهای اصولی گردستان به هم بافتند، باطلی بیش نیست.

عملیات مجاهدین در گردستان در آینده نیز ادامه خواهد یافت. هدف از این عملیات هر چه شعله‌ورتر نگاهداشتن مقاومت گردستان و پیوند تکاملی و تکمیلی مقاومت منطقه‌ای با مقاومت سراسری می‌باشد. باین ترتیب ما از یکسو در حد توان خود به وظایفمان در قبال مردم و مقاومت گردستان، قیام کرده‌ایم و از سوی دیگر در راستای خطوط مکمل استراتژی خود از گردستان نیز به دشمن ضربه می‌زنیم. بدیهی است حضور شاخه‌ای از مقاومت سراسری در گردستان بنوبه‌ی خود موجب امیدواری و پشتگرایی هموطنان گردمان بوده و مقاومت عادلانه‌ی گردستان را در پیوند نظامی و سیاسی با مقاومت سراسری، از ابعاد جدیدی در سطح منطقه‌ای و ملی و بین‌المللی، برخوردار می‌کند. همچنانکه مقاومت سراسری نیز که البته باید فعالانه در دفاع و حفاظت

در شرایط کنونی نیز قسمت بالائی هرم سازمانی ما همراه با آبشخورهای سمپاتیگ مربوطه، زیر پوشش بودجه‌بندی دقیق قرار دارد. در همین قسمت، ضمن سومین سال مقاومت، نزدیک به ششصد و پنجاه میلیون تومان پرداخت و جزء به جزء در رابطه با وظایف انقلابی روزمره، مصرف شده است... با اینهمه سرنگون کردن قطعی دشمن ضدبشری و پاسخگویی به نیازهای متنوع مقطعی و استراتژیکی مالی، نیازمند کمک‌ها و پول هر چه بیشتر است. علیهذا بایستی منابع درآمد - چه کمک‌های بلاعوض و چه وام - را در داخل و خارج کشور گسترش داد. علیرغم تمام کمک‌های بیدریغی که از جانب اقشار و طبقات مختلف مردم، نثار مجاهدین می‌شود، استعداد گسترش کار و وارد کردن نیروهای جدید به میدان نبرد انقلابی بحدی است که ضمن سال گذشته، کمتر پیام یا گزارشی دریافت کرده‌ام که در آن برای داخل کشور باز هم این سه چیز را نخواسته باشند: رادیوی قوی، اسلحه و مهمات، پول! در مورد رادیو تقریباً هر هموطن ایرانی را نیز که از سه سال پیش تاکنون ملاقات کرده‌ام، در اینباره یادآوری و سفارش و تاکید کرده‌ام.

از منطقه، سهم خود را ادا نموده و خونبهای لازم را هم بپردازد، چه بخاطر موقعیت جغرافیائی و سوق‌الجیشی و چه در رابطه با توده‌ها و پیشمرگه‌های رزمنده‌ی گرد و بالاخص وجود حزب دمکرات گردستان ایران، متقابلاً از امتیازات و امکانات جدیدی برخوردار می‌شود. وانگهی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی اتحاد سیاسی مجاهدین با حزب دمکرات در چارچوب آلترناتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت مبین این حقیقت است که ایران دمکراتیک پس از خمینی، عاری از جنگ درونی و ستم مضاعف ملی است.

هم‌میهنان،
خلق قهرمان ایران؛

در این فرصت بی‌مناسبت نمی‌دانم تا آنجا که محدودیت‌های امنیتی مجاز می‌دارد، شمه‌ای نیز پیرامون بیلان دریافت‌ها و پرداخت‌های مالی و برآورد مجموعه‌ی هزینه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران در سومین سال مقاومت انقلابی سراسری، بعرض برسانم:

در سومین سال مقاومت، همانند سال قبل از آن، پول مصرف‌شده در چارچوب سازمان مجاهدین خلق ایران، از محل حمایت‌های مردمی، مصادره‌ی انقلابی و یا کاریدی و درآمدهای روزمره‌ی اعضاء و هواداران این سازمان در داخل و خارج کشور تأمین شده است.

در شرایط اختناق حداکثر، طبعاً بودجه‌بندی و حسابرسی کل سازمان و تمامی شاخه‌ها و شعب مختلف و طیف فعالان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای آن در داخل کشور، بسهولت امکان‌پذیر نیست. چرا که فی‌المثل اگر نقل و انتقال و دریافت و پرداخت کلیه‌ی وجوه مربوط به سازمان، تماماً با سند و مدرک و با زیرنویسی روزمره

بار در سخنرانی‌هایش تصریح نمود: "... شما با این وضع که دارید، همه‌ی دنیا بلا استثنا، مگر بعضی که خیلی کم‌اند با شما دشمن هستند...". در رابطه با وضع و حال خمینی در افکار عمومی جهان نیز گمان نمی‌کنم که نیازی به یادآوری مجموعه‌ی فعالیت‌های بین‌المللی سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت باشد.

اما بوضوح از همدی اینها می‌توان نتیجه گرفت که فضا بایستی تا کجا بر خمینی تنگ شده باشد که حتی نتواند عناصر یا جریاناتی را که کمترین ناهمخوانی سیاسی با او دارند، ببیزد. مهر بطلان دیگری بر همدی فرضیات انحرافی و ساده‌اندیشانه‌ی که اینجا (در خارج کشور) امکان اصلاحات یا سربردشتن آلترناتیوی از داخل رژیم خمینی را گمانه می‌زدند و گاه، دهان‌به‌دهان خمینی، چنین می‌پنداشتند که دیگر خبری از "مقاومت" نیست و بر روی اجساد و خون‌های خشک ناشده‌ی مجاهدین می‌توان دست در دست رژیم نهاد و با او سازش کرد...

در سطح منطقه‌ای، ضمن سومین سال مقاومت و بویژه در نیمسال اول آن، بخش مهمی از انرژی کیفی و کمی سازمان ما در رابطه با مقاومت هموطنان تحت ستم گردمان مصرف گردید. ما همراه با نیروی اصلی مقاومت گردستان ایران یعنی حزب دمکرات گردستان ایران - که هر دو عضو یک شورا هستیم - آنچه را در توان سیاسی و نظامی و تبلیغاتی و درمانی مجاهدین بود و آنچه را که نسبت به هموطنان محروم گردمان وظیفه‌ی خود می‌دانستیم در حیضی مقدورات به تمام و کمال بجا آوردیم. مشروح آمار و عملکرد نظامی مجاهدین در گردستان ضمن سومین سال مقاومت توسط مسئول مجاهدین در مرکز گردستان برادر مجاهد ابراهیم ذاکری برای فرماندهی سیاسی - نظامی مقاومت، ارسال شده که پس از جمع‌بندی بعداً در گزارش سالیانه‌ی او به اطلاع خواهد رسید. بهر حال چنانکه متحدین و برادران گردمان در منطقه شاهد بودند، مجاهدین طی سال گذشته سنت سخت‌کوشی و سازش‌ناپذیری و مقاومت تمام‌عیار انقلابی را در آن سامان نیز مستمراً به تجربه گشاندند و شهادتی نیز تقدیم نمودند. از نظر سیاسی نیز ما وظایف خود را در دفاع از حق خودمختاری مردم گردستان در چارچوب تمامیت و حاکمیت ملی ایران انجام دادیم. همچنین در سطح بین‌المللی تا آنجا که در توانمان بود آرمان عادلانه‌ی هموطنان گردمان را برای خودمختاری در گردستان و دمکراسی در ایران مطرح و از آن دفاع نمودیم. ما بنوبه‌ی خود در حیضی مقدوراتمان رنج و سستی را که خمینی در راستای جنگ پنجساله‌اش بر علیه مردم و مقاومت گردستان روا داشته، در کشورهای مختلف جهان افشاء و طرح مصوب شورای ملی مقاومت برای خودمختاری گردستان را وسیعاً

پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی

بمناسبت سومین سالگرد ۳۰ خرداد سر آغاز انقلاب رهایی بخش نوین ایران، روز "شهادت زندانیان سیاسی"

سازمان مجاهدین خلق ایران با تکرار و تذکار دائمی این نکات، به هیچوجه قصد پرده پوشی یا توجیه و یا کاستن از ابعاد انتقاداتی را که به محاسبات او وارد است، ندارد و نمی تواند هم داشته باشد. زیرا صرف نظر از اصول عقیدتی و اخلاقی، فاصلهی کیفی عملکرد مبارزاتی این سازمان با مدعیان رنگارنگ، طی این مدت به آنجا رسیده است که انگیزه های برای اینگونه توجیهات نیز باقی نمی ماند. بخصوص که هنوز میدان برای بخت آزمائی همگان باز است. در عین حال باید خاطرنشان نمود که اشتباه محاسباتی فوق الذکر بمتابه پرداخت خونبهای بیشتر از جانب خود ما و تحمل مشقات افزونتر بوده است. گویانکه آینده درباره ی تمامی این موارد با جامعیت و قاطعیت بیشتر قضاوت خواهد نمود.

اما نکته ی بسیار اساسی و کلیدی در اینست که نه فقط هیچ قطره ای از این خونهای پاک به هدر نرفته، بلکه در رابطۀ با تاخیر مقطعی سقوط خمینی مسلمانا و انقلاب کبیر و نوین خلقمان، باخت استراتژیک نداشته ایم. تعمیق انقلاب، روشن شدن مرزبندی ها و افشای اینکه هر کسی فی الواقع چه در چینه دارد، نه فقط به زیان خلق و انقلاب نبوده، بلکه دقیقا بسیاری از معضلات آینده را نیز پیشاپیش حل کرده یا زمینه را برای حل آنها فراهم تر نموده است. فورا باید اضافه کرد که تا آنجا که به ما مربوط می شد، به هیچوجه در بارز شدن زودرس این مرزبندی ها، شتاب و چپ روی نگردانیم. بعکس، همیشه با تاخیر فاز گاملا چشمگیر به استفاده از حق پاسخگویی متقابل خود در قبال مدعیان راستگرا و چپ نما دست یازیده ایم. الا اینکه کسی اضافه بر وجه المصلحه قرار دادن مجاهدین، از درون جبهه ی خلق پافرازتر گذاشته و بادشمنان سوگند خورده و تجربه شده ی آزادی و استقلال ایران در رابطۀ بده و بستان و چشمک و چراغ سیاسی وارد شده باشد که در این صورت همچنانکه از روز نخست گفته ایم: در برابر هر آنکس که مستقیم یا غیر مستقیم و آشکار یا در خفا بجانب شاه و خمینی کج و راست شده و خلاصه بنحوی از انحاء در مسیر ضد انقلاب غالب و مغلوب، پشتک و وارو بزند، مطلقا نمی توانیم سکوت کنیم. این نخستین پیام شهیدان و اسیران انقلاب ضد سلطنتی و انقلاب رهایی بخش نوین ماست که هر آنکس را که از آنگونه چشمک و چراغها با شاهی و خمینی مبادله کند، اساسا در بازی اش "سوخته" می دانیم ولو اینکه مردمک چشم خودمان باشد. و در این مسیر - یعنی در مسیر نفی شاه و خمینی و تثبیت استقلال و آزادی ایران - با هیچکس و هیچ چیز انعطاف نداریم. بیاد دارید که قبل از شروع مقاومت انقلابی مسلحانه نیز از آنجا که خمینی رسما تصریح کرده بود که مجاهدین را دشمنان اصلی خود و "بدتر از کفار" تلقی می کند؛ هر آنگاه که کسی یا گروهی می خواست به خدمت آقای بهشتی یا خود امام ا عرض ادب و اعلام پیوستگی و وفاداری و خدمتگاری بکند، محض رضای امام فرومایگان ابتدا مجاهدین را ست و لعن می کرد و بر علیه ما و خودخواهی شخصی و گروهی و انحراف سیاسی و عقیدتی مان خطبه می خواند و رقعہ می نوشت و آنگاه به عقد (سیاسی) رژیم در می آمد. جالب این بود که همچون امروز که بعضا نمونه هایی از همان دست در خارجه نیز مشاهده می شود، حضرات از هر فرقه و مکتبی هم که بودند، پیوسته در یک چیز مشترک بودند و آن اینکه: مجاهدین یک مشت جوانان پاک و مخلص و فداکاری هستند که در دست های رهبرانی از قبیل "باند رجوی - خیابانی" گرفتار آمده اند. استدلالی که البته در اساس، خود رژیم خمینی واضح آن بود و بهنگام عجز در

اختصاص یافته است. تمامی مبلغ فوق نیز از محل حمایت های مردمی، تامین شده است. اما چنانکه می دانید خمینی دجال که از رسیدن صدای مجاهدین به گوش خلق، شدت در وحشت و هراس است، جنگ امواج را نیز پیوسته با ما ادامه می دهد. صرف نظر از انفجارات چندین باره ای که تاکنون بر روی تاسیسات پخش پارازیت خمینی صورت داده ایم، برادران ما در محل فرستندۀ "صدای مجاهد" ضمن یکسال گذشته نیز طرازی های جدیدی در جنگ امواج و رساندن "صدا" به حد اکثر پوشش ممکن، بجا گذاشته اند. بعنوان مثال بسیار اتفاق افتاده است که در یک ساعت، فرکانس را برای مصون ماندن از پارازیت خمینی بیش از پانصد بار تغییر داده اند. سایر ابتکارات و خلاقیت های فنی نیز در اینباره شایان تقدیر است.

هم میهنان!

خمینی البته هنوز بر سر گار است و سقوط شتابان رژیم او، بدلالی که از این پیشتر در جمع بندی های اولین و دومین سال مقاومت به تفصیل مورد ارزیابی قرار گرفتند، امکان پذیر نبود. اما ما باز هم همچنان اصرار می ورزیم که رژیم او بدنبال نخستین تهاجم مقاومت انقلابی مسلحانه، فاقد آینده و ثبات استراتژیکی گردیده و محال است که یارای دوام و قوام دراز مدت داشته باشد. ما همچنین از اینکه چرا به عمق ارتجاع و به انواع و اقسام حمایت های خارجی از رژیم خمینی کم بها داده بودیم، از خود انتقاد کردیم. اما مهمتر از همه ی اینها، کم بها دادن و غفلت از ابعاد عظیم سوء استفاده ی خمینی از جنگ بود که خود مستلزم بحث جداگانه ایست و ماه گذشته در مراسم سالروز ۱۲ اردیبهشت، تا حدودی تشریح نمودم. گویانکه هیچیک از این انتقادات به هیچوجه نمی تواند در هیچکدام از پایه های استراتژی مجاهدین، از روز نخست تا همین امروز، کمترین تردیدی ایجاد کند. ساده ترین و عینی ترین دلیل آن نیز وضعیت سیاسی و تشکیلاتی و اجتماعی گسالی است که قدم به میدان مقاومت و مبارزه ی انقلابی مسلحانه گذاشتند. بنابراین ابعاد انتقادات و اشتباه محاسباتی فوق الذکر، صرفا ابعاد کمی است و حتی در صورت توجه به آنها هیچ تاثیر کیفی یا تغییر پایهای در حرکت و عملکرد کلی استراتژی ما ایجاد نمی شد. حقیقت اینست که خشکاندن لجنزار ارتجاع خمینی - که با چنان سلام و صلواتی به قدرت رسیده بود و از آنچنان حمایت های بین المللی برخوردار بود - بها و خونبهای خاص خود را از خلق ایران می طلبید و باز هم می طلبید و در این رابطه مجاهدین میبایستی از بدن های خویش برای عبور موبک آزادی این خلق قهرمان، پلی می ساختند...

بنابراین در تحلیل نهائی به این نتیجه می رسیم که یا باید در مقابل خمینی مقاومت می شد یا مجاهدین نیز باید همچون بندبازان دنیای سیاست و جریاناتی که بیشترین انگیزه را برای مبارزه با مجاهدین (و نه رژیم خمینی) داشته و دارند، پیچ و تاب می خوردند و یاد در غیغ می انداختند و می گذاشتند رژیم برای یک دورهی تاریخی تثبیت بشود. اما اگر تصمیم به مقاومت و آغاز مبارزه ی مسلحانه ی سراسری درست باشد، دیگر نباید تردید نمود که همچنانکه در عمل نیز مشاهده می کنیم، بقاء تشکیلاتی و حیات انقلابی در گرو مقاومتی هر چه تمام عیارتر است.

مقابل نسل انقلابی و منزله ما گریزی جز پناه بردن به اینگونه استدلالات نداشت. گمان می کردیم پس از این همه رشادتها و شهادتها، لااقل دیگر اینگونه استدلالات بلاهت بار شاهی و خمینی که بنیاد آن بر تحقیر عنصر آگاه و رزمندۀ انقلابی است و چنان جلوه می دهد که گویا اعضا و همدران یک تشکل انقلابی، ابزارهای بلا اراده هستند؛ بدانند از روی کافی کهنه و مفلوک شده باشد که دیگر توسط آنهائی که فقط وجود "مبارک" خود را "عقل کل" می دانند بدها و هوا دران یک تشکل انقلابی را بالقره غافل و ناآگاه تلقی می فرمایند، مجددا بکار گرفته نشود. البته تا آنجا که حمله و هجوم شخصی بد دستگاه و یا افراد رهبری مجاهدین باشد، هیچ مسالده ای نیست و مانعی ندارد. چرا که ضمن نوزده سال گذشته با ثبات رسیده که سازمان مجاهدین خلق ایران هیچگاه قائم به یک فرد یا گروهی اندک از افراد مشخص - ولو به بزرگی بنیانگذاران سازمان - نبوده و نخواهد بود. همچنین با ثبات رسیده است که روابط درونی سازمان ما، لااقل تا این تاریخ، در زمره ی انقلابی ترین، دمکراتیک ترین و منزله ترین نمونه های معاصر جهانیست. والا تحت این همه فشار، ناگزیر همچون بسیاری دیگر شکاف برمی داشتیم یا قطعه قطعه و متلاشی می شدیم.

بنابراین بحث فقط بر سر اینست که سیاست وجه المصلحه قرار دادن و سنگ و لگد پراندن به مجاهدین برای مبادله ی چراغ و چشمک های ویژه داخلی یا بین المللی، محکوم است. بر همین روال ادعای ملی و مبارز و دمکرات یا چپ و پرولتر بودن و... در عین اینکه کسی عمده ی هم و غم گار خود را بر علیه مجاهدین بگذارد نیز محکوم است. مطمئنا فردای آزادی نیز مردم ایران از همه ی مدعیان از راه رسیده سوال خواهند نمود که دیروز با چه کسی بیشتر مبارزه می کرده اند؟ یا خمینی یا با مجاهدین؟!

بنابراین ضمن تاکید بر حتمیت سرنگونی رژیم تبهکار و بی آینده ی خمینی، بایستی باز هم خاطرنشان نمود که هر روزی هم که تاکنون در سقوط این رژیم تاخیر شده باشد، ما بازنده ی آن نبوده ایم. زیرا هر روز که می گذرد ارزشها و روشهای شاهی و خمینی بیشتر در شعلۀ مقاومت مردمی و انقلابی به آتش کشیده شده و زنگارهای استبدادی و وابسته گرایانه، بیشتر شستوشمی شوند. عبارت دیگر: آن قوای داخلی و بین المللی که رهگشایان یا حافظان و حامیان رژیم هائی از قبیل شاه و خمینی هستند، شانس هایشان را بیشتر و بیشتر می سوزانند و از بین می برند. باین ترتیب در "آفتاب تعمیق" انقلاب رهاشیش و نوین خلق، نه مرغ عزا و عروسی کردن این و آن، و نه وجه المصلحه کردن مجاهدین، نه عوامفریبی و فرصت طلبی و موج سواری؛ دیگر اثر ندارد. در عین حال کمترین قدم صادقانه و خدمت بی ریا و مردم گرایانه، در هر شرایطی قدر و شان خود را حائز است و هرگز نیز از یاد نخواهد رفت. اما در رابطه با آن قوای بین المللی که رژیم هائی همچون شاه و خمینی را ترجیح می دهند و حمایت کرده اند، باید افزود که، ما از نظر بین المللی طی این مدت اساسا بنهای "استقلال" را پرداخته ایم. این امر نه شعار است و نه مبالغه، بلکه حقیقت محض می باشد. البته ما بخاطر گمبود تجربه از اینکه در جهان گنونی استقلال چه بهائی را می طلبد، در حد امروز مطلع نبوده ایم. شاید بدانید که اگر کمک های خارجی نبود، خمینی در سال اول یا دوم مقاومت سراسری نیز سرنگون می شد. نگاهی به لیست فروشندگان اسلحه و تجهیزات به

پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی

بمناسبت سومین سالگرد ۳۰ خرداد سرآغاز انقلاب رهائی بخش نوین ایران، روز "شهدا و زندانیان سیاسی"

خمینی و مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران آشنا نمود، و از سوی دیگر برای برخورداری عموم پناهندگان ایرانی خارج کشور از تسهیلات بین‌المللی پناهندگی، فضای مناسب‌تری ایجاد می‌کند.

چندی پیش یکی از مقامات وزارت خارجه‌ی رژیم، تصریح نمود که "ما شاید تا سال‌ها نتوانیم به تمامی پاسخگوی تبلیغات گسترده‌ای باشیم که در دنیا علیه ما انجام می‌گیرد."

نکته‌ی مهم دیگر مربوط به انزوای روزافزون رژیم خمینی در سطح بین‌المللی است. تعادلی که دو سال پیش به نفع خمینی عمل می‌نمود، امروز کاملاً بر هم خورده است. در چند ماه اخیر درآمد نفتی خمینی نیز بطرز شدیدی کاهش یافته و گاه از نصف کمتر شده است. بسیاری از اعتبارات بانکی را مقامات رژیم، مسدود کرده‌اند. و این در حالیست که ضمن سومین سال مقاومت نیز صدها میلیارد ریال دیگر، اسکناس بدون پشتوانه توسط رژیم خمینی چاپ شده است.

اما درست در همین شرایط که اخبار مربوط به جنگ تمامی اخبار داخلی و بسیاری از اخبار بین‌المللی را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است، نیروهای سرکوبگر دشمن در سراسر کشور دست کم دو برابر کل تعداد مستقر در جبهه‌ها و خطوط مرزی سراسر غرب کشور است. اگر انواع و اقسام دستگاه‌های جاسوسی و سرکوب رژیم و لشکر دژخیمان دادستانی و زندان‌ها و سپاه و کمیته و بسیج و انجمن‌های ضداسلامی مختلف و دوایر تفتیش عقاید و گشتی‌های متعدد و دستگاه سرکوب دانشگاهی و روستائی رژیم را در مجموع در نظر بگیریم، موضوع نتیجه خواهد شد که نسبت فوق‌مبالغه‌نادرست نیست. از این حقیقت گماکان این نتایج بدست می‌آید که:

اولاً - جنگ در خدمت سرکوب و اختناق و سرپوش آن محسوب می‌شود. ثانیاً - جنگ اصلی خمینی با مقاومت ایران و نیز با مجاهدین خلق ایران بوده و می‌باشد. ثالثاً - خمینی نه فقط در جنگ خارجی بلکه در جنگ داخلی با مقاومت خلق نیز در بن‌بست بسر می‌برد و

خمینی، که صرفنظر از قدرت‌های جهانی، اسرائیل و سوریه و کره‌ی جنوبی و کره‌ی شمالی و لیبی و آفریقای جنوبی و برخی کشورهای آمریکای لاتین را بطور همزمان در برمی‌گرفت، بخوبی مبین حقیقتی است که فوقاً عرض شد. بعبارت روشن‌تر در حالیکه ما می‌گوئیم "نه شاه و نه خمینی"؛ برخی را در این جهان عقیده براینست که برای ایران "یا شاه یا خمینی" و اگر هم هیچکدام از این دو در دسترس نباشند، ملغمه‌ای از این دو که خلاصه بتواند قبل از هر چیز، خطر یک آلترناتیو انقلابی - دمکراتیک را منتفی و هویت آنرا تخطئه نموده و از روی جسد او عبور کند.

از اینجاست که صنعت "آلترناتیو سازی مصنوعی" سرچشمه می‌گیرد که البته همچون "قالب یخ مصنوعی" در برابر حرارت شعله و آفتاب ذوب می‌شود.

ضمن یکسال گذشته، چندین بار این صنعت - بدون اینکه کمترین پشتوانه‌ی عملی در داخل کشور داشته باشد - در خارجه، آزمایش شد تا شاید با تخطئه‌ی تنها آلترناتیو دمکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت و علی‌الخصوص سازمان مجاهدین خلق ایران به جایی برسد. عجیباً که در روز روشن، به آرایش فاشیسم سلطنت‌طلبانه در زورق باصطلاح دمکراتیک می‌پردازند و هیچکس نیز از این مدعیان کذائی دمکراسی، دم نمی‌زد. جرثومه‌های وابستگی را در قالب ملی‌گرایانده جانی زدند و باز هم از آن همه، یک تن دم نمی‌زد. ظاهراً برخی حواس‌ها - چه از راست و چه از باصطلاح چپ - آنقدر جمع عیوب مجاهدین و نگاهبانی از پرچم باصطلاح دمکراسی در قبال مجاهدین بود!! که فرصت توجه به جانب دیگر نداشت. گویانکه همه به‌عیان می‌دیدند که بیش از هرکس و پیش از هرکس دیگر، این مجاهدین بوده و هستند که باخطر آزادی، سیل آسا خون‌نثار می‌کنند.

اما خوشبختانه باز هم مجاهدین سکوت را جایز نشموده و وارد میدان شدند و همچنانکه از خمینی و دیگر شرکای جبهه‌ی متحد ارتجاع می‌پرسیدند: "کدام اسلام؟"، "کدام مبارزه‌ی ضدامپریالیستی؟" و "چه نوع مستضعف - گرائی؟"، اینبار نیز پرسیدند: "کدام آزادی و چه نوع ملی‌گرائی؟" مقاومت یکساله‌ی گذشته‌ی ما در برابر آزادیخواهی دروغین و ملی‌گرائی پوشالی نیز در شمار ارزشمندترین و بیادماندنی‌ترین دستاوردهای انقلابی و دمکراتیک است. در این رابطه باید از نشریه‌ی "مجاهد" و مسئولان و هیات تحریریه و همه‌ی خواهران و برادران دست‌اندرکار آن به‌تاکید تقدیر نمود.

هم‌میهنان،
گاه می‌گویند که خمینی نزدیک به نیم میلیون قوای مسلح در جبهه‌ی جنگ با عراق وارد کرده است. این آمار و ارقام، مطلقاً صحت ندارد و از سلماس تا آبادان مجموعه‌ی قوای موجود اعم از ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری حتی به ۴۰٪ آن نیز نمی‌رسد. یعنی از شمال آذربایجان تا منتهی‌الیه جنوب‌غربی که ضمناً قوای مستقر در کردستان را نیز در برمی‌گیرد، بیش از یکصد و نود و شش هزار را نتوانسته است تا این تاریخ به جبهه‌های جنگ با عراق ببرد. همچنین می‌دانیم درصد عظیمی از پرسنل ارتش و ژاندارمری، بالا جبار به جبهه‌ها و یا به کردستان اعزام شده‌اند.

بر اساس مجموعه‌ی گزارشات و اطلاعات، آنچه اجمالاً در همین جا نیز بایستی بر آن تاکید کنم اینست که در رابطه با مبانی "ارتباطی" و "تشکیلاتی" و "نظامی" و "تاکتیکی" و "تکنیکی" مقاومت مسلحانه‌ی سراسری که بایستی در چشم‌انداز تدارک قیام رهائیبخش عمومی به سرنگونی دشمن ضدبشری، راه ببرد؛ اکنون نسبت به سال گذشته در موقعیت جدّاً مستحکم‌تری می‌باشیم. اگر چه کار جمع‌بندی سالیانه هنوز به پایان قطعی خود نرسیده است، اما فرماندهی سیاسی - نظامی مقاومت، پیشرفت یکساله در مبانی و زیرساخت‌های فوق‌را حائز یک "جهد" بسیار امیدوارکننده توصیف می‌کند. جهشی که البته به بهای رنج و مرارت‌های بسیار و کار غول‌آسا و شبانه‌روزی برادران و خواهران ما در بخش‌های مختلف حاصل شده است.

هم‌میهنان،
خلق قهرمان و مجاهد پرور ایران؛
ملتی که فرزندان این چنین شکنجه و تیرباران را بر خفت تسلیم، ترجیح می‌دهند؛ برآستی شایسته‌ی پیروزی و درخور آزادی و بهرروزی است. حوادث و تحولاتی که در این مدت کوتاه در میهن ما اتفاق افتاده است، با آنچنان شدت و حدت و عمقی واقع شده که در بسیاری از کشورهای نظیر ما، مثال ندارد. شاید مبالغه نباشد اگر بگوئیم که آنچه در این چند سال به ملت ایران رسیده، علی‌المعمول درد و رنج فشرده‌ی سالیان دراز است. تقریباً هیچ کجا نیست که خونین و سرخ‌فام نشده باشد و هیچ کجا نیست که در آن، غم فراق یا آوارگی یا از دست دادن عزیزی وجود نداشته باشد. اما این تنها یک روی سکه‌ی میهن شاهزده و خمینی‌گزیده است. روی دیگر، با آسمانی پر ستاره و عطر مقاومت خلقی تصویر می‌شود که مقهور این چنین قدرت‌های جبار نشده و می‌خواهد سرنوشتی را که اکنون در این کشاکش عظیم، شایسته‌ی بدست گرفتنش گردیده است، رأساً بدست بگیرد و حاکمیت ملی و مردمی خود را اعمال نماید. پس در پیروزمندی انقلاب نوین و رهائیبخش خود، تردید نکنید و با هر آنچه در توان دارید، به کمک بشتابید.

رود خروشان خون شهدا ضامن پیروزی محتوم خلق ماست
مرگ بر خمینی - مرگ بر امپریالیسم
زنده‌باد صلح و آزادی
با درود به همه‌ی شهدا و زندانیان سیاسی
مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران
۲۷/خرداد/۶۳

برای تحقق صلح و آزادی همه‌ی سلاح‌ها را بجانب رژیم ضدبشری خمینی نشانه‌ی رویم!

پاسخ به نامه‌های رسیده

که از کوشش‌های بی‌دریغ خواهران و برادرانی که با احساس مسئولیت انقلابی و درک ارزش پخش و فروش نشریه، علاقمندان به وظایف خود عمل می‌کنند اشاره کرده و ضمن قدردانی از زحمات بی‌دریغشان برای آنها آرزوی موفقیت کنیم.

نامه‌ای که در زیر می‌خوانید قسمت‌هایی از نامه‌ی برادرمان "عبدالله" است از دانمارک، که خود به اندازه‌ی کافی گویا می‌باشد. ضمن تشکر از "عبدالله" به ایشان متذکر می‌شویم که سایر نامه‌هایشان نیز رسیده است و درصدد اقدام لازم هستیم.

"در مورخه‌ی ۱۴/۱۴ خرداد ماه که نشریه‌ی شماره‌ی ۲۰۴ مجاهد بدست ما رسیده بود طبق معمول کمبود داشتیم از طرفی هم بچه‌ها همه تمایل داشتند حداقل نشریه را برای خودشان نگهدارند و طیف پیرامون ما هم عموماً سمپاتیک بود و آمادگی مصرف جمعی نشریه را نداشتند. با توجه به شرایط می‌بایست آنها را از بقیه در صفحه‌ی ۳۸

خواهران و برادران عزیز، گاهی پخش و توزیع "مجاهد" در خارج از کشور، به علت پراکندگی خوانندگان "مجاهد" در کشورهای مختلف و نیز بدلیل مشکلات متعدد ارتباطی، با اشکالاتی مواجه می‌شود. در همین رابطه بعضاً نامه‌هایی از خوانندگان خود دریافت می‌کنیم که طی آنها از ما گله کرده‌اند که "مجاهد" یا اصلاً بدستشان نرسیده، یا دیر رسیده و یا کم رسیده است. مثلاً چندی پیش نامه‌ای گلایه‌آمیزی از برادری بنام "م.ع.ش" در امارات متحده داشتیم که نوشته بود: "با وجود آنکه "مجاهد" را آئونه است تاکنون فقط یک شماره‌ی آن بدستش رسیده است. در حالیکه کلیه‌ی شماره‌های نشریه‌ی مجاهد برای این برادر ارسال شده است و ما نمی‌دانیم که در این میان چه اتفاقی افتاده که "مجاهد" بدست ایشان نرسیده است. بهر حال مشکلات فوق وجود دارند. و ما هم سعی کرده و خواهیم کرد با این مشکل برخورد کنیم. در همین جا لازم است

اخبار کوتاه

- * اخبار و احدهای عملیاتی به نقل از اطلاعیه ستاد عملیات مجاهدین خلق
- * موج‌عدم‌های وحشیانه توسط رژیم ضدبشری خمینی
- * گشتی‌های سرکوبگر جدید
- * "میکروپ‌های سیاسی" به جبهه‌های سزایت کرد
- * "موشک‌های غیبی!"
- * اعتصاب و اعتراض کارگران کارخانه "چوب و کاغذ" ساری
- * واردات سرسام آور به بهای حراج بی‌رویه نفت
- * اخراج دستجمعی کارمندان در شهرکرد در صفحه‌ی ۶

به یاد فرخی یزدی
سرود خوان
آزادی و انقلاب

در صفحه‌ی ۳۰

شرکت نماینده شورای ملی مقاومت در مراسم تشییع جنازه برلینگوئر دبیرکل فقید حزب کمونیست ایتالیا

مستول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی نیز تلگرام تسلیتی مخابره شد. متعاقباً در روز ۲۳ خرداد مراسم تشییع جنازه‌ی دبیرکل فقید حزب کمونیست ایتالیا با شرکت بیش از ۱/۵ میلیون نفر از مردم ایتالیا و با حضور بیش از ۶۰ هیئت نمایندگی از کشورهای مختلف جهان در رم برگزار شد. در این مراسم رئیس جمهور ایتالیا، نخست‌وزیر و هیئت دولت، رهبران دیگر احزاب ایتالیا، سندیکاهای کارگری، شخصیت‌ها، هنرمندان و روشنفکران این کشور حضور داشتند و نخست‌وزیر چین، معاون دبیرکل حزب کمونیست و رئیس جمهور اتحاد شوروی و یاسر عرفات در شمار مهمترین چهره‌های بین‌المللی شرکت کننده بچشم می‌خوردند.

از سوی شورای ملی مقاومت، آقای رضا اولیاء در مراسم تشییع جنازه‌ی فقید برلینگوئر شرکت کرد. وی روز بقیه در صفحه‌ی ۳۷

هفته‌ی گذشته روز دوشنبه ۱۱ ژوئن برابر با ۲۱/۳ خرداد/۶۳ آقای انریکو برلینگوئر دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا درگذشت. وی در روز پنجشنبه ۷ ژوئن (۱۷ خرداد) در حالیکه مشغول سخنرانی بود، دچار عارضه‌ی سکتی مغزی شد و تلاش چهار روزه‌ی پزشکان برای نجات جان وی به نتیجه نرسید و سرانجام روز دوشنبه در پلی‌کلینیک شهر پادوا جان خود را از دست داد.

انتشار خبر سکتی مغزی و سپس درگذشت دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا که بزرگترین حزب کمونیست اروپای غربی و حائز ۳/۳۳٪ آرا، مردم ایتالیا است، سرعت در سراسر جهان انعکاس یافت و در پی آن پیامهای همدردی از سوی بسیاری از رهبران دولت‌ها، احزاب و جنبش‌های آزادیبخش جهان به رهبری حزب کمونیست ایتالیا ارسال گردید. براساس اطلاع دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت، در این رابطه از سوی

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان
BM BOX 9090
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

اتریش
Pf: 6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان
Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه
B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مگاتبه کنید:

فرانسه
B.P.18 95430
AUVERS-SUR-OISE
FRANCE

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code guichet 03002

در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم‌میهنان!
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آئونه‌شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ آگانه‌ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه
A.E.M B.P49
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: _____
Prénom: _____
Adresse: _____

بهای اشتراک:

سه ماهه
 شش ماهه
 یکساله

معادل ۱۲ دلار
۲۳ دلار
۴۴ دلار

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم احتیاق و تدارک قیام‌رہانی بخش عمومی